

اسم الله الرحمن الرحيم

### توضیح:

از صفحه ۲۹۹۷ نمر: ۴۵۸ به بعد با احتساب یک صفحه سفید نمر: ۱ صفحات روزنامه آورده شده است. بطور مثال در پایین صفحه نمر: ۴۵۸ نمر: ۱ صفحات روزنامه سفید قید شده در صورتی که مثال چاپ شده فقط صفحه می باشد. برای سفید چوبی در مصرف کاغذ از چاپ یک صفحه سفید اضافی خودداری شده است.

يَا اسْتِرَّ الْعَالِبُ



روزنامه اخبار و گزارشات

# روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد چهارم

شماره‌های ۳۷۵ - ۴۷۱

«بانضمام نمایه‌ها»

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

با همکاری

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

تهران

۱۳۷۳

www.tabarestan.info  
تبرستان

نام کتاب: روزنامه وقایع اتفاقیه (بانضمام نمایه ها)  
نهیبه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه  
(تهران، خیابان انقلاب اسلامی، نبش فلسطین، شماره ۱۱۸۸، ساختمان بنیاد فجر،  
طبقه سوم، کدپستی ۱۷۱۵-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۴۶۲۰۴۰؛ فاکس: ۶۴۶۹۸۵۶)

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

لیتوگرافی: تصویر

چاپخانه: اکباتان

صحافی: مهرداد

تاریخ انتشار: ۱۳۷۴

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

## باسمه تعالی

### پیشگفتار

واژه «روزنامه» از دیرباز در ایران به کار می‌رفته است و عمدتاً حاوی بیان وقایع مهم دربار پادشاهان و شرح زندگانی وزرا و بزرگان بوده است. در دوره قاجاریه در معنی واژه روزنامه تغییری پدید آمد، چنانکه به گزارشهای وقایع‌نگاران دولتی که از شهرستانها اخبار جاری را به دولت مرکزی می‌نوشتند نیز روزنامه گفته می‌شد. روزنامه پیوسته خبرهای کوتاه و مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان را سریعتر از کتاب در اختیار می‌گذاشتند و به همین دلیل چاپ و نشر روزنامه در میان مردم با استقبال روبه‌رو بوده است.

امروزه روزنامه‌های قدیمی همپای سایر اسناد رسمی (دولتی) از جمله منابع مهم تحقیق به شمار می‌روند، و از نظر وقوف بر مسائل گذشته جهان منبع عمده‌ای در زمینه تحقیق در تاریخ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری و خبری ملتها محسوب می‌شوند، و با مطالعه و بررسی یک نشریه در طول دوره انتشار آن می‌توان تصویری نسبتاً گویا و روشن از نگرش ناظر بر جریانها، حوادث و تحولات آن دوره به دست آورد. از این رو کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از چندی پیش درصدد احیای روزنامه‌های قدیمی برآمد و تاکنون چند عنوان از این مجموعه را منتشر کرده است.

ویژگی مجموعه حاضر در درجه اول کامل بودن دوره آن است. اما اسلوب نگارش آن نیز از نظر سادگی و روانی در خور توجه است. از نظر محتوا نیز حاوی اطلاعاتی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در باره ایران و غالب کشورهای آن زمان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بر آن شد که با همکاری مرکز مطالعات و

تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه کامل روزنامه وقایع  
اتفاقیه را در چهار مجلد (۴۷۱ شماره بانضمام نمایه) به نشانه مشارکت در تحول  
عظیمی که از برکت انقلاب به دست آمده است، به جامعه اسلامی تقدیم دارد.

در پایان به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از جناب آقای  
دکتر خُرُمی که مجموعه نفیس خود را در تکمیل مجموعه در اختیار کتابخانه قرار  
داده‌اند، از جناب آقای حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که  
مجموعه کتابخانه مجلس را برای جبران کسری در اختیار ما گذاشته‌اند، و جناب  
آقای دکتر رضوانی که مسئولیت تهیه مقدمه را به عهده گرفته‌اند و نیز از دیگر  
عزیزان: جناب آقای دکتر نوانی، آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای کامران فانی،  
آقای محمدحسن رجیبی، آقای فرید قاسمی و خانم شهلا بابازاده که در تهیه این  
مجموعه کتابخانه را یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنیم و توفیق آنان را در راه خدمت به  
فرهنگ غنی ایران اسلامی از خداوند بزرگ خواستاریم.

زحمت اصلی گردآوری این مجموعه را آقای عنایت ا... رحمانی برعهده  
داشته‌اند و با دقت و پشتکار قابل تحسین شماره‌هایی که در مجموعه کتابخانه ملی  
موجود نبوده از گوشه و کنار فراهم آورده و کوشیده‌اند تا آنچه در اختیار  
علاقه‌مندان قرار می‌گیرد از جامعیت برخوردار باشد. زحمات ارزنده ایشان شایسته  
قدردانی و امتنان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

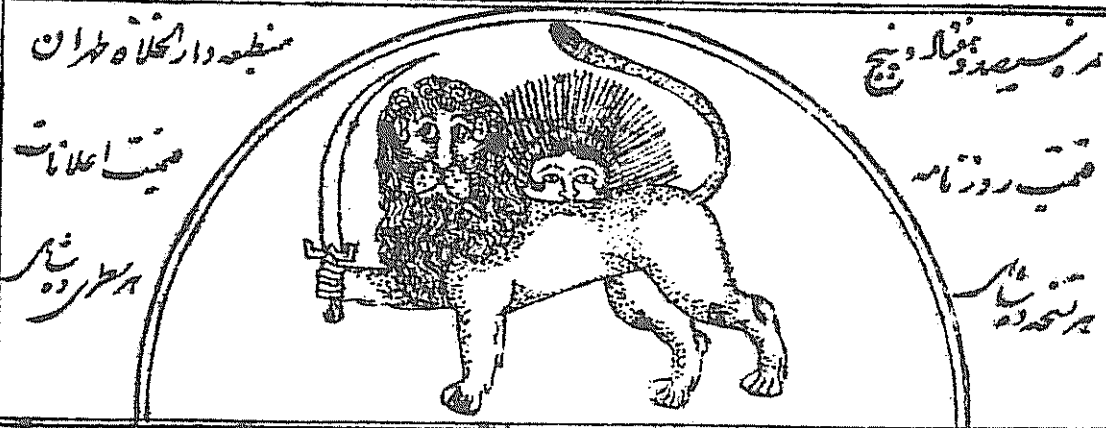
www.tabarestan.info  
تبرستان

جلد چهارم  
شماره‌های ۳۷۵ - ۴۷۱  
«بانضمام نمایه‌ها»

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)  
تبرستان



روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه دهم شهریور سنه ۱۳۰۴



### اخبار و خنده ها که رسیده است به پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

سرکار اعظمیت اقدس هایدون شاهنشاهی ابدالعینه نظر بظهور کمال اشفاق و رحمت خاطر بنیاد اشراق  
 و رحمت جناب اشرف امجد ارفع صدارت عظمی و کلمات کبری در روز شنبه ۱۱ شهریور سنه ۱۳۰۴ عظیم نجار شهر  
 ایشان تشریف فرما گردیده از جانب جناب معظّم و جناب جلالت آت نظام الملک لوازم قربانی  
 و پیشکش و بپای انداز لعل آمده و از سایر متعلقان و دوستان بجان ایشان نیز لوازم خدمتگذاری و صدقه  
 شکاری تقدیم شده و موهبات اسباب آسودگی و تفریح و تزیینات بسیار گران قیمت بپای آمده  
 چهار رادر انجام گرفت فرمودند و بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته تا بهنگام عصر ده آنجا تشریف  
 داشتند و تقدیمات طوکاز مبدول فرموده بعد از صرف عصرانه و جای بارگ مبارک سلطانی و تفریح  
 سعادت عظمی مراجعت فرمودند (چون در این اوقات که اوایل بهار و فصل سکوفه انجارات  
 باغ قصر قاجار کمال خضرت و خرمی و صفارادار و لهند خاطر اقدس هایدون شاهنشاهی مایل تفریح  
 و تماشای باغ فروردگر دیده در روز دو و سه تشریف فرمای عمارت قصر قاجار کرده اند جناب  
 مستطاب اشرف امجد ارفع صدر عظمی و بعضی از مقربان و خواص خدمت و چشم در مویک هایدون  
 رفند و بجهت صفاد خرمی باغ فروردگر درین اوقات فصل خوبی آنجا و بعد و بت ماه و لطافت هوا و  
 سکوفه انجارات و سبزی جو بسیار موصوف و ممتاز است حذر روز به آنجا توقف و تفریح خواهند فرمودند  
 (چون بعد از تفریح منبج و از خطیر و رگرت لشکر مقربت انجارات و تفریح الوزراء اسلام میرزا و  
 در نزد لشکر عکرنی که برای تفریح در آنجا تشریف فرمایند شروع باغ آن حبله از لاندس الاعلی شده بود

۲۵۱۱

با تمام رسیده و این روزها یک دست عمارت عالی شستل به اطرافهای تختانی و فوقانی و خلوت در پهلوی اطراف  
 نظام شرف میدان ارک ساخته شده قرین تمام کردید لهند در روز یکشنبه نوزدهم در ساعت سید در عمارت  
 مزبور به توسط مقرب انخاقان حاجب الله و له مشرب و شیرینی و مرکبات و میوه چیده شده و از  
 جانب شیخ ابوالحسن اقدس هاون اعلی حضرت اقدس العالیون شایسته ای تله الله علیه و سلم طمانه محض حضرت  
 و توجهات طوکانه و دو مجسمه شیرینی رحمت و عنایت مشرب انخاقان سید لوزرا العظام معزنی الیه در  
 معینت با طاق مخصوص در بخانه خودشان با جمعی از مختارین چاکران در باری از شاهزادگان عظام  
 امرای کرام و غیر هم رفته شروع برسدن امور لشکری نموده چند طرا از برواه و احکام را بطریق  
 بحکم اولیای دولت علیه معترف شده بود و بنیامه هرگز در جناب جلالت تا آب شرف مجد ارفع صدر اعظم  
 انجم و جناب جلالت آب نظام الملک و جمعی از اعز شاهزادگان و اعیان دولت در خدمت بود  
 جناب هدایت عظمی رفته تهنت گفته و تمامی لشکریان با مقرب انخاقان این لشکر و همچنین صاحبان  
 مناصب نظامیه حاضر شده رسم مبارک با عمل آورده و مجلس بکمال صفاء و خوبی گذشت (چون نظام  
 منازل خزان شریفین عبات عالیان در روز دوشنبه ششم است اندر این ایام کسین نامه اغلب فریب نماند و بود این که در روز  
 انزال برای روز شرفه دین و قرین برین اعلی حضرت میبود از آنجا که جناب جلالت بنا بر انصاف اهل شرفه مجد صدر اعظم انجم و انخاقان  
 رسیده تا بیست و چهاره تا یکصد و بیست که کرام اموال عظامین و خایر در وجه شرفه طلبی با طاق و قیاط و هدیه در آن  
 و از لهند برای حصول دعای دوام دولت روز قرون و یکسانی و این در فاه حال را برین و درین مسکن نوزده هزار تومان و وجه  
 تعمیر با طاق منازل مخصوصه از قرار تفصیل ذیل بدین فرموده) (از منزل بیستون الی خانقاه عرب و هم که خاک دولت علیه ایران است  
 مستطاب شرف و الاحقاد الله و له اعلی مرتزاکران کرمانشاهان و مضافات بیست و نه هزار تومان تقبل نموده که جمیع رباطات عرض  
 راه را تعمیر نموده بخیله بادی و اصلاح در راه و در کمال استحکام و ایضا تمام نمایند) (در رباط ایوان کیف و کوبه و کبدره انحصاره انخاقان  
 حسینخان شریف همون و علیا حاجی جعفرخان عطار با شرف و تمهید شده که در کمال آساز و استحکام تعمیر نمایند) (در منزل صدر آبا  
 که آنهم همین توجه جناب معزنی الیه بخیله عمارت و آبادی در آمده است و منزل میان دست عالیجا رضا قلیخان بسا  
 و مات عرض راه و خیر الحاج حاجی علینقی ناجر که خود نیز مخصوصه طالب آبادی منازل بود و متعهد شده که  
 دو باب رباط در کمال استحکام و مهیما زاهدات کرده است و الله الرحمن مقرب با تمام و انجام برسد  
 (در منزل نزهتانی و کلید رسم عالیجا مقرب انحصاره اعلی مرتضی قلیخان حاکم سبز و در تقبل نمود  
 که دو باب رباط در نهایت خوبی و مناسبت و استحکام احداث کرده با تمام برساند بجهت تاکیدت  
 اگیده با شش ماه منصفه و در رباطات مزبور با تمام برسد

۲۵۱۲

چون نواب مستطاب پزاده و الا بتار عا و الله و له حکم ان کرمان و سرحدات عراقین در آن سال  
بود که از فیض حضور اقدس بون محروم بود درین مدت عالی حمیده و در انتظام امور عری و نوکر آبادی و لای  
و این عموم اعلی و انجام خدمات محوله از دیوان اعلی مشهور و معلوم خاطر و لای دولت قاهره شده بود  
لهذا نواب مغربی الیه را احضار بدارالخلافه فرمودند که هم در سلام عید از فیض تقبیل آستان بوسی بایون کسب  
نماید و هم در ازای خدماتی که درین مدت از نواب مغربی الیه ظاهر گشته طوری مشمول عنایت اعلی بایون  
قاهره شود که موجب نشوق سایر حکام و خدمتگذاران دولت آید بنا علی ذلك مقرب الخاقان میرزا زین  
مستوفی دیوان اعلی که سمت و کاتب در امور نواب مغربی الیه داشت الی قریب عرض سلطان مأمور با  
شد و نواب مغربی الیه در چهارشنبه عرّه وارد شاهزاده عظیم در رانجام عینی از شاهزادگان عظام  
دیدن نمودند و روز پنجشنبه دویم که روز ورود بدارالخلافه بود حسب الامر اعلی و دولت قاهره  
شاهزادگان و مقرب الخاقان ذوالفقار خان پسر بیگ خان اشرف و حاکم قم و ساد و مقرب الخاقان  
عباسقلی خان سیف الملک با یکصد سواره خاصه نظام و مقرب الخاقان مرتضی قلیخان قوللر افاسی  
با یکصد عظام خاصه و مقرب الخاقان میرزا عبدالقدیر خان مستوفی دیوان قضات اعلی مأمور با استقبال  
شدند و بابت ارک و لوازم این امر الی قریب شاهزاده عظیم استقبال نمودند و نواب مغربی الیه را با  
کمال اغراض و احترام وارد دارالخلافه و در حین ورود و در پو اتحانه مبارکه بملاقات جناب اشرف امجد  
ارفع فایز آمده کمال اغراض و اکرام یافتند و در همان ساعت احضار حضور اقدس بایون گشته و از تقبیل  
پیکاه بایون کسب مفاخرت نمودند و اعلی حضرت اقدس بایون شاهنشاهی با انواع تبرکات و نفقه ات  
نواب مغربی الیه را قریب افتخار و امتیاز داشتند و از خدمات و زحماتی که در تنظیم سرحدات  
و انجام اوامر علیه از نواب مغربی الیه بظهور رسیده بود اظهار کمال رضامندی فرمودند و تحقیقاتی که در امر  
سرحدات و عموم نوکر و رعیت بود از نواب مغربی الیه فرموده پس از مخصی از حضور اقدس بایون  
بجارت دولتی جناب اشرف امجد ارفع صدر عظیم که بجهت ایشان معین شده بود رفتند و جناب  
معظم بجهت ظهور از یاد هر اسم خاطر اقدس بایون در باره نواب مغربی الیه چهار روز در لید از ورود  
ایشان تشریف فرما شده اظهار کمال تقدیر نمودند و نواب مغربی الیه مقرب با کمال مفاخرت معاد  
مقر حکومت خود خواند نمود اعلان چند فقره سبب از جمله تشکر و لوله و یک لوله کلوزنی و اجزائی و آلات صوتی  
قدّه بین و چند جوره بلوس نو زنی و کتاب فرانسوی و کتب فارسی و عربی و ظروف چند و براس بایون در روز  
شهر چنان دو ساعت بعد از طلوع آفتاب مراجع میشود که در کمال بزرگی اشیاء بزرگه با همه بزرگواران مسجد حاجی صغری  
دولت بیه انگلیس بخانه ایجا فانی صاحب فارسی رود

۲۵۱۳

### آذربایجان

از فراری که در روزنامه دار السلطنه تبریز نوشته اند امور مملکت آذربایجان از حسن مراقبت نواب  
 مستطاب میرزا محمد خاتم و الا تبار رکن الدوله علیه حکمران مملکت آذربایجان قرین نیت و انتظام  
 و خود بنفس هر روزه در دیوانخانه نشسته بعضی وادارهای و انجام مهمات دیوانی رسیدگی کامل  
 نماید و سایر کارگذاران دیوانی حسب حکم نواب معری ایله بر یک با انجام خدمات و مرجعات  
 محوله بخود اشتغال دارند از جمله مقررت انخاقان میرزا مصطفی قلی پیکار معاملات و محاسبات مملکت  
 آذربایجان همه روزه باستوفیان اولایت در دفترخانه نشسته مشغول تفریح محاسبات و وصول  
 و ایصال بقایای مالیات میشوند و هم چنین مقررت انخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمات خارجه  
 بطریق خود هر روزه در منزل در ب خانه حاضر شده کمال دقت و رسیدگی در امور مملکت بخود  
 و امور شهر و محلات مربوط مقررت انخاقان علیقلی خان بیکر بسکی و کدخدایان در نهایت انتظام و  
 و نه از مراقب و مواظب نظم و امانت شهر و محلات میباشد حکام و مساعین خیر و مملکت آذربایجان  
 تیر احضار بدار السلطنه تبریز شده مشغول پرداختن محاسبات که نشسته و گرفتن دستور العمل سال جدید  
 میشوند و مقررت انخاقان حسین پاشا خان میرنجه که مأمور وصول بقایای مالیات قراجه داغ شده  
 بود خدمت محوله بخود وادار کمال خوبی انجام داده و مراحت نموده است (دیگر نوشته اند که نوبت  
 ساخلو اربیل چون بدت دو سال بود که در سر خدمت بودند در این اوقات عوض آنها تعیین شده  
 با پنج عراده توپ و هوز خانه و استعدا مأمور ساخلوی اربیل شدند که با پنج رقه مأمورین سابق  
 در هض خانه باشند و هم چنین سر باران فوج بهادران نیز بجای سواران و اول سابق اربیل مأمور  
 گردیدند) (فوج چهارم تبریزی بجهت سان دادن در وقتن موجب خود احضار در السلطنه تبریز  
 شده و لشکر نویان عظام سان آنها را دیده و در اطاق نظام مشغول پرداختن مواجب آنها شدند  
 که از مواجب قهرمانیه و امیریه که حسب الامراء یای دولت قاهره احضار در بارهای نفع شده بودند  
 اوقات از اوطان خود علی التوالی به تبریز میسرده و حسب حکم نواب رکن الدوله کارگذاران دیوانی در کمال  
 نیت و تدارک و اتمام کسر آنها هستند که روانه دار الخلافه ما بهر نمایند) (مقررت انخاقان حاجی یوسف خان  
 سرسب که بر حسب مأموریت بجهت نظم فوج ابوالحسنی خود وادار در بارهای نفع لازم تبریز شده بود و وارد انجا  
 حسب حکم نواب مستطاب رکن الدوله تبریز شده که با اتفاق حاجی میرزا نصر الله کزنویس با مأمور فوج خود  
 رسیدگی نموده امور آنها را عظم نماید

۲۵۱۴

### عربستان

از فزونی که در روزنامه عربستان نوشته اند نواب استیلا بنزاده و آقا حشام الله اول حکمران عربستان  
 و عربستان و بروج و بختیاری در خارج و زوقل اردو و دارند و خود هر روز از صبح تا عصر  
 بعضی و در درهای او بر می رسید که می نمایند و نظم کامل در آن صحنه ت و داده اند و عموم مالی اوقاف  
 اسوده خاطر و در حال بد های دوام دولت این اتصال استغال دارند (دیگر نوشته اند که از اسرار  
 احوال کثیر دوسه فقره که سابقا در نتیجه شرارت آنجا سهام الدوله آنها را محبوسا در بار جاندارها  
 فرستاده بود و دو سال بود که آن طرف آب کرخه رفته باز بنای قندی و هرزگی گذاشته اغلب اوقات  
 پیاده خود را از آب گذرانده بد روی شوستر و زوقل رود میگردند و انعام و دوای و غیره مردم  
 بد روی می بروند در این اوقات که نواب حشام الدوله بان صفحات رفته در زوقل از کس آنها  
 چند نفر را نیز و آنها فرستاد که آنها را انعام اطاعت در آورده دست از سرقت و شرارت بردارند  
 مریور سر از اطاعت باز زده قریب پانزده فرسخ از آب کرخه دورتر رفته در پیشه منزل گردید و جلو  
 خود را آب خفتند و بنای دست اندازی گذاشته چند نفر شتر عبا را با تجارت بردند نواب حشام  
 تنبیه آنها را لازم دانستند پانصد سوار از باجلان بختیاری و غیره مأمور تنبیه آنها نموده و قتل کرد  
 که بپر حشام آن اطراف مطلقا تعرض نرسانند سواره مریور بر حسب مأموریت شبانه روز رانده بر  
 را شتر رسیده آنها را تنبیه نرسانند و معاودت کردند (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان  
 محمد رحیم خان قاجار که میان بختیاری هفت و چهار بود با سینی خانی دسا پر خواجه این هفت و چهار  
 وارد روی و زوقل شده و چند روز است که حسب الحکم نواب حشام الدوله بحساب آنها رسیده  
 مینماید که محاسبه گذشته را که زنده و دستور العمل آینه را گرفته بر سر شغل و کار خود برودند (دیگر  
 دیگر نوشته اند که چون مشاقات اغلب طوایف عربستان در نزدیکی شوستر و زوقل است بطوریکه  
 اغلب ایلات روزگامات و شیر شهر آورده و داده و ستم نموده مراحت می کنند سابقا از جانب  
 و او باش ایلات بعضی تعذبات و هرزگی ظهور می یافت ولی در این اوقات بجهت کمال مراحت  
 نواب حشام الله اوله نهایت اظمت و انتظام در میان ایلات و حشام مریور حاصل است و کما  
 و کوسفند کامیش شهری در صحراگاه اطراف ایلات میچرخد و کسی قدرت دست اندازی و سیر  
 ندارد و بجهت حصول این اظمت عموم مالی آن ولایت نهایت شکر گذاری را دارند و طرق و شوارع  
 در کمال اظمت است

۲۵۱۵

**اجبار دول خارج** که از روزنامه‌های خارج ترجمه شده نوشته شده است  
 از قراریکه در روزنامه‌های پاریس نوشته اند از چهارم ایستی که تصد اعلیحضرت امیرالمؤمنین  
 انداخته بودند بعد از آنکه مفسدین بدست آمدند بجهت آنکه در حبس یکی از مفسدین بود بجهت کشف و  
 مجلس خاص فرانسه آوردند که بهینند چه اجزاد راه بکار برده اند از اجزائی و تنس انصاف شد درجه  
 با و طریقتی را ملاحظه شده بود حتی تا موزی که بدین آن اجزای نامور بود از لذت تاثیر آن  
 بهرجهت اولاکت نزدیک شده بود و یکی ازین مفسدین هم اوستی و در روزنامه که از ایشیای آید  
 بود بتوسط پاریس فرانسه دستگیر شد بجهت افتاد و تحقیق حال او و سایر مفسدین بمجلس خاص  
 دولت فرانسه محول گردید و از یکطرف اسم بجهت کسائی که درین سو قصد عدولت داشته اند  
 اقدام گردید معلوم شده بود که قبل ازین کیفیت در ایتالیا و اسپانیا از جانب اهل فساد بعضی ادرا  
 از جیف کاوند نشر و اعلان شده بود که امیرالمؤمنین را بتیر زده اند و چنین سبادت وقت ایشی  
 بدست نخواهد آمد باید بکارهای خود توجه کنیم و بعضی از این ادراک کاوند بدست پاریس فرانسه  
 افتاده بعد از وقوع این کیفیت معلوم شده بود که این فساد از جانب بعضی مفسدین که در ایتالیا و اسپانیا  
 و بلجیقا و لندن متوطن شده اند بطور امداد است و اوستی و در روزنامه که گرفته بجهت انداخته اند  
 جمله روشای ایشیای بوده ولی خود را با سراسران خود از جمله خدمتگاران پراری نام که در سالن سبک  
 این قضیه وقوع یافت دستگیر شده و ازین مقدمه برای او ذمه نموده بودند که ما خبر نداریم ولی  
 معلوم شد که اینها خدمتگاران بوده اند و در ماده مشروحه از رتبه‌های پراری نام نموده اند لکن همه بجهت  
 و در پیدانموند همدستان آنها کمال حسود و وقت را بطل می‌آورند (دیگر در روزنامه‌های ایتالیا  
 نوشته اند که در گزارش مفسدین که تصد اعلیحضرت امیرالمؤمنین کرده بودند بعد از آنکه گرفتار شدند  
 بیشتر آنها چون از اهل ایتالیا بودند در روزنامه‌های فرانسه آنها را مفسدین ایتالیا نوشته و بهر طرف نشر  
 و اعلان کردند اما اهل ایتالیا این فقره زیاد موثر و دل شکسته شده اند و نوشته اند که شت از آنکه  
 کسی بی سبب بقتل پادشاهی مهاورت نماید اگر در صدد هلاکت یکی از فقرا بی اسم و رسم براید خلافت  
 شیوه پادشاهی و در این ملاحظات عاقلانه است چه جای اینکه کسی قصد کشتن چنین امیرالمؤمنین را  
 نماید که سبب اختلافات و محاسن عظیمه در دولت و ملت بشود و با فرض که این اشخاص معصوم و خود حاصل  
 میکردند آیا خود آنها چه میشدند بجز نسبت دادن این اشخاص بچگون صرف معنای دیگر ملاحظه نمی‌شود  
 صورت مناسب است که قتل اهل ایتالیا بسبب این اشخاص مفسد که دیوانه و از سر و بیگانه اند بدنام شوند

۲۵۱۶

از دولت فرانس در جاده درخواست بشود که این اشخاص بسم ایالیانی مدکار نمایند (دیگر از  
 قرار که در روزنامه برلین پاریس تحت پرستی نوشته اند که ارسش دولت ناپولی که بسبب بعضی  
 نسبت بتبعه خود از جانب دولتین انگلیس و فرانسه تکلیفات باو شده و او قبول کرده و دولتین  
 مخایره با ناپولی نموده و تجمه اجرای تکلیفات خود بعضی مجال سواحل ناپولی کشتیهای جنگی فرستادند  
 این که ارسش حال کمال و نیم است باین سوال آنده است در این اوقات قرال دولت پروستیه  
 اراده توتط و قطع برودت ما بین دول را منظر و استقامت صوری مخصوص از جانب خود بنا  
 ارسال داشته است که مأمورین نور از آنجا بپاریس و لندن نیز رجعت نمودند رفته علی این که در  
 نمایانگر در روزنامه های ناپولی نوشته اند که از شب زلزله که در ناپولی اتفاق افتاد در او انطباع  
 بازر حرکتی شد بدینصفت با صدای و مثبت انگیزه زمین ملاحظه شد ولی بعد زلزله اول تکلیفات ظهور  
 از قرار یک بکرات مشاهده شد است زلزله در زیر زمین دو مرتبه وارد از یکدیگر که زمین را حرکت میدهد  
 و خرابی میرساند بعد از آن سردیگر مانند آب با غالی همانند صدای دشت انگیز کرده بر هوا  
 متصاعد میشود و صیر این در اغلب جاها که ظهور یافته مشاهده گردید بیشتر از صیران سردیگر است  
 و این زلزله نیز که در ناپولی ظهور یافته هر دو سرش در همان ولایت ظاهر گردیده است ولی تجمه  
 کوه سوزنده ناپولی که گاه خاموشی کما مشعل است لظهور که در حالیکه دیگر صیر میرسانده است در آنجا  
 نرسانده است که یا کوه سوزنده نیز بجا می دوش و بخاری این زلزله محسوب میشود که بواسطه او بخار  
 زلزله بکلی در زیر زمین محسوس نموده است که مانند جابای دیگر بآن درجه شدت برهوا بلند شده است  
 (در روزنامه فرانس نوشته اند که از اهل قوسپانیه این گفته است که قصد علیحضرت امپراطور فرانس کرده  
 بودند چند نفر مجدداً از طرف پلین بوقت مأمورین حقیقه دستگیر شده و بعضی اوراق نمبسی بر فساد در  
 آنها بود و حال مقتدا و موخر ایازده نظر از آنها دستگیر شد ماند و محاکمه آنها مختصاً اجری گردیده یعنی از هر یک  
 هر یک سواستحققات شده آنچه معلوم گردیده است این اشخاص باین خود قوسپانیه قرار داده بوده  
 و این قصداً که حالاً بطور رسیده اند اراده داشته اند در وقتی که امپراطور فرانس و امپراطور روس  
 امپراطور استریه در وقت تجموع بملاقات یکدیگر حضور بهم میرسانند از قوه بفعول بیاورنده آنوقت  
 بوجه مجال بدست نیاورده و نوشته بوده اند اقدام باین عمل نمایند) (دیگر از قرار که در روز  
 فرنگستان نوشته در دولت جمهوری رومانی یکی دنیا شخصی مورمون نام کرده ای را به پیروی خود دعوت  
 نموده و دولت رومانی اختیار کرده است باین شرح که ملت عمودی زیاده اند یک تزویج و جراحیم

۲۵۱۷

و تجویز نمی گشته هر کس قدرت تمام باشد هر قدر زن بخواهد بکشد بجایز است این که از شش با بزرگ  
 جنی اشخاص موافق آمد بسیاری متابعتش را اختیار کرده بر سر او جمع شدند حتی از مالک و دولت  
 بعضی از انعیاد بر نمی هم از قهر آنکه هیچ شمش و خمر باز نداشتند و بصرف تزویج آنها قادر بودند  
 با اولاد و خیال خود بدایم و پیروی او در آمد بر سر او جمع شدند و در میان آنها یکی که پنجاه زن گرفته بود  
 ملاحظه شد چون امالی یکی دیناری نشان بر او دادی است این که از شش اسباب خود گذارنده است و  
 برفع آن فکر دندار فقه رفته این مذهب قوی شد و هستند یک حسن صورتی حلقه این ظاهر را بگیرند  
 بعد از ذاکرات مش رالیه را با مناجان او و در یک محلی از یکی دنیا که خالی بود و سنگی دادند چون  
 محل نور فحایت حاصل او بود و هوای سالم داشت در آنکه مدت جانی قابل شده و حجت مبارک  
 روز بروز در روز زیاد نموده مانند یک محفل حکومت گردید بعد جمهوری خوانند آن محل را مانند  
 سایر محال یکی دنیا بدایم طاعت و تحت امر و نهی خود در آورند بعضی تکالیف بکنند آن محل کرده و آنها  
 تکالیف جمهوری را جمع داشته ام منبر سجدال کرده از جانب جمهوری قشون با بنجار فقه و قیامین  
 محارب اتفاق افتاده قشون جمهوری مخطوبه نسبت نمودند و بقدر دولت نشان کاپر گردیدند  
 از خرابی که نوشته اند این معرکه رفته رفته شدت خواهد کرد و در صورتیکه جمهوری نتواند رفع آزار  
 بکنند باید خارج ریا و راجع شوند (در روزنامه روس نوشته اند که در اغلب پسته خانها  
 فرنگستان که عبارت از چاهار خانها باشد بجهت علامت اینکه معلوم شود که اجرت یکاتب پیش داده شده  
 پولی بکل مهر از کاغذ اختراع کرده اند هر کس بختی که کاغذ میفرستد این مهر مخصوص بقدر لزوم خود  
 پیش از وقت خرید و در روزی که پسته روان می شود روی کاغذ خود چسباند به پسته خانه  
 روان می کند و این چسب سهیل امور است که اجرت کاغذ پیش از وقت داده شده و در عرض این مهر  
 گرفته شده در روز پسته روان شدن لازم نمی شود که صاحبان کاغذ برای دادن اجرت پسته  
 خانه حجت نمایند و این قاعده در اغلب پسته خانهای دول فرنگستان معمول است مگر در دولت  
 روس در این اوقات اعلیحضرت امپراطور روس قرار داده اند که این قاعده زاده خانها  
 دولت روس نیز معمول و مجری بداند) (در روزنامه اسلامبول نوشته اند بموجب اخباری که از  
 سحر سیاه آمده است در این میان از شدت بودت بودریای از اوق کلاخ سبته و پیشگاه خود یکتا  
 جزیره مارکسب انجام داده چمن سبته چوقت در آنجا نمانده بوده است مگر از فراتر تاریخ قوم شمش یونان  
 در ایام مخصد و بعد سال قبل این مناسبتی سخت شده بود است بطوری که سحر سیاه کلاخ سبته بود

۲۵۱۸



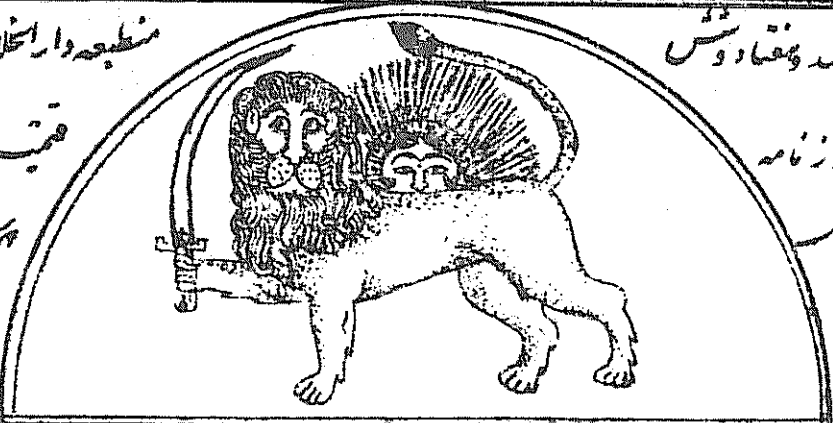
روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم پنجم شعبان مصادف سال یونانی

نزد سید و نقادش

منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه  
هر نسخه شش

قیمت اعلانات  
هر خط سه



### اخبار و احداثه مالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

اعلیحضرت آقاخان شاه یونانی که در قصر قاجار تشریف داشتند در روز دوشنبه ۲۷ بهار محمول  
بر سال از آنجا غربت تفرج و تماشای اسب دوانی فرموده میدان اسب دوانی تشریف فرما گردید  
قبل از ورود حب الامم حرات میدان فرور را رایش داده و چادرهای پوشش متحد نیز برای سفر او مأمورین  
دولت محتاجه زوده و افواج هر نظام در مجرب مرکب یون صف کشیده در اول حرکت از قصر قاجار و وسط راه  
و روز دوم که یون بشارت مزبور شرکت بنورک شده امانی دارالخلافه صغیراً و کبیراً تجمه زیارت و جود  
همایون و تماشای اسب و دانی سراسر اطراف میدان بازدهام تمام نموده و از جانب سنی الجواب لوگانه قضا  
زود و صخره های وجه نقد معمولی گذاشته بودند بعد از ورود مرکب یون بشارت میدان مزبور اسپهائی  
خاصه همایون و اسپهائی یرام و خورین را که دسته بدسته جور کرده و ترتیب داده بودند چاکسواران  
بدین ترتیب شروع تباختن نموده و هر کدام پیش آمدند انعام لوگانه را بقرار تقصیل میل چاکسواران

دوره اول که مسافت دور نمیدانند که نیم فرسخ است چهار دوره دو اند مدتی زوده بودند

اول اسب عربی بندگی دوم اسب کهرسگار اهدای سیم اسب عربی برناق چهارم کوهی از طرف الحاقا پنجم کهرسگار  
مغرب الحاقان من الله تایون پیشکشی نواب خلیفه عین الله تعالی آقا محمد حسن مهر دار دبیر الملک

س ه ه ه ه ه ه

دوره دوم که مسافت دور دو اند مدتی زوده بودند

اول اسب کهرسگار	سیم کهرسگار	چهارم اسب عربی برناق	اسم اسب قزل نوان
عزت علی خان	عزت علی خان	عین الملک	اشرف و الله و لیس

۲۵۱۹

چهارم سیم بیج بیج بیضا

اول	سید	سید	سید	سید	سید
سید	سید	سید	سید	سید	سید
سید	سید	سید	سید	سید	سید

و پس از اختتام سبب دوانی انعام طوکانه ب بر جلوه داران و طران و غیره مبذول افتاد موکب بهایون  
از اینجا حرکت فرموده و بهان ترتیب شیک زنبورک بجل آمده بارک مبارک سلطانی و مشرفت عظمی  
نزول اجلال فرمودند (مقرب الخاقان بیجه الوزرا العظام میرزا علیخان که زیارت قبالت  
رقه و شرفیاب آن اماکن مشرف شده بود در این اوقات معاودت نموده مقرب الخاقان بیجه الوزرا  
وزیر لشکر و امیر الامراء العظام عباسقلی خان سیف الملک و مقرب الخاقان میرزا عبدالمدخان مستوفی  
و میرزا محمد حسین و میر الملک و میرزا پیراهیم خان سهام الملک و محمود خان پسر مؤمن سلطان و وزیر نظام  
یکتعل و دو منزل با استقبال فتند و روز و روز و دو هم جمعی از اعیان و اعاظم چاکران در بارگاه  
و االی و از اختلاف مبارک که لوازم استقبال و توقیر و احترام را بجل آورده روز پنجشنبه بیت و سیم شعبان  
وارد و از اختلاف مبارک که گردید چون ساعت و زود و خوب بود اول بشهر آمده بعد از قدری مکث در عمارت  
خود سوار شده و بقصر قاپار رفته زیارت وجود فایض الحجد بهایون فایز و شرفیاب حضور هر ظهور کرده  
مورد اسحاق و تقدمات خاطر طوکانه شده فصلی از احوالات آن صفحات جویا شده و کمال تقاضات  
برادر باره مقرب الخاقان مشارالیه مبذول داشته از حضور مبارک مرخص گردید (مقرب الخاقان  
محمود خان میر خجسته که مأمور رسیدگی عمل االی نظام آذربایجان بود و حسب احضار اولیای دولت قاهره  
حاضر کباب بضرر تهاب و شرفیاب خاکبای مبارک مرکار اقدس بهایون شائشای گردیده چون  
در مأموریت آذربایجان و توقف آنجا محاسن اتهامات خود را در انجام خدمات مجمله و انظام امور  
الی نظام آذربایجان ظاهر ساخته و مقرب الخاقان مؤمن سلطان و وزیر نظام و پیشکار کل مملکت آذربایجان  
مراتب خدمتگذاری و حسن کفایت ادرا در پیشگاه حضور هر ظهور معروض داشته خدمات او حسن و  
مقبول خاطر اقدس طوکانه افتاده مورد در محبت و عنایت گردیده و کتب کلچه ترجمه کرمانی از طوکانه  
خاص بدین مبارک مقرب الخاقان مشارالیه خلعت رحمت شده و مجدداً مأمور آذربایجان گردید  
که کمانی سابق با انظام امور االی نظام آذربایجان و انجام خدمات موجوده بخود و در وجه بر  
و کفایت خود را پیش از پیش ظاهر سازد

۲۵۲۰

چون در شبهای صیام وقت مساک از اکل و شرب و طلوع صبح بجهت بعضی نامعلوم است و بجهت دیر باز و دوان دادن موذن وقت صحیح غالباً نامعین لهند آنچه سانی که بر هر کس باشد بخمین از غزوة ماه مبارک الی بیت و نهم ماه فروردین بر مسطور ذیل طلوع صبح را مشخص کرده است که در ساعت غروب این ساعات و دقائق بسته مانده وقت طلوع صبح و انداختن توپ است

لیالی	ساعات و دقائق	ل	س	د
شب جمعه	۲	۳۰	۳	۵
شنبه ۲	۲	۳۳	۳	۷
یکشنبه ۳	۲	۳۵	۳	۸
دوشنبه ۴	۲	۳۷	۳	۹
سه شنبه ۵	۲	۴۰	۳	۱۱
چهارشنبه ۶	۲	۴۲	۳	۱۴
پنجشنبه ۷	۲	۴۴	۳	۱۵
جمعه ۸	۲	۴۷	۳	۱۶
شنبه ۹	۲	۴۹	۳	۱۹
یکشنبه ۱۰	۲	۵۱	۳	۲۱
دوشنبه ۱۱	۲	۵۳	۳	۲۴
سه شنبه ۱۲	۲	۵۶	۳	۲۶
چهارشنبه ۱۳	۲	۵۸	۳	۲۹
پنجشنبه ۱۴	۳	۰۰	۳	۲۹
جمعه ۱۵	۳	۰۲		

بقرار سال گذشته مجدداً حسب الامر اولیای دولت علیه پسا کران در باره تایون اعلان میشود درین ماه مبارک صیام مالی نظام از توپچی و سرباز و سواره و غیره که بر روزه در میدان ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغولند از غزوة الی بیت و نهم امشون نمودن محاف و غیره میباشد مگر فر اولان قرا و خانهای ارک و شهر بوقت در سر خدمت بوده و سایر عبادت و غیره مشغول شوند معاین متعلین دارالفنون نیز در این ایام صیام آزاد و مرخص استند سایر نوکر باب

۲۵۲۱

ارستوفیان عظام صاحب منصبان نظام و امنای دیوانخانه مبارک و متعلقان کیشخانه و متبایان و غیر  
شبهای جمعی و دو سینه را از آمدن برب خانه صاف و مریض بیباشند و در سایر ایالی همه یکجا  
بعرب قباب نماند و در درجانه سلطانی حاضر شوند و افطار را در خدمت جناب اشرف ارفع پنجم  
عظم خود خواهند بود و اشخاصی که باید بسلام خاکهای مبارک شرفیاب شوند تا چهار ساعت از شب گذشته  
خواهند بود و بعد از آن اذن مرضی خواهند داشت اشخاصی که در مجلس نظام جناب مستزنی الیه حاضرند الی  
ساعت بطلوع صبح مانده در خدمت جناب مستزنی الیه خواهند بود و پس از آن هر یک بمنزل خود  
خواهند رفت مگر کسانی که جناب مستزنی الیه را با آنها فرمایش مخصوص باشد تا طلوع صبح و هنگام مرضی  
باید باشند و نیز اشخاصی که شهادت در درجانه مبارک حاضر میشوند بجهت اینکه از نوکرهای آنها از دعای  
زیاد شود و عالی و ادانی علی خستلاف المراتب از دو نفر نوکر تا پنج نفر بیشتر نماند و نیستند که همراه خود  
بیاورند (چون در عمل صطبل توپخانه مبارک از بی اتهمای بیشترین توپخانه چنانچه باید حاصل شود لهذا  
از بده بسته پونتیل اولیای دولت علیه عمل صطبل توپخانه مبارک را محمول و مرجوع بجایگاه اصلاحتان  
سرمسک توپخانه مبارک نمودند و احکامات عدیده بعهده حکام ولایات مالک محسوسه از جناب جناب  
اشرف امجد ارفع عظم پنجم صادر شد که نقد غنسی که در بده بسته از باب صطبل بخرج ولایات  
منظور شده است بی اطلاع اصلاحتان صاحب منصب توپخانه دیگری مداخله کند و حکام ولایات بی قصور  
سند اصلاحتان اذن ندارند که دیناری لغو نموده و سپورات صطبل بدیندگر تقبض شار الیه که حاصل  
انرا مقرب الخاقان باین لشکر نوشته و مبر کرده باشد) (در روزنامه منفه گذشته تفصیلی در باب است  
رباطات عرض راه شاهد مشرفه اماکن مقدسه نوشته شده بود که جناب جلالت نائب اشرف امجد پنجم  
عظم اکرم اقدس تعمیر آنها فرموده اند در تحریر کتابتی آن سهوی اتفاق افتاده بود که از آنچه مطلب هدیری  
بچیدگی و ابهام بهم رسانده خارج از سند اتفاق افتاده بود لهذا برای توضیح آن علی الایجاب تکالیفی بنا  
که سرکاری و تعمیر رباطات عرض راه که برای محنت و خجسته اشرف علی ساکنین الف الف تحفه و سایر از  
میتوان الی قصر شیرین بعهده عالیجاه حاج حبیفرخان که از معماران مخصوص جناب عظم است محمول  
و مرجوع فرموده نواب شاهزاده پنجم و الاغداد الدوله العالی میرزا امیر متکفل و ارسسی و دقت و اهتمام در  
تعمیر آنها نمودند که تطیع عرض راه و تعمیر رباط بوجه حسن و بطور حسن باشد و در رباطات عرض راه  
مستند مقدس نیز مبلغ یا زده هزار تومان التفات فرمودند و مباشری رباطات ایوان کیف و کوفه  
بعده عالیجاه مقرب المحضه الخاقانیه حسین خان سرسپه و سایر جمعی کاشی مهار خاصه خودشان و دور با

۲۵۲۲

میانست و صدر آباد را بعهده عالیجاه رضاقلیخان با شتر اندامت و خیر حاج حاجی علی تقی تبار  
 کاشی و دو در با طرغفرانی و کلید در را بعهده عالیجاه مقرب الخاقانیه مصطفی قلیخان حاکم سبزوار  
 مرجوع و محول داشتند که انشاء الله تعالی همگی بزودی تمیر و ساخته شده برای زود و عیال بر  
 از جنه منازل تسهیل بعلل آید (چون مقرب الخاقان میرزا نعیم شکر نویسن شاهی فارس بر این  
 زیارت عتبه علیه خلاف کبری و شرفیابی حضور جناب اشرف امجدی ختم صدارت عظمی بدار الخاقان  
 آمد و بلا و بویا مطهر تشریف داشت هر کس فیروز کوب هایون در قصر شرف اندوزی خاکپای مبارک  
 حاصل ساخته بود در روز سه شنبه در وقتی که جناب اشرف معظم شرفیاب حضور هایون می نمودند  
 محض ظهور التفات خاصه در حق مقرب الخاقان مشارالیه او را با اتفاق خود و کچھو بهایون بردند  
 و از جانب سنی اجواب هایون مراسم ملوکانه بطور شایسته نسبت مقرب الخاقان مشارالیه  
 بعلل آمده کمال محبت و التفات در حق او فرمودند) (از قرار یک از جنم نوشته اند  
 شب عید نوروز یاران شدیدی باریده و سیلی آمده است که با غنمای اطراف رودخانه  
 رنجان را آنچه در چهار و پنج سال قبل این درخت نشانه و دیوار کشیده بودند جمیعاً  
 کرده و یک نفر ساربان مقرب الخاقان عجل علی خان حاکم خمسه را در هزار جریب با یک نفر  
 شتر آب برده شتر بیرون آمده و ساربان را بعد از سه روز مرده یافته اند و در نظر  
 از اهل دینج و دو نفر دیگر در رودخانه سارسلو آب پرده در شهر رنجان هم با غلب خانها  
 و عمارات حتی عمارات دیوانی خرابی بسیار رسیده است و هم چنین از قزوین هم نوشته اند  
 که در رودخانه بیدت سیل جاری شده بطوریکه در بعضی از بلوکات و دهات عبور و مرور  
 مترق دین را مانع آمده است و آب رودخانه بهره رود چنان طغیان نموده که سپاه و هنر را با خود  
 بزرگی و استعداد نزدیک بود حراب نماید ایل ده در عایا خبر شد جمعیت نموده رفته آب را بطور  
 دیگر انداخته تا ده نزدیک خرابی سیل سالم ماند اعلاتان خان مرحوم میرزا ابراهیم شکر  
 معروضت کلمه ای که عمارت خوب و خوب مثل مرپرونی و اندرونی واقع در محله بازار در کمرشهر  
 بگذر لوطی صالح در سه مرحوم والیه میخواستند بفروش برسانند کس خریدار باشد نیز با یکی صاحب  
 فارسی رفت قیمت آنرا با شراکت گفت که نماید هم چنین چند ساعت طلا و نقره نیز  
 در خوشی است هر کس طالب خریداری آن ساعتهایم باشد نیز با یکی صاحب برود و خانه او

مابین مسجد حاجی صفحی و سهارخانه انگلیس

۲۵۲۳

### اجتار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده نوشته میشود

در روزنامه های فرنگستان نوشته اند که در دباغچه پست ما را که آتش میدهند و میرسانند اگر وقت دار باشد در دو سال و اگر پوست بتره و امثال آن با در نه ماه میرسانند و با پنجه فی الحقیقه خواهی دید درین مدت حبس است و اگر این خواه را نفع قرض کرده باشد مبالغی هم نفع پول باید بدد بعضی از یونانیان درین باب تدبیری کرده بودند که در یک ماه پست را آتش داده و زنده بمصرف میردند که خوششان آمد معطل مانند و از سر ما به ضرر نکنند ولی بجهت زود رسیدن پست روغن زنج با و میزدند و این روغن پست را میپزند و در اندک مدت خراب و پاره می شود حال چندست که شخصی اجزای دیگر اختراع کرده و بروغن زنج مخلوط کرده به پست میزند که مانع از پوساندن پست میشود پست قلمت و ارادگیها و پست نازک را در پانزده روز میرسانند که در دوام و کار با آن پست که در دو سال یا نه ماه میرسد هیچگونه نفاوتی ندارد و نتیجه اجرای صنعت خود بدباغچه های نکلیس و فرانس رفته و از آنجا غریب پروتک فرنگستان نموده است که در همه جا صنعت خود را معرفی بدارد (دیگر در روزنامه های یونان نوشته اند که قوال دولت یونان امسال بیست و پنج سال است که بصندلی قرالتی جلوس یافته است چون قزلباشی فرنگستان این است که مدت سلطنتان بیست و پنج سال که رسید اجزای شنگک و شنگک و جشن میمانند قزلباشی نیز غریب اجزای شنگک صنایع تکلیف نموده بود ولی درین بین جشن عیسی شده ازین جشن تا زمان حصول صحت نظر نمود و درین جشن قرار است که برادرش که در نزد قزلباشی و یکیش که قوال بادیه را پیش او پرس او البرنام دارد حضور بهم برسد و از جانب امپراطور استریت خیزال باره و از طرف امپراطور رومیه موسیوس پوسیکین نام باین جشن دعوت شده مأمور از جانب دولت خودشان عازم گردیده اند) (قشون خشکی دولت یونان از فرار یک نوشته اند همه جهت نه فوج پیش از فوج سواره و شش فوج پیاده و از اینها مقصد و چهارده نفر چاوش و ده باشی و پنجاهار و مقصد و نفر آحاد و سه بلوک سوار و ازین سواران است و یک نفر ضابط و سی و نه نفر چاوش و ده باشی و ده شصت و هفت نفر تاپین و عساکر کوچکی نیز چهار بلوک اند است و یک نفر ضابط و چهل و یک نفر چاوش و ده باشی و دولت و شش نفر تاپین و صبیطیه محافظ شهر نیز یک هزار و دولت و پنجاه نفرند که قشون یونان جمیعا با صبیطیه است هزار و صد و پنجاه و یک نفر باشند) (که آتش قصد معین در حق اعلیحضرت امپراطور فرانس که بکرات در روزنامه ها نوشته شده است از فرار یک در روزنامه رسمی لندن نوشته اند اشخاص مرقوم در یک محلی از لندن عقد بکنشورت نموده بودند و بالفعل جمعی از آنها باز

۲۵۲۴

در لندن است بعد از مجلس که از جانب دولت فرانسه شده و معلوم کردید که باقی این معترضین در لندن  
 میباشند در باب تسلیم نمودن آنها به دولت فرانسه از جانب وزیر امور خارجه فرانسه یک تقریر  
 بدولت انگلیس شده و این تقریر باین جناب لاردر پارلمنت <sup>مجلس</sup> صدر است و سایر وکلای دولت مطالعه و تذکره  
 شده بعد از تأمل در مطالب مذکور آن بعضی از اتحادی که ما بین دو مجلس انگلیس و فرانسه است و طایفه  
 ششم حقوق دانی و اتحاد کاری و اینکه بر بر کسی لازم است که مرفوع شود قصد از آنست که علیحضرت امیر  
 فرانسه شخصی نماید قرار دادند که مفیدین فروردین دولت فرانسه تسلیم نمایند بعد از آن این تقریر  
 رسمی بنا باصول موضوعه دولت انگلیس مجلس قلمی نیز القا شده در مجلس قلمی باینطور گفتند که این اشخاص  
 ما دام که در لندن بودند حرکتی خلاف قاعده نکرده اند و این سو قصد را که در باره امیر طور فرانسه داشته اند  
 لندن ظاهر نگردد اند بعد از آنکه بفرانسه رفته اند در اینجا ما فی الضمیر خود را ظاهر نموده اند و باین جهت اشخاص قلمی  
 ما دام که در انگلیس بودند با اطمینان ملاحظه آنها بظرایع غرض شده اجرای سیاست آنها در فرانسه بدولت  
 فرانسه راجع دعایید میشود و در دولت انگلیس هر قدر از اهل جرایم و از اهل هر ولایتی که باشند وقتی که بدولت  
 انگلیس التماس آورند رد نموند آنها خلاف قانون موضوعه دولت انگلیس است و حال اینکه این اشخاص که بعضی  
 در لندن موجودند اگر اراده هم داشته اند از قوه هنوز بعضی نیامده اند و کسرا بجزم ناکرده موأخذ نموده  
 جایز نیست بنا برین در مجلس قلمی این مطلب پذیرفته شده و چون قانون آن دولت است که اگر مطلبی ما بین وکلای  
 دولتی و قلمی مختلف فیه نباشد رجوع با اکثریت مواداران طرفین مینمایند کثرت مواداران در هر طرف بیشتر  
 مطلب انظار پیش میرود و طرف دیگر چه یک منظورشان پیش زرفه از خدمات خود استغفامی کنند و این  
 مسئله چون اکثریت در طرف مجلس قلمی ظاهر شد لکن از جناب لاردر پارلمنت و سایر وکلای دولتی در اول  
 ماه رجب سجدت علیحضرت پادشاه انگلیس رفته از مناصب خود استغفانمودند و پادشاه نیز استغفای  
 آنها را قبول نموده جناب لاردر در بی را که از معارف اعیان مجلس است بجای لاردر پارلمنت منصب صدر  
 منصوب و قلمی سایر وکلای دولت را با تاخت خرابی رالیه محمول داشتند و از قرار روزنامه رسمی لندن  
 که مجتهد نوشته بودند سایر وکلای نیز بصوابه جناب رالیه معین شدند از جمله وزارت امور خارجه بلاردر  
 که سابقاً نیز وزیر امور خارجه بود محمول و کالت لیات بلاردر و سرانلی مرجع گردید و این وکلای جدید  
 منوره را چند روز بتولین انداختند تا اگر ات لازم رانموده بعد از آن رای و قرار خود را در حق معترضین  
 موجوده در لندن مجری دارند (دیگر از قرار روزنامه پارلمنت در پیش تحقیق افعال این اشخاص که قصد  
 علیحضرت امیر طور فرانسه را داشته چنانمانی که درست کرده بوده اند از میان آنها شخصی به ری نام

۲۵۲۵

در انگلیس در کارخانه برین خام نام باسم آلات روشنایی بخار و فعال سنگی درست کرده از آنجا  
 به بلژیک و از بلژیک به موناکو و از آنجا به پاریس رسانده اند بعد از معلوم شدن این مطلب از جناب حکومت  
 فی الحال از صاحب کارخانه که چهارم می فرمود در آنجا ساخته شده بود تحقیق چند عدد و بودن آنها گردیده معلوم شد که  
 زیاد از پنجاه عدد در این چهارم باسم آلات چراغ بخار و فعال سنگی ساخته اند از اینها سه عدد در آن  
 که قصد امیر بطور فرانس را کردند انداخته و یکدانه نیز در نزد یکی از مفتدین بدست آمد که اجزای او را  
 رسیدگی کردند باقی این چهارم را بطور معلوم نیست در کجاست و وکلای دولت فرانس کمال تحقیق و  
 در پیدا کردن چهارم می فرمود دارند (دیگر نوشته اند که اجزای درون آن یکدانه چهارم را که  
 واری کردند آن درجه زور و شدت که در او ملاحظه شد بجهت اینکه بعد از این در اردوهای فرانس  
 متداول باشد و در وقت جنگ بکار برسد از جناب وکیل عربیه دولت فرانس با حقن و تجویز  
 آن اقدام شده است و زور و شدت این چهارم را بان درجه است که از سه دانه که در آتش انداخته بود  
 زیاد از صد و شصت نفر آدم می یازد و حیوان تلف و زخمی شده و بیست و نه نفر از آنها هم که زخمی شده  
 امید صحت می بودی در آنجا است) (در روزنامه شهر روم که پای تحت پاپا پیو امی مذکور است  
 عیونیت نوشته اند که مانند آن مفتدین که قصد امیر بطور فرانس را کردند در روم هم خمی  
 قصد پاپا را کرده بودند و در این اوقات چند نفر از آنها در شهر هاسقوی نام دستگیر شده اند و  
 او اخر کانون ثانی هم نوشته که بنی بر اجزای مافی الضمیر مفتدین بود بدست پلیس که عبارت از  
 صبیطه و کرمه و مستحظ باشد افتاده در بین تحقیق احوال مفتدین معلوم گردیده بود که اینها خیلی  
 اشخاص را در قصد پاپا با خود متفق کرده بوده اند بعد بعضی از آن اشخاص از این اراده نکول و از  
 همراهی مفتدین عدول کرده بودند از آن اشخاص از فرار او فرار خود مفتدین بچاه نفر را بیع پیدا  
 بلاک کرده بودند) (از فرار یک در روزنامه لندن نوشته اند جناب لاردر پارلمنتس که از مض  
 صدارت در این اوقات استخوانود است بکمال عقل و کیاست معروف و تا این اوقات که  
 بیرومن شده است بطیسه و ارای مناصب عالی بوده است از جمله در ایام سلطنت سلطان سلیم خان  
 جناب رابیه وکیل عربیه دولت انگلیس شده و مدت سی و پنج سال بلا انفصال این منصب را  
 تا دوازده سال قبل از این منصب صدارت عظمی رسیده و تا کنون چند دفعه از این منصب  
 یافته و بار منسوب گردیده است

۲۵۲۶



روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه هجرت مبارک بنو نوح

منظومه دار اخلاق طهران

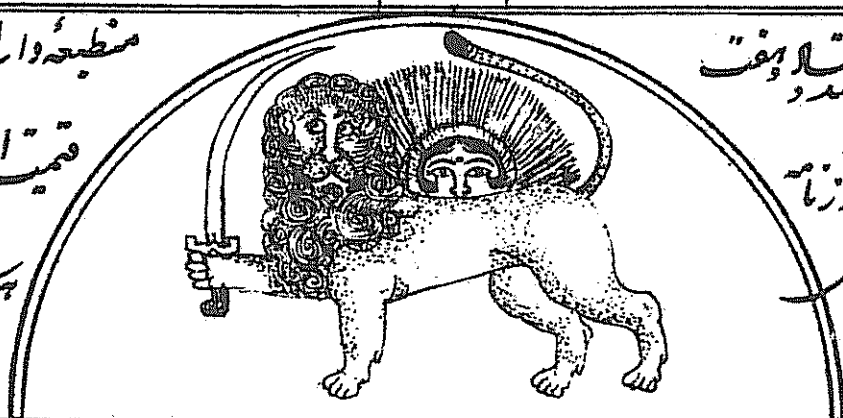
نه سینه یافت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط دره شش

هر خط دره شش



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دار اخلاق طهران

چون توقیر و اکرام و اعزاز و احترام جانب علمای اعلام و مجتهدین ذوی القرب و الاحترام  
 کثرتاً ما شاهدیم سواره اوقات منظور خاطر اقدس تا یون شایسته خلد الله ملک و سلطانه  
 میسما و هر ساله بعد از عید رسم بازدید و اظهار تهنیت طوکانه از آنجا بعمل می  
 آید و روز شنبه بیستم شهر شعبان المعظم بازدید علمای اعلام و قلم الله  
 نصیرم داده است از مسجد سلطانی عبور فرموده بجا نرسد و برادر مرحوم امام جمعه  
 تشریف فرما گردیدند و بعد از آن بجا جناب فضایل آباء علمای العظام آقای شیخ  
 سلمه الله تعالی تشریف برده و بعد از اظهار تهنیت طوکانه در باره هر یک از آنها  
 مبارک مبارک سلطانی معاودت فرمودند و روز چهارشنبه بیست و نهم شهر فروردین  
 دروازه دولت بیرون تشریف برده و از دروازه شیران داخل شهر گردیده  
 ابتدا تشریف فرمای خانیه جناب حقایق و شرایع انتاب عمه العلماء و المجتهدین حاجی شیخ عبدالرحمن  
 سلمه الله تعالی و بعد از آن بجا جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی طایمیر را محمد سلمه الله تعالی  
 و از آنجا بجا جناب آقا محمد پسر مرحوم آقا محمد تشریف برده و توجهات خاطرهای یون  
 باره هر یک بطور شایسته بعمل آمده مبارک مبارک فرمودند و روز پنجشنبه بیست و یکم  
 جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی طایمیر سلمه الله تعالی تشریف برده و از دروازه اکرام وارد  
 جناب محسنی المیرزا آید و درین روز او را احقر بنو نوح علی اعلام حضور داشته

۲۵۲۷

چون نواب نیرازده و الایثار حضرت الله و له حمزه میرزا حکمران بنی اصفهان را علاوه بر اینکه از قواعد  
 رسوم حکمرانی و مردم داری و بزرگ نشی چنانکه در خورشید و مجبول فطرت نواب مغزی الیه است  
 استخصار کافی و خبرتی وافی حاصل است در مهام خطیره لشکر و نظم و در بطماک سحر چه هم که منی  
 قوام و انتظام امور دولت و ملت است بدی طری دارند که کمتر از روشهای لشکر و حکم و ایان کشور  
 این رتبه و مقام خواهد بود و در حقیقت تفویض حکومت نیرازده بایشان که غالباً عبارت از عالی و  
 ترتیب و تجل زراع و فلاحین بوده و پیش از این در بابت امر ملاحظه استایش موقتی نواب مغزی الیه  
 بوده است اولیای دولت علیه لیکن ایشان را زیاده بر این برود و حکمرانی در استظنه اصفهان  
 مقتضی و داعی نه است حسب الامر در اختلا و الباهر اخبارشان نمودند تا بر جمعی اوجب و اتم  
 که من جمیع اجتهات سزاوار ذات کفالت سات نواب مغزی الیه با اشتغال حاصل نمایند  
 امیر الامراء النظام مقرب الخاقان صبی خان والی را که اولویت و برارندگی با اداره مهام مالیه  
 و نگاربری رعیت و سرپرستی رازرین و ارباب ملاحات دارند و جاچینین حکومت بر قاف  
 ایشان دوخته است بکومت اصفهان بر حسب امر سرکار اعلیحضرت اقدس تالیون خلد  
 ملک و سلطان برقرار نمودند که در سرپرستی رعیت و آبادی ولایت محاسن سلوک مردم  
 و ارباب العیال آورد و در مراسم عالی و عمل آوردن مثال دیوانی بر حسب رفق و مدارا و استقامت  
 رعایا و برابری و ترجیح رسوم عدل و انصاف کمال کفالت راطا بر سارند (نواب و  
 نیرازده و الایثار حضرت الله و له حمزه میرزا حکمران در بر مملکت و ولایت که سمیت حکم  
 مضمون شد رعیت و ولایت را از آثار عدل و داد و ایثار صلاح و سداد در اندک  
 فرصتی آسوده و آباد کردند و ولایت عراق که در چند سال گذشته حاکم کافی و کاملند  
 و اتفاقاً حکام آنجا ایاتی تیر بودند و یا متعدی و بد بیواسطه رعایای آن ملک قدری بر ایشان  
 شده بودند کفالت چنین حکمران مردم و اعدالت دشوار در خور و سزاوار بود که در  
 آبادی و ولایت و پرستاری رعیت سعی موفور و قد نامحسور می دارد در رتبه استنه یوت  
 اولیای دولت قاهر حسب الامر نواب مغزی الیه را بکومت آنجا مضمون شد که  
 رعایا و برابری محاسن سلوک و رفتار خود مرفه بحال داشته در آبادی و ولایت عراق  
 استقام کافی مبذول دارند و جبر کسر انهار بحسن کفالت و سلوک خودشان بجل آورند  
 (از آنجا که انتظام ولایات و سرحدات خاک این دولت سواره از اهم منظور است

۲۵۲۸

اولیای دولت قاهره است باید بجهت نیل این منظور و شرفت امور سرحدت حاکم کاروان در  
کافی و درست کاری را بحکومت سرحدت بکارند که حساب و کتاب مطاع و مقبول القول باشد  
و عموم مردم و کارکنان و این بیکان طوعاً و در مقام اطاعت و انقیاد باشند تا مهابت  
لازمه سرحدت بطور شایسته دایر باشد و حیف و میل و نقص و قصوری دارد و نباید نواب ضابطی  
پسر نواب و الاتبار محمد رضا میرزا را که مشایخه کرده کاروان عاقل و قاعده دان است در  
هنه استه یونیت نیل بحکومت فراداغ که از سرحدت معتدنا به این دولت است از جانب حمت  
جوانب هایون آهلس اعلی سرفرازی حاصل کرد که آثار درایت و رویه شناسی در انتظام  
مهام سرحدت و آبادی ولایت و رفاه حال رعیت مبذول دارد (چون مقرب الخاقان میرزا در  
ستونی حاکم قم و ساوه در انتظام امور ولایات ابوجمعی خود و تانین مالک و معابر و غیره  
روضه حضرت معصومه قم علیها و علی آبها الف التحیه و الثناء و سایر تائیه های قسم و ادب  
صدرتیه اتهامات کافیه بعل آورده از عمده خدمات بخوله بخود برآمده بود محض حمت ارجاس  
سنی ابجوانب هایون شایسته خلد الله ملکه و سلطانه باعطای یک قطعه نشان از مرتبه  
میر سیکه با بنظام حامل سرح و سجد که مخصوص همان نشان است سرفراز کردید (چون  
مراتب لیاقت و قابلیت و استعداد عالیجاه محبت و سجدت سمره میرزا ابوالقاسم  
ولد مقرب الخاقان میرزا ذو الفقار خان مستوفی در خاکپای مبارک اعلیحضرت شایسته  
خلد الله ملکه و سلطانه درجه شهود و ظهور یافته بود لهذا بمقتضی جلیل شاه دیوان اعلی سرفراز و قرار  
کردید) (اختیار حکومت خلخال و طراوت از جانب سنی ابجوانب اعلیحضرت استه هایون نشان  
مقرب الخاقان مؤمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و غیر نظام حمت کردیده و از جانب  
عالیجاه محبت و سجدت سمره بنتی الوزر العظام میرزا اسدخان بنیاب حکومت انجام منصوص  
و برقرار کردید و مقرب الخاقان میرزا ششم خان حاکم سابق خلخال چون در انتظام امر ولایت  
و حسن سلوک با رعیت و انجام خدمات دیوانی اتهامات کافیه بعل آورده بود لهذا مقرب الخاقان  
شازلیه نیز بحکومت سراب و کرمد و شقاقی سرفراز کردید آذربایجان  
از فراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور ولایت بحسن مرقب نواب مستطاب شاهزاده  
والاتبار رکن الدوله لعلیه حکمران مملکت آذربایجان و مقامات کافیه سایر کارکنان دیوانی قرینت  
و انتظام است و مالی ولایت در کمال رفاه و آسودگی بدو کونی ذات قدس هایون شایسته الخاقان

۲۵۲۹

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا عباس منشی که چند بیت مکمل امور رانمه شهر تبریز و متوجه تاجیکستان  
 اطفال رانمه است در این اوقات دوازده نفر از اطفال تبریز را که بالنسبه در فرا گرفتن اهنه فارسی و عربی  
 و فرانسوی و حفظ صنایع خطب و اشعار عرب و قوی کامل کرده و ترقی حاصل نموده بودند بجهت توفیق  
 مستطاب رکن الدوله العلیه آورده در مقام تجسسه و امتحان درآمده مورد التفات توفیق  
 معززی الیه شدند از جمله یکی در خواندن خطبه های فارسی و عربی و تحریرات مستحقین و تکمال  
 دقاوت و قابلیت خود را ظاهر کرد و دو نفر دیگر روزنامه و بعضی کتب فرانسوی را ترجمه کرده  
 خوب از عمده برآمده بودند و سه نفر دیگر در تحصیل علوم ادبیه امتیاز خود را از سایرین آشکارا کرده  
 بودند توفیق معززی الیه فراموش نرست و قابلیت هر یک انعام و چه تقدیر با آنها مبذول داشت و یکی  
 توجیه خاطر سرکار قدس بپایون شاهنشاهی و اولیای دولت علیه را در ترتیب عموم رعایا و توجه دولت اید  
 از هر این دولت که باشند حالی و خاطرشان آنها نموده و نهایت کسب کداری و امیدواری اظهار کرده  
 و بعد از دو روز توفیق انجان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمام خارجه و عالیجاه مقرب حضرت انجان  
 میرزا حسین خان توفیق خیرال توفیق بحکم توفیق معززی الیه بکشتی معتمد خانه تبریز و توفیق انجان  
 سایر متعلمین آنجا رفتند قریب ششاد نفر شاگرد تعلیم آمده بود و چهار معلم که یکی تعلیم درین فارسی  
 عربی میکرد و یکی علوم خرد و ریاضی و ارض و اهنه فرانسوی و سایر وی تعلیم میبود و دو نفر دیگر نیز مشفق  
 دادن خطوط ایرانی و فرانسوی آنها مشغول بودند و با آنها نیز بجهت تشویق انعامی از جانب  
 داده شده و عنقریب شاگرد های قابل که بکار خدمت دولت علیه بیایند در معتمد خانه تبریز بخدمت  
 رسید (دیگر نوشته اند که خلف قضاوت که بموجب فرمان مهر لجان بپایون شاهنشاهی بافتی را  
 عالیجاه میرزا مهدی قاضی مرحمت و عنایت شده بود با آنجا بر تو وصول افکنده بعد از تقدیم  
 و احترام عالیجاه معززی الیه الی و اعیان و معارف و اشرف انرا بمنزل خود دعوت کرده  
 مهر طلعت را زیب برود و شاعران و مباحثات خود نموده اهل مجلس زبان با دای میسازند  
 خلعت و تهلیل متصیب و دو ها کونی ذات اقدس بپایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان  
 گویا کرده اند بعد از صرف شیرینی و نهان منبزل خود مرحمت نمودند (دیگر نوشته اند  
 که چون بحکم اولیای دولت علیه مقرر شده بود که مواجب فوج قهرمانیه و فوج سیزده رده  
 شود لهذا توفیق مستطاب رکن الدوله در اطاق نظم نوشته و لشکریان عظام در حضور توفیق معززی  
 مواجب فوج قهرمانیه را بپیر دارند و بعد از اتمام آن مواجب فوج سیزده را خواهند پرداخت

۲۵۳۰

### تزوین

از فرار یک در روز نامه قزوین نوشته اند چند سال قبل که بارندگی زیاد شده و سیل در آن ولایت  
 آمد بجهت خراب بودن شهر بند قزوین از سیل خرابی کلی بشهر وارد آمده بود در این سیل نیز در اوقات  
 بارندگی و طغیان آب رودخانه های قزوین در تشویش بودند و سیل هم شدت کرده بود و خرابی  
 نیز در سبب رسیدن سبب مزید اضطراب مردم شده بود لهذا سه روز بعد از عید جناب عوارف و خانی  
 لصاب شیخ الاسلام قزوین با تفاق عالیجاه نقی خان جمعی از اعیان و کدخدایان و محار و بنا سبب  
 و باز دید خرابی و بر آورد مصارف تعمیرات شهر بند و سه وعیزه بیرون شهر رفته و بدقت  
 همه جا را که خرابی بهم رسیده و تعمیر لازم داشت ملاحظه نمودند از جمله از دروازه میلاوک الی  
 دروازه میدان کوسفند که شهر بند ساخته شده بود آب آمده و همه جا در زیر قلعه جریان داشت و  
 اکثری از برج و بدنه آن سمت را خراب کرده بود و از آن جاها که شهر بند و خاکریز ساخته بود  
 در یک موضع بقدر صد ذرع خرابی بهم رسیده و این موضع همان موضع است که چند سال قبل نیز  
 از آنجا شدت کرده و بشهر خرابی رسانده بود و بنا بجهت قرار دادن که منجلا این دو موضع که عمده خرابی  
 آنجا است ختم شود و بنا و عمل بکار انداختند و سایر خرابیهای بدنه و بروج را هم صورت باز  
 آنها را بعضی اولیای دولت قاهره برسانند هر طور حکم صادر شود از انقرار معمول دارند و هم  
 رودخانه که از میان شهر جریان دارد در چند جا پلهای قدیم آن خراب شده مانع از جریان آب  
 و در بعضی جاها نیز خاک و لای و گل مانا آمده به برخی مواضع شهر خرابی میرسد قرار گذاشتند  
 که چند روز آب رودخانه را از خارج شهر بطرف دیگر رها کرده رودخانه را بزرگتر و جفت انداخته  
 و شیار نموده بعد از آن تطبیح و تنقیح نمایند و خرابیهای پلهای قدیم را برگیرند که آب بیک اندازه  
 از میان شهر جریان داشته باشد و خرابی بشهر نرسد (دیگر نوشته اند که نوآ کامیاب نژاد  
 و الا شاعر عبدالقادر میرزا حکمران قزوین در نظم و اعیت ولایت در رسیدگی بعضی و وادار حایا  
 و انجام مهمات و موجودات دیوانی بنفس مراقبت و رسیدگی بعمل می آورند و عالیجاه نقی خان امور  
 و مهمات ولایتی را حسب حکم نوآب معزی الیه لصلاح و صوابید جناب عوارف لصاب شیخ  
 فیض واده و باستحضار جناب معزی الیه بعضی نوآب براده رسانده حکم از اصدار و مجری  
 میدارد و در باب نظم شهر و کرانه مستحفظ و رفع سرفقت و شرارت کمال مواظبت و اهتمام  
 بعمل می آورد

۲۵۳۱

اخبار دول خارج که از روزنامه‌های خارجه ترجمه شده و نوشته می‌شود  
 از قراریکه در روزنامه‌های فرنگستان نوشته اند سی سال قبل ازین یکی از فقرا که سؤال میکرد در وقتی که  
 هو بسیار سرد بود و احساس هم ناخوش بود و قدرت کردش نداشت بجهت حصول افوات بوی  
 لا علاج ار محلی که ساکن بود بیرون آمده در بعضی دکا کین و خانها که در جوار او بود بنای مگدی گذاشت  
 در مسج جا چیزی بدست او نیامد بجز یک تاجری که از حمله اغنیا بود در آمد و اظهارا فی الضمیر خود نمود  
 تا جرم نور در آن وقت بسبب معتبر بود با دست کردید خدمتکاری که داشت آمد سائل را بزبان ملاطبت بیرون  
 آورده بجهت اینکه سائل دل شکسته نشود خواست یک پول مس که تقریباً صد دینار است باو بدست  
 بجا بخرود کرده پولی ذرا آورده نگاه مکرده سائل داده او را روانه نمود سائل بعد از گذشتن نگاه  
 به پول کرده دید عوض یک پول سیاه یک لیر که دو تومان جنوری بیشتر است باو داده و دست که سها  
 این لیر را باو داده است هیچ تکلفه چون از عسرت و بی پولی و سختی آن روز بسیار متاثر و دگران بود بهایش  
 سرمایه دست از مگدی برداشته پادوست مشغول شد در بدایت حال سینکار که تبا کونی است لاله  
 کرده یکیش را آتش نیز میزد و دیگرش را مانند چوق می کشند و کاغذ و امثال آنها خرید و فروش میکرد  
 تا سرمایه او بچشم نگاه تومان رسید از اینجا متاعی خرید و بولایت دیگر رفته کم کم نفع نموده و سرمایه او زیاد  
 گردیده رفته رفته بنای تجارت را گذاشته و بجات خداوندی بخشش سعادت نموده یکی از اهل  
 و سامان و صاحب خانه و عیال شده تا جری معتبر گردید و در مدت شش سال از آن در وجه فقر و  
 ضرورت باین مرتبه غنا و ثروت رسیده بعد از آنجا بوطن خود معاودت کرده عمارتی خرید و فروش  
 و ظروف و یر لوازم خانه را به جهت فراهم آورده درین بین بکار تحقیق احوال آن نوکر تاجر که باو  
 یک لیر داده بود افتاده با بشارت دید آن شخص همان حالت باز خدمتگاریست و توسعه در امر معاش  
 او بهم نرسیده است بمنزل خود معاودت کرده رفته بان خدمتگاری نوشته و بدست نوکر خود داد  
 نیز داد و فرستاده و او را بضمیافت دعوت نمود نوکر نیز باو را اینکه سابقه باو متصورش نبود و نیز او مید  
 تاجر و این شخصی خدمتگاری و مناسبتی فیما بین نیست ازین دعوت استبعاد نموده به آورنده رفته گفت  
 که شاید این رفته را سهواً بر دهن آورده باشی و منظور آقای تو کسی دیگر بوده باشد آورنده رفته گفت منظور آقای  
 من دعوت است و من شتاب نکرده ام و در بیرون او اصرار نمود آنهم بنا بر اصرار ایشان را لیه از آقای خود  
 اذن کرده دعوت او را اجابت نموده وقتی که داخل عمارت کردید صاحب خانه باستقبال آمد و او را  
 با کمال اغاز و اکرام داخل عمارت نموده و با طاق مهاجانه برد و حیرت و تعجب همان زیاد تر گردید و بسبب

۲۵۳۲

این دعوت و اینهمه اظهار محبت و مهربانی را اسئوال نمود صاحب خانه گفت محبت من نسبت توبی سبب نیست بعد از صرف اکل و شرب خواهم گفت بعد از صرف طعام و شراب بیان نمود که من در بدایت حال بگویی و اسئوال میکند زاندم روزی در شدت سرما و نهایت ضرورت و استیصال بجزیره آقای تو در آمدم و او بمن تنه شده تو مرا حجره بیرون آوردی و از راه جان خواستی بمن یک پول مس بدی سهواً یک لیر اداوی و همان یک لیر اسرما این من شده دست از اسئوال برداشتم و بمجاهد و داد و ستد مشغولی کردم تا حال صاحب ثروت و سامان و عیال و گذران شده ام اینها همه از مایه جان تو دارم بعد از تقریر که از شش و جوی زیاد آورده بان خدمتکار بنیاز نمود و کمال و عذر خواهی را بعمل آورده حال من خدمتکار هم بر فاه آمد (دیگر از قرار روزنامه رسمی فرانسه بعد از وقوع مصایح عمومی فرنگستان بجهت ظهور سائیس کامله دولتهای فرنگستان عساکر زیاد از لزوم دولت خود را با اسم استبدادیه قرار دادند که از سلسله کتیه اخراج نمایند و اغلب جنین امپراطور روس و امپراطور فرانسه نیز بعد از طلاقات آن بیکدیگر را در شهر استود غار در قیطن عساکر خود قرار دادند چون به سال اشخاصی را که در فرانسه با قریه در سلسله قشون می کشیدند عدد و آنها بخصت یا بنقشاد هزار میرسیده امسال از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس مقرر شده بود که بقریب صد هزار کس بکسرتیه در آورند و اینمعنی موجب گفتگوی بعضی اهلای شده بود لکن آنچه هزار ازین صد هزار کس را اعلیحضرت امپراطور در این اوقات از سلسله قشون معفو و مخص فرمودند (دیگر از قرار یک روزنامه بیسی نوشته بود که اندر بدایت فسادات مدتیان در هر محالی که قشون انگلیس با عیان غالب می آمدند بعد از غلبه آن مجال غارت و یغما میشد و بعضی حرکات نالایق بطور میرسید اینمعنی از جانب دولت انگلیس قویاً مانع گردیده نشد و اعلان نمودند که از اهلای اولایات بر کس نخواهد داخل قشون انگلیس شده خدمت نماید باید چشم از غارت و یغما پوشیده بهمان حاله و موجب که از دولت داده می شود اکتفا نمایند بجهت این ممنوعیت اعلی از اهلای اولایات که عادت غارت و یغما داشتند خود را کنار کشیدند و کسی دیگر از روی میل داخل قشون انگلیس نشد باینجه در زمانی این ممنوعیت لغو و موقوف گردید در این اوقات از اهلای افغانستان خیلی اشخاص بهوای غارت و یغما بهندوستان فرستاده اند که داخل قشون انگلیس شده با یا عیان حکم نمایند (دیگر از قرار یک روزنامه وینا رک نوشته اند شهر کوپن هاگن که متصرف حکومت وینا رک است چون اطرافش بوج و بدینه ندارد و از تلویش هجوم دشمن ناگاه با بخا خالی است

۲۵۳۳

لهذا دولت دینارک قرارگذاشته است که باطراف شهر مزبور بدنه و برج کشیده شده و هم  
 عساکر درون ممالک خود را نیز زیاده نماید که ارش باقتضای قانون موضوعه آن دولت از  
 جانب وکلای دولت بجانب مجلس ملتی عرض و بیان شده و درین باب بملاحظه لزوم حتمی و اهمیت  
 از جانب وکلای مجلس ملتی نیز روی موافقت ظاهر گردیده از جانب دولت بجهت از قوه بفعول آوردن  
 آن اقدام گردید و عساکر موجوده دولت مزبور با بصل پانزده هزار گس است و از جانب قرائ دولت  
 مزبور تا پنجاه هزار شدن قشون آن دولت منظور شده است (دیگر در روزنامه ماسیلیا  
 که بجهت جمع و تقسیم نمودن وجه بفقرا و مسکین معتمد در ماسیلیا در این اوقات از انالی انجام  
 هزار نفر همه یک شیات غریبه هر یک مزراقی که عبارت از نیریه کوتاه باشد و دست گرفته و بر  
 سر آن نیز کتبیست و بر حیوانات خود سوار شده بکوتاه شام در کوچه ها بگردش مشغول شده و کینه  
 پیش بچه های بالا خانها که مشرف بکوچه است میکنند و اشخاصی که در آن بالا خانها بودند از  
 بچه ها پول بجهت فقرا بان کسبها می انداختند وقت شام که حساب کردند در یک روز مبلغ شش هزار  
 فرانک که هشت هزار تومان پول این ولایت باشد برای فقرا جمع شده بود) (دیگر از قرار روزنامه  
 فرانسه نوشته اند که در باب علت ایله قبل از آنکه علاجی از برای او پیدا شود بسیار تلفات و  
 می یافت و اطفال و غیره زیاد ازین ناخوشی تلف می شدند تا اینکه از اطباء انگلیس خبر نام طلب  
 حادق رسم کو بیدن ایله را بطوریکه حال آمد اول است ایجاد و احداث نموده بجهت این ایبار  
 خیریه او در حال حیاتش از هر طرف نسبت با و خسیلی نوازش و اکرام بعل آمده و بعد از وفات  
 در بعضی دول فرانکستان بیاد کاری او از سنگ و برنج صورت او را رسم کرده در بعضی  
 مشهوره نگلیس نصب کرده اند چون این کار خیرت را ایله شامل حال کل اهل عالم شده است لهذا در  
 فرانسه نیز فراوان گشته اند که صورت او را بیاد کاری رسم نمایند و بجهت این کار مقرر شده است  
 از هر طفلی که آبله می کو بند تقریباً نیم شاهی پول این ولایت از کفیل او گرفته جمع نمایند و بعد از آنکه وجه  
 معتمد بهی جمع شد از طلا صورت آن شخص را رسم کرده در محلی مناسب بیاد کاری نصب کنند) (دیگر  
 دیگر در روزنامه پومان نوشته اند که مانند زلزله که چند وقت قبل ازین در ناپولی اتفاق افتاد و در مقام  
 رجب نیز در کل یونانستان علی الخصوص در نواحی مغربه و غربی بجا تیشید حرکت ارضی ظهور گرفته حتی در قصبه  
 کرویسی نام با شهرهای لوطراکی و قلعه ماکی جنلی از آبله موجوده منهدم شده و نفوس بسیار در آنجا  
 ازین زلزله تلف گردیده اند

۲۵۳۴



# روزنامه فایع انقائیت ساریج یومیه و هم سحران المبارک مطابین اونیت

نمب سید و هفتاد و هشت

منطقه دارالخلافه طهران

قصب اعلانات

شیر  
پر طرز ده



قیمت روزنامه  
پرنه ده

## اجبار واحده مالک محروسه پادشاهی

### وار الخلافه طهران

در این اوقات که ایام مبارک صیام است عموم مؤمنین و مسلمین در مساجد و محافل پادشاهی  
 مراسم طاعت و عبادت و تلاوت کلام الهی مشغولند و در مسجد بزرگ سلطانی و مسجد  
 جامع و سایر مساجد دیگر هر یک از دحام تمام از کافران و پسران ملت بیضای خرم  
 علیه و علی آله الصلوٰه و السلام الی یوم القیام دست میدهند علمای عظام و فضیلهای فحاح که آینه  
 دین بینین و مروج ملت خنیف حضرت سید المرسلین میباشند در روس با عموم  
 مسلمین را بعبادت و طاعت آفرید کار و بذل صدقات و دستگیری فقر اولی بکمال محبت و  
 وضعا و توجه با مویز خیر و ثواب و تسویق و ترغیب بطریق طلاح و رستگاری می نمایند  
 هر روزه بعد از ادای صلوٰه جماعت در هر مسجدی واعظ و خطیب در مبارکوشش هوش  
 صفوف جماعت و اهل عبادت را بر رمو اعظ و نصایح کرا بنابر ساخته عموم خلق بعد از  
 ادای فریضه و تعقیب صلوٰه بدعای ذات اقدس تعالیون شایسته ای و از دیاد دولت  
 شوکت مصون از تنهای صدابندی نمایند و با اینکه کثرت نفوس در وار الخلافه مبارک کثیر  
 حصول رفاه و همت هر سال ارسال و یک بیشتر است ائمت نظم کامل در شهر و محلات  
 و نهارا حاصل است و کسی قدرت هرزگی و شرارت هیچ قسم ندارد کز مه و قرائت  
 همه جاموانب محافظت و قرائت مستند و عالیجاان کلامه و که خدایان مراقب نظر محلات  
 خود میباشند مردم تا نزد یک سحر و در مساجد و محافل در گردش و بلازم طاعت و عبادت

۲۵۳۵

و ادکار و اوراد و استماع موعظه و احادیث مشخولند هوای دار الخلافه طهران در این اوقات  
 که اوایل شهری ماه صیام است در کمال ملائمت و خوشی است اگر چه یکچند روز بعد از عید  
 نوروز بارندگی شده بود و اراضی بحال استحقاق را بنزول رحمت الهی داشت آنهم در این  
 اوقات از تفضلات حضرت باری تعالی وقوع یافته بکلی دو دفعه بارندگی کامل که مطلوب  
 اهل زراعت و ارم بود شده و بالفعل هوادر نهایت لطافت و خوبی و زمینها سبز و حرم  
 و تاکنون هوای طوری گرم شده است که بروزه داران عطش یا نفاست گراما تاثیر نماید و چنانچه  
 بیچگونه ناخوشی نیز در میان مردم ظهور ندارد (ذوات مستطاب هزاره چشم والا با عباد الله  
 اما معلی میرزا حکمران کرمان که در باره یاقون شاهای شریفان شده بودند در مدت اقامت  
 در دار الخلافه با بهره از جانب سنی الجوانب قدس یون شاهای و اولیای دولت علیه عنایات و تفتان  
 در حق ایشان مندول آمده در این اوقات که اذن حرمی از دربار جهاندار حاصل و محل حکومت خود معاول  
 ظهورند از جانب سنی الجوانب یون بدینوجمله اعقاب شعاع در حق نواب معری الیه و علماء و خوین که  
 که سیر ایشان بودند رحمت گردید

۲۵۳۶

نواب مستطاب عیال و الدوله حبه زینار جناب فضل باب فاجحه نواب محمد رحیم سرراخان فاسد احمد که  
 از طلبات مخصوص مدین مبارک حضرت شریفان حضرت شریفان حضرت شریفان حضرت شریفان  
 کنون ناجدی رحمت شده بعلاده بعلاده حضرت شریفان حضرت شریفان حضرت شریفان حضرت شریفان  
 کل که مشغول باطل سرش است  
 عالیجا میرزا علی اکبر تکرلی عالیجا میرزا احمد خان عالیجا مصطفی قلیخان کله  
 حبه کرمانی زکته حبه کرمانی حبه کرمانی  
 عالیجا میرزا علی اکبر تکرلی عالیجا میرزا احمد خان عالیجا مصطفی قلیخان کله  
 حبه کرمانی زکته حبه کرمانی حبه کرمانی

نواب کامیاب و الا حسن میرزا که همواره اوقات محاسن خود مگذاری این منظور نظر رحمت اراک  
 شاهای کشته و بظهور عنایات ملوکانه و اعطای شعاع مهره از بوسند در روز اسب دوانی نیز که در حدیث  
 مرجوعه بخود مراقبت و اهتمام بعمل آورده بودند در جهت از میدان اسب دوانی کیشوب کلچه ترمه لالی  
 ملبوس بدن مبارک از جانب سنی الجوانب ملوکانه در حضور مهر ظهور نواب معری الیه حضرت شریفان  
 (مقرب الخاقان حاجی قوام الملک که غم زیارت ارض اقدس نموده ویدر بار جهاندارها یون آمده  
 حضور مهر ظهور ملوکانه کردید در این اوقات که حسب اذن و اجازت اولیای دولت علیه روانه  
 کیشوب حبه ترمه کشمیری از جانب سنی الجوانب یون از جامه خانه خاص حبه ترمه فحما مقرب الخاقان  
 شراییه رحمت گردید) چون پناه آقا علی شیخ مست از عهد جمع و خرج تنخواه او ایچمی خود خوب برآمده

عنایت خاطر ملوکانه کشته میگوید کلچر از طبقه سیدن مبارک باد خلعت مرحمت شد (مقرب انخاقان  
 حسنی خان خیرال اجدان خاصه حضور تالیون و سیرت افواج کروسی در غزه شهر رمضان المبارک در فوج انوار  
 حوزة ادرکال استگی و از در انخلا مبارکه کرده و خود شرف اندوز خاک پای مبارک و شرفیاب حضور  
 جناب اشرف ارفع صدر عظیم فخم گردیده مورد تهنیت و تعاتب در روز پوربه مقیم افواج فروردین در میدان  
 ارک مبارکه حاضر کرده سرکار اقدس تالیون شاهنشاهی ایدالکده سبته ملاحظه و تماشای آنها تشریف فرمائی میدان  
 ارک گردید و حالیکه جناب اشرف ارفع صدر عظیمی نیز در حضور ظهور نمودند افواج فروردین صاحب منصبان  
 ملاحظه فرموده چون کمال استگی و ایستند مقرب انخاقان مشارالیه ویر صاحب منصبان مورد تهنیت شده و یکصد  
 پنجاه تومان بسم انعام در حق افواج فروردین مرحمت گردید و همچنین در همان روز یکصد نفر توپچی کروسی با عالیجناب  
 یا توپخانه مبارکه در میدان ارک حاضر شده از نظر مبارک گذشته مورد تحسین شدند و سی تومان نیز انعام در حق  
 آنها مرحمت شد (چون مراتب استگی و سحران حداری لجا مقرب الحصره علیه ابراهیم میرزای عظامت خدمت در خاک پای  
 مبارک علیحضرت شاهنشاهی درجه ظهور و شهود یافته بود لهند ادرین اوقات حکومت ملوک ثلثه او جان و عباس  
 و مهر از و آذربایجان سرفراز گردیده از رکاب مبارک محضی حال نمود که روایت حکومت خود کرد (چون عالیجناب  
 مقرب انخاقان میراحسنی مشی همواره اوقات انجام خدمت محوله خود در مقامات کابله لعل آورده و محاسن منتهی کرداری او  
 در خاک پای مبارک رفیع و سحران یافته بود لهند حکومت ولایت سگین و سون سرفراز گردید و همچنین  
 عالیجناب مقرب انخاقان محضیا خان قاجار که بحکایت و وفور کار دانی و خوش قناری معروف و موصوف بود حکومت  
 ولایت اردبیل و سون منصوب و سرفراز شد (از رویه نظم علی چاپارخانهای خاکسار و مقرب انخاقان  
 حسینخان سیرت و اقدار شده روز بروز بر نظم چاپارخانه دخی و زیادهای اسبان چاپارخانه افزوده و جد و جهد فی لعل  
 آورده هر یک سابقا چاپارخانه روز و پارتیزه روز میرفت و می آید حال عقب روز و شش روز میرود و می آید و توپخانه  
 ولایات مردم بی عیب نقص میرسد و در هر یک از چاپارخانها دوی سابق اسبان قوچاقی بسیار خوب گذشته است  
 از جمله در چاپارخانه طهران چهل و پنج سربس بسیار خوب گذشته است چند روز قبل حسب الامر اشرف ارفع  
 صدر عظیم فخم عالیجناب میرزا رضای کفند و علی پد پشیمت خاصه حوزة افروردین فرموده عدد اسبها در سال و قیمت آنها  
 مشخص کرده صورت نوشته سبب خاستم آورده از نصرت توکان الی بیت و پنج توهان سببیده و چاپارخانها گذشته اند  
 خاطر اقدس تالیون نیز بلاخط اسبان فروردین شد و در هر اسب از میدان اسب دوانی اسبان چاپارخانه را با جلهای کرامانی و  
 در روز سرفارخانه بیرون در دروازه دولت سبب مبارک سنده عالیجناب مشارالیه مورد تحسین و تعاتب گردید چون سبب آنها عالیجناب  
 حسین سیرت شده در چاپارخانها و آرادخان نایب چاپارخانه طهران را معروض خاک پای تالیون شد لهند هر یک یکطاه  
 شال کرامانی خوب خلعت مرحمت گردید

۲۵۳۷

چون توپخانه‌ای که در سینه هاشمیه نیلان نزل در قورخانه مبارک رخت شده بود امتحان کردند  
بودند حسب الامر در روز پنجشنبه که ششمه مقرری الحاقان احمدان باشی و فضان آقای میر  
توپخانه مبارک که توپها را بیرون دروازه دولت برده و بعضی که معمول است در کمال وقت  
امتحان نمودند جمیعاً از امتحان بدون عیب بیرون آمده و نقصی نکردند و بعد از امتحان توپها  
میدان توپخانه آورده در همگامی که سرکار اقدس عالیجناب شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان  
سجانه جناب محمد العصر و الرمانی حاجی ملا علی شریف فرمائید در عبور موکب عالیجناب توپها  
مربور بنظر اقدس ملوکانه رسیده تماشای آنها را فرمودند و از اینکه منکام ریختن توپها  
در وقت کامل شده و در وقت امتحان خوب و بی عیب در آمده بودند عالیجاه میرزا حسین  
قورخانه مبارک که اهتمامات خود را در انجام و اتمام توپهای مرزبور و سایر خدمات و فرمایشات  
قورخانه مبارک مشهود و ملحوظ داشته مورد عنایت و التفات گردید بکوشش و کوشش  
از جانب سنی امیران عالیجناب با و خلعت مرحمت شد از برای بایجان از فرار یک در روز  
تبریز نوشته اند چون هر ساله منکام حرکت ایلات طرق و شوارعی که محل عبور ایلات مرزبور بود  
بجهت هیزگی و دست اندازی ارارزل و او باش ایلات قدری ناامن میشد و عابرین و سرود  
از قوافل و غیره از اینجسی در سگوه و ککایت بودند درین سال نو آب مستطاب هزاره فحم  
و الابرار کن الدوله العلیه حکمران اور با بجان قبل از حرکت ایلات سواره مستحفظ و قراسوع  
بر ایهانی که معبر ایلات بود فرستاده و قدغن اید نمودند که پوسته مشغول محافظت طرق و شوار  
باشند که کسی از ایلات نتواند متعرض قافله و مترو دین بشود و با سودی مردم آمد و رفت نماید  
(دیکر نوشته اند که جوانی آقا محمد علی نام فرزندش که از جمله تجار بود بجهت اینکه نسبت دزدی  
با و داده بودند بغیر نش بکنجد و ترپاک حوزده و خود را پلاک نمود) (دیکر نوشته اند که میرزا  
جدید لسانی تبریز با تمام عالیجاه میرزا عبدالستوفی و ناظم کمرک درین اوقات در کمال  
خوبی و احکام با تمام رسیده و در دویم ماه شعبان ساعت خوب مشخص شده مباشرین میران با  
رقه مترل نمودند و کل تجار داخله و خارج بهار کباب آمد و صرف شربت و شیرینی نمودند و بعد ازین  
بار تجارتی با بجا وارد شد و کمک آن دریافت میشود و کمال نظم درین کار بهم رسیده است) (دیکر  
و از یک در روز نامه اردبیل نوشته اند سیل ریزا و با بجا آمده و قریب هزار خانه منهدم و خراب نموده است  
و از فرار کور این خرابی تنها از سیل نبوده بلکه از چاهها خانها آب در فوران اند جاری گردید و منهدم و خراب  
نمودند)

۲۵۳۸

# فارس

از هزار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور ولایات از کمال مراقبت نواب مستطاب  
شاهزاده والا ببار موید الدوله حکمران مملکت فارس قرین انتظام کامل و رفاه و نهمیت  
از برای الهی انجام حاصل است و الهی و اعیان بید و باز و بدایام عید مشغول بوده اند  
(دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا که مأمور انتظام صحفیات لار بود  
در غزه شهر شعبان المعظم با افواج خونی و قراکوزلو و توپخانه و استعداد وارد خطه لاری  
و الهی لار لوازم استقبال و توقیر و احترام نواب معسری الیه راجع آورده و در کمال سکوه  
و ارباب شایسته قشون در اطراف باغ اردو زدند و نواب معسری الیه در نظام  
ولایت و این طرق و سوارهای در دست گذاشته و مأمورین بهر بلوک و هر  
مشخص کرده روانه نمود و خود در رتبه و تدارک بوده که با جمعیت تعداد بیستگ که  
اسرار معسری الیه ولایت است رفته حال انجام را با صلاح و انتظام بیاوردند) (عالیجاهی  
سرتیپ فوج قراکوزلو و عالیجاه حیدرعلیخان سرمنگ توپخانه که خدایت با سر باز و توپچی  
لاری میباشند درین مدت در کمال نظم و معقولیت و حسن سلوک با الهی انجام رفتار نموده اند  
و الهی انجام کمال رضامندی از خوش رفتاری و نظم آنها اظهار داشته و نواب امیرزاده  
معقولیت و خوش سلوکی آنها را خدمت نواب مستطاب موید الدوله معروض داشته مأمورین  
نواب معسری الیه شدند و هم چنین نواب امیرزاده لطفعلیخان صفیجات بهبهان و کوه  
در کمال انتظام داشته و فوج قشالی مهربانی عالیجاه حیدرعلیخان سرمنگ در یوم ستم شهر  
شعبان وارد بهبهان شده اند و قریب پانصد نفر بوده اند و مقررب انخاقان سلیمانخان  
سیر پنجه قرار بوده است که بعد از رسیدن فوج مرزور از بهبهان حرکت کرده بشیر آباد  
(دیگر نوشته اند که مقررب انخاقان احمدخان دریا بکی و عاکم بندر البوشهر و مضافات  
محال و بلوکات ابوجمعی خود را در کمال انتظام داشته طرق و سوارهای آن صحفیات حسن  
مراقبت مقررب انخاقان مشارالیه در نهایت امانت است و عابرین و مترددین در عین  
عبور و مرور بنمایند و هم چنین عالیجاه خانم خان صهرمنگ فوج اضلاع فوج مرزور را در کمال  
انتظام دارد و همه روزه سواهی ایام تعطیل مشغول مشی میباشند و هم چنین نوچیان متوقف بند  
الو شهر در کمال نظم هستند

۲۵۳۹

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته میشود  
 از هنرمندان همچون فرانسویسولوراند نام شخصی از جمله کواکب ستاره مجدداً یک کوی که پنجاه و یکم  
 کواکب ستاره شمارد در این اوقات پیدا کرده است (در روزنامه جریده اسواش اسلامبول  
 نوشته اند که در ظهور طوفان و بارندگی که در او اخر حجب در اسلامبول اتفاق افتاد در آن روز  
 در بر سه تیر بارندگی و طوفان شدید شده بود حتی از شدت بارندگی که آب اطراف برود  
 گرفته بود آنجا بهیئت یک دریاچه افتاده بود) (دیگر نوشته اند که از کشتیهای بخار نوشته  
 که مابین اسلامبول و طرابزان آمد و رفت مینمایند کشتی چند وقت پیش ازین بعضی کشتیها  
 تجار تی حمل نموده از طرابزان بطرف اسلامبول حرکت کرده بود در اثنای راه در حلقی موسم  
 بد ماغده باریک بکل بسته مشرف غرق شدن کردید از اشنائی که در او حمل بود بقدر سهصد  
 سجه سبکباری کشتی بدریا ریخته کشتی رسبک کرده بیک کشتی تجار دیگر بسته از آنجا  
 حرکت داده بکنار کاه سنبوب کشیدند که در آنجا تعمیر نمایند) (دیگر نوشته اند که این طوفان  
 در دریای سفید بسیار شدت کرده و خرابی رسانده است از جمله کشتی البرنام از مال  
 بلجیقا در وقتی که از منیه با قری آمد از شدت طوفان و تلاطم امواج بسیار خورد غرق  
 و گشته شده ولی امانی آن خود را باطل نجات رسانیده اند) (و نیز در روزنامه جریده نوشته  
 بودند که بموجب خبری که از پاریس پای تخت فرانس رسید در ۱۹ ماه حجب گروهی از  
 ارباب دولت و نجافت لطف و هواداری جمهوری در گوشه و کنار اعلان مفستت میکردند از  
 جانب دولت فرانس مقدار کافی فسون بدفع آنها مأمور گردیده از میان آنها پنجاه نفر دستگیر  
 و این کیفیت سایر مجال فرانس نیز ممرات داشته و نشر شده بوده است از جمله امانی شانون  
 بعضی نوشته ها دی بر اقدام این فتاوات نوشته و در محار و دلواری که چاچمانده و  
 مفدین پس از استحصار سلاح حرب بر خود بسته و بمخالفت دولت مصمم شده بعزم پاریس  
 بر سر راه آهن آمده بودند ضابطان دولتی که پیش از وقت در آنجا مستعد و مهیای دفع فساد بودند  
 جمعیت آنها را ریشان کرده و شانزده نفر هم از آنها دستگیر کرده بودند و هم از روز ماچا  
 پاریس نوشته بودند ازین مفستدین که قصد امیر طور فرانس کرده و چهاره سوی او انداخته  
 بودند اورسینی نام دد و نفر دیگر رفیقان او که در تحقیق احوال و محاکمه آنها جبارت کردن مابین  
 امر خطرناک را بزبان خود اقرار آورده اند بموجب اعلامی که از جانب حکومت فرانس شد بر نقل

۲۵۴۰

۱۲

و یکی که خدمتکار اورسینی نام بود بجهت خدمتکار بودنش از قتل او صرف نظر نمودند ولی برآ  
 حبس ابدی محبس فرستادند و اشخاص مقتوله چون وقتی که دستگیر شدند معلوم شد که از اهل  
 ایتالیا میباشند باین جهت از جانب دولت فرانسه تحقیق احوال سایر اهل ایتالیا که در  
 فرانسه کنستند حکم شده در ضمن تحقیق احوال آنها هزار و چهارصد نفر از اهل ایتالیا که با مقید  
 مزبور هم زبان شده بودند در پاریس ویرمجال فرانسه دستگیر گردیدند (دیگر در  
 روزنامه ساردینیه نوشته اند که اگر کسی در دولت خود تقصیری کرده و بدولت دیگر  
 آورده باشد یا اجرای سیاست در حق او نمودن معایر اصول موضوعه بعضی از دول  
 ولی در این اوقات که ایطور سو قصد متدین در حق امپراطور فرانسه ظاهر گردید از جانب  
 دولت ساردینیه بمالک خود از اینقرار حکم منتشر میشود که از اعالی دادانی هر کس خواهد باشد  
 اگر بعد ازین در حق حکماری ایطور حرکت از او صادر شود و بعد بدولت ساردینیه التجا بیاورد در  
 سلاح و آلات جارحه همراهند اشبه با یک مدتی حکم محبس خواهد شد و اگر بنا بر  
 آلات جارحه با ماده سال محبوس خواهد بود و اگر مقصود خود را بعلی آورده و غار کرده التجا  
 باین دولت آورده باشد بقانون موضوعه این دولت تقبل خواهد رسید) (در روزنامه ساردینیه  
 نوشته اند که تاکنون بنا بقانون دولت ساردینیه هر یک بیکر تبه در هر هفته خدمت اعلیحضرت  
 امپراطور بانفراده رفته عرض مرام و احد حکم شفا در امور متعلقه بخود حاصل می نمود در این اوقات  
 اعلیحضرت امپراطور روس این قانون را موقوف و بعد ازین لغو و منسوخ داشته و قرار داده  
 که بجز وزیر امور خارجه و وزیر جنگ و وزیر مالیات و کلای دولت جلکلی هفته بگفته در دست  
 و رسرای امپراطوری در باب مذاکره مواد متعلقه بخود مجلسی منعقد نمایند) (دیگر نوشته اند که دو  
 یونان درل گذشته که اهل ولایت خود را بشمار می کرده بودند و گوراداناتا از خود و وزیرک حمله  
 و و کرد و چهل و دو هزار کس قتل آمدند) (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین که دولت  
 انگلیس اهل ولایت انگلیس را بشمار می کرد سی هزار کس ازین اشخاص معلوم شد که کورنا میباشند  
 شخصی از اهالی انگلیس مجلس آمده از اهالی مجلس سؤال کرد که در دولت انگلیس مگدی و سؤال  
 ممنوع است این سی هزار عی امر معاششان از کجا میکند و از جانب مجلس جواب آن شخص  
 با بنطور داده شد که این نابینایان اغلب صاحب صنعت اند و احوالشان بر فاهنیکه رود بعضی  
 که هیچ کار از آنها برنی آید در پمپا رها نماسکن اند و محتاج آنها داده میشود

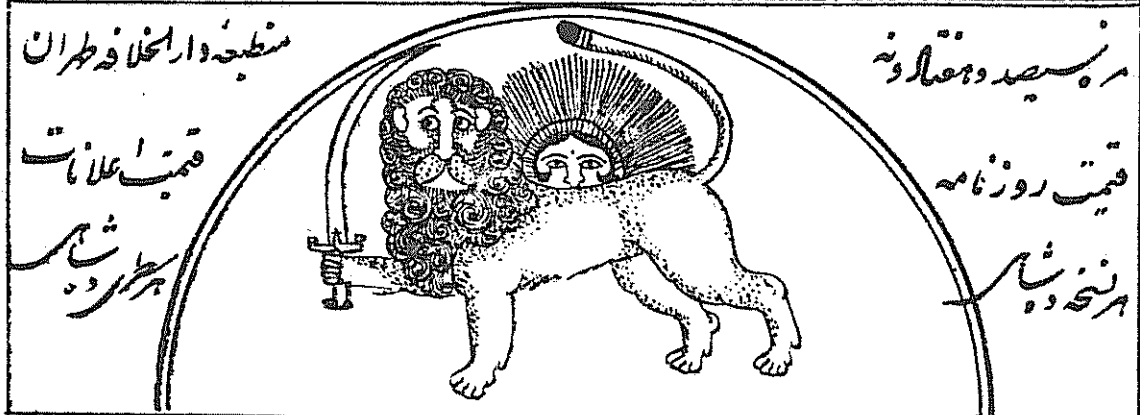
۲۵۴۱

دیگر در روزنامه یونان نوشته اند که درین زلزله که در یونان دو دفعه وقوع یافت همه جا  
 خرابی زیاد رساند ولی بعضی جاها قابل تعمیر شدند مگر قصبه که در دوس که بکلی خراب شده است  
 و چون قصبه منزل بوجوب روح و فضا و آب هوا در جای مناسب اتفاق نیفتاده بود و ملک یونان  
 قرار داده است که در جوار آن قصبه جانی که آب و هوایش بهتر باشد بجای آن قصبه دیگر بنا کنند  
 سازند و آباد نمایند (نواب پرنس ناپلیان هموزاده اعلی حضرت امپراطور فرانس  
 که در ضمن سیاحت غربت سمت مصر و بیت المقدس کرده بودند از فراری که در روزنامه  
 پاریس نوشته اند بعد از ظهور شرارت این اشخاص که قصد امپراطور فرانس را کرده بودند  
 سیاحت خود را علی الحساب ختم انداخته اند) (دیگر در روزنامه پاریس نوشته اند که  
 از تبعه دولت فرانس که در مالک تکلیف هستند و بفرانس آمد و رفت می نمایند قرار بود که در آن  
 غنیمت یا بورت یا باش بورت آنها را که عبارت از تذکره مرور باشد از جانب دولت  
 انگلیس عوض میدادند بعد از آنکه این سور قصد مستدین در حق امپراطور فرانس ظهور یافت قرار  
 شده است که بعد ازین پاورتهای آنها را قونولهای فرانس که در تکلیف هستند عوض میدهند  
 (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که از خوشان حکمران مملکت میان که در سمنه  
 چین واقع است یکی بجهت سیاحت از راه مصر غربت فرنگستان نموده بود بفراری که معلوم  
 ابل جغرافیا و دانایان نقش روی زمین است ممالک واقع در حکومت فرانس بسیار معجز  
 و آبادان و انالی آنجا قریب بیست طمان که چهل گزور باشد مستند و بجهت عدم معلوم  
 بقوانین و اصول فرنگستان قوه موجوده آنها را قایل نیستوان شمرد ولی بعد از مرخصت این  
 شخص که از منسوبان حکمران آنجا و سیاحت و تحصیل فنون متنوعه بفرنگستان غربت کرده است  
 فنون صنایع فرنگستان که در آنجا متداول شده رواج بیابد آن حکومت نیز یکی از  
 دولتهای عمده حساب خواهد شد **اعلامات** بعد از طبع کتاب مجموعه در علم ادب که  
 شکل برنجه سامی فی الامی و سرالاد و غیره بود نسخه کشف الایات سی نجوم القرآن که در شکاف کلمات  
 قرآنی بی نظیر است بسبب رسیده و همچنین مطبوعاتی بر مقامات تحریری و قیمت آنها از ایتقراری است  
 سامی فی الاسامی چهار هزار و ده شاهی کشف الایات نه هزار دینار مطبوعی  
 نه هزار دینار هر کس طالب خریداری باشد در صد ریال در بازارچه امام جمعه در دکان  
 عالیجناب آقا سید ابوتراب رفیع بجز

۲۵۴۲



روزنامه وقایع نقایب پنج پونجم یوم شهر مبارک رمضان المبارک



اخبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

دار اخلا و طهران

در این ایام که او اخر عشر ثانی ماه مبارک رمضان و اوقات لیالی تبرکه حیات اجتماع از دحام سلین در مساجد و معابد لیلًا و نهارًا در از دیاد و بلوازم طاعات و عبادات و نگار از کار و او را در قرانت و تلاوت و صلوات جماعت و دعای دوام دولت ابداً مشغولند و از ادای مراسم طاعت که دو ساعت از ظهر گذشته و حکام عصر است تجمه مشغولیت در سبزی که قسم اصناف کسبه انواع نقایب و اقس از بلور آلات و صنایع و بدایع و تصاویر و غیره در حجرات میدان و قضای میدان که چادر باز کرده و دکاکین ترتیب داده اند چیده از چاکران و مقربان در بارها یون و سایر خلق تماشا و تفریح و خریداری می آیند و درین چند ساله که این میدان جدید محل وضع نقایب و آرایش حجرات در ماه مبارک رمضان شده است سال بسال تغییرات و انواع آتش و امتعه و صنایع غریبه فرنگستان و ایران و غیره زیادتر در او پیدا میشود با آنچه بقر معمولی هر سال سیر کار علیحضرت قوی شوکت اوسس هاپون شاهنشاهی در روز و شبانه ساعت لغزوب آفتاب مذ غزمت تماشای حجرات و دکاکین میدان فرور رانوده جناب اشرف امجدار رفع صدر عظمی و جناب جلالت کاتب نظام الملک و مقربان حضرت و مخصوصان خدم و در حضور مهر ظهور بودند و دور تا دور میدان یکایکان دکاکین را تفریح و تماشا فرمودند و صاحبان دکاکین و حجرات هر چه بهتر نقایب و بدایع و بلور آلات بود و معروض حضور هاپون آورده هر چه از بلور آلات و سباب غریبه که مطبوع خاطر هر

۲۵۴۳

آمد حکم بخریداری آنها فرمودند و اهل حجرات و دکا کین از زیارت وجود پاک یون و پند  
و العمام ملوکانه شرف اندوز و بهره یاب گردید و بعد از تفریح و تماشا و خریداری اسباب  
لذت غیره یکایک بفرود آمدند و معاودت بارک مبارک که سلطانی و مقرب سلطنت  
عظمی فرمودند (کیفیت احداث عمل تلکراف در شهر و اراخلاق از عمارت پادشاهی الی  
باغ لاله زار که در روزهای حجرات گذشته نوشته شد این اوقات بمرقت و تمام نواب  
و الیبار عیقلی میرزا اعضا و اسلطنه اسباب ضروریه آن ارفیقین نصب ستون متعدد  
سیم و غیره فراهم آمد. عالیجا همیوگر شش معلوم توپخانه که متصدی بنای تلکراف در  
دارا خلاق بوده متبرجمی عالیجا همیوگر کی با تمام رسید و حسب الامر الاقدس الاعلی از اطراف  
نقاشخانه که در جنب تالار دیوانخانه پادشاهی واقع است تا عمارت فوقانی باغ لاله زار  
سیم تلکراف کشیده شد و دستگاه الات سنوال و جواب در هر دو محل مذکور صحیح  
شد و از شاگردهای محکم توپخانه عالیجا هان محمد صادق خان قاجار و محمد تقی خان در اطراف  
نقاشخانه و عالیجا هان میرزا فضل الله و محمد حسین خان اصفهانی در باغ مزبور بنا  
عمل سنوال و جواب شد و در روز یکشنبه دهم شهر رمضان المبارک سرکار اعلیحضرت اقدس  
شاهنشاهی خلد الله تله بجهت ملاحظه عمل تلکراف کیفیت کسب خبر با طاق مزبور شریف  
شدند اشخاص مزبوره در حضور باهر التورکایون اقدام سنوال و جواب نمودند و جوابها از  
هر دو طرف بطریق سنوال آمد به کمال سرعت و صحت بانجام رسید مراتب در نظر  
مبارک مقبول و محسن افتاده نوات معزی الیه که مراتب اتمام و انجام این امر بود مورد  
تواضع و عواطف ملوکانه آمده زحمات ایشان موقع استحسان یافت عالیجا همیوگر  
هم بغایات شاهنشاهی نایل آمد با عطای بیکر شسته حایل سفید منسکی و یک طاقه شال برسم  
قرین بسیار و افتخار گردید و یکصد تومان نیز بصیغه العمام بتجهت علم توپخانه که در انجام و  
اتمام عمل مزبور جابجایی بودند مرحمت فرمودند و در عرستان از قرار یک در روز  
عرستان نوشته اند نوات مستطاب هزاره و الی اتمام الدوله خاندان میرزا حکمران  
عرستان و لرستان و بر وجود بختیاری در شوشتر آرد و دارند و خوین و حال  
و مباحثین ولایات ابوالجمعی خود را با بیاخو استه فرار کار و دستور العمل هر یک بر او  
بجمل مأموریت خودشان روانه مینمایند و امورات الی ولایات بحسب مرقبت و رسیدگی بواجب

۲۵۴۴

معنی الیه از هر جهت انتظام کامل یافته از جمله نواب مغزی الیه در صد و ابادی حوزة افتاد  
 جمعی را که مصدر ابادی انجامات باشند حضور خواسته و سه نفر از روسای آنها  
 مطلع کرده بهر یک کیطاقه شال التفات نموده و آنها هم متعهد ابادی حوزة شده بامت با  
 خود با کمال دلگرمی روانه آنجا گردیدند عالیجا حسینقلی خان بختیاری را که برای رسیدگی  
 محاسبات گذشته و قرار دستور العمل سال آینده خواسته بودند محاسبه گذشته را بجزئی  
 پرداخته و دستور العمل سال آینده را از قرار طوالیف و معامله دیوانی و حرکت ایلات و سایر  
 مهمات لازمه با عالیجا مشاوره داده بکتوب جتیه ترمه و یک قبضه شمشیر ته علف طلا  
 التفات نموده روانه محل مأموریت گردید (عالیجا شیخ سلطان حاکم راهبر فرانس را که  
 محاسبات گذشته و قرار کارهای سال آینده خواسته بودند بعد از رسیدگی بمحاسبات  
 و ظهور مراتب خدمتگداری او مورد توارش و التفات نموده کیطاقه شال و بکتوب جتیه ترمه  
 و یک قبضه شمشیر ته علف طلا بجزه او و یک طاقه شال ترمه نیز بجزه طفل پسر او داده باد دستور العمل  
 سال نو در روز هفدهم شعبان از حضور نواب مغزی الیه حضرت انصاف حاصل نموده با کمال  
 امیدواری روانه راهبر شدند و هم چنین عالیجا علیه ضا خان که در محال جانکی محال محمد  
 و علیتقی خان حاکم بود و خواسته و قرار کار او را نیز داده روانه محل حکومت نمودند و سایر حکام  
 و مباشرین را نیز از همین قرار رسیدگی در کارشان کرده هر کدام که از عهده خدمات خود  
 بجزه خوب برآمده و بار عایا بکن سلوک رفتار کرده بودند توارش و التفات با آنها نمود  
 بجز حکومتشان روانه نمودند (دیگر از نظم اردوی نواب مغزی الیه نوشته اند که  
 نظام از توپچی و دو فوج سرباز و امانی و فوج ناصریه و فوج امرانی همه روز مشغول مشق نظامی  
 باشند و خلاف نظم و قاعده هیچوجه از آنها ناشی و صادر نمی شود و امانی اولایت از بود  
 افواج و توپچی مزبور در انجام بسیار مشغول باشند که از داد و ستد آنها منافع بپزند و هم  
 نظم حسن سلوک آنها در امنیت و آسودگی میباشد و فوج امرانی را هم حسب الامور نواب مغزی  
 در دیدن تهیه و تدارک و انجام و اتمام نامحتمی کار آنها بوده اند که روانه محضره شوند (دیگر  
 نوشته اند که کمال امنیت در طرق و شوارع آنجا حاصل است و از اول شط العرب تا حمة  
 و فلاحیه و از آنجا با هواز و راهبر و شوشتر و همچنین از خور تا در فول و شوشتر و هم چنین از  
 حول و حوش بختیاری هفت و چهار و تمامی آن راهها که محل عبور است عابرین لما غانما عبور میکنند

۲۵۴۵

از فرار که در روزنامه کرمان نوشته اند امور انولایت احسن بر اقب امیر الامراء العظام  
 حکمران کرمان و اتهامات معرفت خان قانیه میرزا محمد ستوفی میکار انولایت قرین نظام و  
 انضباط است و اهل انولایت آسوده خاطر بدعا کوفی ذات اقدس بیاون شایسته  
 دارند و این اوقات که آخر سال نیلان میل و اول سال جدید نوشتن بود و محضرتان  
 مشارالیه بقرار معمول سال قبل حکم سپه دار در دقرباستوفیان انولایت نوشته و حال میان  
 بلده و بلوکات را حاضر آورده و بتفریح محاسبات گذشته و نوشتن دستور العمل سال جدید  
 بوده اند (دیگر نوشته اند که چون در سنه هائیه بارندگی درستی در کرمان نکرده بود با  
 گوشت دروغن در انولایت کران گردیده و اهل زراعت نیز فی الجمله تسویش خشکی داشته  
 از تفصیلات خداوندی در این اوقات قسم بارندگیهای متعدد و موعود و کامل شده نهایت  
 امیدواری و اطمینان از برای زارعین و دهاقین حاصل گردید بطوریکه گمان دارند اگر نشانی  
 اقب بهم رسد زراعت سال تهر از سالهای دیگر بعین باید و هم در ان اوقات قافله از ان  
 واز گردیده روغن و سایر اجناس فراوان آوردند و گوشت و روغن ارزان شده  
 و فوراً بهم رساند بطوریکه بیچ سال این فراوانی و ارزانی نبود) (دیگر نوشته اند که در روز  
 سیزدهم عید که مردم بگردش تفریح باغات و باغین مشغول بودند شخصی شالیاف در راه  
 بازار خیابان که عبور مردم از آنجا میگذشت بولی یافته بود و همانطور سر بسته نزد خدای آن محله  
 برده و مشارالیه او را با کیسه پول نزد خدا با شکی برده و مراتب را بمحضرتان قانیه میرزا محمد  
 داشته سپرده بود که بخواه را نگاه دارند تا صاحبش پیدا شده با و تسلیم نمایند تا چند روز  
 همان طور بود و صاحبش پیدا شد و صاحب بخواه چون گمان داشت که اگر کسی بخواه او را پیدا کرده  
 پس بدید باین جهت در مقام جستجو بر نیامده بود بعد از چند روز حسب حکم چار کشیدند صاحب  
 آمده ثانی رنگی و عدد وجه را که چند ریال و چند عدد نیا با بود و او وجه خود را  
 دریافت نمود) (دیگر نوشته اند که چون امیر الامراء العظام سپه دار تفریح باغ باغ با چند روز  
 محمد سمیع خان که نزدیک سیران رقمه توقف نموده بود الواط شهر مجال یافته بی مجلس شرب فراموش  
 بودند و درستی یک نفر از اهل مجلس یکی را زخم زده و هلاک کرده بود مراتب باستحضار سپه دار  
 رسیده فرستاد قاتل اگر قبضه نمود تا بسزای عمل خود برسد

۲۵۴۶

اجبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته شده  
 سابقاً در باب رفقای مفتدین که در لندن عقد انجمن مشورت کرده و بستاری آنها سو  
 قصد در حق اعلیحضرت امپراطور فرانس از همراهان آنها بطور رسیده بود در روزنامه‌ها نوشته  
 بودند که بعد از آنکه معلوم اولیای دولت فرانس شد که جمعی ازین مفتدین در لندن هستند  
 از جانب وزیر امور خارجه دولت فرانس بدولت انگلیس تقیررسی در باب تسلیم نمودن معصومین  
 مزبور بدولت فرانس نوشته شده بود و جواب آن از جانب دکلای دولتی انگلیس بطریق  
 منظوره دولت فرانس قرار داده شد بعد از آن تقریرات مزبور در مجلس دکلای ملی انگلیس لاجل المذکره  
 آورده در آن مجلس برخلاف قرار و امضای دکلای دولتی گفتگو کرده و هزار دکلای دولت را  
 امضای کنند استند چون اکثریت مردم در طرف دکلای ملت بود حرف آنها پیش رفته و دکلای  
 انگلیس از مناصب خود استعفا کردند و بجای آنها دکلای جدید دولتی منصوب شدند از قراریکه درین  
 اوقات در روزنامه‌های رسی پاریس و لندن هر دو نوشته بوده اند بعد از منصوب شدن  
 دکلای جدید انگلیس تقریرات مزبور مجدداً در مجلس مشورت آمده و دکلای جدید دولتی نیز برای دکلای  
 دولتی سابق را قول گذاشته و درین باب با دکلای ملی بعضی تقریرات گفتگو کردند از جمله اینکه  
 باین دولتین انگلیس و فرانس اینکه اتحاد و محادنت که بالفعل است درین مسئله برخلاف  
 رای دولت فرانس جواب دادن یا خود سکوت نمودن نا لائق می نماید و انگلی دشمن و بدخوا  
 اند امپراطور فرانس حکمرانی در مملکت دولت همچو او بودن و ما کیفیت کو قیل و قال شدن مخالف  
 شعار دوستی و شرایط حقوق دانی است و در انفاذ احکام تقریرات مزبور از جانب دکلای  
 جدید دولتی اینکه مذکرات و مضایح که بولکلای مجلس ملی شده گفتگوی آنها مؤثر آمده و کلای  
 دولت انگلیس نیز از رای گفتگوی سابق خود عدول و با دکلای جدید هندستان شدند بنا علی  
 اجرای احکام مندرجه تقریرات مزبور و اینکه منظور دولت فرانس را بعقل خواهند آورد از جانب  
 امپراطور خارجه دولت انگلیس سخن را بجانب دولت فرانس ارسال شده و از جانب دولت  
 فرانس نیز اظهار کمال اطمینان و کمیته درین باب شده دوستی و محادنت حالیه بیشتر از سابق باشد  
 یافت و نیز نوشته اند که اینکه اتحاد نام که باین دولتین انگلیس و فرانس در اجرای حکم در باب  
 مفتدین حاصل شده و در حکام یافت باعث ممنونیت اغلب دولتهای فرنگستان گردیده است  
 لا دیگر نوشته اند که در ضمن انفاذ احکام مندرجه تقریر مزبور سببه خرج و مصارف نامورین جنبه

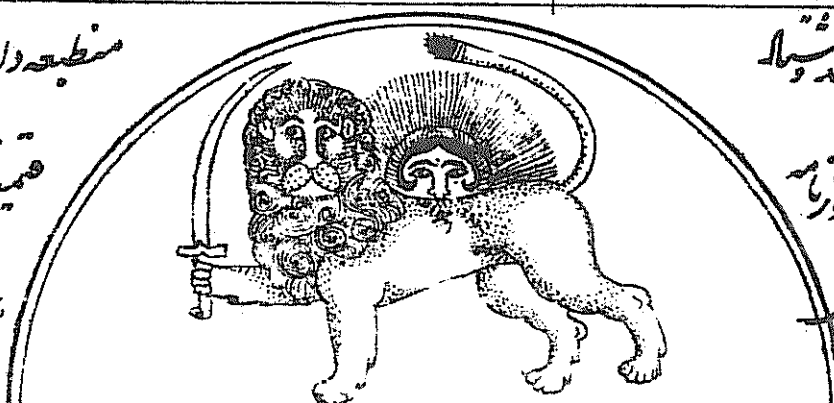
۲۵۴۷

که از طرف پرتغال دولت فرانس بجهت تحقیق احوال مفیدین مزبور در خاک انگلیس بیاید  
دولتهای فرنگستان مأمورند از جانب دولت فرانسه یک طیار و دولت هزار فرانس قرار  
شده است (ایضا از فرانس در روزنامه های فرانسه نوشته اند مثل این چهار ماه که مفیدین  
بطرف اعلحضرت امپراطور فرانسه انداخته اند تاکنون دیده نشده است بعد از دستگیر شدن  
چند نفر از مکتبین این عمل از رئیس آنها که از جمله گرفتاران بود مخترع و مؤجد این چهار ماه را سؤال  
کرده بودند تقریر نموده بود که دو سال قبل ازین در مقام منازعه دول یک نفر از مکتب کار در  
شهر استودن عازب این چهار ماه را با امید واری رسیدن منافع کلیه ایجاد و اختراع نموده و بعد از آن  
بدول استریه و فرانسه و انگلیس این صنعت را انهار و محسنات آنرا عرض نموده و از آن چهار ماه  
نشان داده بود از جانب مأمورین دول مرقومه اعتقانی در حق او شده و قول او را معتبر نشود  
بودند او نیز چهار ماه را خوب ضبط کرده و نگاه داشته بود تا اینکه ماکه این قصه را دانستیم  
شده و بخرنی قیمتی از او خریدیم با جمله این چهار ماهه دانه که بطرف اعلحضرت امپراطور فرانسه  
بودند و یکصد و شصت و یک نفر آدم و چند سچوان مجروح و تلف شده و هدف تیر  
قصا کرده اند تقریریکه در روزنامه ها نوشته اند در بدن این اشخاص و حیوانات که مرده یا  
زخم دار شده یا زنده و پانزده جای عضو آنها علامت زخم این چهار ماهه مشاهده کردیم (دیگر  
نوشته اند که چون از جانب پادشاهان و حکمداران روی زمین اهدای تعارفات و هدایا میگردید  
علامت ماکید و داد و مخادنت و انهار خلوص محبت و از قواعد و رسومات قدیمه است تقریریکه  
در روزنامه های لندن نوشته اند اعلحضرت پادشاه انگلیس مدتی است که بخصوص دانت و شخصی  
اعلحضرت امپراطور فرانسه مخصوصا یک قطعه توپ که در سرای امپراطوری بگذرانند حکم کرده بود  
بریزند در این اوقات توپ مزبور را ریخته و با تمام رسانده اند و همه اثر امیدند که بسیار  
روانه نمایند) (دیگر در روزنامه های فرانسه نوشته اند که از امالی فرانسه و ایتالیا که نسبت به قصد امپراطور فرانسه  
جمهوریه سوئیس در مخالفت و التجا آورده و مجددا در سوئیس بجهت مخالفت امپراطور فرانسه مجلس مسورت منعقد کرده بود  
اغلب آنها با شورت درست بدستند و بلاصفت در سوئیس بجهت اقامت دستند مراتب معلوم جمهوریه سوئیس گردید  
مبانیست بجا بودن با فرانسه و اینکه چگونه این مفیدین پیش از وقت گرفته شود و نتواند فی الضمیر خود را از قوه  
بفعل بیادند قدر کند استند که اینطور بجان فرانسه و ایتالیا که بی با شورت و بلاصفت در مجال سوئیس  
که قریب بفرانس است اقامت دارند بجای از سوئیس که در فرانسه است نمی بیند و دو قومین درین باب  
ترتیب

۲۵۴۸

۱۳۱۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم رمضان المبارک مطابق سال یونین

منطقه دارالخلافه		مرکز سید
قیمت اعلیٰ		قیمت روزنامه
پیشپرد		پیشپرد

### اخبار واحسنه مالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

مرحوم حسینعلی خان معیر الممالک که از معتبرین و عظم جاگران در باره یونین شاهی بود در بیت و دویم شهر شعبان داعی حق را بیک اجابت گفته بجا رحمت ایزدی پیوست و حسب الامر الاقدس الاعلی از جانب اولیای دولت علییه و امرا و مقربان حضرت کرده بیست و نهم لو ازم توقیر و تکریم در مجلس ترجم و تسبیح جازه اولی آمده جازه او را با تخت و قاری با احترام تمام روانه عیالات عالیات نمودند و مقرب الخاقان و مستعلی خان پسر مرحوم مشا را که تربیت یافته این دولت قوی مکتب پدیدار و در سلاک خدمت یونین سالها منگ و بصفت صدقت و خدمتگاری موصوف است جناب جلالت نظام الملک کجنور مهر ظهور یونین برده مورد عنایات ملوکانه گردید و بوقت در بار فرمود که منصب معیر الممالکی درین سلسله از اول دو دمان جلیده جاریه بلکه از عهد ناد در شاه موروثی و نسل از پدر به پسر انتقال یافته سرکار اقدس یونین مانیر تاسی با سلاف عظام خود نموده منصب خزانه داری و معیر الممالکی را بمقرب الخاقان دوستعلی خان مرحمت و چنانچه سلاطین خلد کین ابایی نور لمعتبر نموده اند مانیر اور معتبر میفرمایم لهذا اولیای دولت قاهر حسب الاشارة العلییه بموجب فرمان جهان مطاع یونین منصب خزانه داری و معیر الممالکی با و محمول نموده در شب نهم ماه مبارک رمضان موفقی ساعت سحر که مشخص شده بود در خزانه شیرینی چیده جناب جلالت نظام الملک و مقرب الخاقان سیف الملک و

۲۵۴۹

صاحب دیوان و جمعی دیگر از ستو فیان عظام حاضر آمد و یکتوب جبهه ترمه کشمیری که در ازای منصب  
 مزبور با و خلعت مرحمت شده بود زین برود و شش افتخار و سیاهات خود نموده و اهل محلی  
 صرف شربت و شیرینی کرده تمهیت و مبارکباد گفتند و عالیجاهان میرزا محمد حسین سرشته دار  
 خوانده مبارک و آقا محمد رضای صراف خوانده مبارک که نیز مورد در حرم ملوکانه آمده یکتوب جبهه  
 کرمانی خوب بجایجا میرزا محمد حسین و یکتوب جبهه سلسله دار جنبل خانی بجایجا آقا محمد رضا  
 خلف مرحمت کردید که آنها نیز کاکان با کمال دلگرمی و امیدواری بخدمت محوله بنحو مشغول باشند  
 (چون نواب امیرزاده علی قلی میرزای سرتیب و حاکم سنقر و کلیانی خدات و مقامات دیوان  
 مرجوعه بنحو در اباکمال کفایت با انجام رسانده و در نظم و ولایت و ضبط امور افواج و سواران  
 خود لازمه اهتمام معمول داشته خصوصاً در این اوقات که نواب مستطاب هزاره و الایضا  
 عا دالدوله حکمران کرمانشاهان و سرحدات عراقین احضار بدار اختلاف شده و نواب  
 معزی الیه را بیایست خود در کرمانشاهان گذشته بودند زیاده مراقب در نظم و ولایت  
 و مراتب خدمتگزارانی معروض پیشگاه حضور با هر التوسلطانی و مشهود خاطر اولیای دولت علیه گردید  
 لهذا مستوجب شمول رحمت آمده یک قطعه نشان از مرتبه اول تشریف با یکرشته چایل سرخ که  
 مخصوص آن منصب است از جانب سنی بجانب ملوکانه بجهت مزید افتخار نواب معزی الیه  
 (صاحب منصبانی که در عین مأموریت عالیجاه مقرت انجان جان داود خان سرتیب و مرحوم  
 اول دولت علیه تقلیس نزد جناب جلالت نواب خانشین فقاریه حسب الامر اولمای دولت  
 علیه سراه عالیجاه پیش را الیه مأمور شده بودند نظر بدستی دیکانکی فیما بین دولتین قوی سونگین  
 از جانب علیحضرت امیر اطور در حق هر یک از آنها یک قطعه نشان از درجه سیم پستان اسلاد  
 عنایت شده متوسط سفارت اند دولت معین دار اختلاف بوزارت امور خارجه دولت علیه اطلاع کرد  
 و از جانب دولت ابد مدت اذن و اجازه او بر نشان مزبور باشی خاص مفصله ذیل داده شده

۲۵۵۰

امور خارجه قطعه	امور خارجه قطعه	امور خارجه قطعه	امور خارجه قطعه
--------------------	--------------------	--------------------	--------------------

چون در ایام ماه مبارک رمضان سرکار قدس عالیون شاهنشاهی تبریز بیرون نهادند سوار شده  
 بودند لهذا در روز دوشنبه پانزدهم بجهت تبریز و تماشای بیرون شهر سوار شده از دروازه دولت



بیرون تشریف بردند و سمت امیر آباد و آن اطراف را تماشا فرموده در مراجعت از دروازه  
 قره‌سین داخل شهر گردیدند و در جلو خانهای چاکران در بارها یون که در معبر موکب فیروزی کوب  
 بود تقدیم قربانی و عیزه شده مقرب انخاقان امیر الامراء العظام عیسی خان و الی حکمران دار السلطنه  
 اصفهان چون عمارت عالی ساخته و با تمام رسانده و در معبر موکب فیروزی کوب و لایق  
 تفریح و تماشای نظر یون بود و نظر بطور و فور هم ملوکانه در حق مقرب انخاقان مشارالیه بجا  
 او تشریف فرما گردیده و لوازم قربانی و پیشکش پای انداز مقدم هایون بطور شایسته بعمل آمده  
 قدری در آنجا استراحت فرموده اظهار احترام خروانی در برابر فرمود بارک سلطانی نمود  
 چون به سال در لیالی ماه مبارک رمضان یک شب با سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد  
 ملکه و سلطانه سجده انهما کمال میل و شغاق خاطر ملوکانه در حق جناب شرف امجدار مع  
 صدر عظم اکرم و جناب جلالت کاب نظام الملک سنجانه ایشان تشریف فرما شدند  
 و افطار و سحور را در آنجا صرف میفرمایند و در شب چهارشنبه بیت و مقیم عمارت شهر  
 جناب معظمت تشریف فرما گردیده از جانب جناب معظم جناب جلالت کاب نظام الملک  
 لوازم قربانی و پیشکش و پای انداز بعمل آمده و سایر متعلقان ایشان نیز مراسم حدکداری  
 و جان نثاری را تقدیم نموده مورد رحمت و نوازشات خروانی گردیدند و افطار و سحور را  
 در آنجا صرف فرمودند و بر وجود فایض بجا یون بسیار خوش گذشتة بعد از صرف سحور  
 بارک مبارک سلطانی معاودت فرمودند که وس از قرار یک در روزنامه کروسی  
 عالیجاه مقرب انخاقان زین العابدین خان حاکم کردس که از دربار معدلت مدارهایون  
 انصاف حاصل نموده بخل حکومت خود معاودت نمود در دو باب اولایت انجانب الالی انجا  
 لازمه استعمال و توقیر و احترام بعمل آمده انهما کمال شف خاطر و شکر گذاری نموده اند و بعضی  
 سرحدات اشجارا که در جناب مقرب انخاقان مشارالیه فی الحکله اغتاشش بهم رسانده بود و  
 کامل داده و رعایا با اسوده خاطر بدعای ذات اقدس هایون شایسته استعمال دارند و  
 در روانه کردن افواج قاهره مدبر بار معدلت مدارهایون کمال اهتمام را بعمل آورده و  
 آنها را تمام و کمال رسانده و از آنجا حرکت داده و در عبور از پل سفید رود مشهور بقزل اوزن که از  
 سد بتیل دو چشمه آن خراب گردیده مانع عبور شده بود در ساختن آن اهتمام نموده و تیرهای بلند  
 و قوی که در آن نزدیک بود و بیایع کرده و پس را عجلاله با تبرها پوشانده سر باز و سایر را عبور داده

۲۵۵۱

### کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند امور آن ولایت از توجهات اولیای دولت  
 قاهره حسن مراقبت و عینت داری معرت انخاقان امان الله خان والی قرین ملت و  
 استقامت است و رعایا و برابریا سوده خاطر بکار و شغل خود و دعا کونی ذات اقدس تعالیون  
 شایسته است حال دارند از ابتدای عمل چندی بارندگی نشده و رعایا از این معنی زیاده در  
 تشویش و اضطراب بودند و چند دفعه نیز جمعیت کرده بدعای باران بیرون رفتند تا اینکه  
 در بیت و نسیم عمل بحاب فیض و فضل باری سبحانه و تعالی مترکم گردیده یک شبانه روز متصل  
 باران آمده بارندگی کامل وقوع یافته صحرا و دشت و زرع و کشت سیراب گردیده و بعد از  
 آن بارندگی نیز در روز و سه روز فاصله بار بارانهای خوب و مبرق آمده و در وقت شنبه  
 گردیده نهایت خوشوقتی بجهت اهالی آن ولایت خصوصاً اهل زراعت و حشام صاحب غنم و دواب حاصل  
 شد (دیگر نوشته اند که فرمان مهر لعلان هاپون و خلف آفتاب طلعت که بجهت معرت انخاقان  
 امان الله خان والی کردستان و عالیجاه میرزا محمد رضا پیکار آن ولایت از دربار ملت  
 مرحمت شده بود مصحوب عالیجاه اسدخان تفنگدار باشی جناب جلالت بابت نظام الملک  
 در سیم ماه شعبان با بنی بر تو و وصول افکنده معرت انخاقان مشارالیه با جمیع اعیان و اعلا  
 آن ولایت ماصلوات آباد که دو فرسخی سنج است با استقبال شافقه لوازم توقیر و احترام  
 حلقه هایون را بعل آورده خود و عالیجاه میرزا محمد رضا خلعهای مبارک رازیب برود و در  
 و اعتبار خود ساخته و فرمان مبارک را خلیب در آن مجمع خوانده و مضمون آن را که مقرر اطفا  
 بر جسم و عواطف خاطر ملوکانه در باره معرت انخاقان والی و عسوم اهالی آن ولایت بود که در  
 دور و نزدیک نموده صدای بکرانده و دعا کونی بلند کرده بعد از ادای مراسم شکر گذاری و صرف  
 شربت و شیرینی معاودت بسندج نمودند **کردستان** از قراریکه در روزنامه  
 نوشته اند توأب استیجاب حشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و برود و در  
 از روزیکه سمت عربستان عزمیت کرده اند در هر یک از منازل از الهوار و رفتار ایلات  
 کاین معنی تحقیقات نموده اند هر گاه ام که مصدر هرزگی شده و دست اندازی ممال مردم کرده  
 آنها را گوشمال بزرگ داده اند از جمله بعضی از اشرا را یلغان سکه اما کثان و ارضای شت که در  
 و صعب است که سفند و کا و بقدر صد و پنجاه رسیده بود توأب معنی ایسوا بر آنها و در  
 و در

۲۵۵۲

فارس

از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت و کمال کفایت  
مقرت انخاقان احمدخان دریاپکی و حاکم ابوشهر و مضافات قرین ایست و انتظام کامل است  
و یکی اوقات را صرف نظم ولایت و آسودگی رعیت و تفتیح طرق و شوارع دارد و بجهت دقت و  
مراقبت مقرت انخاقان مشارالیه نهایت رفاه و آسودگی از برای رعایا و اهالی آنجا حاصل است  
مرفه الحال بدعای دوام دولت ابد انتقال اشتغال دارند قیمت نان قدری تغییر بهم رسانده  
و به عباتی شده بوده است مقرت انخاقان مشارالیه جماعت جناب ابوشهر را خواسته و رصد  
مواخذه برآمد و دیگران نیز و او طلب ارزانی غله و نان شدند جنابان الترام سپرده بکین شاه  
کردند و با الفعل نان در همه دکا کین و فوز بهم رسانده و بحسن مراقبت دریاپکی روز بروز رونق  
وارز ایست و چنین در باب سایر اجناس نیز از قبیل روغن و برنج و ماش و غیره که جماعت بقال و  
سبک داران حریفه انبار میگرددند و قیمت گران بردم میفرختند آنها را خواسته قدغن نمودند  
که بعد ازین این عمل را موقوف دارند و بهمان منفعت که خردیومیه داد و ستد آنهاست اکتفا کرده  
بردم بفرود شدند و اگر انبارکنند یا بهیای گرانتر از معمول روز فروخته باشند مورد مواخذه  
جرمیه باشند آنها نیز بحکم این عمل را مقرر شده و موقوف کرده سایر اجناس و حیوانات نیز  
و فوز بهم رسانده سبب مزید شکرانه الهی انولایت حضوراً و صفاً فرادواً و صفاً کردید (دیگر نوشته اند  
که مقرت انخاقان مشارالیه بجهت اظهار محرم دولت علیه در باره عالیچان باقرخان سرسنگ  
کنستانی و حسن خان پسر او میکشید بجهت ترمه بجزد عالیچا باقرخان داده و یکقبضه شمشیر  
و قلاب و کرمک طلا بجهت حسن خان روانه تگستان روانه نموده و عالیچان مشارالیه نیز اظهار کمال  
و شکرگذاری از عواطف اولیای دولت علیه و مردم داری مقرت انخاقان مشارالیه نموده اند  
(دیگر نوشته اند که توپهای آنجا بعضی خرج و قذاق و سایر سبابان کهنه و سقاط شده  
تجدید و تعمیر لازم است مقرت انخاقان مشارالیه خود بتوچانه رفته و بدقت توپها را  
کرده و فستاده بخار و حداد آورده و در دستگوشول ساختن کسر سباب توچانه و تعمیرات آنچه  
تعمیر لازم داشت شدند و در عرض چند روز چند قطعه از توپها را سوار کرده جدید نموده  
و با بقی را هم بمباشری عالیچا بجهت صلی سلطان صاحب منصب توچانه آنجا در کارند که سبابان  
ساخته سوار کرده جدید نمایند

۲۵۵۳

اجبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته میشود  
از قراریکه در روزنامه جدید الحوادث اسلامبول نوشته اند در او اخر ماه حب در اسلامبول  
طوفانی ظهور کرد که تاکنون باین شدت طوفان در آن ولایت ملاحظه نشده بود چنانچه  
امواج بزرگ که در دریای در پی بلندید در بندای مجازی سرمنار مسجد جامع که نزدیک دریا  
رسیده بود (دیگر از قرار روزنامه یونان از قبیل زلزله که چند وقت قبل در ناپولی  
یافت و بنعمت ما جهادی الثانیه در کل یونانستان علی الخصوص در شهرهای کوروس و لوطرا  
و قلماکی حرکت ارض شدت حشت انگیزه داشت افزای ظهور گردیده و این گزارش در روزنامه  
سابق نوشته شده بود از قرار روزنامه که بعد رسید چون در وقت ظهور این زلزله غلبه  
از خانه بیرون و در باغها و کوچهها بودند آدم کم تلف کردید چنانکه در شهر کوروس با این جمع  
خانهها و قلعه شهر منور خراب شده بود از سکنه آنجا هیچکس نماند و پنجاه نفر زخمی گردیده اند  
و در سایر شهرهای دیگر یونان نیز همینطور خرابی زیاد باینیه و عمارات رسیده است و شدت  
این زلزله بدرجه بوده است که در ایام هزار سال قبل این درجوار کوروس میلهها از  
تراشیده بر آورده بوده اند که تا این ایام بر پا بود درین زلزله یکی از آن منارهها از شدت زلزله  
افتاده و مابقی نیز از جای خود حرکت کرده اند و ازین قرار معلوم میشود که از سه هزار سال قبل این  
تاکنون زلزله باین شدت در اولایات اتفاق نیفتاده بوده است) (در روزنامه‌های سابق  
نوشته بودند که چون فراج قرال دولت پرستیه چند وقت قبل این ناخوش و علیل شده بود  
نواب پرنس راکه ولیعهد ایشان بود موقتا تا مدت سه ماه بقایم مقامی خود در برلین که پایتخت  
پرستیه است نصب کردند بعد از انقضای این مدت چون قرال منور بحالت صحت سار  
بودند مجددا سه ماه دیگر بقایم مقامی نواب پرنس را تمدید دادند از قرار روزنامه که این واقعه  
رسیدت سه ماه ثانی نیز منقضی شده و از اینکه قرال منور بهور غلیل و زیاده پیروسن است  
لندانشاه دیگر مدت بقایم مقامی نواب پرنس افزوده است) (تقراریکه سابقا نوشته شده بود  
سبب بقیت که از قرال دولت ناپولی نسبت به تبعه خود وقوع یافت از ولایتین نخلین و قرال  
و خطرات و تبلیغات منسبی بر مضایح خیر خوانانه بد دولت ناپولی شده و قرال ناپولی اصلاح  
اعتبار نمود بنا بران ولایتین منور قطع مجابره از دولت ناپولی نمودند و قرال ناپولی بانظر که در  
منظر خود مسجد شده استادکی نمود شخصی از انالی آنجا اظهار سو و قصد او کرد و متعاقب در اکثر مجال

۲۵۵۴

لشش افاد و احتمال بالا گرفت و ال مزبور مطلع شده فوراً بقدر لزوم قشون بر سر مقصدین فرستاد  
 و جمیعت آنها را برایشان نموده و از آنوقت تا مورین خفیه از جانب پولیسنجس و سجوی آنها  
 کماشته بود و بموجب روزنامه ناپولی که در این اوقات نوشته اند از قرار معلومات تا مورین خفیه  
 که در برجا بصورتهای مختلفه گردش میکرده اند در اکثر محال ناپولی بمخالفت و ال مزبور مجالس  
 منعقد میهنوده و با هم بمهمند و مترصد وقت بوده اند تا در این اوقات سجه اجرای مافی الضمیر خود  
 جمیعتی بهم پیوستند که رفع لوای مخالفت نمایند که ارشش معرفت دو نفر از مورین خفیه پولیس که  
 بنیات پایاس که پیشوای طیعیانست در آن مجمع بودند بقرال ناپولی آنها شده فی الحال  
 وافی بر سر آنها فرستاد و جمیعت آنها را برایشان و اغلب دستگیر شد و محبوس گردیدند (دیگر  
 از روزنامه لندن نوشته اند که اهل چین از آنجا که ملل مختلفه پیشینا دایم الاوقات نزاع و  
 و تحریک سلاح مفسدت نسبت بیکدیگر در میان آنهاست از جمله چند وقت قبل ازین که وی از  
 اهل مرقومه رفع لوای عصیان بدو چین نموده و تا نزدیک یکی بیکن که پای تحت خاقان چین است  
 و محلی حاویطه نام را که در جوار شهر سیکن و خاقان عمارتی عالی و سنگین در آنجا داشت هجوم آورد  
 غارت و تاراج نموده و عمارت خاقان را خراب کردند و و کلهای دوشش اینمغنی را بعرض او  
 فرسانده پوشیده و پنهان میباشند تا وقتی که خاقان چین غرمت رفتن بعمارت مزبور نمود  
 امنای دوشش دیدند که پرده از روی این مهم ستوره برداشته خواهد شد در مقام چاره جویی  
 برآمده منجم باشی را خواسته در تدبیر خود بهمدست نمودند و او لوجی با استخراج نجومی ترتیب داده  
 و حکم نمود که مقارن این ایام که خاقان بعمارت مزبور تشریف پیرد زلزله شدید در آن محل  
 خواهد یافت پس لوح را بنظر خاقان رسانده و مرتب را معروض داشتند و خاقان رفتن بان  
 عمارت را بناخیزاندخت بعد از آنکه این مطلب را در ضمیر او جای گیر کردند و فرادای آن روز آید  
 متفقاً متانفاه عرض کردند که چنانچه منجم باشی حکم از دلایل و امارات نجومی کرده بود در محل حاویطه زلزله  
 شدید شده و عمارت خاقانی کلاً منهدم و خراب گردیده است و این گزارش را مع الاستهزاد  
 روزنامه های لندن نوشته بوده اند) (دیگر در روزنامه هلامبول از غراب امور نوشته اند که  
 در اوقاتی که بارندگی در آنولایت یاد شده بعضی عمارت را خراب میکرد شخصی فقیر و بی بضاعت خانه  
 محقر در سمت یکی باغچه داشت و بازن و طفل خود در آنجا بسر میبرد شبانه آب را اطراف خانه او خیز  
 کرده مشرف بخراب شدن کردید بطوریکه ممکن در او متعذر بود و چاره سجه اوقات یومیه در عسرت بود

۲۵۵۵

و جای دیگر اجاره کردن از برای او تیرنی شد متحیر فرومانده تا صبح با عیال خود بنهار صحبت  
 بسر برده و بجهت تعمیر خانه مزبور چیزی بخاطرش نرسید که از بزرگواران  
 رسیده و با عیالش بود و در وقت تعمیر خانه نماید فردا آن محل را بمعرض بیج در آورد  
 زیاده از آنکه مکان دست فروش رسید چنانچه پیش از یکصد تومان مکان نداشت که بخزند و بسیند  
 خریدند از تیرنی خود و عیالش زیاد میسر و گردیده و چرا گرفته در میان صند و قچی خود گذاشتند  
 بجهت اینکه هر یک که داشتند ازین نفع آنها خبردار بشود و در ساختن خانه با آنها تقویت و امداد نماید  
 بنزد او رفته بیان گذارش نمودند او هم در ظاهر اظهار فرح و خوشحالی کرد ولی در باطن بکسر وقت  
 تحواه افتاد چون اطراف خانه خراب شده بود و از هر طرف دخول بان ممکن بود بعد از آنکه  
 مردم از دست و پا افتاده در منزل خود آرام گرفتند میانه مزبور هنگام نصف شب بوق تحواه  
 آمده دیده بود که طفل صاحب خانه در پهلوی صند و قچی که تحواه در میان اوست خوابیده و پدر و مادرش  
 در پهلوی او خوابیده اند فکر کرده بود که اگر بخوابد صند و قچی را بکشد بیدار گشت بدید طفل بیدار  
 و پدر و مادرش خبردار بشوند و تواند معصوم خود را بطل بیورد با خود تیرنی اندیشیده بود که  
 طفل را آنگونه برشته کرده در حیات بجای دورتر بگذارد و خود در گوشه کین کرده مترصد وقت  
 و مظهر فرصت باشد تا چون طفل از تیرنی بیدار شده آغاز کردینا بیدار و پدرش بهوای صدای طفل  
 شده بسر وقت طفل بروند آنوقت او خود را با طاق انداخته که خود را صورت بدید پس طفل را آنگونه  
 برداشته برده در کنار باغچه خانه گذاشت و خود در گوشه مخفی کردید طفل از سر بیدار شد سر  
 بگردانید و مادرش بیدار شده چون صدای طفل خود را بیرون شنیدند مضطرب و سرسپم  
 دویدند سارق خود را بر صند و قچی رسانده و صند و قچی را آنگونه تحواه را که لول کاغذی بود  
 که اسکناس و قائمه میانند بدست آورده خواست بدربار رود تقدر مخالف تدبیر او آمده در آن  
 چین خانه بر سر او خراب گردیده در زیر خرابی راه عدم پیش گرفت و صاحب خانه و تیرنی متحیر بود  
 که طفل آنها را که بیرون آورده با درین بین صدای خراب شدن خانه را شنید بیرون بودن طفل را در  
 آنوقت شب و سالم ماندن خودشان را از آن تملک بوسیله صدای طفل محض تفضلات باری تعالی دانستند  
 سجدهات شکر الهی تقدیم رسانیدند علی الصبح عجله در آن حاضر کردند که خرابی را بکس کرده صند و قچی را  
 بیرون بیاوردند بعد از آنکه خرابی را بر سر کردند میانه خود را که صدق تصور کرده و از تحواه خبردار کرده بودند  
 که صند و قچی را آنگونه لول اسکناس بدست آورده بوده است که خانه بروی او فرو داده و در آن برون بوده است

۲۵۵۶

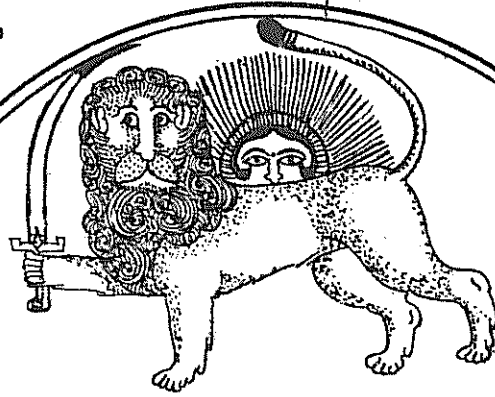
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پانجمین شنبه شوال المبارک بنام سید

منطقه دارالخلافه طهران

نه سید و استاد و یک

قیمت اعلانات

به طرز دیگر



قیمت روزنامه

برنجی دیگر

### اخبار و حمله مالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

در روز شنبه که یوم عید فطر و غزوه ماه شوال بود بقراری اعیان و معهود سرکار اعلیحضرت اقدس  
 بایون شاهنشاهی صان اللہ آیام شوکته عن التناهی باسلام عام دادند جناب مستطاب  
 اشرف ارفع منجم صدرت عظمیٰ قبل از انعقاد سلام بعبادت ارک مستقله بجدتشان بفرستادند  
 اورده نیز اذکان عظام و امرا و اعیان چاکران دربار بایون مجلس جناب معظم حاضر شدند  
 صرف شربت نمودند و در همان مجلس از جانب سنی ابجواب ملوکانه چنانچه در همه اعیان مقرب  
 دارند یکشوی جبهه ترمیمت مرصع از ملوس خاص بن مبارک مقرب انجاقان اقا محمد حسن  
 بجهت جناب معظم آورده شرایط استقبال و تعظیم و تکریم خلعت هر طاعت لعل آمده زیب برودوش  
 خود نمودند و اهل مجلس تهنیت و مبارکباد گفتند و بعد از صرف نهار سلام اقدس بایون اخبار  
 شده شرفیاب حضور باهر التور کردیدند و سر بر سلطت عظمیٰ در تالار کستان بفرستادند  
 اقدس ملوکانه مزین کشته اهل سلام از شاهزادگان عظام و امرا و ائمه و ارباب مسلم و صاحبان  
 نظام و خواہن و سایر خدم و حشم و بقدر کنجایش باغ پادشاهی از احادی و کوچی و سرباز  
 در مرتب و مقام خود ایستاده صفوف سلام منعقد کردید پس از اجرای شکر تو و زینب  
 عالیجا خطیب باشی ادا می خطبه بلنج بنام سرکار اقدس بایون و جہت تمام بدعای بقای عسرت  
 دولت و شوکت روز افزون نموده بعد از آن عالیجا میرزا محمد علیخان شمس الشعرا قصید غزالی  
 نظم کشیده بود در یکجا حضور مہر مہر عرض داشته مورد تحسین و التفات کردید و سرکار اقدس

۲۵۵۷

ہمایون شاہ شاہی ابد اللہ علیہ جناب مستطاب صدر عظمیٰ را مخاطبہ بظلمات عنایت امیر  
 فرمودہ فصیحی از میاسن و برکات ماہ مبارک رمضان و محسنات طاعت و بندگی حضرت ملک  
 و استیناس وجود فایض انجود اقدس ہمایون با آیام و لیاالی ماہ مبارک و سایر فرمایا  
 ملوکا نہ فرمودہ سلام عام بجزئی منقضی کردید (امیر الامر العظام مقرب الخاقان عیسیٰ خان  
 والی کہ ب حکومت دار سلطنتہ اصفہان سرافراز شدہ بود از رکاب مبارک مرحضی حاصل  
 کردہ و ردویم شوال المکرم روانہ بقر حکومت خود کردید) (چنانچہ در روز ماہ جمادی  
 نوشتہ شد مرحوم آقا محمد حسن کہ چاکر قدیمی دولت جاوید ارکان و بونور صدقت و امانت  
 سرآمد امثال و اقران بود از عہد نامہ سلطنتہ مبرورہ علیہ اللہ تعالیٰ حلل النور علیہ بلوارم حد  
 و جان نثاری استعال داشتہ مناصب مفصلہ ذیل بعہدہ کفایت و کاردانی او مفوض و موکول

مرداری محمد قزاقی صدق و وفادار  
 زنت واری بیوس نکلد اربابیکری ریس سعیدی محلہ جوت  
 ہمایون بدن مبارک سرکار اقدس

از آنجا کہ عالیجاہ محبت و محبت سہراہ آقا عبد اللہ خلف الصدق مرحوم مہرور کہ ب حکم فرغ آ  
 پنجر عن اصلہ با عقوان شباب اثار شد و کفایت از ناصبہ حالش ہویدا و علاوہ برا  
 فطری ہمین تربیت سرکار علی حضرت قدر قدرت شاہ شاہی خلد اللہ لہ و سلطنتہ بیور و فو  
 صدقت و لیاقت و خلوص عقیدت و ارادت آراستہ و محلی بود از جناب شی انجوان ہمایون  
 اقدس اعلیٰ بقیب مقرب الخاقانی و اسم آقا محمد حسن لقب و مستی کردیدہ مناصب مفصلہ فوق  
 کلیتہ با و مفوض و موکول شدہ فرمان مبارک شرف صد دریافت چون برای مزید مفاخرت و  
 امید واری او و سایر خانہ زادان در فوق فرمان ہمایون دستخط مبارک صادر کشتہ بود  
 سواد آن درین صنفی سمت نگارش یافت سواد دستخط مبارک مرحوم آقا محمد حسن  
 از جملہ نوکران خوب صادق و دلخواہ با امانتی بود از اول نوکری الی آخر بطوری در خدمات  
 محولہ بخود سعی بود کہ خاطر ہمایون ماہیہ از رخات او راضی بود بنا بخدمات چندین سالہ او  
 زیرکی و صدقت و قابلیت آقا عبد اللہ پسر او کہ و حقیقت آقا محمد حسن ثانی است مناصب و  
 شغلہای او را با آقا محمد حسن ثانی مرحمت فرمودیم و نظر باستعداد فطری کہ دارد یقیناً مثل آقا محمد حسن  
 بلکہ بہتر از عمدہ خدمات محولہ بخود خواهد برآمد فی ۲۵ شہر رمضان ۱۲۷۴ (تو پیمان و پیمان  
 و سوارہ نظام و افواج قاہرہ متوقفین دار الخلا و بپار سابق ہمد روز از طلوع آفتاب در میدان مشق حاضر

۲۵۵۸





از قراریکه در روزنامه اسرا آباد نوشته اند در اوگانی که مقرب انخاقان عمده الامر اعظم  
 جعفر قلچیان اینجانی بسفر غاری قلعه رفته بود اغلب سکنه دعات حول و حوش اسرا آباد و بجهت  
 اینکه از دست اندازی شرار ترکانه اطراف مصون باشند کوجیده بشهر اسرا آباد آمده  
 بودند بعد از آنکه مقرب انخاقان مشا را لیه مباحث نمود آنها را با ماکن و او طان خود رو  
 نمود که رفته مشغول زراعت و عیشتی خود باشند و بقدر ضرورت در هر جا که لازم بودی  
 داد بکند از آنکه رعایا اسوده بامر زراعت فلاحت خود سپردارند (دیگر از قراریکه عالیجا  
 سجانقلی خان برادر مقرب انخاقان اینجانی که در میان ترکمان کوکلان بنظم امور انحصار  
 نوشته بود ترکمانان غاری قلعه بر ترکمانان حقوق آدم فرستاده و از آنها حمایت  
 خواسته اند و هنوز فرستاده آنها مباحث نموده است و از قرار نوشته است شیش سفیدان  
 کوکلان باین ترکمانان قاری قلعه و کوکلان نزاع و جدال قایم است و بچاپیدن او به جات  
 یکدیگر مبادرت نموده اند) (دیگر نوشته اند که حسن خان نام ترکمان مشهور بحسن چقان با  
 اتا کلان نام بنزد مقرب انخاقان جعفر قلچیان آمده مذکور داشته بودند که ریش سفیدان ترکمان  
 جمع شده و ما را بر سالت فرستاده اند و مستدعی عفو تقصیرات خود شده اند که از جرایم آنها  
 گذشته اسرای آنها را محض نمایند تا اطمینان از برای آنها حاصل شود و با ستر اسرا آمده  
 مقام ایمیّت و انقیاد در آیند مقرب انخاقان مشا را لیه گفته بود ما دام که اسیر و اموالی که از ما  
 برده اند جمیعاً آورده تسلیم نمایند استدعای آنها پذیرفته نیست وقتی که همه اسیر و اموال برود  
 الوقت مراتب را بعرض منای دولت علیه رسانده اگر از تقصیر آنها که شت فرمودند اسرای آنها  
 رد خواهد شد) (دیگر نوشته اند که در او آخر ماه شعبان بقدر یکصد سوار ترکمان تاخت  
 حیدرآباد آمده گا و دو کوسفند بسیار پیش کرده و یک نفر نیز اسیر نموده تبرک اسب کشیده میبردند  
 تفنگچی خبردار شده آنها را تعاقب نموده مشغول زد و خورد شدند درین بین اسیر نیز خود را از  
 ترک ترکمان انداخته بچکل زد و سواره مرزوبانت مقاومت نیاد و ده یک نفر آنها مقتول و دو نفر زخمی  
 گردید باقی دست ارگا و کوسفند برشته راه بریت پیش گرفتند و همچنین در غرة رمضان با جمعی از  
 ترکمانان اتابای آمد که کوسفند و دو اب دیگر که از اهل قلی آباد و میر محمد در دست طایفه و از بود بچکل  
 طایفه مرزوبخبردار شده در مقام دفاع برآمده یک نفر از طایفه و از مقتول و دو نفر مجروح و چهار  
 بیچ نفر نیز از ترکمانان مرزوبخبردار شده چند آنکه تلاش نمودند نتوانستند چیزی ببرند و بی نصیب  
 ماندند

۲۵۶۰

### آذربایجان

از فرار کجه در روزنامه دار السلطنه تیر نو نوشته اند اخت و انتظام کامل و ووزیر که نعمت در اول  
 حاصل است و بعد از عید بارندگیهای نافع در همه ولایات آذربایجان شده و هر چیزی بجز الله  
 فزوان و از رانت و امانی اولایت آسوده خاطر در ایام و لیالی ماه مبارک رمضان در مساجد  
 و معابد با دای لوازم طاعت و عبادت و دعای از یاد بقا و دوام دولت قوی شوکت  
 اقدام داشته اند نواب مستطاب شاهزاده محمد ششم و الایثار رکن الدوله العلیه اردشیر  
 حکمران مملکت آذربایجان روزگار اینجا عت لغروب مانده در بیرون نشسته ارباب  
 از اهل نظام و ارباب قلم و بیکر بیکی و کدخدایان بحضور نواب مغزی الیه آمده امور محوله بحدود  
 انجام میدادند و وقت غروب اقباب بنارل خود میرفتند و بعضی از شهاب که کار لازم و امور  
 بوده معر بواستخاقان حاجی میرزا محمد جان دبیر مهمام خارجه و میرزا مصطفی قلی بیگلر بیکر معاطات  
 مملکت آذربایجان و محمد خان میر بیچ بحضور نواب مغزی الیه آمده فیصل میداده اند و هم در  
 ماه مبارک رمضان هنگام عصر با طاق نظام آمده با مور اهل نظام وقت و غوررسی کرده و  
 سان فوج امیریه و پرداختن مواجب آنها مشغول بودند مقرب الخاقان علی قلی خان بیگلر بیکر دار  
 تیر زنده شهاب در محلات گردش می کند و کمال دقت و اهتمام را در نظم شهر و محلات بعمل می آورد  
 از جمله یک شب سخته گردش و سرکشی بنجاریج محله نوبر رفته دیده بود جمعی از الواط در بالا خانه  
 مشرف بکوه چاست بشرب و هرزگی مشغول اند و دو نفر زن فاحشه نیز در میان آنهاست همه را  
 گرفته حبس بجز نواب رکن الدوله آورده و دو سه نفر صاحب منصب نظام و یک نفر توپچی بود آنها  
 در جلوا طاق نظام به پای سبته تازیانه نظامی زدند و دو سه نفر دیگر عیت بودند آنها را نیز تنبیه و تازیانه  
 کامل کرده حکم حبس نمودند ( دیگر نوشته اند چند نفر از الواط در گردش عید نوروز در سر راه  
 قرا ملک به نفر طلبه بر خورده گفته بودند جبه و عبا می خود را با بد مید تا برداشته هر کجا که میرود همراه  
 شما بیائیم طلاب ناچار جبه و عبا می خود را با آنها داده بودند قدری مسرعه آنها رفته بجای خلوتی  
 رسیده بودند یکی از ان طلبه با بقدرت عد منات و حیب داشت الواط ان منات را نیز از  
 او گرفته با عبا و جبه که گرفته بودند برداشته فرار نمودند حضرات طلاب بنزد عالیجا میرزا نصیر که خدا  
 آمده مراتب را تقریر کرده گفتند این الواط قرا ملک عیت تو بستند باید از عهد و سخاوه و اسباب  
 عالیجا مشار الیه نیز در مقام تقص و حجب بر آید آنها را پیدا نمود و پو و معلوم شده بود که قرا ملک

۲۵۶۱

نبوده اند یک نفر سرباز و دو نفر از اجامه و او با شش غیر مشهور بودند و نتوانستند سبب طلب از آنها  
 استرداد و بجا بیاورند (تسلیم نمود) (دیگر نوشته اند صادق نام و بخوارقانی که از جمله سرباز  
 مشهور و بکرات در کتب قتل نفس و شرارت های دیگر شده بود و بقطع الطریق مشغول بوده بود  
 قلاتی نیز سکه میزد و چند وقت پیش ازین دستگیر شده چون از در توبه و انابت در آمد و علی الظاهر  
 تارک اعمال ناشایست گردید و جمعی از مجتهدین و علمای اعلام نیز شفاعت او را نمودند و لهذا او را  
 رکن الدوله او را مخلص نمودند در این اوقات باز در سکو و بخوارقان بنای شرارت و هزلگری  
 گذاشته و االی آن صفحات از دست او عارض و شاک شد و چون معلوم بود که ماقصای شرارت  
 ظری دست از هرزگی برخواستند و داشتند لذا نواب مغزی الیه در خفیة چند نفر غلام را مأمور کرد و بدو  
 اینکه کسی خبردار شود مأمورین علی العقده او را گرفته حسب احکام نواب مغزی الیه در محان میدان سکو  
 عبرة للناظرین بیست و سه نوبت اعمال ناشایست خود را بیانند **خراسان**  
 از قریه که در روزنامه خراسان نوشته اند امور انولات از توجهات اولیای دولت علیه قرین است  
 و انتظام است و امور شهر و محلات ارض اقدس منظم و مضبوط است (نواب اشرف و آقا  
 حاکم السلطنه سلطان مراد میرزا و الی خراسان که باعث گرفتاری و آزار و کوشش سران  
 و اشراک ترکمانیه خراسان مأمور بودند و جماعت ترکمانیه از غریب قضای مهمت نواب مغزی الیه  
 مجبور و مستحضر شده سرس را خالی و از آن حد و در رفع بدسکالی کرده رفته در مر و حصار می شده  
 بودند نواب مغزی الیه نیز آنها را تعاقب کرده با شکر فیروزی اثر مجاهده آنها قیام و اقدام کرد  
 اگر چه با شوکت و صولت لشکر منصوب صفت عجز و استیصال و اثر چفت و استیصال از صفحی احوال  
 و امال آن مخادیل روشن و هویدا بود ولی با استظهار مراتب حصار و شدت سرما و قلت اذوقه  
 قشون ظفر نمون و ضلالت بی شمار چندی پایداری کردند ولی دیدند در برابر شکر قیامت اثر  
 پای ثبات فتردن با مال بسومی یعنی و عناد با مال و محدود و مسکوب جنود ظفر نمودند و خواهند شد  
 خود را از غمات ضلالت و خسران با صل نجات و مغرمان کشیده کردن بر بقعه اطاعت و تقیاد  
 نهادند و از در استیمان و استسلام درآمدند نواب مغزی الیه نیز بقصای مکارم شیم و معانی مهم  
 بگرفتن کردی و حصول الجنان از فدویت و خدمتگذاری آنها از سر تنبیه و سیاست آنها در  
 و وارد دادند که گوی محترم مشهد مقدس بیاورند و بعد ازین از در خدمت و اطاعت در آیند  
 و دلوله توب نیز از آنها گرفته عطف عنان بغیر و زی و اقبال بمقر حکومت خود نموده با عساکر منصور در شام

۲۵۶۲

رمضان المبارک وارد ارض اقدس و مشهد مقدس گردیدند اخبار دول خارج  
 که از روزنامه‌های خارج ترجمه شده نوشته میشود از قراریکه در روزنامه  
 اسلامبول مورخه تاریخ ۱۸ شعبان نوشته اند از کشتیهای بخار قومپایه فرانس که باین  
 و فرانسه آمد و رفت مینمایند یک کشتی بخار از یتبوز نام در محل موسوم بکراسون بسنگ خورده  
 و شکسته و عرق شده و کدارش او را در روزنامه‌های سابق نوشته بودند بموجب این روز  
 که بعد رسیده است کشتی مزبور در ششم ماه سپتامبر و بخانه فرسیاج و بعضی اشیاء  
 تجارتنی حمل نموده از طرابزان حرکت کرده باسلامبول می آمد بجل کراسون که رسید در ساعت  
 نیم ساعت بسنگی که در نقشه ضابطه بود خورده شکست آب شروع کرد بدرون آن آمدن  
 پاشای طرابزان مطلع شده فی الحال از کشتیهای جناب الهامی پاشا که در پیشگاه طرابزان  
 بودند یک کشتی بخار و ستاده سیاحتان کشتی شکسته را با او و اوق پوسته خانه باسلامبول  
 و اشیاء تجارتنی را حاصل سلامت بیرون آورده است (دیگر از قراریکه در روزنامه‌های سابق  
 نوشته بودند در شهر تورین که مقر حکومت دولت ساردنیه است چند نفر اشخاص متقلب دول  
 کاعذنی دولت عثمانیه را که بکناس و قانیه مینامند تقلید کرده قلب زنی نموده بودند سفارت  
 دولت عثمانیه مقیم تورین از کدارش مطلع شده بمعرفت حکومت آنجا فرستاده آنها را باالاه  
 موجوده که در دست داشتند گرفتند و در مقام استکشاف احوال آنها برآمدند و اوق قلب که زده  
 بودند ظاهراً هر شده سه هزار و شصت عدد بکناس که قیمت هر یک دولت فروش و صد و سیصد  
 فروش میشد زده بودند از قرار روزنامه ساردنیه این اشخاص را کارگذاران دولت ساردنیه  
 عثمانیه مقیم تورین نموده اند) (دیگر نوشته اند که از اهل هنر و درایت بودن االی چین مشیج فون  
 بدون چین و هند از مسائل مسلم است ولی بجهت عدم اختلاط و آمیزش اهل فرنگستان با اهل چین  
 بدرجات کسب فنون متنوعه اهل چین تاکنون درست مستحضر نشده و کسب اطلاع نموده بودند در این  
 اوقات از االی کشتیهای انگلیس که در کانتان چین کن و با االی آنجا اختلاط و آمیزش کرده  
 معطوماتی که نموده اند این است که هنروران چین در چهار هزار سال قبل ازین کره ارض را آنگاه  
 بر اصول و بیانات جدید کشف و تحقیق و صنعت قات و تعمیق را تحصیل نموده و سه هزار سال قبل  
 علم کشتی راندن در دریایار پیدا کرده اند و دو هزار و پانصد سال قبل ازین به انحنای کره ارض که  
 باین قطب شمال و جنوب است کسب اطلاع نموده اند و در این اثنا توپ و تفنگ بار و طرا اختراع

کرده اند و با نفوس در چین اوراق و تاریخ شش هزار سال قبل ازین موجود است (در روزنامه  
 یونان نوشته اند که مانند اینکه چهارده سال قبل ازین باران سرخی در یونانستان بارید  
 این اوقات نیز در ششم شعبان در جزیره موریه زلزله وقوع یافته زمین حرکت شدید نمود  
 و در آن بین باران سرخ شروع باریدن کرد و تا مدتی باران سرخ میبارید) (از قراریکه در  
 روزنامه فرانس نوشته اند چنانچه اغلب دولتها نفوس موجوده تحت حکومت خود را سرشماری  
 کرده اند درین اوقات نفوس موجوده نفوس شهر پاریس که پای تحت فرانسه است از جانب  
 دولت فرانسه سرشماری شده سه کرو و صد و هفتاد و چهار هزار کس ذکر و اناث لطیف  
 آمده اند و از اینها هفتاد هزار کس فقیر و بی چیز هستند که در درجه سئوال میباشند) (بجمله  
 پیش آمدن و ترقی کردن صنایع در فرنگستان از باب صنایع و ایما تصنیفات و تصرف  
 تدبیر خود را بیکدیگر نظا هر میت زند از جمله در روزنامه فلنک نوشته اند که استادان کارخان  
 کاغذ سازی فلنک انواع کاغذها که از قشام بسیار ساخته بودند در این اوقات در عماری  
 وضع نمودند که مردم آمده تماشا نمایند و از صد و هفتاد و چهار نوع اشیاء کاغذی  
 بودند) (دیگر نوشته اند از سینی نام سر کرده آن شخص که قصد علیحضرت امیرطور فرانس را کرد  
 بعد از آنکه دستگیر دولت فرانسه شده بقتل رسید بجهت اینا بودنش بعضی از امانی اینا  
 از فوت او اظهار تاسف و ملالت میکردند در این اوقات خیلی اشخاص از امانی هر قومه  
 درین باب اتفاق کرده و تقزیه داری او را بر ملا نموده و لباس سیاه پوشیده اند و در  
 باس او پولها بدل کرده اند حتی در شهر میلان که مقر ایالت لو مبار دیاست اکثر صنایع خود  
 و کاکین خود را بسته و اظهار عز و تاسف و ترک اختلاط کرده اند و زنان شهر فرور صورت آینه  
 ترسیم کرده بجهت افتخار آویزه کردن خود نموده اند اعلانات دیوان حضرت بیان حان ثانی  
 حکیم قاضی را با محتجات غزلیات میرزا عباس فروغی نواب شاهزاده ازاده جلال الدین میرزا در یک  
 جمع و تصحیح و لغات آنرا در حواشی توضیح نموده و چاپ کرده اند در سبز میدان در دکان حاجی محمد  
 بلور فردش فروخته میشود هر نسخه چهار تومان قیمت کتاب و ده سی حق السعی حاج مشا رالیه است) (چندین  
 خیمه سفری و فرش و منقوش و قالیچه و تخت و صندلی و ملبوس و کتب و غیره در یوم جمعه ۱۱ سوال  
 در محله بازار در منزل خان کوچی صاحب فارسی که مابین سفارت خانه دولت بهیمه نکلیس و مسجد حاج  
 صفر علی واقع است مزاج میشود کس طالب باد در روز مرقوم بقریب ظهر با نجا برود

۲۵۶۴

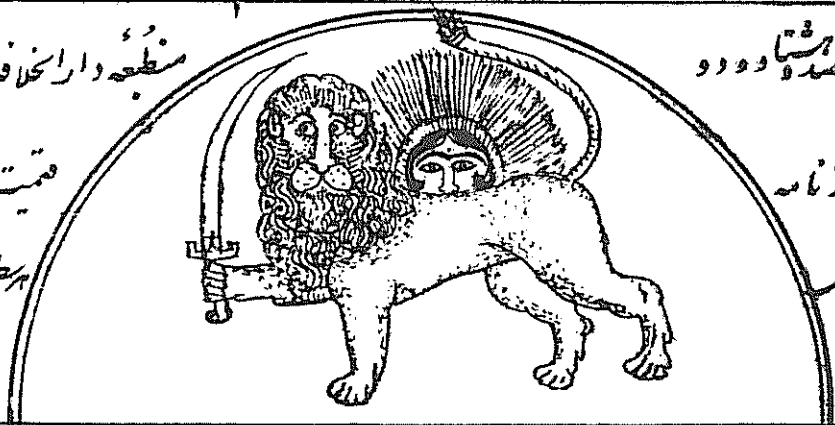
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه و بیستم شوال المکرم مطابق بیست و یکم

تره سید و دو

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
هر خط در هر شماره

قیمت روزنامه  
هر نسخه در هر شماره



اخبار واحداثیه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون ثواب اشرف و الارکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان در تنظیم و تنسیق امور مملکتی و مقید بکار  
دو قلمی و تحصیل موقوفات اعیان و اسودگی عیث مملکت آذربایجان تقدیم ایتمات کافی نموده در رسم کفایت  
ساخته بود از جانبش ایجاب تقدیس تالیون اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و شوکت با اعطای  
یک قطعه از مرتبه اول امیرتومانان و یک رشته جامین سبز و قرمز که مخصوص آن درجه و بکبرای تومان علاء و همواره  
سرافرازند و فرزند مبارک شرف صدویافت (چون موتمن سلطان مقرب انجاقان میرزا فضل الله سید  
و غیر نظام در اموریت مملکت آذربایجان خدمات شایسته نمایان تقدیم کرده علاء و همواره نظام مهات کتبه مملکت  
نظم قشون و سرحدات در وصول و ایصال بقایای ایالت دیوان و توفیر موقوفات میزان مساعی مشکوره مجاهد  
موقوفه مرعی داشته محاسن خدمت و کفایت و کاروانی خود را بطور اکل و حسن بطور رسانیده بود لکن برای  
مزید مغفرت و امیدواری او مواری یک قطعه نشان از مرتبه اول امیرتومانان و یک رشته جامین سبز و قرمز و یک شویب  
ترمه شمشیر مرصع که از تشریفات مخصوصه خاصان دربار گرد و نندارها بول است محبت شده از رکاب سبط  
مرخص گردید که معاودت با آذربایجان نموده مشغول انتظام امورات آنجا باشد) (چون مقرب انجاقان  
میرزا مصطفی قلی مستوفی دیوان و پیشکار محاسبات آذربایجان در انجام خدمات خود بنحویه متفجع و تصحیح  
دو وصول و ایصال بقایای ایالت خدمات شایسته بطور رسانیده بود یک قطعه نشان از مرتبه اول امیرتومانان  
یک رشته جامین قرمز و یک شویب ترمه برای مزید مغفرت و امیدواری او محبت و عنایت گردید) (چون  
علیجا مقرب انجاقان مجسودخان در دربار گرد و نندار مشغول خدمتاری دیوان اعلی و انما رکفایت و کاروانی

۲۵۶۵

از ناصیه حاش پیداهوید بود از جانب سنی بجانب همایون منصب سیرسی سرافراز شده فرمان مبارک  
 شرف صد دریافت و بکثرت چته ترمه برسم خلعت مرحمت شد (چون مقرّب الخاقان بین الملک  
 همواره اوقات در نظام دارالظناره و صرف شام و نهار اقدس همایون کمال مراقبت را بعل آورده و محظ  
 اقدس ملوکانه را از حسن خدمات خود خرسند داره خصوصاً در لیالی ماه مبارک رمضان که در افطار و سحر  
 مراقب و مواظب خدمتگذاری بود و لهذا درین اوقات بکثرت چته ترمه کشیری از مجلس خاص بدن مبارک  
 حق تقرّب الخاقان مشارالیه از جانب سنی بجانب اقدس ملوکانه خلعت مرحمت گردید) (چون برقا  
 حال و ذاعت بال کافه خلایق که بهین و دین حضرت خاتمه همواره منظور نظر اعلیحضرت قوی شوکت شایسته  
 خلد الله ملکه و سلطانه است و برای قاطبه موطنین دارالسلطنه تبریکه سواد اعظم است اغلب اوقات  
 تسیر مان عسرت حاصل بود و صنف جناب بواسطه جمع دیوانی که داشتند سایر مردم را از رفوختن مان خان  
 مانعت میکردند و این معنی مزید عقلت میشد لهذا محض رفت از جانب سنی بجانب همایون فرمان جهان مطاع  
 صد دریافت که من بعد صنف جناب از مالیات و متوجّهات دیوانی معاف بوده حکام حال و استقبال از بجا  
 از آنها مطالبه مالیات نمایند تا موجب فایده ای تبریز باشد و هر کس بخواهد مان پنجه برده در بازار نبرد و شد  
 (چون در ارض راه آذربایجان از غنمه تا تبریز پاره از فقر و ضعف که بامراض مزمنه منصب العلاج گرفتار و مجذوم  
 شده اند و از آباوی آنها را بیرون نموده اند و آنها خانه ساخته و بکندی و سسوال معاش بینایند مراتب  
 مبارک معروض افاده حسب الامر قدر اولیای دولت علیه مقدار دولت خوارکنند بصیغه مستمری  
 بنیچین

۲۵۶۶

از بابت آذربایجان در باب خدمت

در حق آنها رحمت و برقرار فرمودند که با شرفین دیوانی همسایه با آنها قسمت نموده عاید سازند که موجب رفاه  
 حال آنها شده بدعای دوام دولت جاویدایت اشتغال نمایند (چون انتظام امور عساکر نصرت تاثر الا  
 امور دولت علیه و اهم مهم شوکت سینه است و از قراریکه بعض اولیای دولت علیه رسید روپوش  
 و سرسنگان و صاحب منصبان افواج قاهر بعد از مراجعت از اسفار و مرضی خانه پاره از سر بازان را که در آنها  
 مشق کرده و از قواعد نظام بلدیّت حاصل نموده و در موزجنگ یاد گرفته اند برای جلب نفع خود اخراج کرده  
 آنها سر باز جدید میگیرند و حین احضار و هنگام مشق چون از قواعد نظامی ربطی ندارند بکار خدمت می آیند  
 بهی است هر سر بازی تا وقتی که از مشق و رسوم جنگ و نظام ربطی حاصل کند لا اقل یکصد تومان از  
 دولت باید خرج او شود از این قرار در هر سفری از هر فوجی دولت و سیصد نفری تبدیل شود خسارت  
 ضرر آن برای دولت چه قدر خواهد بود و لهذا حسب الامر قدر مقرر است که رؤسا و صاحب منصبان



افواج اذن ندارند بدون عرض با ولیای دولت علیه بکنف سر باز اخراج و تبدیل نمایند چنانچه بر ما  
اگر متوقفا و مقبول بهم برسد صورت اسامی آنها را بنظر اولیای دولت علیه برسانند و حکم صادر  
در عوض آنها سر باز رشید کار آمد پا دار بگیرند و در وقت احضار سر باز جدید را در راه در حضور  
دولت سان بدین و در افواج اگر پیرو سن و محبوب و زهدار و مریض پیدا شوند که کار خدمت از آنها  
نیاید آنها را هم بجنور اولیای دولت آورده عرض نمایند و حکم اخراجی صادر کنند بعد عوض آنها را هم گرفته  
داخل فرج کنند اگر بخلاف این حکم رفتار نمایند مورد سخط و سیات ملوکانه خواهند شد از جمله افواج  
آذربایجان که رشیدترین افواج قاهر هستند باید رؤسا و صاحب مضبان افواج مزبوره در غیاب کمال  
اهتمام را بصل آورده متخلف نوزند از آنجا که مؤمن سلطان مقرب اخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام  
بوفور صداقت و دو تقوایی در خاکهای مبارک معروف و موصوف است و برات کفایت کار دارد  
او و ثوق کامل دارند حسب الامر مخص و ما ذلک انت از سر باز ان افواج آذربایجان هر یک را که پیرو  
بیمصرف بدانند اخراج کرده در عوض آنها سر باز رشید پا دار بگیرند (چون انتظام امر بده و تیرز  
همواره منظور نظر اولیای دولت قاهره بود لهذا مقرب انحصاره العلیه میرزا فضل الله نایب  
باشی که بوفور کفایت و کار دانی و حسن سلوک موصوف و معروف بود و منصب پیکر پیکی گری تیرز برقرار و لقب عالی  
نموده خلعت فرمان مبارک مرحمت شد که از کابل بون مخص و روانه تیرز شود) (از قرار که بعض اولیای دولت  
رسید غلامان لطمی و دو عواده توپ و تفنگی ببر کردی عالیجا محمد باقر خان پسر امیر الامراء امیر آقاسی باشی که بیده مؤمن  
که زوار و قواض و متر دین را بدرقه شده از بطام بزمیان برسانند در این روزها مقرب اخاقان حاجی قوام الملک  
سایر زوار که بزیمارت ارض اقدس میرفتند از بطام بزمیان رسانده مراجعت نموده بودند اتفاقا ما بزمیان  
و میاندشت بسید سوار ترکان که بلوک بیار چند راتناخته و مال و اسیر زیاد پیش کرده میردند بر خورده بجا  
محمد باقر خان با تفنگچی سواره و پیاده و دو عواده توپ سواره ترکان را تعاقب کرده بقدرشت فرسخ خورد  
کرده تا بر چشمه مشهور بچهور چشمه رسیده بودند ترکانان تاب مقاومت نیاورده پنج نفر از آنها  
دشت نفر دستگیر شده با بقی دست از مال و اسیری که میردند برداشته بزمیت را غنیمت  
فراری شده بودند و مامورین مال و اسیر را تماماً بر گردانده چون راه دراز برد و خورده پیچیده  
بسیار کشیده بودند و ترکانان نیز بعد از آنکه دست از مال و اسیر برداشته جرییده و سبک بار  
فرار نمودند چندان فایده در تعاقب آنها متصور نبود لهذا مامورین نیز دست از تعاقب آنها برداشته  
مراجعت نموده مال و اسیر با جمندی را سالما آورد و جبا نشان تسلیم کرده اند

۲۵۶۷

### اذربایجان

از فرار یکم از خوی نوشته بودند امور انولایت اترس مراقبت و اهتمام نواب والا محمد رحیم میرزا حکم  
 خوی و سلماس قرین نظام کامل است و خود بنفس با مور رعایا و برابا و نظم شهر و محلات و طرق و  
 شوارع و انضباط سرحدات رسیدگی می نمایند و کما شکان و مانورین نیز نظر کمال مهربانیت نواب  
 معزی الیه بچیک از خدمات مرچونه خود تغافل ندارند (دیگر نوشته اند حجاج بیت الله الحرام  
 از انالی عراق و اذربایجان جمع شده بودند از شازده هم شهر شعبان المعظم شروع به بیرون رفتن از خوی  
 نمودند و الی نوزدهم شهر نوزدهم قافا از خوی بیرون رفته از راه ارزنة المردم عازم مکه معظمه گردیدند  
 (دیگر نوشته اند که از اول ماه شعبان تا بعد از انقضای مئی از عهد نوزدهم بارندگی در انولایت می شد  
 و بعد از ان چندی در اصل فصل و موسم که موقع باران بود قطع گردیده و مردم فی احوال و تسویش افتاده  
 بودند تا اینکه از تفضلات باری تعالی در ستم شهر نوزدهم حجت مترکم شده و دو شبانه روز  
 بارندگی کامل شده تسویش مردم رفع گردید) (دیگر نوشته اند که شخصی در خوی در جزو بنای  
 از خانه های مردم که آشته و بهر خانه بهمانه درآمده بقدر مقدور از خودت و مسینه آلات هر چه بد  
 می آمد صاحب خانه را غافل کرده قهرت نمود و مدتی غلش محلی بود تا این اوقات در سرفت و سرقت  
 بخصوص نواب محمد رحیم میرزا آوردند چینی از اسباب مسروق مردم که پرور و زردیده و موجود بود  
 زانوستر و دو بصاحبش تسلیم شده او را تنبیه و سیاست نمودند) (دیگر نوشته اند که مراد علی  
 شاهسون را که بقطع طرق مشغول بود نواب خطاب بنزاده چشم و الابار رکن الدوله لعلیه حکمران مملکت اذربایجان  
 نواب محمد رحیم میرزا نوشته بودند که مشار الیه را بدست آورده روانه تبریز نمایند نواب معزی الیه خود  
 علی القله سوار شده و سلماس زفته او را دستگیر نموده همچو ساجدی آوردند که روانه تبریز نمایند) (دیگر  
 دیگر از رومی نوشته اند که نواب والا اکبر میرزا حکم انولایت در نظم امور آنجا و رفاه حال رعایا و دفع  
 سرفت و شرارت اتهامات وافی بعلم می آوردند و سرفت بندرت اتفاق می افتد و اگر مالی بسرفت بود  
 باهتلام نواب معزی الیه پیشه بصاحبش تسلیم میکرد و از جمله ملا جعفر نام بر آرشب فراموش کرده و در  
 دکان خود را بسته بود از فرار برتر مشار الیه بقدریکصد تومان اجناس او را شب از دکان برده بودند  
 نواب معزی الیه داروغه را احضار کرده و قدغن نمودند که یاده روزه اجناس مسروق را پیدا کرده  
 بصاحبش تسلیم نماید یا خود از عهد برآید و مشار الیه نیز در تحقق و سنجو بوده است که سارقین را بدست  
 بیاورد و هنوز بدست نیامده بودند

۲۵۶۸

### عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا شاهرخ خان  
 حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری که بجهت انتظام امور عربستان بمبت  
 و در فوکل حرکت نموده بودند امور الصغیرات را بخرنجره وقت و رسیدگی نموده و در باب  
 مواد نظم کامل چنانچه باید داده اند بعد از ورود بوشهر مقرب الخاقان حاجی جابر خان سرخ  
 بجهت رسیدگی بامور محاسبات سینه ماضیه و قرار کار و دستور العمل بده سینه بوشهر  
 نمودند و تا فرغت مقرب الخاقان شاهزاده را از امور محوله بجز در بعضی مجمره آقا سید سمعیل محمد  
 نواب معزی الیه که آدمی کافی و کار دان بود حسب حکم نواب معزی الیه بامور مجمره گردید که امور  
 انولایت را منظم داشته و سان نوکران نیز بید مشا را الیه نیز حسب مأموریت خود  
 از ورود بآنجا کارهای آنجا را منظم داده و سان نوکر بلوچ و عرب خلوا آنجا را بدقت دیده صورت  
 سان آنها را بزرگ نواب معزی الیه فرستاد که بجهت اولیای دولت علیه روانه نماید و در سر  
 و مکانها چه از طرف عربستان و چه از طرف شط العرب و غیره همه جا مستحفظ و قراول گذاشته  
 و مشغول انجام خدمات محوله بجا آورده اند و نواب معزی الیه در وقت شوشتر اولابامور  
 مقرب الخاقان حاجی جابر خان میرنج و شیخ اشجق شیخ فارس خان حاکم حبیب و شیخ محمد  
 حاکم مجمره رسیدگی نموده و قرار کار آنها را داده و همه را با عطای شل و جبهه سیری و کرمانی  
 و شمیره و غیره و پیران و منوبان آنها و بعضی از غره و اجله انولایت را با عطای علاوه موب  
 مستمری خوشنود و بوظیف اولیای دولت علیه امیدوار ساخته مقضی المرام بجان مأموریت و  
 حکومت خودشان مراحت دادند و بعد از آن بامور شوشتر و در فوکل رسیدگی نموده عمال  
 و مباشرین آنجا را خواسته و قرار کار و دستور العمل هر یک را تحریر و تقریر داده سفارشات  
 بلیعه نمایی بر رعایت رعایا و رعایا و رعایا در حال آنها نموده و در باب آبادی ولایت و حفر آنها و غیر  
 اهتمامات آئیده نموده چنانچه در ایام توقف خود بر آثوبق آنها فرستاده بکل خاطر ناخوشی قلبه ابار و  
 انکورا و مردم لباجان باغها دادند که غرس نمایند با بجهت بعد از قرار کارهای شوشتر عمال و مباشرین  
 آنجا را نیز بیکان یکان منقطع نموده شل و جبهه و شمیره اعطا کرده و از امور آنجا فایده حاصل نموده از  
 شوشتر بمبت و در فوکل حرکت کرده و از در فوکل شدند و چند روز در فوکل برای قرار کار  
 و مستحفظ طرق و شوارع آنجا توقف داشته بعد از آن بمبت لرستان حرکت فرمودند

۲۵۶۹

اجبار دول خارجی که از روزهای خارجی ترجمه شده و نوشته شود  
از نتیجی این ایقالات و آنه که در یکی دنیا ساکن است بعد از قتل و اعدام او پسینی نام که قصد اعلیحضرت  
امپراطور فرانسه را نموده بود در یکی دنیا عقد انجمن مشورت نموده و بجهت ترفیع نام او پسینی مزبور با  
موزیکان در درون مملکت گردش کرده و شبها افشنگ می انداختند و از جانب مجتمعه جمهوی  
اصلا مامعت آنها را کرده اند (دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند در نهروا و اطرافهای آنجا  
دایما ماسی صید می نمایند و ماهی در آنجا با بد ترجمه کم نیایی رسیده از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه  
اعلان شد بود که هر کس تدبیری در از دیاد ماهی نماید با امتیازات مخصوصه از دولت  
خواهد شد در این اوقات شخصی قطعه نام از نهر مندان فرانسه تدبیری کرده است که از تخم ماهی  
بدون تولید از ماهی حاصل می نماید و اثبات مدعای خود را نموده این تدبیر او بسیار شایان  
دستخدا شده و او را اگر آما بیاشتری دار القنون مضمون نموده اند و اعلیحضرت امپراطور خود  
بدر القنون برده و القنات زیاد مبارک لیه نموده اند) (از فرار روزنامه شهر استودغاد  
که مفر حکومت ملکبورت است اکثر اهالی فرنگستان قبل از وفات خود وصیتهایی که بنحاطر کسی  
نماند که بعد از فوتشان مجری شود چنانچه چند وقت پیش ازین در فرانسه شخصی وصیت کرده بود  
که بعد از فوتش هفتصد یکصد صاحب طرب در سر هزار اورقه ساز بزبند و جنلی وجه نقد از مال خود  
بجهت مصارف این کار وقف کرده بود درین اوقات نیز در شهر استودغاد شخصی از ارباب ثبات  
و سامان در یک بقیه بعضی چیزها گذاشته و سرش را مهر کرده و بزند و قحانه ملتی سپرده وصیت کرده بود  
که بعد از فوتش از زنهای شهر استودغاد هر زنی که از همه خوش کل تر باشد آن بقیه را با و بزند  
بعد از فوت او سوان آن شهر هم بجهت گرفتن آن بقیه و هم بجهت شهرت و افتخار در حسن و ملاحت  
پانصد نفر جمع شده هر یک تمنا نمود که بقیه مزبور با و داده شود و بجهت تشخیص دادن آنها که کدام یک  
از همه خوش کل تر است تا بقیه را با و بدهند دولت ملکبورت یک قومیون ترتیب داده است  
(از فرار روزنامه یکی دنیا مالک مجتمعه یکی دنیا منبع تجارت است و از ارباب ثبات و افتخار  
دولت و بیت و هفت هزار نفر تاجر در آنجا هستند چند وقت پیش ازین که ورشکستگی و ناامنی با این  
تجارت یکی دنیا ظهور کرده بود و دول و کمستان نیز سرایت کردش هزار کس از تجاری یکی دنیا انظار  
نموده بودند و متجاوز از هزار دپانصد میان فراتی که سه هزار کس و فراتی باشد خلق متضرر شدند بعد  
شد که ازین شش هزار کس مقصد و چهل و یک نفر از راه خدمت و حلیه انظار افلاس کرده اند و ضرر آنها

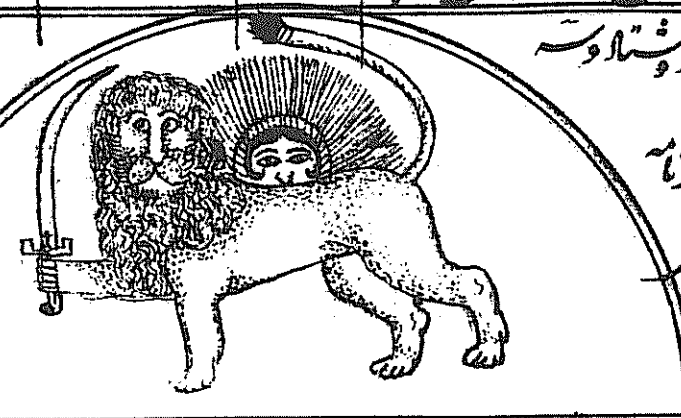
۲۵۷۰

از جانب مجتمعه یکی دنیا نادیه شد است (دیگر نوشته اند که از جانب دولت فرانسه در بعضی  
 حالک اسوچره قونول است در این اوقات دولت فرانسه اراده کرده بود که در شهرهای بال و  
 نیز دو نفر قونول بگذارد و جمهوری اسوچره امیتی را قبول کرده و جواب داده بودند که بودن قونول از  
 زمان درین دو شهر موقوفی ندارد بجهت این جواب از جانب دولت فرانسه تقریر رسمی جمهوری اسوچره  
 ارسال شد است باین مضمون که اگر جمهوری اسوچره بودن قونول فرانسه را درین دو شهر  
 قبول نمایند قونول و مأمورین اسوچره که در فرانسه مستند باشی پورت معاودت آنها بمانند  
 خودشان از جانب دولت فرانسه داده خواهد شد) (دیگر نوشته اند که بعد از مصاحبه عمومی  
 اغلب دولتهای فرانسه حکم کرده اند از مردم خودشان را استبداداً از سگ عکریه اخراج کرده  
 از جمله دولت فرانسه نیز بعضی از عساکر برتیه و سخریه خود را نامتدی معین مرحض و بادطان خود  
 ارسال نمود از قرار روزنامه های فرانسه که در این اوقات رسیده است دولت فرانسه حکم  
 این عساکر اخراجی را موقوف نموده از عساکر سخریه که اخراج کرده بود مجدداً داخل قشون نمودن آنها  
 حکم کرده و بزاید نمودن قوه سخریه خود مبادرت نموده از اینها که موقتاً اخراج کرده بود از دست  
 چپ را اعلان کرده است که داخل قشون سخریه نمایند) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود  
 که در ایام چهارم و پنجم قبل ازین ما بین المالی فرانسه بعضی نزاع و جدال وقوع یافته و دو فرقه شد  
 با هم جنگ کردند لغزاتو نام شخصی که بزرگ یک فرقه بود در جنگ سیر شده بجهت اینکه از قتل او صرف  
 نظر شود الا که و اراضی خود را بجانان دولت فرانسه و گذاشته بود و قایم جان خود نمود مشروط باین  
 بعد از انقضای مدت چهارم سال با ولاد و اخفا و آوردن نمایند بعد از آن در املاک و اراضی مروری  
 شهرها ساخته شده و منقسم به بیجه ایالت گردید در این اوقات که مدت چهارم سال منقضی گردید  
 بقدر صد و پنجاه خانوار مدعی اولاد بودن لغزاتو شده از دولت فرانسه مطالبه املاک در آن  
 مرقوم را نمودند و دولت فرانسه توفیق و تحقیقات لازم نموده در محاکم که حرف این اشخاص بقیه  
 بعد از آن از جانب دولت بسنداتی که در دست آنها بود رجوع شده معلوم شد که اسناد آنها کلاماً  
 و بی اصل است از آنها تحقیق کردند که این اسناد ساختگی کار که باشد مذکور داشته بودند که باستین  
 از این بلیغاً آنها را توفیق کرده و این اسناد را ساخته و با آنها داده و خیلی وجه در زای این کار از  
 آنها گرفته است فی الحال فرستاده او را آوردند و از خود او تحقیق نمودند مجال انکار نداشت و فرمودند  
 که این اسناد ساخته و پرداخته است و چون اتی که این اشخاص گرفته بود از دست او بجا جانش

تسلیم کرده و از جانب دولت فرانسه از قراریکه در روزنامه فرانس نوشته شد تا مدت پنج سال  
 حکم تجسس او گردیده و او را محبوس نمودند (از جمله رفقای او رستنی که قصداً علیحضرت امیر اطوار  
 فرانسه را گردن زد یکی هم پیری نام بود که او را هم قتل رسانیدند و قبیله مشارالیه را بیست کا  
 آورده بودند گفته بود که اگر دولت فرانسه از قتل من صرف نظر نماید و جسس من بگردد منشا رنج  
 این فساد را بروز میدهم و خیلی معلومات نافه بیان خواهم نمود ولی بملاحظه اینکه این شخص در حالت  
 مانوس و گرفتاری البته دروغ هم بسیار خواهد گفت و مکانی که بدخلیت درین فساد داشته اند  
 اقرار خواهد بست لهذا درخواست استماع شد البته بقتلش آورده اند (و چپمن از رفقای او پیری  
 شخصی بهیچ نام از تبعه دولت انگلیس معلوم شد درین فساد بدخلیت داشته و در دولت ساروینیه فساد  
 و شرارت و عقد انجمن مشورت می نمود و قال دولت ساروینیه که بعد از وقوع قصیده علیحضرت امیر  
 فرانسه قوانین تاؤدیب است خود را مانند اغلب دولتها فرنگستان تخیر و تشدید داده است  
 بوزار کنگاش و اراده بهیچ نام مطلع شده بنا بقانون موضوعه خود فی الحال فرستاده او را بدین  
 بعد از آن دولت فرانسه منجر شده فرستاده او را از دولت ساروینیه مطالبه نمود از قرار روزنامه  
 چون بموجب تبلیغات و جواب دستوالی که مابین دولتین فرانسه و انگلیس در باب اخذ تئیه است  
 این مقصرین شد بجز از جانب وکلای دولت انگلیس بعد از متفق شدن رای وکلای ملت و دولت  
 حسب آنچه دولت فرانسه روی موافقت ظاهراً شده قرار دادند که مقصرین مزبور کائنات من کان  
 در هر کجا باشد تسلیم دولت فرانسه شوند لهذا دولت ساروینیه نیز این شخص را تسلیم دولت فرانسه  
 (دیگر از قرار روزنامه پرستیه که سابقاً نوشته بودند قال دولت پرستیه بجهت علیل و غیر  
 بودش نواب پرس را که ولعهد اوست ببد معینی در برلین مقبر حکومت پرستیه بجا می نماید  
 انصب نمود و بعد از انقضای آن مدت چون بحالت صحت نیامده بود مدتی دیگر بجا می نماید متعاقباً نواب  
 مغری الیه معین نمود و آن مدت هم منقضی شده باز مدتی دیگر او را قرار روزنامه پرستیه  
 رسیده است بموجب تشخیص و حکم اطباء مشولیت قال مشارالیه اداره حکمرانی با این حالت ناحوشی  
 مزاج او محرز و از آنیکه زیاده پرسن شده و بحالت صحت آیدش نیز مشکل است و البتاً نیز اسلوب  
 از مشولیت او حکمرانی مخالفت کرده اند لهذا قال مشارالیه از اداره زمام حکمرانی دولت  
 بخلی گفته نموده و قرار است دولت مزبور را من حیث الاستقلال بنواب پرس مغری  
 و اکدار مینماید

۲۵۷۲

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور سال ۱۲۷۳

منطبعه دارالخلافه طهران		نزهتستان
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
هر سطر در هر خط		بر نیمه

## اخبار واحسنه ممالک روسیه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

چون در خبر بدیهه اخبار اسلامبول از روی روزنامه غلطه نوشته بودند که برودت و کدورتی که سابقاً باین دو تن فخرتین ایران و انگلیس مؤدی بنا رفته و جنگ و جدال و بدافعه و قتال شده و بعد بحسن اتمام اولیای دولتین و مرافقت آرا بر طرفین بموجب معاهده جدید مندرج الصبح و صفاً مبدل شده بود این روز با زبیب عدم ملاحظه بعضی شروط آن از طرف کارکنان ایران دولت علیّه ایران و رعایت نمودن مواادیکه و خطبه و مداخله و تصرف ایشان به لاش و جوین بن الد و لتین ساری آثار برودت ظهور نموده است علی هذا العنوان بیان حقیقت و مشکف ساختن عدم وقوع این کیفیت فقرات آیه مبادرت میشود که فقره برودت ثانوی از اول تا آخر خلاف واقع و بی اصل است اینطرف ابد ادعای خطبه و سکه در هر آن شده و لاش و جوین با وجود اینکه جزو قانیات است و داخل ممالک افغان نیست باز با شریک قدیم و گذار شده است و جناب جلالت ماب سترموره وزیر مختار و ایچی مخصوص دولت بهیبه انگلیس هم در بار دولت علیّه ایران نیز مراتب رضامندی خاطر دولت مبلوغه خود و اجرای فقرات عهدنامه صلح را مکتوباً اظهار داشته است بجهت اثبات صدق این معنی بین کفایت میکند که اولیای دولت علیّه ایران محض تخمین و تشبیه و سنی و اتحاد دولت انگلیس از زمان صلح سالک افغان که همیشه در تحت تصرف حق پادشاهان صفویّه انار الله بر ما نهم بوده و در انار الله نادر شاه مغفور بر وفق معاهده مجدداً با محمد شاه پادشاه متقل مندرستان تا گید اللاتی ممالک محروسه ایران صمیمه و لاحق گردیده بود صرف نظر نموده بخودشان و اگه اشتد و از هر آن که

۲۵۷۳

پای تخت قدیم خراسان و کلیه حقوق و بخارا و ممالک ترکستان بود و اقل منفعت نگا هر از این بخارا  
 سه راه تطاول و چپاول طوایف ترکمان و سهو ضبط عنان تهور و ترویشان و آسودگی  
 و متردین ممالک خراسان بود صرف نظر نموده بعد از استیلاء تسلط کافی تحکیم و ملاحظه مرید استقامت  
 و دوستی قدیم این دولت تویم سبب کثیره خود را از انجا بخراسان نقل کرده گفت بدینود پس از قبول  
 اینچنین فقرات معظمه و محافظت و رعایت لوازم دوستی دولت فخریه انجلس در سیکونه مواد عمده چگونگی  
 مستقر میشود که اولیای دولت علیه پائی برخی خبری باشد در تحمیل شروط طاصاحه خود داری و این  
 داشته در اجراء امری که بلحاظ دوستی دولت فخریه انجلس خود صلاح و صواب دیده اند لعل و احوال  
 باشند تا چه رسد باینکه مقام ترتیب سبب برودت مجدد آینه کسی که باعث نشر و طبع اینگونه فقرات  
 بی اصل منطبقه در غلطه شده است بالتحقیق از حقیقت بی خبر دیاطالب شور و شروید خواهد دیدون فخریه  
 (جناب فضایل باب قایمیر از ایشم که چندیت در دربار تاجون اقامت دارد در این اوقات  
 موقفا اذن مرخصی حاصل نمود که چندی رفته در تبریز بخانه و عمال خود سرگشی نموده معاودت بدین  
 جامه ان نماید) و همچنین مقرب انخاقان جعفر قلیخان قراجه داعی میرمنجه که بعد از معاودت از کرمان در  
 دار انخاقان و متوقف بود با اتفاق جناب مؤتمن سلطان مقرب انخاقان وزیر نظام و غیره روانه آمدند بخان  
 شد) چون عالیجا همسر انصیر که خدا با شکی سابق بریز در انجام خدمات تجوله بخود آثار کفایت ظاهر شده  
 بود لهذا درین اوقات حسب الاشاره العلیه اولیای دولت قاهره او را بمنصب مستوفی گری اوزربا  
 بوجوب فرمان هر لمعان سرفراز فرمودند) و همچنین نظر به ایشمکی عالیجا همسر مسعود سپر حاجی  
 میرزا کاظم تبریزی درین اوقات بکده خدائی محله نوبر تبریز سرفراز گردید) (چون انظام امر نظام  
 شاهسون شکین لازم بود نظر بطهور مرآت ایشمکی و وفور قابلیت عالیجا عزت و سعادت همسر او را بمنصب  
 شاهسون شکین سرفراز شده خلف و فرمان مبارک مرحمت شد) (امیر الامراء العظام مقرب انخاقان  
 امیر اصلاخان عمید الملک حکمران دار المرزکیان که موقفا در بار تاجون احضار شده روز شنبه یازدهم  
 وارد شده بعد از شرفیابی خدمت جناب امجد ارفع اشرف دام مجده العالی جناب جلالتاب نظام الملک  
 شرف استان بوسی اعلیحضرت آقا حسن تاجون شاهنشاهی ابد الملک و سلطانه فایز و شرف کشته مورد  
 و لوازشات ملوکانه گشت) (جناب جلالت نصاب سبواچکوف که سابقا از جناب دولت بریده  
 درین دربار ابد و مرآت منصب شرف و فخری اقامت داشت و یکسال متجا وزارت دربار دولت مستوعه  
 خود رفته بود از فرار اجبار دولتی که باطلاع اولیای این دولت علیه رسید بمنصب وزیر مختاری و پیچی گری

۲۵۷۴



مخصوصاً مورد بار دولت علیّه شده از دار السلطنه بطرز بوع در شرف غنیمت بوده است اولیای  
دولت علیّه مقتضای مودت حاصله بین الدولین در بیته تعیین همانندار بارته و شان و تمهید اسباب  
پذیرائی جناب سزای الیه میباشد (و همچنین جناب مجدت و نبالت سمره امیر سیولا غوفکی که در  
غیاث جناب سیراچکوف منصب شازده فری موقتی در دار الخلافه مقیم بود و در مدت اقامت خود  
باقتضای برستی و یکی فطرتی که داشت اولیای دولت علیّه را در مراسم خیرخواهی جانین هم صلاح  
ذات البین از خود راضی و خوشو میداشت این اوقات از جانب دولت متبوعه خود منصب قنصل  
جنرالی مصر نامزد و منصوب آمده است روانه است روز پنجم این ماه بعد از طاقات و تودیع با جناب  
اشرف امجد ارفع صدر اعظم دام مجده العالی شرف حضور با بهر التور اقدس به ایون علی حضرت  
شاهی ابدالله سلطنه مشرف گشته مورد تفعّات لوبکانه گردید و نیز چون بسبب مودت و صفائی  
که مابین دو دولت برقرار است اظهار محبتی نسبت بسفیر اندولت لازم میسرود لکن از یک زوج  
سپار ممتاز اعلی از جانب سنی اجواب به ایون در وجه جناب مشارالیه محبت و عنایت شده  
جناب سیراچکوفکی جناب مجدت سمره امیر بیکر که نایب اول آن سفارت بود از جانب  
دولت خود بصفت شازده فری موقتی نامشکام ورود جناب جلالت لصاب سیراچکوف وزیر  
مختار اندولت در خدمت اولیای دولت علیّه و حضور با بهر التور اقدس اعلی معرفی نموده برقرار  
داشت در روز جمعه چهارم از دار الخلافه الباهره بجل سیلاق سیمران خود رفته که از آنجا روانه شود  
و از جانب اولیای دولت علیّه عالیجاه میرزا عباس خان غلام شینیمت سمعت هماننداری سمره  
جناب مشارالیه روانه نامه خواهد بود (عالیجاه مجدت سمره امیرزا یوسف خان کارپرداز  
دولت علیّه مقیم حاجی ترخان از آن مدت که توقف و مأموریت در آن بلده دارد تمام متردین  
و تجارت در دولت علیّه نهایت ضمانتی از حسن سلوک و خوش رفتاری عالیجاه مشارالیه دارند  
چون در بلده فر لوبره مسجد درست و یکینه حسینه جهت نماز کردن و تعمیر داری طایفه مسلمان بوده است  
عالیجاه مشارالیه باذن و رخصت و کلای دولت بیته روستیه بانی مسجد و یکینه در آنجا گشته  
از خود سخوائی داده و تجارت در دولت علیّه نیز امداد کرده در محله مسلمانان مقامی و مکانی را تعمیر و بنا  
کرده اند که هم مسجد است و هم یکینه نقش و شکل همانجا را کشیده و فرستاده بودند از آنجا  
خوشکل و خوب و در مکان مناسب اتفاق افتاده است و از اتهام عالیجاه مشارالیه قریب تمام  
و تجارت در دولت علیّه خواه مقیم حاجی ترخان یا متوفعین سایر ولایت مالک روستیه هر کس بقدر قوه سخوائی

۲۵۷۵

جهت اتمام آن بنا داده و فرستاده اند بشارت اللہ تعالیٰ عنقریب بانجام خواهد رسید و از آنچه تمای  
 مسلمانان و بیخه دولت علیه که در حاجی ترخان مستند و ترده دارند شکر گذارند و از بانی  
 باعث نهایت رضامندی دارند بحق کارگزاران دولت پهنه روستیه درین عمل که باعث رونق  
 امر دین مسلمانان در آن بد است کمال دوستی را رعایت نموده اند و کار نیز از خود ظاهر ساخته  
 (عالیجاه محبت و فحاشت بسراخبر خیرال خائف که سابقا در دار السلطنه بپیر از جانب  
 دولت پهنه روستیه منصب قونول خیرالی داشت چون شخصی صاحب فرست و فطانت  
 و با علم و اطلاع است و همیشه طالب و راعی تحصیل علوم و فنون غریبه میباشد در این اوقات  
 غنیمت سباحت صفحات خیران نموده با چند نفر دیگر عازم مقصد گردیده اولیای دولت  
 علیه بکام و مباشرین عرض راه و آن صفحات سفارشات پهنه دیگریم و توقیر مشرف الیه و  
 همراهان او فرمودند) از غریب امور در صفحات فارس نوشته اند که در میان یلیات  
 چند ریس بنمیداشد است که گوشت کوفته های مرده را مانند ک میخورند و مردم  
 از اطراف تماشای آنها رفته اند تماشای آن حالت لعین میگردند (دیگر نوشته بودند  
 یکی از دهات که در یک فرسخی شیراز واقع است جمعی از رعایا با هم نشسته بودند و صحبت  
 میداشتند یک نفر از رعایا را از راه شوخی مخاطب کرده گفته بودند که زن تو کارش معیوب است  
 و برای خود رفیق میگیرد آن شخص از آن مجلس برخاسته و بجای نه رفته زن خود را گرفته  
 و رصده و قتل او برآید بود و ضعیفه بچاره چند آنکه عجز و لایه کرده و گفته بود که این حرفها دروغ  
 و از راه شوخی و استهزا با تو این سخن را گفته اند شوهرش قبول کرده و او را بجز و صدمه  
 بقتل آورده بود و ضعیفه مقتوله را در پیری داشت بشیر از آمده در دیوانخانه عارض شده  
 عالیجاه حاجی محمد هاشم خان دیوان یکی فرستاده قاتل را آوردند و از او تحقیق نمود  
 خود اقرار بقتل ضعیفه کرده و خود را بدیوانی زد مراتب بعرض نوات مستطاب موند الله  
 رسیده و قاتل را بحضور آوردند بعد از تحقیق ثانوی و اثبات مطلب حکم نمودند که او را بدست  
 ما در ضعیفه مقتوله بدینند که قصاص نماید پیره زن عرض کرده بود که میخواهم بدست خود  
 او را ببرم تا نسبی طلب من بشود و استعدا دارم که دستهای او را بته من بسیار بند و  
 معزی الیه نیز جیب استعدای مشارالیه حکم کرد دست مقتول را بسته با دست خود ضعیفه  
 خواباندم و مانند کوفته سر او را بریدم قدری از خوش خورد و بر روی خود مادم و کار کرده بودم

۲۵۷۶

حمزه

از فراری که در روزنامه نوشته اند امور آولات آحسن مرفیت مقرت انخاقان چرخلی خان  
قرین انظام و بعضی و داد علیا و ترقیه احوال آنها و انیت ولایت و انجام خدمات دیوانی  
کمال وقت و رسیدگی می نماید و عمرم اهل ولایت احسن سلوک مقرت انخاقان مشارالیه  
رضامندی و شکرگذاری دارند (دیگر نوشته اند که ریش سفیدان قرار غنی بکلونبر مقرت انخاقان  
چراغلیخان آمده مذکور است که محمد تقی خان غنی بکلونبر سوار شده در سفر وفات یافته و پسر  
صغیری از او ماند است استعدادیم که مباشری دعات را که با مرحوم رالیه بود پسر او و  
نانی و ماتک ایلات دعات مزبور را داده مستعد ادای مالیات و نظم آنجا بشویم مراتب حقوق  
دانی ریش سفیدان مزبور در نزد عالیجاه رالیه بسیار حسن قفاده و اینها را حسن نموده حسب  
خواست آنها تعلیفه داد که مباشری دعات مزبور با پسر مرحوم رالیه پسر ریش سفیدان در علیا  
دعات مزبور از میهنی کمال خوشندی را بهم رساندند (دیگر نوشته اند که چند روز بعد از عید  
نوروز آب رودخانه رنجان سجدی طغیان نمود که مدتی عبور نکرده بود و بخرابی که با سال  
مقرت انخاقان چراغلی خان در سامان ارضی ساخته بود که عابرین از آنجا سالم می گذشتند از  
جای دیگر عبور سلامت میته می شد چنانچه از کفی که از برابر دیزج و رنجان باب زد و پسند  
پنج نفر سواره و یک نفر سوار را آب برده هلاک شدند و از فرار تقریر پسران معتبر چو وقت  
آب رودخانهی رنجان باین شدت طغیان نکرده بود خصوصاً آب رودخانه فرل اوزن  
که درین سال زیاده از حد طغیان داشته است (دیگر نوشته اند که الملی قره کر راه برو  
سایر رعایای دعات خالصه بنزد مقرت انخاقان چرخلی خان آمده مذکور است که قنوت  
مالو بسط سیلاب خراب کرده و مالکین دعات همسایگان نیز آب رودخانه را از نزاعات  
مقطوع نموده و سخته کم آبی زراعت چندان از شتوی نکرده ایم و الحال هم زراعت تصنیف سخته  
آب مقدور مان نیت اغلب رعایا فرار کرده اند و اگر فراری در کارها داده نشود ما نیز جلای  
وطن خواهیم نمود عالیجاه مشارالیه آنها را الطیان و خاطر حسبی داده علی الحساب تنخواهی از  
خود بانه داد که رفته قنوت حدود الاروب و تنقیه نموده و بدگر می و امیدواری مشغول رعیت  
و رعیتی خود باشند تا بعد فراری در باب آب رودخانه که از آنها مقطوع کرده اند بگذارد و  
سناطر حسبی و امیدواری رفته مشغول عیبی خود شدند

۲۵۷۷

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده و نوشته میشود  
 در باب نامه شدن جناب شل پلیه سر و ماندان اردوی فرانس بفرات لندن در روزنامه  
 فرانس معانی غریبه می نویسد نظر بر ایات بعضی روزنامه های فرانس استخاصی که در باب علیحضرت  
 امیراطور فرانس عقد انجمن فساد میگرداند بخصوص یاد کردن و در هر جا که باشند از محل خودشان  
 جبراً بیرون آوردن آنها از جانب قشون دولت فرانس کرده کرده محضه های متعددی نوشته و بجا  
 امیراطور فرانس عرض و بیان گردید و استعدای اذن حصول ماذویت درین باب  
 خواسته اند و این که از شش هر طور بوده است مؤخرآدر روزنامه سی فرانس درج و اعلان گردید  
 و درین صورت باین گرد و نین بعضی پرودت مصور کرده دیده چجه تاکید محادث قدیمه و وقع این  
 برو دت که چجه مقالاتی که به مگون نموده جناب رالیه سفارت لندن مأمور شده است (د  
 بموجب مذکره رسیده و ابر و ولتی بعد از وقوع کیفیت مفیدین نشر و اعلان شد و است باین مضمون  
 که بقا کانی که از دول دیگر بفرانس رفت آمد میگرداند بورت آنها از جانب دولت فرانس  
 خودشان داده شد بعد ازین که از شش این قرار سابق در دولت فرانس لغو موقوف گردیده  
 باین است که هر کس از خارج مملکت فرانس آمد و رفت میکند بورت او از محلی که حرکت میکند  
 باید از قونسول فرانس که در آن محل مقیم است عوض شود و این که از شش چند وقت قبل ازین نشر و  
 اعلان کرده بودند ولی این اصول جدیده کما یجب مجری شده در این اوقات این اشخاص بسیاری  
 آمده در وقت داخل شدن شهر از جانب حکومت ما بنا مساعدت شده و بان محالی که آمده  
 بودند آنها را محاذت داده و این که از شش را حال بار دویم است که در روزنامه سی فرانس  
 نشر و اعلان کرده اند (در این اوقات شخصی از اهل سبکی دنیا بلندن آمده و مذکور داشته بود که  
 حیوان برقه خشری و توسن و سرش بوده با بطوریکه قطعاً بخش و از اریا و برسد در دو ساعت او را  
 تربیت کرده ارام می نماید و بجهت اثبات مدعای خویش از اسبهای امیرحضرت پادشاه انگلیس یک  
 اسب را بجان طور در سه ساعت ارام کرده و رفع توسنی و سرکشی او را نموده است و در ازای این  
 تدبیری که اختراع کرده است از جانب جناب لار و پارستن صدر اعظم سابق انگلیس ویرین اعطا  
 یا بصد عدد لیرا با و تکلیف کرده اند) (بقرایکه چند دفعه در روزنامه های فرانس نوشته بود که کسی بزرگ که در لندن  
 ساخته بود از چجهستان بدین انداز چشمنش لود میسین بعضی آلات و اوقات ختم و لیهو کشتی تراخوشد بدین انداز  
 در این اوقات باین اسب کشتی را بدین انداز ختم و در او انجمنش فرنگی معصوم بوده اند که بطرف یکی و بیار و لیهو

۲۵۷۸

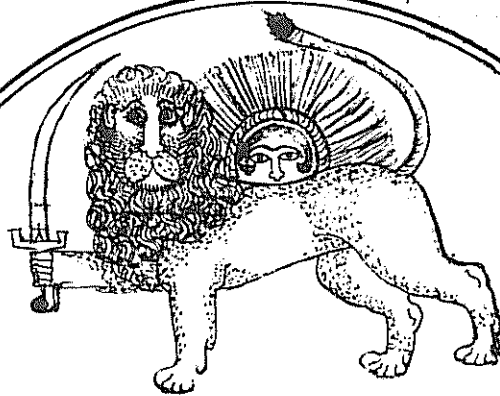
روزنامه فایز انقاریه پنج شنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۴

منطقه دارالخلافه طهران

شماره چهار

قیمت اعلانات

هر خط در روز



قیمت روزنامه

هر نسخه در ماه

### اجبار واحده مالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

نظر بر اینکه جناب جلالت آقا نظام الملک علی الدوام در خدمات جلیده و مهات معظمه که از جناب سنی الجوانب اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانہ لعهدہ کفایت ایشان مقدر و محمول است کمال مراقبت و مواظبت را دارند و آنی از تحمل مشقت موجبات تشویشی و نوجبات خاطر اقدس اعلی غفلت ندارند و بخصوصه در این روزگار اهتمامات جناب معزنی الیه در تصحیح محاسبات و تفتیح معاملات و تطبیق جمیع و خرج ولایات محروسه و اتمام کن بجهای دستور العمل هر یک از مالک در اول سال و تعیین تکلیف همه اعمال و کار کارداران دیوانی و نظم امور در رب خانه نوآب مستطاب شرف ارفع و الاشا نهاده اعظم و سعید دولت علیّه باقتضای امر اسم و وزارت و پیشکاری که علاوه بر سایر خدمات در عهده دارند مطبوع طبع اقدس همایون اعلی افتاده بود لهذا محض اقامه دلیل کمال رحمت خاطر اقدس طوکار یک ثوب جبهه پو لک دوز مخصوص فرد اعلی از طابلس خاص تن مبارک مطر ز و مرین تبریز با قیمتی دینین بافتخار جناب معزنی الیه رحمت و عنایت فرمودند و این نوع الطاف خاص و اعطای چنین جلعت کمان بها خاصه جناب معزنی الیه بود زیرا که در حق سایر چاکران بزرگ دربار دولت علیّه تا بحال معمول نبود (نسبت انجا قاین ذوالفقار خان ستونی دیوان اعلی

و حاکم قم و ساوه نظر باینکه ولایات متعلقه بخود را در کمال نظم و آسودگی نگاه داشته رعیت کمال رضایت از نظر سلوک و رفتار و مردم داری او داشته اینگونه رفتار و مردم داری او در خاکبای همایون

۲۵۷۹

مستحسن مطبوع افتاد لهذا از خاصیتی بجواب همایون موازی یک قطب نشان از مرتبه اول  
 سیرسی و یکرشته حامل سرح که متعلق بهمان منصب است با انضمام یکسبب جهت زود خلعت  
 رحمت گردید ( عالیجا میرزا کریم کریم و سرهنگ توپخانه که حسن خدمات و عبادت کامله  
 او در تعلیم قواعد نظامی توپخانه و فنون دیگر مشهود و ملحوظ خاطر اقدس تایون شاهنشاهی و  
 اولیای دولت علیه افتاده نظر طایقت و شایستگی او بموجب فرمان مهر لعلان مبارک بای  
 منصب جلیل سیرسی نشان سیرسی با حامل مخصوص آن سرفراز آمد آذربایجان  
 از فراری که در روزنامه آذربایجان نوشته اند امور انولایت از حسن مراقبت و کفایت توپ  
 مستطاب بنزاده محترم والایبار رکن الدوله العلیه اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان  
 قرین انتظام است و اهالی انولایت اسوده خاطر و مرفه الحال بدعای دوام دولت جاوید  
 مدت علیه اشغال دارند و نواب معزتی الیه همه دوزه در اطاق نظام نشسته بعضی و داد رعایا  
 و انجام عهدهات دیوانی رسیدگی می نمایند ( دیگر نوشته اند که بعضی با کولات در این اوقات  
 بسبب اینکه نجایج پذیردند ترقی کرده بود از جمله گوشت یکین سه هزار دینار و پیه که اخته  
 یک من هفت هزار دینار شده بود و مردم بجهت گوشت و شمع و پیه و عسرت بودند نواب  
 مستطاب رکن الدوله مولده با طرف امور فرمودند که در هر جا که سفید پیه دارند موجود است  
 شهربا ورنند و هم در آن روزها مخصدین که رفته بودند از اطراف کو سفید پیه را آوردند و با لعل  
 کمال و فور بهم رسانده گوشت من هزار مثقال بسی شاهی فروخته میشود و از جماعت فقصاب الترام  
 گرفته شد که موافق سنوای سابق گوشت را در هر فصل بترخی که مقرر بود بفرستند ( دیگر نوشته  
 دو نفر عیبت روغن آورده فروخته و سخاوه از گرفته در ورثه در دوازه نوبتت حساب سخاوه خود را  
 میکردند و در حساب پول شتاب میکردند طاهر علی نامی از طرف محله خیا بان لبر وقت آنها رسید و جواب  
 شده بود که چه میکنند گفته بودند حساب پول خود را می کنیم و استیاه داریم شتاب را لیه نشسته و با آنها  
 کرده گفته بود چهار دینار کم گرفته ای یکی از آنها طلب چهار رفته طاهر علی بدیگری گفته بود که مالها  
 خود را بکار و انرا بر اینجا سر است و اعتبار ندارد آن شخص مالها را بکار و انرا برده مراجعت کرده  
 بود که اخوند پولها را برده داشته و رفته است مراتب بعضی نواب رکن الدوله رسانده قدغن نمودند که  
 عالیجا میرزا الضیر که خدا باشی اخوند مژور را پید کرده سخاوه آنها را بیکر با آنها رساندند رالیه در بعضی  
 تا صبح سی نفر اخوند بان نشان آوردند و صاحبان سخاوه گفتند اینها هم که ام نیستند صبح صاحبان سخاوه

۲۵۸۰

باد و نفاد همای که خدا باشی در دروازه آمده اخوند بزور را دیده بودند که بدون می آید او را  
 گرفته بحضور نواب رکن الدوله آوردند خواه را تمامه از او مسترد و بصاحبش تسلیم و او را  
 بتبیه نمودند که **کرامات** آن از فرار یک در روزنامه کرامات آن نوشته اند نواب مستطاب  
 عماد الدوله امامت میزرا حکم آن کرامات آن و سرحدات عراقین که از دربار حجابند از هایدون  
 بجل حکومت معاودت کرده بودند در ششم ماه شوال وارد برناج که شت فرسخی کرامات است  
 شده و نیز در آنجا توقف نموده در روز سیزدهم وارد شهر شدند و از جانب اعیان و اعظم و  
 اشراف و معارف لوازم استقبال بجل آمده نواب معزنی الیه بعد از ورود و صحتی را اطلاع ده  
 خواسته و التفات در باره آنها نموده بخواط او یای دولت علیه امید واری تمام دادند و بجا  
 نصر الله خان کلانتر چون در غیاب نواب معزنی الیه در نظم و لایب و انجام خدمات دیوانی  
 نهایت اهتمام را بجل آورده بود نواب معزنی الیه یک طایفه شال کشیری با و خلعت دادند  
 و دیگر نوشته اند که عالیجاه حاجی جعفر خان معمار باشی که از جانب جناب جلالت آقا شریف  
 امجدار فوج صدر ششم فوج پنجم مأمور تعمیر رباطات عرض راه عتبات عالیات بود در هر یک از رباطات  
 مذکور بنا و عمله و مصالح بکار انداخته و در کمال استحکام خرابیهای آنجا را تعمیر می نمایند و بواسطه  
 عماد الدوله در هر یک از رباطها سه نفر آدم از خود گذاشته اند که هر چه بجهت بنایی و تعمیرات لازم  
 باشد مهیا نمایند و از برای آنها معظی حاصل شود و نواب معزنی الیه نهایت اهتمام را در این  
 تعمیرات مبرور بخوبی و در وی صورت تمام بیاید (دیگر نوشته اند که عالیجاه معزنی الیه  
 سرتیپ فوج کلیکان که با فوج مأمور در الدوله کرامات آن بود در عمارت باغ حاجی کریم که  
 در یک میدانی شهر است منزل نموده و فوج او همه روزه مشغول مشیباشند و با کمال نظم  
 و نواب امیرزاده سرتیپ فوج کلیانی و عالیجاه محسود خان سربنک فوج زکمه و عالیجاه ملک نیاز خان  
 سربنک فوج کرندی با فوج خود در شهر مشیباشند و محمد آقا معتمد میرزا خداویردی ترجمان همه روزه  
 مشغول مشی و تعلیم فوج مشیباشند و نواب عماد الدوله اغلب اوقات خود بملاحظه و تماشای مشی فوج  
 می آیند و هم چنین توپچیان متوقف آنجا همه روزه در میدان مشی حاضر شده عالیجاه فوج الیه  
 یا ورتو پنجاه نهایت اهتمام در مشی و انظام امر آنها دارد و عالیجاه معزنی الیه معزنی الیه خان  
 سرتیپ با فوج قلعه بخیری و کوران و سواره و یک عراده توپ در سرپل زهاب بجا رست طریق  
 مشغول است و در کنار آب دیاله و قصر شیرین و قلعه سبزی همه جا مستحکم گذاشته و زوار باطلینان عبور می نمایند

۲۵۸۱

دیگر از قراریکه نوشته اند چار بار از دربار معدلت مدارک پاون وارد شیراز شده و احکامات دیوانی را رساند از جمله حکمی که در باب تقییل تجلات زیاده از لزوم نوکر باب علی قدر میزان و تعمیر کلاه و لباس صادر شده بود نواب مستطاب مؤیدالدوله حکمران مملکت فارس و مقرری عمده الامراء العظام شجاع الملک بحصول اکامی خود تعمیر وضع و لباس و نوکر بفراریکه از دربار معدلت مدار مقرر شده بود دادند و جمیع صاحب منصبان نظام و عسوم نوکر باب مستوقف فارس قدغن نمودند که از انقرار معمول دارند و حتی این قرار داد بسیار بحال اغلب اهل نظام و عمال نافع اند که تجل و نوکر و اوضاع خود را زیاده از اندازه شان خود و بموجب مقرری دیوان قرار داد و باین واسطه بسیاری مقروض شده بود تدبیر از آنکه دیدند نواب مؤیدالدوله تعمیر کلی در اوضاع خود دادند حتی یراق اسب خود را ساده نمودند سایرین نیز بنا بر اطفال امر اولیای دولت علیه و تاسی بنواب معزتی الیه هر یک قرار نوکر و لباس و غیره خود را ماند از ه شان و مرتبه آنها که مقرر گردیده بود دادند (دیگر نوشته اند که عالیجاه مرتضی قلیخان غلام شیخ دست جنتی داشت که اسبان او را خدمت میکرد در این اوقات او را جواب گفته بیرون کرده بود و مهتر مزبور از دعای ده پانزده هزار دینار میسرود که از موجب اوباقی مانده و اقامی او میگفت تا می بکنون بتو قرار داده ام بدو هم و ماه پناه داده ام او میگفت تا می دو از ده هزار دینار بایت من بدی و این مشاجره ما بین آنها بود مهتر مزبور شی فرصت کرده و خود را بطولیه انداخته قسم الفار در میان خمیر کرده با سب خاصه را الیه که صد تومان ارزش داشت داده اسب خورده و از با افتاده شخص مهتر بعد ازین عمل رفته در شاه چراغ بست نشست از او سؤال کردند که چرا این کار را کردی جواب داده بود که او موجب مراند از من سب او را تلف کردم) (دیگر نوشته اند که در ایام ماه مبارک رمضان در بلوکات و سرحدات فارس باران بسیار خوب آمده و در بیت و سیم ماه مزبور از طلوع آفتاب الی دو ساعت از روز بالا آمده بارندگی کامل شده و زراعت کاران این باران را باران چش میگویند که از برای حصول بسیار نفع دارد و رعایا ازین بارندگی که بوقت وقوع آید بسیار مشغوف و شاکر بودند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه مقرب انخان سلیمان خان فاش ریمینج که در بهابان بود در بیت و چهارم ماه رمضان المبارک وارد شیراز گردیده نواب مستطاب مؤیدالدوله جمعی از صاحب منصبان نظام و غیره را با او فرستاده و با کمال احترام وارد شهر گردیده بحضور نواب مؤیدالدوله رفته و نواب معزتی الیه

۲۵۸۲



۵

انظار نهایت رضا مندی از حسن سلوک و رفتار مقترب انخاقان مشارالیه که در امور تشریفاتی  
و کوه کلیویه بعل آورده و امور آنجا تنظیم و رعایا را راضی و خرسند داشته بودند  
و عمده الامراء العظام شجاع الملک مقترب انخاقان مشارالیه را بجان خود متمثل داده لوازم تشریفاتی  
و محبت را در باره او معمول میدارد (دیگر از هزاریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند امور اولاد  
از زمین توجهات اولیای دولت علیه و محاسن مراقبت و اتهامات عالیجا مقترب انخاقان احمد  
در ریابیکی و حاکم ابوشهر و مضافات قرین انظام است و مقترب انخاقان مشارالیه در نظم و آباد  
ولایت و رفاه حال رعیت و انجام مهمات و مرجوعات دیوانی کمال اهتمام را بعل می آورد و در  
از مقترب انخاقان شجاع الملک خویش کرده بود که یک نفر معمار با بنجار و اذن نمایه مقترب انخاقان  
مشارالیه نیز است و دعوی نام معمار را داد و نفراز علما مان خود روانه کرده در ریابیکی معمار مریور را  
با چند نفر مفتی روانه شبانکاره نمود که در آنجا چند رشته قنات حفر نمایند که انجار اجدیه زراعت  
و عمارت و آبادی در پیاورد و هم چنین دراز و یاد آبادی خود بندر ابوشهر و سایر جاها را  
طرق و شوارع کمال سعی و مواظبت را بعل می آورد) (دیگر نوشته اند که در شب پنجم شهر شعبان  
که شب عید نوروز فریروز سلطانی بود مقترب انخاقان در ریابیکی علمای اعلام و چاکران دولت ابد  
فرجام و اعیان و تجار ولایت را بچهار برج دعوت نموده ضیافت خوب کرده و در ساعت تحویل  
توپ انداخته حضار مجلس سلامتی وجود قایض احوال انظار مسرت و شادمانی نمودند و روز پنجم ماه نوروز  
که روز عید بود مقترب انخاقان مشارالیه در سردرب چهار برج که مشهور بچهار فصل است نشسته و نظام  
موقوف بوشهر از توپچی و سرباز و اعیان و معارف و تجار حاضر آمده حکم شیر و خورشید دولت  
علیه را ششگشت نموده و بیت و یک تیر توپ شلیک کردند و ادای خطبه بنام حضرت اقدس سید ایوب  
و احتشام بدعای بقا و از دیاد دولت و شوکت روز افزون شده لوازم تهیت عید بطور شایسته  
بعل آمده عید نوروز بجزئی منقضی گردید) (دیگر نوشته اند که عالیجا حسن خان ولد عالیجا باقر خان  
سربنک تنگستانی و عالیجا همیرزا اسد خان برار جانی بوشهر آمده عالیجا حسن رضا خان ضابط  
انگالی را که تاکنون بجهت خرابی و بی نظمی و بی نظمی و بی نظمی و متفرق بودن رعایای آنجا و زراعت  
در انولایت فزاری بود همسراه خود آورده مقترب انخاقان در ریابیکی او را اطمینان داد که قرا  
کارهای آنجا و سنه و سنواه گذشته را داده معضی المرام روانه انگالی شود که رفقه در آنجا  
مشغول جمع آوری رعیت و زراعت باشد

۲۵۸۲

## مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند ازین تو جهات اولیای دولت علیه حسن  
 مراقبت نواب سطات برزاده والا تبار لطف التمسیر حکمران دارالمزمازندران امور اولایات  
 از هرجهت قرین امنیت و انتظام کامل و کمال آسایش و رفاه از برای رعایا و برابری حاصل است  
 و نواب معزی الیه در نظم و ولایت و رسیدگی بعرض و داد و عیبت و انجام خدمات و عیبت و نواب  
 نضایت دقت و اهتمام را دارند تسعیر اجناس و ناکولات اولایات را از قراریکه نوشته اند  
 برنج بوقرمازندران خرواری چهارده هزار دینار و شلتوک خرواری هفت هزار دینار و کنیم  
 کیتومان و جو پنجهار دینار نان یک من دهه بی کوشت یکمن هزار دینار و عن یک من بی شاهی  
 ماهی چهار قطعه ده شاهی شکر یک من دو هزار دینار ابریشم یک من چهار تومان و شاهی  
 اجناس نیز ازینقرار مشعر و هر جزئی و مورد نوشته است (دیگر نوشته اند که اسال ناخو  
 در میان کاهای اولایات بروز کرده کاه بسیار تلف گردید و اهل زراعت زمینهای زراعت  
 خشک و آبی خود را به اسب و ماده کاه و شیار کرده بذرفشان می نمودند و جاهای اولایات که  
 کاه و نشان ازین مرض سالم مانده و کمتر تلف شده است بلوکات کجور و نور بوده است که بعضی  
 با بیاجزئی بروز کرده و در اغلب بلوکات هیچ ظهور ندانسته است) (دیگر نوشته اند که در باب  
 بنایی قلاع مبارکه کنا فرضه و سرحد که بعمده اهتمام عالیجا علیخان قاجار مهندس محول است  
 نواب معزی الیه مراقبت و مواظبت تام بعمل آورده و عمده مصابح کار آنچه لازم بوده متوالیاً  
 عالیجا مشارالیه از اطراف جمع آوری کرده و روانه نموده اند و اغلب آن مکانها آنچه تا بحال  
 ساخته شده در کمال خوبی و استحکام با تمام رسیده و باقی بنائیهای آنجا را نیز در کارند و عیبت  
 با تمام خواهد رسید و عالیجا و مقرب انخافان محمد حسن خان پیشکار اولابرای رسیدگی و باز  
 کارهای آنجا در اوایل ماه مبارک رمضان المبارک حسب احکام نواب برزاده عزیمت کن فرضه و  
 مزار نموده بوده است و همچنین امور کارخانه شکر ریزی نیز احسن مراقبت نواب معزی الیه  
 و در کار است) (دیگر نوشته اند شخصی شاهرودی در بنده ساری بنای سرقت گذاشته و در  
 محله میر مشهدار چند خانه اسباب سرقت کرده بود مستحفظین او را گرفته خدمت نواب برزاده  
 بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد که بکرات مرتب سرقت شرات شده است لهذا بوجب اظهار جناب عالی  
 طاعنه التمسیر نواب معزی الیه او را سزاوارست نموده حبس کردند

اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته میشود  
 از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند در کارخانهای نخس اینسبی  
 و مصر و بریه شام سالی دو سیت میان وقیه که پانصد هزار جزو اربوزن این ولایت باشد  
 پنج و اعمال میکردند بعضی از صرافان نیکی دنیا در انگلیس کارخانهای علیحدتند که مخصوص نیسبی  
 باشد و این مقدار نیمه که در انگلیس هر سال مصرف میشود از نیکی دنیا بان کارخانها برده پنج و اعمال  
 نمودند و باین جهت بر کارخانهای لیجان رسی و قماش بافی انگلیس خالی دبی رونق ماند و بجهت  
 و نرمی نیسبی دنیا که منوجات آن رجحان بمال سایر ولایات دارد بازار کارخانجات دیگر  
 شد صاحبان کارخانها در شهر منچستر انگلیس که مجمع صنایع آن ولایت است بجهت رفع ضرر آتیه این مقدار  
 جمع شده و در میان خود قومیانیه قرار دادند که در هر ولایت که بنسبت آب و هوا از تخم نیسبی  
 مانند نیسبه انولایت بعل می آید بفرستند بکارند و بعلی بپورند و مصارف نقلیه آن از جانب قومیانیه  
 مزبور داده شود و بقیمت مناسب اقیاع شده در کارخانها مشغول پنج و اعمال آن باشند از جمله  
 بمجال مناسبه مالک عثمانیه تخم نیسبی دنیا را بجانان فرستاده اند و قارلتون نام وکیل قومیانیه  
 مزبور بجهت این کار با اسلامبول آمده و تخم نیسبی دنیا را آورده بعد از حصول اذن از اعلیحضرت  
 سلطانی در باب کاشتن آن در مالک مناسبه عثمانیه رساله ترکی العبارة در خصوص وضع کار  
 و بعلی آوردن آن نوشته و صد هزار نخه از آن چاپ کرده است که بهر حال که از آن تخم  
 یک نخه هم بید که وضع کاشتن آن را از روی آن نخه دستور العمل نمایند و علی الحساب بجهت  
 بروند دولت و مقدار پنج چلیک تخم نیسبه مزبور در سال شد و هزار و پانصد چلیک دیگر  
 خواهد شد (دیگر نوشته اند که در سیزدهم ماه رمضان المبارک در بروند حرکت ارغنی  
 شد و اتفاق افتاده ولی ضرر و خرابی روی نمود و هم در آن روز در ساعت نه در اسلامبول هم  
 فی الجمله زمین حرکتی کرد ولی ضرری مشاهده نشد و هم در اوایل ماه مبارک رمضان نوشته بودند  
 که در اسلامبول چند روز است که آثار برودت ظاهر شده و در خوجه بیک و آن اطراف بر  
 زیاد باریده بود (دیگر نوشته اند که از کشتیهای قومیانیه محبتیه کشتی سنجار سوسیس نام جمعی سیاح  
 و اشیا حمل نموده از اسکندریه با اسلامبول می آمد در لکرگاه یا فو لکراندا اخته بود و در ششم ماه  
 شعبان طوفان شدیدی در آنجا ظاهر کرده از کشتیهای دولت عثمانیه کشتی طونه نام یاد کشتی  
 فرانس در ظهور این طوفان از لکرگاه پیرون شده بمیان دریافتند ولی قبودلن کشتی سیون نام

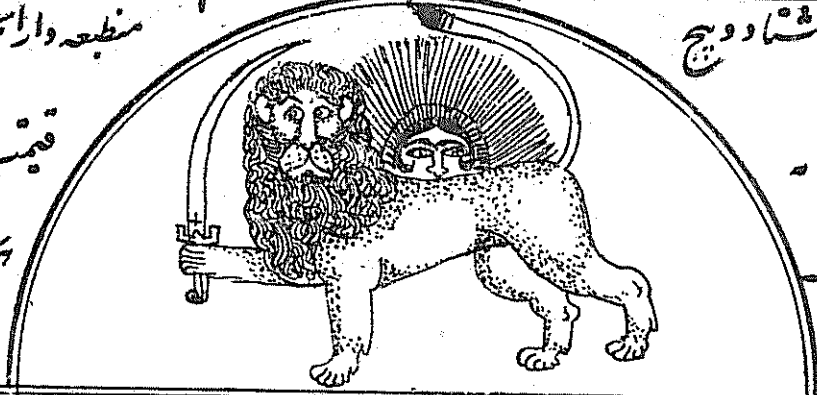
۲۵۸۵

هر طور بوده است دوسه لشکر نیرنگی منور علاوه کرده در آنجا لنگر انداخته توقف نمود بعد طوفان شدت  
 کرده لطات امواج کشتی را بگل نمانده دوهزار و چهارصد و زنه اشیا و دوفقره در آن اول و دوم  
 فرانسسه و سه نفر هندس در طایفه و وکیل قومپانیه و چند نفر سیاح از اهل ساردینیه و ایتالیا و لونا  
 غرق و تلف شده باقی باطل سلامت بیرون آمده اند (وهم چنین نوشته اند که از کشتیهای  
 دولتی عثمانیه کشتی بخاری بحری نام سصد نفر سیاح و بعضی اشیا حمل کرده از سلاویک باسلام  
 می آمد در جوار قلعه سلطانیه در یک محلی بگل نشسته درین بین از کشتیهای دولتی ایضا کشتی ماله و  
 نام باکشتی فیض باری نام که از بهر سینگ معاودت کرده بود نیکبختی منور پر خورده سیاح و اشیا  
 کشتی منور را باسلامبول آورده و کشتی را نیز خلاص کرده بودند) (دیگر نوشته اند که از کشتیهای  
 قومپانیه لوید استرته کشتی بخار فرد نام از وارنه باسلامبول می آمد در دماغه مناسبتر حمل  
 کیفیت بواسطه تلفات باسلامبول اجبار شده کشتی بخار مخصوص سفارت استرته با یک کشتی دیگر  
 که در اسلامبول بود با بخاری ارسال شده و کشتی هنوز خالی و کشتی روی نداده بود اورا سالمی  
 از آنجا کشیده لوارنه آورده بودند و سیاح و اشیا و اورا کشتی بخار پر سود نام باسلامبول  
 (دیگر از فراری که از روزنامه های استرته در مجریده الحوادث نقل کرده بودند در ایام سصد و پنجاه  
 قبل ازین از جانب دولت استرته در استحکام شهروینه که پای تحت اند دولت است اقدام شد  
 و در مدت صد سال مساحت سوره استحکام آن با تمام سیده بعد از آن رفته رفته کثرت و جمعیت  
 آن شهر رو بار زیاد نموده و بجهت کثرت نفوس درون شهر کنجایش مذ است اغلب کتبه آنجا  
 در خارج سوره خانها ساخته و کتی نمودند و همی اراضی و اوطان داخل شهر زیاد کران بهایش  
 و بالعکس اراضی و اماکن بیرون شهر پارازان داد و ستد میشود در چند وقت قبل ازین  
 در بودن سوره و برج و بدنه وینه لزومی ندیده فرار که است که سوره شهر را خراب کرده و خندق  
 از آنجا ساخته خارج و داخل شهر را هم متصل نماید و بجهت این کار در اوایل میان صد هزار عکله  
 انداخته و مشغول اندام سوره آنجا شده اند) (دیگر از روزنامه های ایتالیا نوشته اند که بسبب  
 او رسینی نام ایتالیائی که قصد اعلیحضرت امپراطور فرانس را نموده بود با بچه امانی ایتالیا اظهار طاعت  
 و خرن نموده بودند در این اوقات در اغلب بلاد ایتالیا که قانون آزادی متداولت بنام او رسینی  
 قرار دادند یکی از بابت افتخار تر اسیده مرکور و مضوب نمایند که یادگار او باشد

۲۵۸۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور ۱۲۷۵

منبعه و اصلاح طهران  
 قیمت روزنامه  
 هر نسخه یک شلر



اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این اوقات هوای دارالخلافه طهران گرم شده و یسراق نیاوران مطلوب و مطبوع خاطر آمد  
 تا یون شاهی خلد التذکة و سلطانه بود لهند بقانون هر ساله در روز یکشنبه غره از دارالخلافه  
 مبارکه حرکت فرموده امنای دولت علییه و مقرمان حضرت کردون بسط سینه و سایر خدمت و  
 در رکاب فیروزی اعتبار بودند افواج ثلثه قره‌وین و فوج مراغه و سواره چهاردولی که از سفر  
 مراجعت کرده بودند در بالای باغ لاله زار در معبر موکب هایون صف نظامی در کمال شکوه و آراستگی  
 کشیده بنظر مهر اثر ملوکانه رسیدند در وقتیکه جناب مستطاب صدارت عظمی هم مقرر حضور یافتند  
 بودند ملاحظه سرباز و سواره مزبور را فرموده مقرتب انحاقان خان باباخان سرتیپ افواج قره‌وین  
 و عالیجاه اسکندرخان سرتیپ فوج مراغه و عالیجاه پرویزخان سرتیپ سواره چهاردولی و سایر  
 صاحب منصبان و عسوم آحاد و افراد سرباز و سواره مورد احترام و عنایات حسروانی گردیده  
 و آنها خوشنودی خاطر هایون از خدمات و زحمات آنها فرموده بهر فوجی یکصد تومان انعام مرحمت نمودند  
 و از ابتجائیه فرمای عمارت نیاوران شدند (عمل تخریف که یکی از اعمال عجیبه و اختراعات  
 عظیمه حکمای عظیم است طبعی است قریب پنجاه سال است که پیدا کرده اند و مدت اول نموده اند و از  
 امر این خاصیت خفیه معلوم نموند که در صنایع و کمالات تا چه حد ترقی و تکمیل حاصل شده است  
 اگرچه این حکمای بزرگ بواسطه اختراع این صنعت نام نامی خود را مشهور و معروف کردند لکن حکیم  
 بیل المانیائی که پس از زحمات بسیار و سعی بی شمار معلوم کرد که با یک سیم نیر می‌توان عمل تخریف را  
 بجا آورد و بعضی سیم دیگر زمین را بکار برد اسم خود را در تواریخ برقرار و در روز کار یادگار گذاشت

۲۵۸۷

و در اکثر بلاد مالک اور و پ این صنعت عزیزت بیع مکررید مع هذا چون در قرارداد ان زمین بعضی  
یک سیم هم در رسیدن قوه الکتریسی که عبارت از قوه صاعقه باشد الیغیان حاصل است و هم  
مخارج تلفات کم میشود و عالیجا میسر کوشش معلّم و سیت تو چنانچه مبارکه تلفاتیکه باد و سیم  
حال با یک سیم درست کرد و بعضی یک سیم دیگر زمین را قرار داد و در عصر روز سه شنبه شب پنجم  
ماه گذشته جناب جلالت آب شرف افخم صدر عظم مدظله العالی با طاق نقاشی خانه توجّه نمود  
چند فقره سؤال در میان آمد از باغ لاله زار جواب درست معروض داشتند و بسیار موافق  
طبع جناب جلالت آب شرف اتفاق افتاده بنواب مستطاب و الا اعصاب استطاعت هزاره علقلی  
که در تحصیل این علوم و صنایع و تقویت امور معین مدرسه اهتمام تمام نموده اند نهایت تحسین و توجّه و  
التفات بطور آوردند و لعل عالیجا موسیو کوشش التفات و توجّه و تحسین بسیار فرمودند که معنی را  
و درست و عالم و کامل است و شایسته التفات و مشارالیه و شاکردان او انعام حرمت فرمودند  
(امور نظم دار اختلافه مبارکه بحسن مراقبت و رعیت داری نواب شرف و الا شایسته از افریحی محمد  
حکمران دار اختلافه و کفایت و کارگذاری مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر منوط و مربوط است خصوصاً  
در غیاب موکب همایون که از جانب اولیای دولتی علیه سفارشات آئیده در حصول امانت و  
اسودگی رعیت می شود بیشتر مراقبت و مواظبت را معنی و مهمول میدارند در این اوقات که موکب  
همایون بی بیلاف نیواران حرکت فرموده و ایام تابستان را در آنجا تشریف دارند نواب معری الیه  
روزگار را در دیوانخانه عمارت خورشید می نشیند و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر و عالیجا  
کلانتر و کدخدایان و سایر کارکنان و عمال دیوانی حاضر خدمت بوده بعضی و داد رعایا و نظم  
ولایت و انجام مهمات دیوانی می پردازند و کمال مواظبت را در هر باب رعیت می آورند و اگر احیاناً  
یا شرب و شرارت اتفاق بیفتد بعضی نواب شایسته برآید هر گز موروثیه سیاست میشود  
از جمله چند نفر از الواط و اشرا که مصدر شمر انجوری و هرزگی شده بودند آنها را گرفته بحضور نواب  
شایسته آورده و هر یک فراخور قصیر در دیوانخانه تلبیه شدند و یکی از همین الواط که روز تلبیه  
شد شبانه باد بخانه مرحوم حاجی عبدالکریم مدز دی رفته بود مجدداً دستگیر شد و بالفعل محسوس  
تا در ثانی حکم سیاست او شود (دیگر در روز حرکت موکب همایون از دار اختلافه نظر بحسن اعتماد و کمال  
تلبیه مقرب الخاقان صنعتی همان سرسپ کرده و جنرال اجودان خاصه حضور همایون اولیای دولت  
عدیه او را سحر است عمارات همایون شایسته و ضرابین و حفظ ارک و سر بارزخانه های شهر و بیرون

۲۵۸۸

در رسیدگی بسیار موثر و مختلفه بنظام در دار الخلافه منصوب فرمودند که در عمارت باغ متعلقه بنجاب  
 جلالت آباشرف امجدار رفع صدر عظیم مجسم در ارک مبارک نشسته با کمال دقت و نظم با مویان  
 نظامیه و لوازم خدمات محوله بخود پرورده و مقرب انخاقان مشایخه نیز حسب المقرر معمول دانسته  
 با صاحب مرضیان نظام در عمارت مزبور نشسته با مویان و کرباب و ابرسی مینمایند و اگر مابین رعیت  
 اهل نظام و سایر نوکر بآب کفکوفی اتفاق میفتد باستصواب مقرب انخاقان میرزا موسی قطع و فصل  
 مینمایند (افواج قاهره متوقفند در الخلافه مبارکه که از توپچی و سرباز و سواره نظام که همه روز  
 مشغول مشق نظامی بودند نظر بکبری هوا و تفقد ملوکانه در باره آنها در روز شنبه سیم امر و معبر  
 که در این اوقات از مشق کردن معاف و بلوازم قراولی و حفظ قراول خانها پرداخته چندی از  
 مشقت مشق آسوده باشند) (اجناس و ماکولات کجبه الله در این اوقات در دار الخلافه  
 حیوانات و میوهجات هر چیزی کمال و هوز را دارد و حاصل جو در این تازه بدست آمده است و وقت  
 در روزگندم نیز نزدیک است بعضی چیزها از قبیل جو و گاو و بیمه و ذغال و برنج و غیره که فی الجمله ششم  
 داشت درین روزها منزل کلی کرده است و شاه الله روز بروز از آنرا خواهد شد) (میرزا  
 حاجی حسن خان پیشکار قزوین که در عید نوروز سلطانیه در باره جبهانوارها یون آمده و شرفیاب  
 سینه و عقبه علییه شده از آنوقت تا کنون در دار الخلافه مبارکه بود و در روز شنبه سیم از خا  
 مبارک شاهنشاهی صان الله ایام شوکت عن التاهی و حضور جناب مستطاب صدارت عظمی اذن محضی  
 حاصل نموده روانه قزوین بود از جانب سنی انجواب ملوکانه یک ثوب جنبه ترمه کشمیری مقرب  
 مشایخه و یک طاقه شال ترمه و یک ثوب قبای رزی لعلیچاه حاجی احمد آقا برادر مقرب انخاقان مشایخه  
 که مسراه او در دار الخلافه مبارکه بود خلعت مرحمت کردید از پایسجان از قراریکه در روز  
 در سلطنت تبریز نوشته اند انور انولات احسن مرافقت و کفایت نواب مستطاب شاهزاده  
 محترم والایبار رکن الدوله اخلیه حکمران مملکت آذربایجان قرین همت و انتظام کللی است و سایر  
 کارکنان و چاکران عمل دیوانی هر یک در انجام خدمت و مأموریت محوله بنحو نهایت اهتمام  
 بعمل می آورند و هر روز در منازل و رب خانه حاضر شده بفیصل امور متعلقه بخودی پردازند) (دیگر  
 نوشته اند که یک نفر از معتقین اسکوه عبدال نام که مباشره در قتل حاجی محمد رحیم اسکونی بود در این  
 اوقات در شهرت است شده حسب حکم نواب مستطاب رکن الدوله علیه محبوس گردید  
 که بعد موافق عدالت حکم آن بشود

۲۵۸۹

از قرار یک در روزنامه خوی نوشته اند امور اولیای احسن اتهامات و مراقبات کافی نواب کامیاب  
والاحمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس نظم و مصبوظ است و در نظم و امنیت بلده و بلوکات و طرق  
شوارع و سرحقات و انجام خدمات و خدمات دیوانی کمال اهتمام را بعمل می آورند (دیگر نوشته اند)  
که فوج ماکوئی که حسب الامر اولیای دولت علیه احضار در بار جهاندار کاپون شده بود عالیجاه اسحق پاشا  
برادر عالیجاه محبت مسره تمور پاشا سرتب در مقدمیم ماه مبارک رمضان بجهت جمع آوری و حرکت دادن  
فوج مزبور وارد خوی گردیده نواب والاحمد رحیم میرزا بمقتضی محضه اعلیه میرزا افضل اللہ پیکار اولیای  
قدغن و تاکیدات گنیده نمودند که تدارکات لازمه فوج مزبور را دیده تا آخر ماه مبارک رمضان  
جمع ملزومات آنها را مهیا نماید که بعد از عید فطر روانه تبریز شوند (دیگر نوشته اند که مراد علی نام پاشا  
که از خجسته اشرا و قطاع الطرق مشهور بود و نواب استیجاب رکن الدوله العلیه حکمران مملکت آذربایجان  
بنواب محمد رحیم میرزا نوشته بودند که او را گرفته روانه تبریز نماید نواب معزنی الیه او را از سلماس  
گرفته مجوسا بخوی آورده بودند در این اوقات او را بجهت سلطان صاحب منصب فوج ماکوئی سپرد  
قبض رسید گرفته که مسره فوج به تبریز برده بکار گذاران نواب رکن الدوله بسپارد) (دیگر  
نوشته اند که عالیجاه نوزاد اللہ خان که حسب الامر اولیای دولت علیه مأموریت خدمت داشت  
بخوی وارد گردیده نواب محمد رحیم میرزا امضای حکم مثنی را الیه راداده و نسبت باو التفات نموده  
لیکاظه شال ترمه خلعت دادند و در پیشرفت خدمت او اهتمام نمودند که بدگر می و مسید واری <sup>مشکل</sup>  
انجام خدمت محوله بخود باشد) (دیگر نوشته بودند که در ایام ماه مبارک رمضان ستمبار  
هر روز بارندگی در خوی و بلوکات می شد خصوصاً در بیت دیکم ماه مزبور از نظرانی شش ساعت  
از شب گذشته باران شدیدی آمد که فی الجمله خرابی به بعضی دیوارها و خانها رساند ولی بجهت <sup>معت</sup>  
سیار نافع و موقوف بود) (دیگر نوشته اند که در ایام ماه مبارک رمضان علما و فضلا و اعیان  
اشراف و عموم خلق در مساجد و معابد بناز جماعت و ادکار و اورا و دعا کوفی ذات اقدس تعالی  
شائسی صلوات الله علیه و سلطانه اشغال داشتند و امور کرمه و مستحفظ شهر و محلات باهتمام نواب  
محمد رحیم میرزا منظم و مصبوظ بود چون در ایام ولیالی ماه مبارک رمضان که اغلب مردم در مساجد  
جمع میشدند و خانها حالی مانده در زمان فرصت صرفت میکردند انتظام امر کرمه و مستحفظ زیاد تر از سایر  
اوقات لازم بود نواب معزنی الیه که بجهت مراقب نظم و امنیت ولایت مستند در آن اوقات بیشتر موقوف  
و صرفت بهیچوجه اتفاق نیفتاد

۲۵۹۰



### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند رودخانه مشهور بقرا آقاج از عرض راه بندر ابو شهر  
از جلگه خانه رنجان عبور میکند و آمده از چهلوی کاروانسرای مشهور پنجاه راه دارد و واقعه در دو  
میکند و در نزدیکی رباط مزبور پی در روی آب بود و خراب شده نیم فرسخ بالاتر از آن معبری بساز  
کرده بودند و عابری از آنجا بصوت عبور میکردند و احوالنا در وقت شدت آب مال و آدم  
می شد و بسبب خرابی بل مزبور هم نیم فرسخ راه عبور دور شده بود و هم گذشتن از آن معبر خراب  
از مخاطره نبود در این اوقات مقرب انخافان میرزا ابوالحسن خان میر الملک برای حصول یکنامی  
و دعای خیر جهت ذات اقدس بایون شامی صانعه ایام شوکه عن لبتنا بی هزار تومان از خود  
داد و بنام عمده فرستاده است که بل مزبور را از شالیده در کمال استحکام تعمیر نموده بازند و  
یک بل جدید نیز در یکی از معابر نزدیک آنجا بسازند که عابری و متر دین باستانی عبور و مرور نماید  
(دیگر نوشته اند بندر عباسی و توابع آن درین اوقات بیشتر از سابق سجات آبادی و عمارت  
و زراعت آمده و محصول زیاد از شتوی و صیفی در بلوکات و توابع بندر مزبور زرع کرده اند  
و حاصل نیز بسیار خوب بعلل آمده محصول شتوی را برداشته اند و سخیلات آن صفیحات نیز  
امسال بسیار خوب بار آورده است و چهارات و قوافل زیاد با بنجا عبور و مرور می نمایند و اهالی  
انجا از شیخ سعید حاکم حوزه کمال رضا سدر ا دارند و بندر مزبور و توابعات آنجا در نهایت  
انتظام دارد و طرق و شوارع بندر مزبور آنچه بصمت لازم است کاهی قطع الطریق بهم میرسد و  
آنچه بصمت کرمان است اینست و انتظام داده قوافل و عابری با سودگی و اطمینان عبور و مرور نمایند  
و از قراریکه نوشته اند جناب سعید ثونی امام مسقط در این اوقات بنای آمدن به بندر مزبور در آ  
و هم چنین بلوکات جرم و قیر و کارزین و جویم و بید شهر و ارباب و نیز ابوالحسنی مقرب انخافان  
میرزا نعیم لکر نویسی فارسی هم زراعت شتوی و صیفی بسیار شده و خوب هم بعلل آمده  
و سخیلات آنجا نیز بار زیاد آورده و رعایا از همی کمال خوشوقتی را داشته اند و عالیجاه سرز  
علی محمد خان در انتظام امر بلوکات مزبور کمال اهتمام را بعل می آورد و اهالی آن صفیحات نهایت رضایت  
از حسن سلوک مشا را لیه داشته اند و هم چنین بلوک فیروز آباد و خنج افروز ابوالحسنی مقرب انخافان  
محمد قلیخان ایلیانی نیز از مراقبت و اهتمام عالیجاه مشا را لیه بسیار مطمئن و مضبوط است آنچه را  
ابیت بسیار خوب بعلل آمده و آنچه دینی است بجهت کم آمدن باران در آن صفیحات مانند رعایا آید

۲۵۹۱

دیگر از قماربکه در روزنامه بندر بو شهر نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت مقرب الخاقان  
 احمد خان دریابگی و حاکم بو شهر و مضافات قرین انتظام است علیجاه شیخ نصر خان را چند  
 وقت قبل ازین بانتظام امور مضافات فرستاده بودند و بعد از ورود بان صفت  
 تفوق مضافات و جزیره خارک را جمع آوری نموده و رعایا را بوجوطف اولیای دولت علیه السلام  
 کامل داده و سرگرم زراعت و عمرتی نموده و مالیات سنه ماضیه آن صفت را نیز بحدت وصول  
 رسانده در این اوقات ماحبت بو شهر نموده محاسبه بواجبی خود را در نزد دریابگی گذرانده چون  
 کمال صداقت و کفایت او در خدمتگذاری دیوان اعلی و انجام مهمات و مرجوعات دیوانی و  
 حسن سلوک او با رعایا و امانی آن صفت ظاهر گردید زیاده مورد تحسین و تشریفات لایحه آمده و  
 مقرب الخاقان دریابگی در تقویت امر او کمال اهتمام را دارد (دیگر نوشته که کشتی غنچه خروس با  
 مال آقا محمد تقی تاجر اصفهانی که اشیاء تجاری حمل کرده بو شهر می آمد در نزد یکی مسقط طوفان  
 شدیدی شده اهل کشتی معادل یکصد عدل قماش و بخیل و قفل و غیره که از مال تجار یزد  
 و اصفهانی و بو شهری و شیرازی بود بدربار نخته و کشتی را سبک نموده از آن مخاطره بهال  
 سلامت رسانده و اردو بو شهر نمودند و هم در اینجا که طوفان ظهور کرده بود بقله محمودی نام مال حاجی  
 محمد باقر تاجر اصفهانی که خرما و اسب حمل کرده به بیابانی میرفت گرفتار نظرات امواج گردیده بعد از  
 حلت خرما و ده رس اسب از بقله فرورده بدربار نخته بودند) (دیگر نوشته اند که بقله مشهور  
 علی اکبر مال عبدالرضای تاجر بو شهری لنگر برداشته بطرف بیابانی میرفت باد شمال او را بعت  
 بانظر رانده بیت و یک روز بانظر طی مسافت نموده در روز نیت و یکم باد شمال مبدل باد  
 جنوب که باصطلاح اهل دریاباد توس است شده و زمان اختیار را از دست کشتی بان بدر برد  
 کشتی را معاودت داده انقدر مسافت را که در بیت و یک روز طی کرده در چهار ساعت بخت  
 کرده در خارج لنگرگاه بو شهر در موضعی که آبش کم بود شدت باد و طوفان کشتی را بجلت نمانده  
 مقرب الخاقان دریابگی بمحض اطلاع فوراً همه بکارها را که در لنگرگاه موجود بودند باخارج روانه کرد  
 و شبانه محل بسیار فروخته و اشیاء و دواب بقله فرورده را بیرون آوردند و بیت نفرس را نیز  
 در سرشیا که از کشتی بیرون می آوردند مستحفظ گذاشته اشیاء و اسبهای کشتی را تماماً بیرون  
 آوردند و هم در عرض اسب که در او بودند و از ده رس بان از شدت ضرب امواج شکسته و  
 اسقاط شده بود بدربار نخته و باقی اسبها نیز اغلب دست و پایشان شکسته و حشمتان معیوب

۲۵۹۲

۷

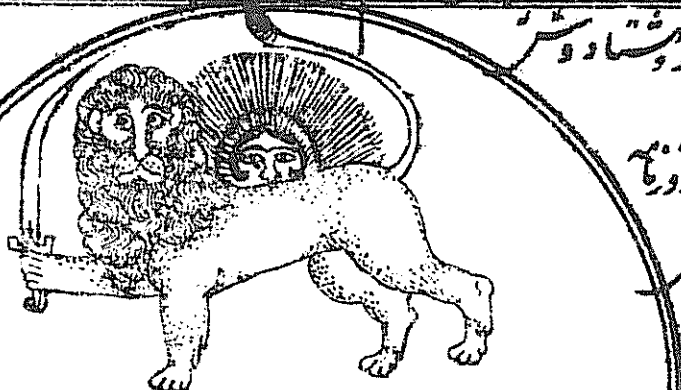
شده بود ارتقستی سرون آورده و آب کشتی را برون ریخته و سبک کرده از کل بالا کشیده به  
 لنگرگاه آورده اند که تعمیر نمایند (دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان دریا بیک در تعمیر عمارت را کرده  
 بود شهر اتمام نموده و استاد ایوش معمار که از شیراز باجا آمده است بر حسب دستور الخلی دریاچه  
 دو باب ایوان جانبین چهار فصل سردرب چهار برج را که خراب و بمصرف بود خراب کرده و  
 بجای آنها دو باب اطاق فوقانی دو در و طح انداخته در کمال خوبی و استحکام ساخته با تمام سیاه  
 و پله چهار فصل را نیز خراب کرده جای پله را با قطعه زمین رودی آن که عمارت شده بود چهار  
 اطاق تحتانی ساخته و قرار شد که بالای دو اطاق آنها یک باب تالار عالی بزرگ دورویه که جای  
 تابستانی باشد باز دو عمارت دیگر بعد از اتمام این عمارت قرار گذاشته است که باز  
 (دیگر نوشته اند که جاده راه کتل هوشنگ که بکل دختر مشهور است خراب بود و بجا برین و میرزا  
 در عبور از آنجا ضرر و صعوبت کثی میرسید خصوصاً در فصل زمستان که با برفندی زیاد میشد سالی سالی  
 چهل سال و آدم از آنجا بزیرافتاده بهلاکت میرسیدند در سه ماضیه نیلان <sup>بجای</sup> آقا محمد علی ملک التجا  
 بندج ابو شهر بانی شده و از بالای کتل تا پائین که تخمیناً سه ربع فرسخ میشود مخارج زیاد کرده تا  
 از آنرا سنگ و کچ فرش کرده و سمت پرنگاه جاده را نیز از اول کتل تا آخر کتل دیواری  
 کج و مسک با ارتفاع یکدفع در کمال استحکام ساخته و از پای کتل تا نقش تیمور که تخمیناً دو فرسخ  
 راه محلاز سنگهای بزرگ و کوچک بود سنگها را بر چیده با طرف جاده ریخته اند اکنون متره دین  
 از آن راه در کمال آسانی و آسودگی عبور مومور می نمایند که در **دستان** از فراری که در روزنامه  
 که در دستان نوشته اند امور اولایت از حسن مراقبت مقرب انخاقان امان الله خان والی کردستان  
 قرین انتظام است و در نظم ولایت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات دیوانی کمال اتمام را بعلنی آورده  
 (دیگر نوشته اند که خلعت عیدی که از جانب سنی ابجواب اقدس عالیون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطه  
 بجهت مقرب انخاقان امان الله خان مرحمت و مصوب ماچاه پیرزانا در ستونی اولایت اعاده شده بود  
 در بیت و چهارم ماه مبارک رمضان با تجار تو وصول افکند مقرب انخاقان مشا رالیه با جمیع اعاضد  
 اعیان ولایت تا مقام خلعت پشان که یکفرسخی سنجد است با استقبال شرافه لازم توفیر و احترام  
 خلعت مهر طلعت را بعل آورده ریب برودش اعتبار و افتخار خود نموده و فرمان مهر لجان مبارک که مبنی بر  
 اظهار عواطف طوکانه در بار مقرب انخاقان مشا رالیه و اهالی اولایت شرف صدور یافته بود خطیب و از طرف  
 مضمون آن را گوشه خاص عام نموده اظهار تشکر دعا گوئی کردند و مراجعت سنجد نموده وقت افطار شرف شربت و شکر

۲۵۹۳

۲۵۹۴

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده و نوشته شود  
 از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول از مذاکرات مجلس پارلمنت انگلیس نوشته اند  
 از مقصدین ناپولی که چند وقت پیش ازین وسیکر دولت ناپولی گردیدند و نفرمباشیر جن  
 بخار آن کشتی که مقصدین در او نشسته بودند نیز در میان مفتدین گرفتار شد همچوس  
 گردیدند چون این دو نفر در زیر حمایت دولت انگلیس بودند دولت انگلیس آنها را از ناپولی مطالبه  
 نمود و قال ناپولی جواب گفته بود که بعد از تحقیق و اجرای محاکمه آنها اگر مقصر نباشند وقت  
 مرخص خواهند شد بجهت این کیفیت دولت انگلیس سفیری را که در طوسقانه داشت برای اجرای محاکمه  
 آنها روانه ناپولی نمود و در مواجهه سفیر فرانسوی که آنها مبادرت شده بری الذمه بودن آنها  
 اشتهار ظاهر کرد چه و فرمال ناپولی آنها را بسفیر انگلیس تسلیم نمود بجهت اینکه این دو نفر مدتی بی تقصیر  
 ناپولی محبوس بوده اند و صدمه و ضرر دیده اند مبلغی معتدبه در مجلس پارلمنت انگلیس مذاکره شده است  
 که از دولت ناپولی برای آنها مطالبه شود (دیگر از روزنامه رومه نوشته اند که جناب پاپا  
 که حکمران رومه پیشوای مذکور یک عیسوی است بجهت تحقیق احوال رعایای زیر حکومت خود  
 در اول این بچار غرمت کردش بحال حکومت خود نموده است) (دیگر از روزنامه های فرانسه  
 نوشته اند که نظافت و نظم و پاکیزگی کوچه های شهر پاریس رجحان بر ولایتی دارد و مستغنی از  
 بیان است در این اوقات بجهت پاکیزه کردن راههای شهر پاریس نیز از جانب والی پاریس با اتفاق  
 عمومی صد و شصت طمان که سصد و بیست و کر و فراتق پول آن ولایت باشد اراده شده است که در  
 نمایند و در مدت یکسال راههای مریور را بصرف آن تنخواه پاکیزه و نظیره نموده منتظم بکنند) (دیگر  
 از روزنامه وینه پای تحت استریه نوشته اند که بعضی اورون شکر از بعضی نباتات از قبیل چغندر  
 ترب و غیره از جمله معلومات است و بعضی آورده اند در این اوقات یکی از محبوسین دولت استریه  
 مدعی این شده است که از گاه شکر بعضی پادرو بجهت تجربه این صنعت دولت استریه حکم بر حقی او  
 از حبس کرده است و نیز از روزنامه استریه نوشته اند که سال گذشته در مجارستان با بجهت محصولات  
 که بعضی آمده و والی آنجا دچار اضطراب شده درین سال نیز مانند پارسال حاصل کم آمده چون تجربه  
 آفات دو سال پی در پی محصول آنجا رعایای آنجا که قوه و بی بضاعت شده اند و بادای مثال دیوانه  
 صعبیت با آنها روی میدهند دولت استریه قرار لایات آنها را تسکین بخشیده و داده است که  
 بعد از شش ماه بدی خود را ادا نمایند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه دوازدهم شهریور بعد از ظهر مطابقت با تقویم

مطبوعه دارالخلافه طهران		مترجم و مترجمه
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
هر طرزد		هر نسخه

### اجبار واحضار مالک خسرو سیه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

از فرار عریضه مقربتی انخاقان شاه دوله خان و محمد رضا خان مرتب و صف علی بن شاهسون که این  
 ارض را به خراسان خدمت جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم افخمی نوشته بودند و بعضی حضور  
 سرکار اقدس علی بن شاهشاهی ایدانیدیش رسید در این اوقات که مشارالیه از مأموریت خراسان  
 آن در محضی حاصل کرده و از ارض اقدس بیرون آمده با فوج و سواره بدر بار جاهد از راه یونانی  
 در نوزدهم ماه شوال حوالی صبح از منزل ریود کوچ کرده نیم ساعت بطیر مانده وارد منزل سود خسته  
 فرود آمده و استراحت کرده بودند که سه نفر از غلامان سپه داری از عقب رسید خبر آوردند که  
 حرکت کردن سرباز و سواره از منزل ریود بقدر ششصد و سیصد سوار از طایفه ضاله ترکمان که کلان  
 پنج شش ده از دانات آن حوالی تاخته دولت و شرف اسیر و بقدر ششصد و سیصد سوار و کادو  
 پیش کرده بودند که سرباز و سوار عقب آنها برود و در چشمه کبک که آنجا راهناست ولایت آنجا فرود می  
 با آنها خواهند رسید مأمورین بعضی آگاهی مجلس حاضر باشنده سواره سردار شاه دولت خان و  
 سواره شامسون و چهار صد نفر از فوج دویم نظرت و چهار صد نفر از فوج طهران منتخب کرده و سواره  
 ترک اسب کشیده بطور ایستادگی سواره ترکمان حرکت کرده فرسخ راه بیچیل سپرده عزوبت قنات  
 به نیم فرسخی چشمه ریور رسیدند ترکمانان نیز اسیر را فرود آورده و قرآنال را جمع آوری کرده بعضی  
 جلو اسب و دست و بعضی سواره فراوانی میکردند چون در کودالی بودند از آمدن سواره و سرباز خبرند  
 مأمورین علی الخطه بر سر آنها تاخته و شلیک نموده قلیلی از ترکمانان آبیادگی کرده خود را چو کوله قشون  
 نظرت نمون نموده بالآخره تاب مقاومت نیاوردند فراری شده بقدر نوزدهم سپه از آنها پست

۲۵۹۵

و تمامی اسرار و امان که پیردند تبصره نامورین در آمد چون آنجا جنگی نطلب لیل مانع تعاقب بود  
از انجام راحت کرده و اسرار و اموال را تمام آورده با اولیا و صاحبان تسلیم نمودند و این نظر  
چهار نفر از سواره سردار شاه دولت خان و دو وارده نقر از سواره هسون و ده نفر سرباز و  
صاحب منصب رزخدار شده اند و این کمال رشادت را بجا آورده اند (چون که خدائی محله <sup>خان</sup>  
تبریز سالها با مرحوم محمد آقا بود در این اوقات که مشارالیه وفات یافته است نظر ثابستی عالیجا <sup>خان</sup>  
برادر او بموجب فرمان جهان مطاع مبارک اولیای دولت علیه که خدائی محله منور را با او واکدا کردند  
و موجب دیوانی در حق او برقرار نمودند) (خند روز پیشتر شی صد و پنجاه عالیجاه میرزا و لیجان  
پسر مقرب انخاقان چراغعلی خان حاکم خمت را سخته معادل دوسه هزار تومان وجه نقد و  
و کمر برده بودند عالیجاه مشارالیه دست که دزدان خارج نیامده کار نوگران خود شش میباشد  
دوسه نفر را که کمان پیردند گرفته حبس کرده بعد از سه روز معلوم شد که دو نفر نو که جدید طرانی که در  
یازدهم هم قسم شده برده اند خواه و اموال مسروده را با تمام ازان دو نفر گرفته و آنها را بیرون نمود  
(افواج شکر وین و فوج مرغه و سواره چهار دولی که از سفر خراسان راحت کرده بودند  
حسب الامر مقدس هاپون شاهنشاهی لشکر نوپان عظام آنها را سان دیده و بموای حیشان را برداشته  
و جیره عرض و اه بهم با نهاد داده شده مرخص خانه گردیدند که رفته خدی در اوطان و اما کن خود آورده  
و استراحت باشند و هم چنین مقرب انخاقان محمد رضا خان سیرت باد و فوج ابوالجمعی خود و عالیجاه  
صفر علیخان سیرت با سواره اینان در روز سه شنبه دهم از خراسان وارد شده افواج و سواره  
در بالای تکارستان منزل کرده و مقرب انخاقان محمد رضا خان و عالیجاه صفر علیخان با صاحب <sup>منصبان</sup>  
به نیادران رفتند که شرفیاب حضور هم ظهور مقدس هاپون شوند) (بوای دارانخلا و طهران در اوایل  
این ماه چند روز بسیار گرم شد چنانچه خلق بصورت گدازان میگردند بعد از آن حال چند روز است  
که هو بسیار طایم و خوش شد است خصوصاً شبها که بی بالاپوش می توان خوابید و از اینجه کمال <sup>سود</sup>  
ان برای مردم حاصل است) (درین روزها چند نفر سجانها بزدی رفته بودند که خدایان آنها را که  
خدمت توایا شرف و الاثا برآه چشم محمد تقی میرزا حکمران دارانخلا آورده اند بعضی از آنها که معلوم  
شد که کار قبلی از آنها ناشی شده و ابتدای وزدی آنها بود حسب الامر توایا معنی الیه تبیه شده و حضرت  
گردیدند چهار نفر از آنها که قشمان کتی بود و سابقا هم باز مرکب سرف شده بودند حسب حکم مجلس گردیدند  
تا بعد از استروا و تمامی مال مردم حکم سیاست آنها شود) (و یکو درین هفته وجه قلابی از دست سمعیان <sup>نام</sup>

۲۵۹۶

بهدانی گرفتند بعد از همدید قرار کرد که ما چهار نفر در خانه آقا حسن قرا با معنی باین کار اقدام کرده ایم  
 آن سه نفر دیگر اسم باسم و رسم نشان داد یک نفر از آنها که حسن خان نام مافی بود دستگیر شد  
 دو نفر دیگر هنوز بدست نیامده اند و در همه در داخل و خارج شهر آدم کاشته شده است که آنها را  
 بدست بیاورند تا بعد حکم سیاست آنها بشود کسب لایح از قرار یک در روزنامه رشت نوشته اند  
 امیرالامراء العظام عمید الملک امیراصلاحخان و الی کیلان که بدربار معدلت مدارج ایون آمدن نواب میرزا  
 با بر میرزا را بجهت رسیدگی امور ولایتی بنیابت دور رشت گذاشته نواب معزی الیه همه روزنه در دیوان  
 نشسته با امور ولایتی رسیدگی کامل بنمایند و از هر چه کمال نظم در طلبه حاصل است و هر یک از بنیان  
 امور دیوانی مشغول انجام خدمات محوله سجد بنمایند و که خدایان هر یک در سر محلات خود و دیوانها  
 مراقب و مواظب محله ابواجب خود هستند که سرفت و شرافت و خلاف حسابی واقع نشود (دیگر نوشته اند)  
 چون در این اوقات تکام زراعت کردن تخم شتوک بارندگی کم شده بود و قریب دو ماه متوالی  
 بهیچ وجه باران نیامده دو نهر موسوم بنجام رود و نهر دو که شغل میرزایی آنها محفوظ بجا بجا میرزا  
 سعید خان است کمال مراقبت در جاری کردن آب نهرهای مرز بوره نموده ولی چنین اتفاق افتاد که  
 رودخانه سفید رود که در تکام بهار طغیان بنمایند شدت نموده روز آب در دهنه نهر خام رود  
 شده در دهنه را خراب کرده آب بکودی افتاد بستی که دیگر احتمال تعمیر و گذراندن آب مشکل بود و  
 نهر خان رود بنیابت پریشان و متزلزل گردیدند عالیجا میرزا سعید خان مراتب را عرض نواب  
 امیرزاده رسانده بقدر ولایت تفرغ از شهر اجرت داده سپهر مرز بوره فرستاده و از اطراف مرز  
 کرده بصورت تمام چند پایه در جلو آب زده و سه چهار توپین تازه نیز از بالا ولایت رودخانه  
 نموده داخل نهر مرز بوره نمودند و از نقصانات الهی همان اوقات یک روز بارندگی کامل شده و افات  
 کلی از برای شارپین نهر مرز بوره حاصل گردیده از متزلزل و تشویش بیرون آمدند (دیگر نوشته اند)  
 که یک قطعه نشان سرسنگی از درخت دویم با یک ثوب جبهه ترمه کرمانی که از جانب سنی بجا است  
 جایون با فتحار عالیجا میرزا محمد علی مباشر امور خارجه کیلان مرحمت شده بود و با بنجا بر تو وصول  
 افکنده عالیجا به شار الیه لوازم استقبال و توقیر و تکریم را بعلل آورده نشان دلشان و قطع  
 طلعت را آویزه بکرا فتحار در زین پرورد و دشمن اعتبار خود نموده کمال امیدداری را بوجه  
 دولت علیه حاصل نموده و با بنیابت دکر می با انجام خدمات و مرز جغات محوله بنحو و بهستال  
 مراقبت تام لعل می آرد

۲۵۹۷

### اصفهان

از قرار کیه در یوز نامه اصفهان نوشته اند امیر الامرا العظام مقرتب انخاقان عیسی خان و آن  
که بجزگانی اولایت منصوب و از دربارهای یون روانه کردید در نوزدهم شهر سوال وارد آنجا  
شده از جانب اعیان و امانی لوازم استقبال و توقیر و احترام عمل آمده و بعد از ورود در شهر دید  
و باز دید با علمای اعلام مرعی شده پس از آن بنظم امور ولایت و تغییر و تبدیل بعضی اعمال و سایرین  
بلوکات و غیره پرداخته و قرار کار هر یک از اعمال و مباشرین را بطور شایسته داده است و خود  
بنفست سخرنی و کلی امور رسیدگی می نماید چنانچه هیچ کاری از تمام ولایتی یا امور دیوانی و غیره بی  
او نمی گذرد و کمال وقت و عوز رسی بعضی و داور عاقلانیده نیز در باب نظم و امنیت شهر و محلات  
که خدایان محلات و دله و غه قدغن اکیه نموده است که مراقبت تام عمل بیاورند که سرقت و غلات  
حسابی چون جبه اتفاق نیفته و شرب و شرارت و ارتکاب منہیات بکلی موقوف باشد و آنها نیز  
حسب المقرریلا و تمهید خدمات محله بخود مواظبت کامل دارند و کسی قدرت حرکت خلاف حساب  
ندارد حتی بعد ازین قدغن در محله جو لایه اصفهان هم که سکن ارمانه است شراب خرید و فروش نمی  
کرد در میان خود یا امثال خودشان به جهت امور اولایت با فضل نهایت انظام را دارد و رعایا و برابرا  
آسوده خاطر بکار و گب خود و دعا کونی ذات اقدس کلین شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه پستخان  
دارند و مقرتب انخاقان مشارالیه در این اوقات عالیجاه منزه محمد حسین مستغنی اصفهانی را که مسرأ  
خود از دارالخلافه برده بود به پیشکاری خود منصوب و بامور محاسبات استقلال داده است و عا  
مشارالیه نیز در رسیدگی بامور محاسبات و معاملات ولایتی و انجام خدمات دیوانی کمال اهتمام را  
بعضی می آورد (د دیگر نوشته اند که توپچی و سپاه متوقف دار السلطنه اصفهان هر روز در میدان  
نقش جهان مشغول مشق میباشند و از جانب صاحب منضبان نهایت مراقبت در مشق و انظام آنها  
(شود) (د دیگر از قرار کیه سعیر اجناس اولایت را نوشته اند که گندم خرداری و دو تومان و نان نوزده  
شاه که دو من تبریزی و معمول اولایت است چهار صد دینار و گوشت یکمن دو هزار دینار و روغن  
یک من پنجاه دینار و ده شای و برنج یک من هزار دینار و قند یکمن دوازده هزار دینار و سکر یک من بیست  
دینار و عدس و نخود یک من ششصد دینار و جو خرداری دوازده هزار دینار و گاه خرداری هزار  
دینار و میزیم خرداری است هزار دینار میوه جات یکمن ده شاهی و سایر اجناس هم باین منطنه  
مسعود هر جزئی بجز الله و فوز دارد

۲۵۹۸



# عراق

فیروز میرزا

از قرار که در روزنامه عراق نوشته اند نواب سطات بنبراده افخم والایا بنصره الدوله که از دربار همایون حکمرانی ولایات عراق منصوب و روزی محل حکومت شدند بزبان تهرانی حضرت معصومه علیها و علی بابها آلاف التحية شرفیاب و از اینجا در چهاردهم ماه شوال عازم حکمرانی گردیده در روز دهم منزل اول که خاک خلیتان است مقرب انخافان شیخلی خان سرتیپ فرج خلیج بالباس نظامی و صاحب منصبان نظام مراسم استقبال و توقیر و احترام را بعمل آورده بودند نوازشات نواب معزی الیه گردیدند و هم در اینجا عالیجاه میرزا حسین نایب الحکومه خلیج تازانکه با آمدن بود مورد التفات و در مقدمه روانه نمودند که تا ورود نواب معزی الیه بمنزل سیورت و لوازم را خریداری کرده حاضر نماید و قدغن نمودند که از رعایا پرکاهی باسم سیورت مطالبه گشته آنچه لازم است همه را وجه نقد برجا باده خریداری نماید بعد از ورود بمنزل چون مقرب انخافان شیخلی خان از دربار همایون با فوج مأمور خدمت بود و او را از اینجا محض و از مشایخ سلطان معاف داشتند که قرار موجب محلی و تدارک فوج را داده پیش از سه روز معطل نشود و روانه محل مأموریت گردد و هم چنین دو فوج گراز که احضار دربار همایون شده و قبل از وقت عالیجاه آقا محمود قریشباشی نواب معزی الیه مأمور انجام تهیه و تدارک و حرکت دادن آنها بود مشا را الیه خدمت خود را با انجام رسانده و فوج را حرکت داده در راه چردکه منزل مقام از خاک خلیتان است حاضر کرده بود مقرب انخافان علیسقی خان سرتیپ افواج مزبور با صاحب منصبان بحضور نواب معزی الیه آمده بودند نوازش شدند و در روز دهم بمنزل راهبرد احاد و افراد افواج مزبوره را ملاحظه نمودند و در کمال و ابراسکی بود و در باب رسیدگی موجب محلی آنها تحقیقات لازم شده تقصیر در کارشان ننماند بود حسب الامر روانه دربار همایون شدند و مأمورین که با جنبا رعایا و مباشرین بلوکات رفته بودند که متعارن و ورود نواب معزی الیه به بلد سلطان آباد آنها نیز در سلطان آبا آنچه قرار کارهای خود حاضر باشند چون اینگونه مأمورین را در سوا سباین معمول شده بود که حکام و مباشرین باسم مردگانی و خدمت و جوی میدادند و آنچه را بر جای مانده توجیه سرکن میکردند نواب معزی الیه قدغن نمودند که این قاعده باید بکلی موقوف باشد اگر معلوم شود که احدی از مأمورین و نیاری از رعایا یا رعیت گرفته باشد مورد مواخذه و سیاست خواهد شد حتی اگر رعایا و مباشرین از خود نیز وجهی بکلف کنند که دخلی بر رعیت نباشد نباید قبول میکنند و مأمورین نیز حسب المقرر معمول داشته در روز بیستم که وارد سلطان آباد

۲۵۹۹

شدند عموم اهالی ولایت و عمال و مباشرین که در سلطان آباد حاضر شده بودند لوازم استقبال را بعمل آوردند  
 و نواب مغربی الیه عموم اهالی انولایت را الجواهر اوبای دولت علیه امید واری کامل داده بعد از ورود  
 در عرض سه چهار روز قرار کار و دستور العمل جمع عمال و مباشرین محلات و بلوکات را داده همه را بر او نه  
 محال مأموریت نمودند و هر روز یک ساعت از روز بالا آمده تا ظهر و ساعت لغروب مانده تا دو ساعت است  
 گذشته برقرار استمرار با رعایا داد و بدهی و در رعایا و حصول مویجات آسودگی و عفت پیر و از بندگی  
 وقت رسیدگی در انتظام امور جمهور دارند و از رعایا و عمال و مباشرین که سلطان آباد آمده بودند تحقیقات  
 لازم شد و معلوم کردید که مأمورین که باخبار آنها رفته بودند باقتضای امر نواب مغربی الیه دیناری از احد  
 باسم خدمتانه و مزدگانی گرفته و قبول نکرده اند و وقت روانه کردن رعایا و عمال و مباشرین هم در ضمن  
 دستور العمل آنها بعضی صاوریات از قبیل سیوریات و خدمتانه و که خدایانه و حق النبیاء کزاف را از  
 کردن رعیت برداشته و ازین تحمیلات آنها را معاف نمودند و برنگل رعایا معلوم کردید که ازین تحقیقات  
 جمعی جمع بهی دیوانی آنها که سالهای سابق میدادند سبک شده است بیک شاکر و دعا کو بهر امور  
 رعیتی خود رفتند و امورات خالصه بهم که از هم توجه مباشرین مستر و رعیتی و انتظامشان از بیم  
 و رعایای آنها متفرق شد زراعتی نگردیده بودند نواب مغربی الیه قبل از عزیمت از دارالخلافه الباهره اوم و ستان  
 که رعایای آنها را جمع اوری کرده با مزرعت آنها بر دارنده اورد و تحقیق احوال آنها پرداختند معلوم  
 زراعتی نگردیده بودند لی زراعت صیفی کل دلت خالصه کزار و شراه با تمام کاشکان نواب  
 مغربی الیه بر وجه احکام شده است بطوریکه هیچ سال اینقدر صیفی کاری در آنجا نکرده بود و رعایای آنها  
 هم اغلب بر جهت لزوم زراعت رعیتی خود کرده و باقی نیز متعاقب در کار آمدن با و طان و اماکن خود میباشند  
 عمارات دیوانی سلطان آباد را هم که در نستان گذشته خرابی بهم رسانده بود حسب الامر نواب مغربی الیه  
 قبل از وقت کار گزاران تعمیر آن مبادرت نموده در مدت دو ماه همه خرابیهای آنها را در کمال خوبی و  
 استحکام تعمیر نمودند چنانچه اثری از آن خرابیها که در عید نوروز مشاهده میشد نمانده بود بلکه چند طوط  
 و مکان دیگر نیز که از مدتی باری افتاده و تعمیر شده بود تعمیر شده و ایر کردید آنچه باقی مانده سردار که  
 که درین نستان گذشته خراب شده بود و بازار خالصه شهر که آنها را هم نواب مغربی الیه بعد از ورود  
 قدغن نمودند که بازند و کسب را در دو کالین بازار جابد بند و بالنصل بنا و عمل در کاسختن و تعمیر آنها  
 میباشند و در نظم امور ولایت قدغنهای بلنج کرده اند و هیچ وجه کسی مصدر رعیتی و حرکت خلاف  
 نیست اندیشود

۲۶۰۰

### اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته می‌شود

از قرار روزنامه نیکی دنیا که در روزنامه جریده الاحداث اسلامبول نوشته اند در شهر بوستون نیکی دنیا از جانب جناب پاشای مصر یک کشتی آهنی که سصد تن که هند صحر و اربوزن این ولایت است بارگیری او باشد وقت مستجاب داشته باشد سفارش شده بود که بسازند در این اوقات کشتی مزبور با تمام رسیده و پنجاب مصر روانه خواهند نمود (در روزنامه‌های سابق نوشته بود که که از جانب دولت فرانسه جناب مرشل پلین بگارت لندن پای تخت انگلیس مضمون شده است از قرار روزنامه که بعد رسیدن رالیه وارد لندن شده و لوازم استقبال و احترام او از جانب دولت انگلیس عمل آمده و از جانب وکلای دولت طرف ملت حینی اگر امانت و اجرای شیک در حق او شده است) (دیگر از روزنامه‌های پاریس نوشته اند که جرارد رخت حکومت فرانسه تجار مسافران از خاک فرانسه اغلب اوقات اختلال و یا عینگیری در آن ولایت روی میدهد دولت فرانسه متحمل مخارج و مشکلات میشود و ماریخ اختلال از آن ولایت بکند نظر باین ملاحظات بعد از این دولت فرانسه قرار داده است که انجبار اعدا یک ایالت متعلقه شده و قایم مقامی آن ولایت است پرنس ناپلیان که عموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانسه است و اگذار شود) (دیگر در روزنامه‌های پاریس نوشته اند که چنانچه در سال گذشته فرانسوا ملکنبورق امپراطور فرانسه و امپراطور روس و بعضی از حکمرانان المانیا را در شهر استودنار و صیافت نمود و در این اوقات نیز اعلیحضرت امپراطور فرانسه قرار داده اند که در محل قونت بلونام که در جوار پاریس است فرانسوا ملکنبورق و حکمرانان المانیا را در آن صیافت حاضر بوده اند دعوت صیافت نمایند و درین صیافت اعلیحضرت ملکه انگلیس نیز دعوت میشود) (دیگر در روزنامه جریده الاحداث نوشته اند که بموجب سفارشی که از جانب دولت عثمانیه شده بود که در کارخانه لیمپلیچا بشما دقطعه توپ کشتی برای دولت عثمانیه بفرستد و از قرار روزنامه بلجیحا که در این اوقات رسیده است توپهای مزبور ریخته شده و با تمام رسیده و در این روز با اسلامبول فرستاده اند) (دیگر نوشته اند که برنام نام که در نتیجه فرانسه و از جمله رتبه‌های متدین بود که تصد اعلیحضرت امپراطور فرانسه را کردند و رالیه در لندن عقد انجمن مسورت بجهت می نمود بجهت موت معند بودن او و نفر از رتبه‌های او را که در پاریس دستگیر شده و محبوس بودند ببلندن فرستادند که در اجرای محاکمه او ادای شهادت نمایند اگر چه عدوت بر نام مزبور نسبت به امپراطور فرانسه بدرجه موت رسیده ولی بموجب قانون دولت انگلیس مستوجب جزا و سزا می‌شده و از جانب دولت انگلیس مطلق العنان بودن حکم

۲۶۰۱

از قراریکه چند روز در روزنامه های سابق نوشته شده بود مفتدین ناپولی که کبشی قالپاری نام  
 نشسته بصفه اول داخل ناپولی آمده بودند بعد از آنکه دستگیر شدند و تفرغ علیهم السلام بجاگشتی برپور  
 که از تبعه انگلیس بودند در میان مفتدین دستگیر گردیده بعد از آنکه سفیر انگلیس که در طوسخانه بود ساجد  
 ناپولی رفته و اجزای محاکمه آنها را نموده معلوم شد که این دو نفر مدخلیت در پست و مفتدین مذکور  
 آنها را بدولت انگلیس تسلیم نموده بنابراین کشتیهای جنگی انگلیس که قبلاً مانده انی امرال لایر سجات ناپولی  
 رفته بودند از آنجا حرکت کرده بچوالی تونس آمده اند (از قرار روزنامه های سابق بمعرفت قومیه  
 که در انگلیس تشکیل یافته از هندوستان تا سویس ناپولی و خط ملعار کشیده شود چون در بعضی محاکم  
 سیم ملعار از بحر احمر باید کشیده شود سببه تعیین عن سحر بر پور هندسین مأمور گردیده و عن  
 سحر بر پور را مشخص نموده اند از قرار اخبار هندسین جای بسیار عمیق دریای بر پور مقصد ذراع است  
 (دیگر نوشته اند که بموجب تحقیقات قونسولهای داخله و خارجه ممالک انگلیس در مارت گذشته این  
 تجارتی دولت مختلفه در سجا معلوم صد و هفتاد و زکشتی غرق شده و سواى آن در طرف مدینه سجا  
 ریاهه از پانصد کشتی غرق و کشته شده اند) (مانند مارت پور که چند سال قبل ازین در لادن  
 و بعد از آن در دهله های دیگر سببه وضع امتداد اجناس و اشیا غریبه کسوده شده بود در ابتدای کار  
 آئینه در فلک قرار شده است که مفقوع گردد و اشیا موجوده آن از محصولات ارضیه و صناعیه  
 فرکتان بوده و اشیا سبکه با سجامی آورند رسم کم کم از آنها برود استه میشود ولی اگر از هر دولتی که  
 می آورند نوشته ایلیا زیا زان دولت نداشته باشند قبول نخواهد شد معصود این است که هر  
 چیزی که با سجامی آورند چیز ممتاز و منتخب باشد) (از غراب عادات کونیه روز کار در شهر سببه  
 حکم آن آنجا عارض میشود در وقت عرض سر برهنه و با برهنه و مشعلی در دست باید داشته باشد  
 و این قانون قدیمه اولالت است در این اوقات که حکم آن آنجا فوت شده و حکم آن دیگر سجا  
 اولت است این قانون را لغو و موقوف نموده و سواى این نیز قانون بود که هر کس سببه توسیع امنیت  
 خود از حکم آن آنجا استعدائی میکرد تا وقتی که استعدای او قبول شود از صبح تا شام در دیوانخانه بدور  
 می نشست و مادام که استعدای او در جوبول نیامده بود هر روز علی الدوام بایست همان طور در دیوانخانه بنشیند  
 و این اوقات در میان بیکوزها رضین کسی که مدت بیست و یک روز در دیوانخانه باین طور اقامت داشت  
 ظاهراً گردیده حکم آن تازه با حصول مطالب این عارضین این قاعده را هم از میان برداشته و  
 موقوف کرده است

۲۶۰۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه یازدهم ذی قعدة الحرام مطابق این روز شنبه

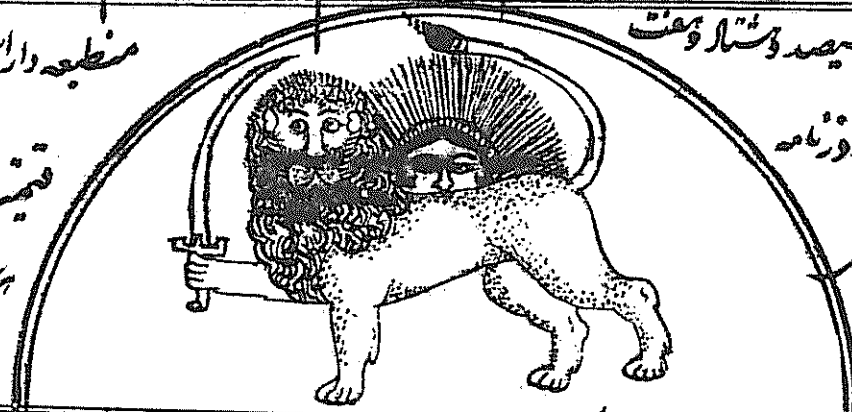
منطبعة دار الخلاء طهران

نه سید و شاد وقت

قیمت عملیات  
هر طرره

قیمت روزنامه

هر نسخه



اخبار و چند مالک محروست پادشاهی

دار الخلاء طهران

قشونی که از خراسان از سفر و مراجعت کرده بودند دستة دستة هر فوج و سواره که بدار الخلاء  
می آیند از سان حضور مبارک گذشته مورد الطاف و نوازشات لولکانه شده و میشوند و  
صاحب مضبان آنها را هفت و شان مرتب کرده و احادی و هر فوج و هر دستة از سواره را  
در آن روز یکصد تومان انعام داده و میدهند لکن نه این است انعامی که باین قشون داده شد منحصر  
بهین یکصد تومان باشد بلکه این یکصد تومان انعام همان روزی است که شرفیاب حضور بایون میشوند  
چون پول نهاری مرحمت میشود چیزی متجاوز از این انعام داده شده است چنانچه در خراسان انعامی  
برای تدارک راه تا دار الخلاء که داده شد قریب بیست و هفت هزار تومان انعام در آنجا داده شد  
و اینجا هم موافق ماخذ انعامی که علاوه از آن صد تومان داده شد میشود خواه آنچه آمده و مرخص شده  
یا آن افواجی که هنوز وارد دار الخلاء نشده این روزها وارد میشوند از قبیل فوج پش رار و می او  
ملائے شقاقی و توپچی و سواره قراپاق و غیره بعد از آنکه بعد یک ماهه موجب ماخذ کردند  
که با آنها انعام داده شود بیست و پنج هزار تومان شد که موافق همین ماخذ فوج و دستة بدست  
برکات مبارک می آیند مقرباً و انجان لشکر زبان عظام نشسته نفر بنفر پول را با حاد و افراد قشون  
داده مرخص نمایند ( این اوقات که موکب فیروزی کوکب بایون تشریف فرمای نیاوران شیراز  
هستند بعضی از روزها برای تفریح و شکار سوار میشوند چون در کوه البرز یا زنه جاها و مکانهای بومست

۲۶۰۳

از اینجا

خاطر اقدس همایون مایل سیاحت و تفریح که البرز شده قبل از وقت عالیجا مقرب الخاقان میرزا  
 زین العابدین ستونی دیوان اعلیٰ امور و سرافراز تدارک و رود موکب همایون بانجا کرید و فرمایش  
 شد که در مکان خوبی و تفریح گاه از کوه لوازم تهیه و تدارک اردوی همایون را فراهم آورد مقرب الخاقان  
 مشارالیه حسب الامر از چند روز قبل اسباب و اوضاع شایسته و فراوان فراهم آورده در روز پنجشنبه  
 دوازدهم موکب فریزی کوکب همایون تشریف فرمای که البرز شدند و جناب جلالت آقا نظام الملک  
 و چند نفر از شاهزادگان عظام و جمعی از خواص خدم و حشم و رکاب حضرت آقا مبارک حاضر بودند  
 و در روز تشریف فرمائی مقرب الخاقان مشارالیه لوازم تهیه و تدارک را بطوری خوب و طرز زیاده  
 که شایسته و لائق بود از قربانیهای متعدد و زیاد که در مکانهای مجرب موکب همایون آماده کرده بود و مصلی  
 با روح و صفات تربیت داده از شال پانداژ و وچه پیکش و حلویات و سایر طرزهات از میوه  
 و نهار و عصرانه از هر قبیل که در خوران محصل مبارک بود مهیا کرده و بجهت هر یک از نفرین رکاب پور  
 و طبیب جداگانه تدارک مهیا دیده مهیا گزید و در نظر اقدس ملوکانه زیاده جلوه گرفته بود چو مسعود  
 مبارک بسیار خوش گذشته مقرب الخاقان مشارالیه نهایت التفات را فرمودند و روز بعد از مراجعت  
 موکب همایون در ازای خدمت مشارالیه با عطای یکتوب خیمه نریمه کشمیری بسیار اعلیٰ قرین مفاخرت  
 و مبالغت فرمودند و فرمایش علییه رفت که همه ساله بقرار استمرار تهیه و تدارک این خدمت بعهده  
 مقرب الخاقان مشارالیه بوده بجهت مفاخرت خود بپوارم اسباب تشریف فرمائی موکب همایون  
 بتفریح کوه فلک کوه البرز قیام و اقدام نماید **فارس** از قراریکه در روزنامه بندر اوشهر  
 نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت جاوید مدت علیه و کمال اقبال و کفایت مقرب الخاقان  
 احمد خان دریابگی و حاکم بوشهر و مضافات امنیت و انتظام کامل در آنوقت حاصل است و امور  
 طرق و شوارع منظم و مضبوط است و مقرب الخاقان مشارالیه در نظم ولایت و رفاه و سعادت  
 رعیت و انجام مهمات و مرجوعات دیوانی مواظبت تام بعمل می آورد (دیگر نوشته اند عالیجا شیخ  
 نصر خان که بانتظام امور مضافات مانور بود نهایت خدمتگاری و حسن سلوک را با ابالی انجام سلوک  
 داشته و ابالی مضافات و شباکاره اظهار رضامندی از حسن رفتار او نموده بودند لهذا مقرب الخاقان  
 دریابگی از جانب اولیای دولت علیه خلعت شایسته باو داده و مجدداً او را بانتظام امور شباکاره

۲۶۰۴

۱۵۱۵

مأمور و عالیجاه ابراهیم خان یا در باب دولت نرسه با نرسه امشار الیه روانه نمود که امور اینجا  
 از هر جهت منظم و مصبوط داشته حسن کفایت و کار دانی خود را پیش از پیش نیا هر سازد و عالیجاه  
 امشار الیه بر حسب مأموریت روانه شبا نکاره کردید که امور اینجا را من حیث الاستقلال منظم  
 و عالیجاه شیخ حسین عموی عالیجاه شیخ نصر خان هم درین اوقات از محضره پو شهر آمده و خیال  
 دولت علیه را دارد و مقرب الخاقان دریا یکی نیز نهایت محبت را در حق او معمول میدارد (دیگر  
 نوشته اند که عالیجاه حاجی میرزا محمد علی هندس حسب الامر ادبیای دولت علیه از شیراز وارد  
 بندر ابوشهر کردید که مکان توپخانه و قورخانه و سر باز خانه و معتقات آنها را مشخص نموده و  
 نقشه آنها را کشید و مقرب الخاقان دریا یکی بسیار رو که خدمت ادبی دولت علیه روانه نمایند  
 از صد و حکم با حجت آنها اقدام نمایند) (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان دریا یکی مقرب  
 تمام در رفع سرفت و شترت دارد و اگر احیانا سرفتی اتفاق بعید اموال مسروقه یا تمام مقرب الخاقان  
 امشار الیه پیدا شده بصاحبش تسلیم میکرد و از جمله مکیدل بنی که قرب میت من بوده است از  
 اقا سید رضای تاجر کازانی باز بردن در رب کار و آنرا می توان میان پارهای مکاری رفت  
 برده بود و صاحب بنی مراتب را مقرب الخاقان دریا یکی اظهار داشته عالیجاه قاهر خان  
 پیغام داد که این عمل کار سر باران ابو اجمعی است و حکما از تو خواهم گرفت یا نیل من نور یا یوبین بنی  
 بصاحبش تسلیم شود یا قیمت آنرا از قرار یک من شش تومان بستاند من نور میبسم و از تجربه سر باران  
 تو کسر میکند ام عالیجاه امشار الیه نیز چند روز در تعض و سجود تا اینکه شیخی عدل من نور را بدو ن  
 چیزی از او برداشته باشند آورده بهمان جا که برده بودند انداختند صاحب مقرب الخاقان دریا  
 فرستاده صاحبش را آوردند و نیل را تسلیم نمود اصفهان از قرار یک در روز ما را اصفهان  
 نوشته اند امور اولایت ارض مرقت و رعیت داری مقرب الخاقان امیر الامر العظام عیسی خان و  
 حکمران دارالسلطنه اصفهان قرین انتظام کامل و کمال رفاه و آسودگی از برای امانی اولایت حاصل است  
 از جمله ارباب و ظایف و مستمرات که اغلب مردمان فقرو بی بضاعت و از اهل استحقاق هستند و بحیث  
 بی حالی و عدم قوه و وظیفه مستمری خود را از حال و مباشرین بنیستند و وصول نمایند و لابد مانده  
 براه آنرا بصیبت نازل و تفاوت فاحش میفرستند و زیاده مقرر شد چون رعایای این استحقاق

۲۶۰۵

که دعاگوی دولت جاویدت علیه میباشد زیاده منظور نظر اقدس تالیون است و محض دعاگوئی و تظلم  
 و مستمری از دیوان اعلیٰ بآنها رحمت میشود لهذا امیر الامرا العظام مشایخه در ضمن دستور العمل مبشرین  
 درین باب قدغن اکیده نمود که این قاعده بکلی موقوف باشد و وظیفه هر کس را از هر محلی که مشخص شده است  
 بدون کسر و نقصان بآنها برسانند و اگر مجموع شود که احدی ارباب وظیفه و مستمری خریدیه باشد  
 مورد مواخذه و سیاست خواهد شد و این معنی سبب مزید دعاگوئی ارباب و ظالمت و مستمری است که  
 (دگر نوشته اند که چون عمال و مبشرین بطو کات که استعیال حکمران نموده و بشهر آمده در شهر  
 متوقف بودند فرار کار آنها لازم بود لهذا بعد از ورود امیر الامرا العظام عیسی خان بشهر فرار کار  
 و دستور العمل هر یک از آنها را داده و آنها را مصلح نموده هر یک را روانه محل مأموریت خود کرد  
 که رفته بآنجا مهمات و مرچوعات محوله بخود بردارند در باب ضبط و نسق و قرار و مدار و  
 خالصه و تنقیه قنوات و آنها سفارشات اکیده بآنها شد که مراقبت تام بعمل آورده امور  
 انجمن را منظم و مضبوط دارند و همچنین در باب قطعاتی که بایست الفاد در بارها یون  
 شود و قبل از در و و کاشتهای مأمور گردیده مستعمل و وصول و ایصال بودند تجویزی و وصول  
 نموده و تحویل بخود اکر کرده اند باقی مانده در کار خود وصول نمایند که روانه دار الخلافه بآنها  
 استر آباد از قرار یک در روزنامه استر آباد نوشته اند مقرب انجانان جعفر قلینان  
 اینجانی بیکر سکی استر آباد در بیت و دو قیم ماه سوال از شهر استر آباد سپرون آمده با جمعیت در  
 سپرون دروازه سبز مشهد اردو زد که سایر مأمورین از سرباز و سواره بآنها متوجه شده برای  
 تنبیه استر از ترکمانیه حرکت نمایند و پیش سفیدان طوائف میوت آمده در خواست نمودند که این  
 حرکت سمت کرکان را موقوف نمایند که حرکت قشون بان سمت سبب و حث آنها خواهد شد آن  
 آنها قبول شده مراجعت کردند بعد از دو سه روز دیگر مجدداً اهدر دولت نفر از راه  
 طایفه مر لوبه آمده مذکور داشتند که بر با یقین شد که حرکت قشون برای چایدن مانیت و منظور  
 دولت علیه تنبیه یا عیان است اینک متعهدیم که رفته هر چه اسیر از استر آبادی و غیره که در  
 میان طایفه میوت است جمع کرده بیاوریم و دروازه نفر اسیر که آورده بودند سپرده رفتند که بعضی  
 اسیر را رایت سپا و رند و هم چنین طایفه جغریای نیز بقتل فرستادند و چاه جغریای خان هزار چهری سر راه آنها رفتند که با آنها

۲۶۰۶



چنانچه در روزنامه های گذشته نیز نوشته شده بود از خوانین و رئیس سفیدان طایفه یوست  
 دینه خان آتابای و مسرخان جعفر بای و آدینه نظر خان و دنده قلیخان جعفر بای و پیرمحمد خان  
 بلقی آمده در توپخانه مبارکه استرآباد ثبت شده و اظهار خجالت و ندامت از اعمال سابقه خود  
 کرده بودند مقترب انخاقان جعفر قلیخان ایلیچانی بیکر سیکی استرآباد باین شرط آنها را از جانب  
 اولیای دولت علییه ایمنان داده و از ثبت توپخانه بیرون آورد که اولاً آنچه اسیر استرآباد  
 خارج استرآباد برده اند تماماً با اموال آنها آورده رد نمایند ثانیاً بچک و چپاول ترکانان قایم  
 رفته سر و اسیر از آنها گرفته بیاورند تا دلیل صدق مدعای آنها در نزد اولیای این دولت جاوید  
 است باشد و آنها نیز بجهت مسطور شرط و عهد بسته دهند که انا نقرار معمول دارند و مقترب انخاقان  
 ایلیچانی نیز بعد از روانه کردن آنها در تهیه و تدارک بوده است که در حقیقت دویم شهر سوال بجز  
 تنبیه اسرار ترکانینه از استرآباد حرکت نماید (دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد رضا یک شنبه  
 جناب اشرف ارفع اخصم صدر عظم که حامل وجه موجب نوکر مأمور و متوقف استرآباد و خلایع  
 مهر شعاع برای خدمتگذاران دولت علییه بود از قریه کفشگری که دو فرسخی استرآباد است حرکت  
 کرده بنود سچه که رسیده بود بقدر یکصد نفر سواره ترکان با و بر خورده عالیجاه رحیم خان سر کرده  
 هزار جریبی که بانو کر قشنگی پو اسچی خود همراه بود ترکانان با تعاقب کرده سواره ترکان هزاری شد  
 در تنگنای جنگل گیر کرده بودند تفنگچی مبر بود و نفر اسیر از آنها گرفته و دو نفر هم زخمی از نموده و بیچ  
 اسب هم از آنها بستان تفنگچی افتاده با بقی خود را بصوبت از آن تنگنا بیرون انداخته مخدولاً فرار کرد  
 بودند و عالیجاهش را لیه سالماً با شجوه و خلایع جمعیتی وارد استرآباد کرده در حین ورود لوازم  
 استقبال و توقیر و تکریم از جانب صاحبان خلایع مهر شعاع لعل آمده زیب برودش مفاخرت و  
 سیادت خود نموده اند و بعد از ورود هر روزه مشغول دیدن سان نوکر و رساندن مواجب آنها  
 و مواجب هر یک از آحاد و افراد نوکر مأمور و متوقف آنجا را فرداً فرداً بخود آنها تسلیم نموده و هیئت  
 (دیگر نوشته اند که مقترب انخاقان پاشا خان سر سب فوج قهرمانیه که با فوج مریوز از دربار  
 معدلت مدارهایون مأمور استرآباد بود در شانزدهم ماه سوال وارد استرآباد شده و در بیرون  
 شهر از دوزده روز دیگر مقترب انخاقان ایلیچانی رفته بر املاقا و فوج را کشتی که در شهر معاد است نمود

۲۶۰۷

اخبار و دول خارج که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته میشود  
 از قراریکه در روزنامه جدیده الحوادث اسلامبول از روزنامه های لندن نوشته اند و این قای  
 دولت انگلیس چند وقت پیش ازین در زیاد کردن قوه بحریه و ساختن کشتیهای جنگی و جنگاها  
 اعلا و اهتمام زیاد نمود و شجواه بسیار درین راه مصرف کرد نظر تقانون آن دولت که در امور  
 دولتی از طرف ملت نیز باید ملاحظه وقت بشود و حق سوال و گفتگو دارند در این اوقات بعضی  
 مجلس وکلای ملت آمده و سوال کرده اند که دولت انگلیس درین میان با هیچ دولتی محاربه ندارد  
 و در صورت صلح عمومی و مکتان کشتیهای موجوده این دولت کفایت حفظ اداره ممالک خود  
 انگلیس را می کند درین صورت کشتی اینهمه کشتی بدون لزوم و صرف اینقدر تنخواه معنی دارد  
 نادره و پالستن سروکیل سابق از جانب خراجی مجلس ملتی بالوکاله مبادرت بچواب نموده گفته است  
 که ممالک انگلیس اغلب عبارت از جزایر و سواحل است و در هر حال بجهت حسن محافظت این ممالک  
 قوه بحریه انگلیس از جمله لوازم است و اگر وقت من الاوقات دولت انگلیس را با یک دولتی که قوه  
 بحریه اش زیاد باشد محاربه اتفاق بیفتد بلکه یک دو دولت باهم اتفاق کرده با قوه بحریه با  
 دولت انگلیس جنگ نمایند در آن صورت دولت انگلیس هم با قوه بحریه با آنها باید مقابله کند  
 و هم محافظت ممالک خود را نماید و اگر قوه بحریه اش زیاد باشد کارش آتش نمیرود و مغلوب نشود  
 و حال اینکه چند سال قبل ازین بعضی دولتها زیادتی قوه بحریه خود کوشیدند که مقابل قوه بحریه  
 نمایند و جنسی کشتیها ساختند و در هر حال زیاد کردن قوه بحریه انگلیس از جمله لوازم است با جمله  
 تقریرات جنابش را البیه را وکیل بحریه دولت انگلیس نیز تصدیق نموده و آنها نیز که سوال کرده بودند  
 جواب او را قول گذاشته و ساکت شده اند (دیگر نوشته اند که متفق بودن بر نام مفید  
 که قصد علیحضرت امپراطور فرانس را کرده بودند با توجه بدیهه ثبوت رسید و مع ذلک دولت  
 انگلیس او را نه خصم داشته اند جهت اجرای تادیب و تبریید و تسلیم نمودنش بدولت فرانسه و اینکه  
 اینکه اشخاص نابین عفو و امان نباید باشند یک تقریر رسمی دیگر از جانب دولت فرانسه بدولت  
 انگلیس ابلاغ شده و تقریر نمونور از جانب وکلای دولتی انگلیس مجلس وکلای ملتی حواله کرده دیده <sup>تفصیلاً</sup> موصراً  
 که دایر درین خصوص رسید معلوم شده است که این شخص بر نام در قصد علیحضرت امپراطور فرانسه  
 داخل دایره اتفاق هستند بوده و درین راه وجود بسیار صرف کرده و آلات جارجه نیز برت  
 او برای ارف دکرفته شده و مفت بودن او محقق گردید و بموجب قانون انگلیس دو محاکمه این شخص را صحاب

۲۶۰۸

حجرت که اجرا خواهد شد اولاد و امزده نفر از مجلس قتی بالاتجاب قتی با این صاحب قعصیر باید در یک  
مجلسی بوده احوالات او را تحقیق نمایند و بعد بموجب تصدیق آن دوازده نفر اجرای محاکمه او میشود  
نظر باین قانون مشایخ را در مجلسی توفیق و دوازده نفر از مجلس قتی تحقیق و استطاق احوال او را  
شدند و بموجب افاده آنها مشایخ را در این فادات مدخلیت کلی داشته و مع ذلک در حکم  
قاتل گرفته شده و گذشته از آن شخصی که از جانب برنار مرزبور و کبل گفتگوی او بود بعضی گفتگوها  
نسبت بنقص پولیک در مجلس ایراد نموده و سخنان مؤثره او سبب استخلاص مشایخ گردیده  
از جانب دولت انگلیس اعلان عفو او شد و از قرار تصدیق آن دوازده نفر اصحاب قتی که مشایخ  
مدخلیت کلی در این فادات داشته و مستوجب سیاست بود در جواب آن گفته شده بود که موافق  
قانون انگلیس یک شخص هر کسی که در محاکمه اول آن شده همان مجری است و دوباره محاکمه نمی شود و  
محاکمه ثانوی در باب یک شخص مغایر قانون دولت انگلیس است (دیگر از قرار که در روزنامه  
جریده امحوا دث از روزنامه فرانس نوشته اند در باب موسیوموسس یکی دنیائی که عمل  
تعارف را او بدایت و فطانت خود سپدا کرده و بالفعل در حیات است در از ای آثار یافته  
او که بکل عالم شیوع یافته است مجلسی از نامورین دول فرنگستان که در بارین سندتکین  
یافته بود که از هر دولتی که عمل تعارف در انجامش اول شده و شیوع یافته است و جوی  
این شخص داده شود و در این اوقات قرار مجلس مرزبور با انجام رسیده و معترف است که از  
جانب دول معلومه پنجاه هزار تومان نقد باو بدیند و بعد ازین هم سالی پنجاه تومان مستمری  
در حق او مجری دارند) (بقراریکه بکرات در روزنامه های سابق نوشته شده است چنانچه وقت  
قبل ازین همه دولتهای فرنگستان در ترزید قوه بحریه خود اتمام نموده و در ساختن کشتیهای  
وجو مات صرف کردند در این اوقات دولت استریه نیز ترزید و احکام کشتی سازخانه های  
وزیران نمودن قوه بحریه و آسای سفاین حرمیه را منظور نموده و بجهت این کار نواب پرنس قسطنطنیه  
اعلیحضرت امپراطور قسطنطنیه کشتی سازخانهها و لنگرگاههای آن دولت را نموده و چند نفر مهندسان  
نیز مسراه خود برده اند که در کشتی سازخانه که در دریاچه و مدیک واقع است دو قلعه مجده  
و بجهت صرف ساختن این دو قلعه و احکامات کشتی سازخانهها صدیقان که دولت کرد و فلورین و بلونیا

۲۶۰۹

معین شده و سوای اینهم چند قطعه کشتیهای بزرگ و کوچک قرار گرفته اند بازند (دیگر)  
 از قرار روزنامههای لندن نوشته اند که در بیست سال قبل ازین اوراق مکاتب و روزنامهجات که  
 بچاپارخانهها داده می شدند باین اوقات از قبیل جزئیات بود از آنوقت بعد رفتن رفته بجهت  
 زیادتی قنون و معارف این امر زیاد ترقی کرده و معظم شده است چنانچه الآن در سال چهارصد  
 ده طیان که مستعد و میت کرور باشد مکاتب و روزنامه بچاپارخانهها داده میشود و وجهی که بچاپار  
 چاپارخانهها ازین ممبر میگردود و کرور و سپید لیرای انگلیس است که چهارم در خیریشتر بحالت  
 این ولایت باشد) (دیگر نوشته اند که یک سبب زیاد شدن اجرت مکاتب این است که در اکثر  
 محال فرنگستان در یک شهر چاپارخانههای متعدده است و از خانه بخانه با جرت مکاتب و اوراق  
 میفرستند و بیشتر مکاتب باینطور از محله محله داده میشود) (دیگر نوشته اند که دولتهای فرنگستان  
 در باب زیاد کردن کشتیهای جنگی و قوه بحریه خود اقدام کردند دولت فرانسه پیش از همه درین باب  
 اهتمام وسیعی نموده صرف نفود کثیره در ساختن کشتیها و استحکام قوه بحریه نمود در روزنامههای  
 فرنگستان خیلی گفتگوهای شدیدی نوشته شد دولت فرانسه نیز از این اهتمام صرف نظر نموده و قطعاً  
 اعتنا بکثیر قوه بحریه نکرد فقط کشتیهایی که لوازم آنها در کشتی سازخانهها موجود و میا بود با تمام آنها  
 و اعلان نمود که این مقوله مقالات روزنامههای بعضی محالات فرنگستان از قبیل ترنات است و اصلاً  
 حواله سمع اعتبار نمی شود و هم چنین چند وقت پیش ازین دولت فرانسه با قوه بحریه قشون گفت  
 و درین باب نیز در روزنامههای فرنگستان ایراد گرفته بودند که در وقت حضرت اینقدر عساکر زیاد  
 جمع کردن چه معنی دارد دولت فرانسه در جواب این مطلب در روزنامه پاریس نشر و اعلان کرده  
 که بعد از مصاحبه عمومی که دولتهای فرنگستان عساکر را باده از لروم حوزر اقلیل کردند این دولت  
 از عساکری که از محاربه عاودت کرده بودند چپ شش هزار کس را موقتاً در محض خانههای خود نمود  
 ولی دولت فرانسه در هیچ اوقات داخل العبا کثیره محتاج است و این عساکری که حالا  
 میگیرد عوض آن عساکری است که در محض و اخراج کرده است) (دیگر از قرار روزنامههای لندن بجهت  
 ایجابات محلیه از جانب دولت انگلیس میت و پنجاه دیکر قشون بری اراده شده است که از راه سویس  
 ارسال شود و این قشون را در لندن حاضر میگردند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۰۳ شمسی قعد المحرم بنیالین

منطبعة دار اختلاف طهران

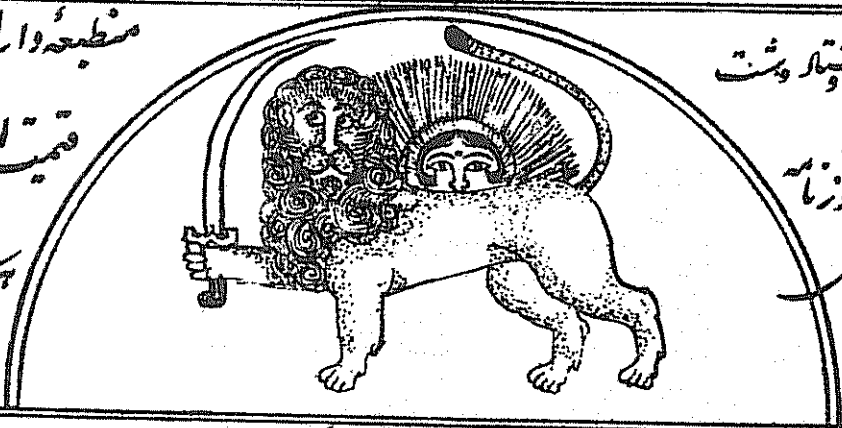
مره سید و شاد و شاد

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر طرزه

هر طرزه



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

۲۶۱۱

چون از قضایای آسمانی و تقدیرات حضرت سبحانی چاره و کفری نیست پس آنچه از حوادث و احوالات بزرگ پیش آید صبوری پیشه باید کرد و تن قبضه باید داد و قضیه جان کز او واقعه عظیمه امری که بناگاه از پرده غیب قدم به عالم ظهور گذاشت و اسگ حضرت الهی ایران را از رخسار جاری نمود و آن بود که گوش از استماع آن هرسان و قلم از تحریرش آواره و سرگردانست نه زبانی با اختیار خود می چنان خطب سیم جاری می تواند شد و نه بیانی را یاری آن است که بتقریر چنان دایمیه و هیبت تواند برد بی در حالتی که کلماتش خاخره و زبر و کلین از غنچه نوشکفته غاری ماند ببلبلان رازبان حدیث است و عقد الحان و اوودی گسته ماند نو نهال بوستان خلافت و شاخ بر و مند سر و ستیان جلالت گوهر و درج حشمت و شهرداری و اختر تابنده برج عظمت و تاجداری مغز ناصیه جلال قوه با صره مجد و اقبال همین و لبعید دولت پایدار کزین خلیفه شوکت ابد قرار که چندی فریج مبارکش از خلیفه اعتدال عدلی و از نور عاقبت خالی بود چون باید قضای مقدره واقع شود بشیت حضرت حق قادر متعال رحمت این دلفانی لبرای جاودانی کشیده و داغ افسوس و الم بر دل های عمیده ایران بیان گذاشت روزیست بنفدسم ماه ذی القعدة اشهرام که روزجوم این مصیبت عظیمی خبازة مبارک آن نور چشم جهان را جناب اشرف امجد ارفع صدر عظیم چشم و تمامی شاهزادگان عظام و کافوا عیان در بار سپهر چشم پدید

از باغ محرم سمرای پادشاهی چنانکه شایان شان سلطنت عظمی بود با احترام و اجلال هر چه تمامتر  
 حمل داده بجهت ضیق وقت در عبادتگاه محترم که در قرب عمارات هالیون واقع است گذاشته قایمان  
 و خادمان و نگهبانان بکاشتند و شب را با آداب شایسته در آن مقام عزیز بسر وقت صبح روز چهارشنبه  
 ۱۸ ماه قاضی بندگان حضرت و خدمت در بار دولت در لباس نام خاک بیزان و لشکریزان  
 در اطراف جنابزه مبارک چون ناله در درو راه حلقه زدند و آن تن نازنین را که روان تخت بود  
 در میان تخت روان گذاشتند و خود جناب شرف امجد رفیع صدر عظیم پیشوای مایمان و  
 رئیس ایت کنان کشته عازم بقعه قبر که حضرت عبدالعظیم علیه التحیه استسیم شدند چون وقوع این  
 عظیمه در نیاروان که این اوقات مقرر آردوی هالیون است اتفاق افتاد و بعضی رسیدن این خبر بشهر  
 و از اختلاف تمامی اهل شهر بر اسم تعزیت داری پرداخته و کل دکانین و بازار و کاروانسراها را  
 بر چیده و در بسته و الی سه روز درین حالت بودند در سنگام عمود تخت روان از محاذات  
 شهر کل اهل بازار از تجار و صنایف و کسب با عالیجاهان کلمات و کلمات و سایرین بلباس  
 تعزیت و با علههای سیاه لوحه کنان و سینه زمان در بیرون دروازه استقبال کرده در اسم  
 تعزیه داری را بجل آوردند و از افواج قاهره که در شهر بودند آنها نیز بطریق تعزیت و عزاداری در  
 خارج شهر استقبال نمودند در قرب آبادی شاهزاده عبدالعظیم تمامی خدمت و سایر اهل بی و سکنه  
 آنجا با علههای سیاه و سایر اسباب عزاداری استقبال نموده با نهایت احترام تحت روان را  
 داخل کردند و یکی از اکمنه آن بقعه مبارکه را که در پهلوی محرم در درمکان مناسب محترم واقع است بجا  
 مرقد آن وجود پاک و مضجع آن کوبر تابناک قرار دادند و جناب شرف با شاهزادگان عظام در  
 سر قبر حاضر شده با آداب شرع المهر بجاک سپردند استمدان ما هر از هر صنف گذاشتند که آن  
 بقعه محترم را در اندک وقتی بجلینه تزیین آورده از مقنس کاری و آیین بندگی و نقاشی و حجاری  
 و بهر قسم بیرون آورند در حقیقت روضه حضرت عبدالعظیم را که مطاف و زیارتگاه عالمه بایست  
 مطانی دیگر افزوده شد محرم آنحضرت حرمین و مطیع نیزین کردید تمامی چاکران در بار کرده و در  
 بلکه کافه اهل مملکت نه سجده اینین واقعه بایست مفهوم و مخزون هستند که عشری از اعشار آنرا از ان نوشت  
 و انهار و دیان نمود اگر سلامت وجود فایض السجود اقدس بیا یون سرکار علیحضرت قوی شوکت است

که ملکش فرمایند و وجود مبارکش پانیده باد و در آن میزند جای آن بود که جان از ابدان مردم  
مفارقت نماید جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم بقدری ازین مصیبت عظمی آفروده خاطرند که کمال  
شوقی که بهشتعال شبانه روزی داشتند نزدیک است که از غایت غصه و اندوه از همام کبیره دولتی بازمانند  
ولی سکرانه عاقبت ذات هایون و شموس هم روز افزون جناب معظم را مستوق و متحرک است خاطر آقدس  
سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه عن التناهی که با علی در جنگال نسبت بان بونهای بوستان خلاق و احباب  
مایل بودند زاید الوصف ازین اندوه ملول شدند و کرد و ملالت بقدری دامن خاطر مبارک رافز و گرفته که از  
خاطر هایون را از تعین و سعید چه منصرف فرموده و منتظر آنستند که شاه الله تعالی ولایت عهد را  
و وجودی قرار فرمایند که با حضرت و سعید مبرور که هر یک صدف باشد و صلبا و بطنا بهر باب از یک شرف  
ایند امید که فضل خداوند تعالی این آرزو را عنقریب منبسط ظهور و مرتبه وقوع مقرون فرمایند و دیگر باره  
خاطر آقدس هایون ازین کیفیت تسلی پذیرد و نور سرور برای کافه اهالی ایران از مطمح اقبال تجلی نماید  
از اینجا که مجاری امور روزگار بار آمده و مشیت حضرت کردگار منوط و ترتیب نوش و نیش و شست  
و که در سنگلازوم فطرت ثبوت است حکم نافذ قضا و قدر مربوط است و وجود هیچ صاحب وجودی  
از تواریخ حادثات این عالم کون و فساد مأمون و مشا و چه بعضی مکاره حتی مصون نمی تواند شد و فرمان  
قدر و قضا اگر بر وفق رضا یا برخلاف رضانت لا محاله و منضمی است و بهین جهات بواسطه حادثه غیر متبر  
ناگریزی که تفصیل آن جداگانه بیان و اعلان شد درین چند روزه خاطر مبارک اعلی حضرت آقدس  
پادشاهی راضی و ایام شوکت و بهجت عن التناهی عباراتی طاری و حالت این طالت با بقضای  
جز و بکل تمامی چاکران در بار معدلت مدار و نیکوایان دولت جاوید قرار چه و صنیع چه شریف چه  
ایمان چه ارکان چه سپاهی چه رعیت چه بیچاره چه اهل حرف کمال نفوذ ساری بود و بمفاد اینکه عضو  
بید و آورد روزگار و در عضوها رانمانند قرار کمال علی مدارج حال غایت ملالت و پریشانی و کالت  
داستند خاصه جناب جلالت آبار ارفع شرف امجد صدر اعظم که رئیس نیکوایان و بهر  
رئیس دولت ابد بنیان و بهر حیثی مرات حالات هایون و باقی معاینه سرکونه صورت توجهی مخصوص  
و مقرون است سهم ملالت و پریشانی را نیز فر احوار قرب و منزلت و جلالت شان خود زیاد تر  
و بدین علت برخلاف عادت چند روزه ملاحظه اضطرابی در بعضی امور ظاهری اتفاق افتاده اینمغنی

۲۶۱۳

خواص عوام تازکی دست و بر کمرش نه است. بود که با آنمه کثرتش غل و غلبت است راحت و عافیت  
 زحمت و توار دامور و معی موفرا اندک تنی یا اثر خشکی و طالتی در تقدیم خدمات دولت تنظیم امور  
 جمهور از حالت خراب معظّم الیه استبساط شود که توبه میان را بغایت مستبعد بعضی کسان فتاد  
 یا جمال خالی از تدبیر و اندیشه اینجالت را که عین قرب و نیکو خواهی بود معانی دور از واقع قرار داده  
 میان عوام پاره حرفهای یاده و بی اصل فتنه و محمهای مغایر جمعیت شهر ساختند و از استخراج خط  
 مبارک در حق جناب معظّم الیه همه و رزمه میان مردم انداختند ازین کیفیت اولیای دولت  
 علیه را کمان آن بود که ادانی و ارازل و او باش و اجاب این مملکت نیز تربیت یافته بر هوم مادی  
 و تمدّن انس و معرفت حاصل نموده اند محقق شد که هنوز محتاج تربیت و تادیب و مستوجب  
 تنبیه و تزیین استند علمند بر حسب امر قدر قدره هایون حکام و صبتا ط و ارا کلافه و عموم ولایات و  
 ایالات و انجا و اطراف و اقطار و کاف مالک محروسه نشر و اعلان میشود که بعد الیوم هر  
 از افراد و صنفی از اصناف تبعه و خدمه و کسبه که مرکب این مملکت شهرتها کرده و هر شخصی که مصد  
 لیکونه جبار ارجیف شود بدون استثناء و امتیاز همان مرکب بدست آورده مور و تمثیل است ازین  
 و در حق او تادیب کمال و عقوبتی بسبب العجل آورند که من بعد اهدیر اجرت یاوه کوئی و نشر برخی اخبار  
 اراجیف و آینه نموده قد عبودیت خود شناسند و قدم از حد خود فراتر نگذارند و بدخواهی  
 دولت را سهل بنمایند مشروط بر اینکه هیچ حکام و صبتا ط نیز امتثال این حکم را بهانه طلب نفع خود  
 و وسیده اجراء سایر اغراض نفسانی و اخذ انتقام خویش از بعضی اشخاص بی گناه نزنند و  
 بیغرضی و حقانیت را بخویند که لازم نیست تا موتی است این است درین باب رعایت نمایند از برای  
 از فراری که در روزنامه آذربایجان نوشته اند اگر چه از حسن مراقبت نواب مستطاب مشاهده  
 انجمن و الا تبار کن الد و نه العلیه ارشیر میرزا حکم ان مملکت آذربایجان اطمینت و انتظام در ان  
 ولایت حاصل بود ولی بعضی الواط و اشرا در گوشه و کنار هرزگی میکردند بعد از آنکه مقرب  
 مومنین سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و غیر نظام و شکار کل مملکت آذربایجان وارد ان ولایت  
 گردید اشرا و الواط با نمره فراری و متواری شدند و انالی ان ولایت از حصول کمال امنیت  
 و عاکوی دولت جاوید قرار پند

۲۶۱۴



اخبار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده نوشته شود  
 از قراریکه در روزنامه جدید احوادث از گزارش بنویسند تا قایم مقام هندوستان  
 در باب ضبط املاک و اموال یا عیان آن لایتنانت برنامه منتشر کرده است این مضمون که بر  
 کاتی که در فتاد هندوستان مدخلت نداشته اند و کسانی که بی گناه و ایشان معلوم  
 و مضبوط است تا بقی که در دایره است و عیان بوده اند املاک و اراضی آنها از جانب قوم  
 هندوستان ضبط و مصادره خواهد شد و انتشارنامه که سابقاً در باب عفو عمومی معضرت  
 اکنون بعد و در این انتشارنامه جدید لغوی بی با و از درجه اعتبار ساقط است و قی که صورت این  
 انتشارنامه بلند رسید اینطور ضبط کردن املاک و اراضی الهی هند را معیار اصول دولتی و  
 منافی سیمه موت و شیوه است دانند از جانب وکلای دولت انگلیس با تفاق آرا در باب  
 این عمل نابجاست و املاک ضبط شده باید بماند و اعاده شود و بعد از این اینگونه  
 نامه ضمیمه و قریب یک تکه برنامه مخصوصاً قایم مقام هندوستان قلمی و ارسال کردید  
 صورتی از آن تکه برنامه مجلس وکلای هندی انگلیس اطلاع شده و ما بن اعضای موجوده مجلس  
 و تأمل درین خصوص شده در رد و قبول این سند و فرقه شدند فرقه گفتند که این کیفیت  
 و مصادره املاک و اراضی الهی هندوستان بسیار ناجا و خلاف قاعده است و فرستاد  
 تکه برنامه فرور قایم مقام هندوستان موافق حال و مصلحت است فرقه دیگر که با جناب لار  
 پارلیمن صدر اعظم سابق متفق و هم روی میباشند گفتند اگر چه راست است که این  
 کیفیت مصادره مالایق و مخالف اصول دولتی اولی فرستاد این تکه برنامه پیش هندوستان  
 مملکتی جیمه نازک سبب که نفاذ امر قایم مقام هندوستان مستوجب احتیالات کلی در  
 مملکت میکرد در صورتیکه تعدیل و اصلاح این فقره بطور دیگر ممکن بود نباشد این تکه برنامه  
 شود و بعضی تقریرات و اعتراضات دیگر ارا در نموده و قرار گذاشتند که درین باب مجلس  
 منعقد بشود و درین مجلس مخصوص با اقلیت آرد هر طرف ظاهر شود طرف دیگر از امور  
 خود استغفا خواهند کرد و گمان بوده است که اکثریت آرد طرفی که جناب لار پارلیمن است  
 ظهور بیاید درین صورت وکلای جدید از امور استغفا خواهند نمود (دیگر از

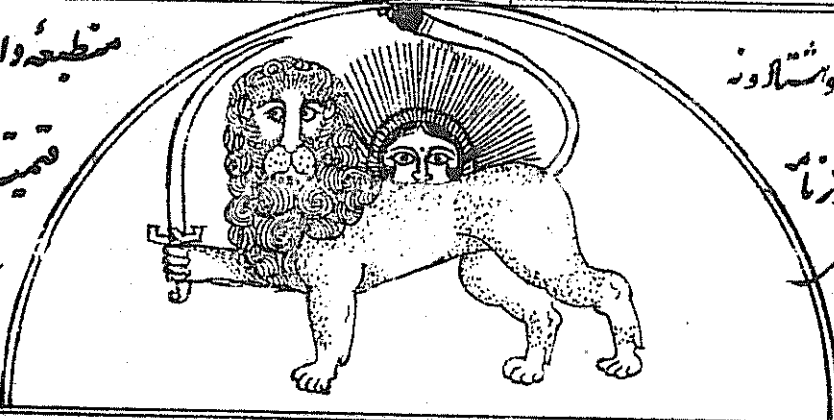
۲۶۱۵

روزنامه یمنی دینا نوشته اند که چنانچه بجهت قتل اورسینی و پیری نام که قصد اعلیحضرت امیر  
فرانس را کرده بودند و دستگیر شده بعد از تحقیقات لازم بقتل رسیدند اکثر اهل این  
مستقاسیاه پوش شده و در مدح و ثنای مقتولین بعضی کلمات ایراد کرده بودند  
در یمنی دینا نیز در شهر نیویورک ریاذه از پانزده هزار کس از دشمنان امیر اطور فرانس  
بجهت خلاص شدن بر نام از کشته شدن شهادت در کوهها با زیاده از دو هزار و پانصد  
هزار سرور و شادمانی میکردند (بقرا یک چند دفعه در روزنامهها نوشته شده است در  
مالک روستی االی و رعایای قرا، و نواحی حکم اسیر و ز خرید صاحبان اطلاق را دارند چنانچه  
یک دمی که مال مالک است سکنه و زراعت کاران ده با عیال خود عهد و مملوک آن صاحب  
ملک اند و هر چه پیدا کنند مال صاحب آن ملک میسپاشد چون این کیفیت باعث پریشانی رعایا  
انولایت و خلاف قانون مروت است رفع این کیفیت را و بودن رعایای روستی مانند رعایای  
سایر دول در دایره آزادی از جانب اعلیحضرت امیر اطور روستی اراده شده بود از قرار روزنامه  
روستی این قاعده در چند ایالت روس و لهستان اجری که دیده و رعایای اینجا را در مقام  
آزادی در آورده اند) دیگر از قرار روزنامه فرانس از سفاین عربیه دولت فرانس یک  
سطن نام که سه بار داشت در فراخای کشتی سازخانه طلون و در وقتی که اجرای تعلیم توپ تمسینو  
یک توپ ناکاه ترکیه بیت و پنج تفور امجوج و هلاک نمود) (سابقا نوشته شده بود که چند  
وقت پیش ازین از جانب دولت فرانس از پاریس الی کشتی سازخانه مشهور غ راه ای  
سناکه اشته بودند ب زنده در این اوقات راه مزبور با تمام رسیده و در بیت و پنجم خیزران  
کالکه براه می افتد و در حین افتتاح راه مزبور قرار بوده است که اجرای شلیک بزرگ نمایند  
و باینجهت غنیمت کل سفاین عربیه فرانس را بکشتی سازخانه مزبور از قرار روزنامه پاریس اعلیحضرت  
امیر اطور فرانس بویکیل بجزیه دولت مزبور حکم کرده اند) (دیگر نوشته اند که در قصبه نومر  
فرانس که تا پاریس دو ساعت مسافت است بار و تخانه اسکر نام پیش گرفته بقدری  
چهل حوزا بار و طود را و بوده برهوا شده و بار و طخانه مزبور و خیلی عمارات اطراف آن  
خرابی بهم رسانده است

۲۶۱۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه چهارم شهریور ۱۲۷۴

نزهت سید و استادان  
 قیمت روزنامه  
 هر نسخه ده شاهی



منطقه دارالخلافه طهران  
 قیمت اعلانات  
 هر طرز ده شاهی

### اخبار واحد ممالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

نظر بر اینکه این اوقات تابستان هوای شهر و بناوران نسبت بسنوات سابقه قدری از اعتدال این گرمی بود  
 و علیحده قوی شوکت شاهنشاهی بجهت تفریح و تلبیس آب و هوا حرکت سمت لور او شهرستانک را که از  
 سیلاقات دارالخلافه و از جهت صفای هوا و آب و زیاده فی ریاحینش داب تر نگاه خوب و نگاه  
 مرغوب است بفرم نگار چند روزه و وجهه خاطر بایون داشته و جناب اشرف ارفع صدر عظم  
 که پیشه صرف اتهام را در موجبات استراحت و آسایش وجود مبارک معود غنهای مرام خود میداد  
 بمقام عرض و تسلیق خاطر بایون برآمد از شاهزادگان عظام و خواص چاکران بسیار سهرای  
 مثل جناب جلالت آف نظام الملک بفرجه لهدر که لازمه این سفر بودند زیاده بران و جمعیت گران  
 طرز رکاب گردیده در شب و نیمه شبی حجج الاحرام موکب بایون تشریف فرمای محل فرمودند  
 و از آنجا که خاطر اقدس شهر یاری میل توقف زیاده در آنجا انداخته مراجعت موکب بایون  
 تا پانزدهم شهر مزبور بتم سلطت قریب تعیین خواهد بود (چون جناب نبالت نصاب  
 فرخ خان ایلی کبیر دولت علیه که سفارت دول خمینه اور و با ما مورشد در تمهید انجام امور دولتی  
 و تشدید مبانی عهد دوستی پادول محتاجه اتهام کافی بعل آورد این اوقات که ما احتیاج از فرستادن  
 نمود و جهت همام مرجوعه از دولت متبوعه خود چیزی سببت بهمان سفارت کبری متوقف است  
 خواهد بود و نظر غنایتی که دلیل توجه خاطر اقدس طوکانه و رضای اولیائی دولت علیه بوده باشد لازم

۲۶۱۷

لهذا یکثوب قبای زرین از بلوسات تن مبارک که کسب آن از امتعه خاص اصغمان کمال اعتبار را  
 داشت برسم خلعت بجناب معزی الیه رحمت و بالتفاق چا پار دولتی فرستاده شد و جناب  
 اشرف امجدار فع صدر اسم یکثوب چینه ترفه ممتاز که در عید فطر گذشته از جناب مرحمت جو این  
 اعلیحضرت اقدس پان پادشاهی خلد الله ملک بجناب اشرف معظم الیه از بلوس خاص اعطای  
 و طبرک بود در ضمن خلعت هم طلعت پادشاهی برسم اظهار خوشوقتی بجناب معزی الیه ارسال داشتند  
 در این اوقات با قضای فصل و موسم گرمی هوای دارالخلافه طهران با علی در کمال استیاض و  
 این احوال و فور انواع میوجات و ارزانی آنها که مقدور همه است میخند و میخورند سجد میگویند  
 تا خوشی در میان مردم ظهور ندارد و عالی و ادانی در کمال صحنندی و خوشوقتی و ایلت و غیرت  
 بدعا کونی و ات قدس نشانی و از دیاد شوکت دولت مصون از تناهی رطب اللبان میباشند  
 و امور دارالخلافه از هر جهت در عین انتظام است مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه و عیال  
 کلا شکر و کدخدایان همه روزه در دیوانخانه مبارک حاضر شده در خدمت نواب اشرف و الا شکر  
 محمد تقی میرزا بقیصل امور و انتظام مهام مرجوعه بنجود پر دخته تا هنگام عصر مشغول انجام خدمات  
 بنجود هستند وقت و غوررسی کامل در عرض و داد در عیال نموده آثار کفایت و استقامت ظاهر میباشند  
 و همچنین نظام نصرت و جوام نیز در امر قواولی و اولیای نهایی ارک و شهر و حفظ و طریقت عمارات  
 مبارک که سلطانی نهایت مراقبت و موالفت را بعلم می آورند و از جناب صاحب منصبان اهتمام کافی  
 در انتظام امور آنها میبود (چند روز قبل که نفر عیبت و غیره ضعیف را با اسم ایسکه خانه با  
 اجاره بدیند فریب داده بخانه برده و با او عمل نامشروع کرده بودند مر کبین را حسب حکم گرفته  
 در دیوانخانه مبارک بحضور نواب شکره حاضر آورده بعد از تشریح شایسته و سیاست بابت اخراج  
 طلب نمودند و همچنین چند نفر نیز مر کبک سمرقند شده بودند توسط کدخدایان محلات و سکر شده پس  
 استر و اموال سرورده از آنها و تسلیم صاحبان اموال آنها را تشریح و سیاست مصیبت کرده و در بارگاه  
 گردانده از شهر اخراج نمودند از ربا بجان از قراریکه در روزنامه دارالخلافه تشریح نمودند  
 اسال چون بارندگی در موقع و موسم چنانکه مطلوب بود شد و باین جهت زراعت و بی از دست  
 و زراعت آبی نیز کفایت ایل ولایت را می کند عطف تعمیر بهم رسانده است مؤمن سلطان مقرب الخاقان

۲۶۱۸

و غیر نظام و پیشکار ملک آذربایجان بعد از ورود بانولایت در حدود و فرقه برآمد قدش نمود  
 که هر کس غله در بازار دارد یا از ریخته بخرج وقت بفرود شد و تا سه روز مهلت این را در این  
 هر کس اتمثال حکم کرده باشد بعد از سه روز حکم غله او را بازار ریخته بفرود شدند (دیگر  
 که در دو روز و هفتم ماه ذیقعد بر خلاف مرسوم بر فزاید و مجال او اجتناب کرده دو اب و غلام  
 بسیار از ایلات آن صفحات تلف نمود بر وجه و عرضت آن از قرار یک در روزنامه  
 بر وجه نوشته اند لوات مستطاب شاهزاده و الایبار ختمشام الدوله خان میرزا حکمران  
 عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری که با نظام امور عربستان رفته بودند امور  
 الولات را نظم کامل داده مراجعت به بروجرد نمودند و بعد از ورود و بیان نوکر سوار  
 به داختمه سر بارز و الوند را همان اوقات ورود و سان دیده موجب این احوال نمودند و  
 انهار از طبل و شیپور و تنگ و غیره هر چه در سفر لرستان کسر و نقصان بهم رسانده  
 تدارک دیده مأمور بالا کرده نمودند بعد از آن سر بارز دلفان ابوالجحیی عالیجاه عبدالله خان  
 سان دیده و احاد و افراد انهار را بدقت ملاحظه و رسیدگی نموده و همچنان احوال کرده  
 و تدارک انهار را همه جهه انجام داده مأمور خدمت لشکوه لرستان نمودند بعد از آن سان  
 سر بارز دست خسته و خان که در بروجرد بودند پر داختمه قدغن نمودند که کار گذاران نامی  
 امور انهار را با تمام برسانند که وقت مأموریت در هیچ باب معطلی نداشته باشند و همچنین  
 دسته قاید رحمان ابوالجحیی عالیجاه ان رشید خان و کاظم خان راسان دیده و موجب داده  
 با اسبهای خوب و اسباب لازمه روانه لشتر نمودند و سوار دسته عربان ابوالجحیی عالیجاه  
 یوسف خان را نیز احضار به بروجرد نمودند بعد از آن امور لازمه انهار را صورت داده هر  
 خانه نمودند که رفته موجب خود را از محل دریافت کرده بخدمت و مأموریت خود بردند بعد از  
 سواره بختیاری را خواسته زیاده دقت و اهتمام در کار انهار نمودند و سر کرده سالن  
 که آثار بی کفایتی از او بطور رسیده بود معدول و محمد اسمعیل خان پسر مرحوم حسین خان سردار را  
 جوانی قابل و شایسته است لبر کردگی سواره مزبور منصوب بوده و قرار دستجات سوار را با بطور  
 دادند که هر یک بهاسی معین از یکدیگر ممتاز باشند و زیاده دقت در نظام امر سواره مزبور

۲۶۱۹

از قراریکه در روزنامه ختم نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت و اهتمامات متعلقه  
 چراغعلینخان چاکم ختم قرین انتظام کامل و کمال آسودگی از برای مالی و رعایای آنجا حاکم  
 و مقرب انخاقان مشارالیه همه روزه از طلوع آفتاب الی غروب اوقات خود را مصروف  
 عرض و داد رعایا و دقت و غوررسی در احقاق حق و اجرای عدل دارد و در نظم ولایت و انجام  
 خدمات و فرمایشات دیوانی و پذیرانی مأمورین دلسله و خارجه و سایر مواد و مهتات کمال کفایت  
 و اهتمام را بعمل می آورد رعایا و برابا و مأمورین و عابرین احسن سلوک و رفتار او کمال شکر  
 و رضامندند و در قطع از مالیات بر رعایا درین اوقات حواله کرده است که برفق و مدارا  
 خود مباشرتین و که خدایان هر بلوک و هر ناحیه بدون مزاحمت محصل ادا می نمایند که در وجه  
 برآه داران دیوانی کارسازی می شود و خلاف حساب کتر اتفاق می افتد و اگر بذرت سقت  
 و شرارتی اتفاق بیفتد در مقام رفع آن برمی آید از جمله شخصی از اهل رنجان سوار شده بدان  
 بی کسب میرفته است در قریب قریب از دلمات ارمنی بانی نامی او را گرفته صد سیمارزده و شش تن  
 و بعضی سبک که همراه داشت از گرفته بود مقرب انخاقان مشارالیه محض استحضار و نسبت  
 او را گرفته آوردند تنخواه و اشیا مقصوبه را از او سترو و بصاحبش تسلیم و ادا نمیدادند و سبک  
 بزرگ نمود و همچنین در همان حوالی دلمات ارمنی حاجی در کاتبی میگفتی را حین نقلی نامی گرفته و  
 تومان پول و کلاه او را برده بود او را نیز فرستاده آوردند و مال آن شخص را گرفته با و تسلیم  
 مرکب را تا دیب و جنبیه کامل نمود (دیگر نوشته اند که اسکندر نام که از اشرار مشهور  
 و بارها مرکب شرب و شرارت و مورد تنبیه شده بود در این اوقات باز در خانه خود سب  
 و هرزگیهای دیگر فریسم آورده و کازنجیر بزاع و فتاد شده بود مقرب انخاقان مشارالیه  
 مطلع شده فرستاد او را بگیرند قبل از وقت خیر شده فراری و متواری گردید و هر چه  
 کردند پیدانش چون بکرات مرکب شرارت و خلاف حساب شده و خانه او نیز بکرم و سب  
 لواط و اصحاب طایبی و مناهی بود لهذا بدار و غه حکم نمود که خانه او را کو بید خراب نماید و خود  
 او را نیز مترصد با هر وقت بدست آید است و خارج شود

۵

### اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده و نوشته شده

ربا بودن مالی اور و با که عبارت از فرنگستان است از سایر قطعات روی زمین مستغنی از بیان است و گرویی از اینها تجارت و صنعت کاری که زبان می‌کنند و بجهت از دحام خلق در ولایت زمین زراعت بطور مطلوب ندارند و پیشتر مالی آنجا بجهت امر معاش و چاراضه آب و صورت شده به بیکی دنیا و محال سایر رفته توطن می‌نمایند و ازین قبیل پرسال انگلیس فرانسه و سایر ولایات فرنگستان جنبی خانوار جلای وطن کرده با آنجا می‌روند و از دولت پر و سستی تیر بهین طور پرسال جنبی آوم بان طرفها می‌روند و در این اوقات از جانب دولت بروست با آنها که از اتولایت بیرون می‌روند نشر و اعلان شده است که بجهت لغات موقته کاناده که در این حکومت انگلیس و درست شمالی بیکی دنیا واقع است آنجا رفته توطن نمایند (دیگر از قرار در فلنگ در دولتهای فرنگستان بیع و شرای بنده جایز نیست مگر در جزیره سور نام که در سحر محیط هند و در تحت حکومت دولت فلنگ است در این اوقات دولت فلنگ قرار داده است که این قاعده را در آنجا نیز موقوف نمایند و آنچه بنده ملوک در آن ولایت است همه را از او بکنند (در پارسی یک مهاجرت که از همه مهاجرت‌های روی زمین بزرگتر باشد بنا که داشته اند با بنده که مشتمل بر سه هزار اطاق باشد سواهی این سه هزار اطاق بیت و پنجاب اطاق بزرگ بجهت شرف و بیت و پنج باب حمام تیر غیازند) (بقراریکه در روزنامه‌های سابقه نوشته شده بود از جزایر که ابجزر و جزیره العرب نیز می‌کیند و در تحت حکومت دولت فرانسه است کاروان و تجارت که بحال سایر می‌رفتند در منازل عرض راه بجهت چول پودن و نایابی آب و چاراضه آب و مشکلات زیاد میشدند بلکه بسیاری از بی تلف می‌کردند و چون آنجا از بلاد حاره و صحرا است آنجا ریکی است و کندن چاه در آنجا مشکل بلکه دور از خیر امکان بود از جانب دولت فرانسه چند وقت پیش ازین حکم شد که بعضی از زمین که مانند بر قوز زمین را حفر نمایند چند چاه حفر کنند اگر مکان نداشتند که بزودی بر وجه مطلوب آب از آنها بیرون بیاید و اگر هم بیرون بیاید مالی که در آن آب که مشروب و کوار باشد بعد از آنکه در چند جای منازل و صحاری عرض را و آن جزایر بیانی عمل شروع کردند بزودی و سهولت آب کوار بیرون آمد و خیلی افاقه بحال مسافران اتولایت نمود

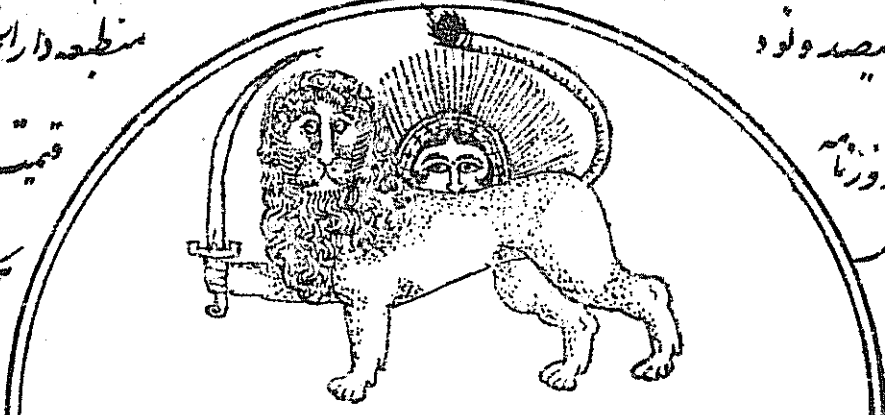
۲۶۲۱

سجده مرند رفاه حال مسافری در این اوقات مجدد از جانب اعلیحضرت امیرالطورفرانس حکم شده است که چندچاه دیگر در مکانهای متعدد نزدیک بهم بهمان طور در آنجا حفرت نماید که دست بدست در عرض راههای آنجا زیاد باشد و مسافری بهیچ باب از آب سگدستی نگذرد (از قرار روزنامه جریده الحوادث نوشته اند در عید ماه مبارک رمضان و الی والا انسان در سگدز به عید گرفته بود احمد پاشا پسر مرحوم ابراهیم پاشا و حلیم پاشا پسر مرحوم محمد علی پاشا و از اموری مصر خیرالدین پاشا و رفت یک سخته ادای مراسم یقید با سگدزیه حاضر شده بعد از ملاقات با والی مصر و انقضای مراسم عید بکالک نوشته مراجع مصر میگردند بجل قافرا زیاد که رسیده بودند خواسته بودند که بزودتر نوشته از رو و نیل عبور نمایند درین بین که هنوز در کالک بودند هر طور بوده است تقصاتی در حرکت کالک ظاهر شده از راه خود منحرف گردید بطرف رود نیل حرکت کرده حلیم پاشا پسر محمد علی پاشا که خود را کالک بیرون انداخت جان سلامت بدر بردند و دیگر کالک پاسب فروروده غرق شدند) (دیگر نوشته اند که قوال دولت اسراج و نوروجا کمال است که مرضی بوجوش طاری گردیده است در این اوقات سخته تبدیل آب و هوا غایت سمیت مصر نموده و لپه خود را بجای خود بقایم مقامی آن دولت نصب و تعیین نموده است) (دیگر نوشته اند که سخته اصلاح احوال داخله و تصحیح معاملات فتنیه ایالت قوال دولت تا پولی باجنا پای رومه در محلی از سرحد قرار گرفته اند که یکدیگر ملاقات نمایند) (در روزنامه های یقید نوشته بودند که اعلیحضرت امیرالطورفرانس قرار گرفته است بودند که نواب پرنس ناپلیان عموزاد خود را بقایم مقامی جزایر نصب نمایند از قرار روزنامه که این اوقات رسیده است این قرارداد قدری بتعویق و تاخیر افتاده است) (دیگر از روزنامه اسپانیول نوشته اند که یلکه اسپانیول با چند کشتی لاجل سیاحت غزیت نموده اند که یک چندی مالکی را که در سواحل فرانسه است سیاحت نمایند و در ویشان را در این اوقات بکشتی سازخانه قادس نوشته بودند) (از قرار روزنامه لندن بیه دو و قطع کشتی از انگلیس در بحر سفیدست و چهارصد و نود توب در آنها حمل است و سفین مزبور جمله قوت شش هزار است دارنده

۲۶۲۲



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه یازدهم ذیحجه الحرام بقول و نوشتار

منطقه دارالخلافه طهران		منه سید و نود
قیمت اعلامات		قیمت روزنامه
هر طرزه		هر نسخه

### اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

#### و اراخلافه طهران

سابقاً با ولیای دولت علیه خبر رسید که جناب جلالت نصاب موسیو ایچکوف سمیت وزیر مختاری و ایچی کرمی مخصوص از دربار دولت بهیته روسیه بدربار این دولت علیه عاجز و از راه آذربایجان بدارخلافه الباهره خواهند آمد مقرب انخاقان علی بنی خان از جانب سنی انجوانب سرکار اعلی حضرت آقدس بایون شاهنشاهی حله الله ملکه و سلطانه پادشاه الملک و احکام لازمه محبت پذیرانی جناب معزی الیه برب حکم اولیای دولت فایز بهمانداری روانه تبریز شد که در انجامت صد و مستطاب شد و قبل از وقت تشریفات و لزومات پذیرفتن جناب وزیر مختار را آماده و جهتم نماید در چهارم انیماه ذیحجه احکام از سفارت دولت بهیته روسیه خبر رسید که جناب وزیر مختار معزی الیه از طرف استر اباد غرمت در بایون نموده روانه پیشند و بزودی وارد استر اباد خواهند شد اولیای دولت علیه بملاحظه کمال مودت و مصافحات که فیما بین دولتین فیمین ایران و روس استقرار دارد مقرب انخاقان هادی خان سر تپ را با دستور الملک و احکام صادره لعبدده حکام عرض راه سمیت هماننداری جناب معزی الیه روانه استر اباد نمودند که با ضیق وقت هر قدر بتواند و پیشرفت داشته باشد در انجا عرض راه لزومات پذیرانی و تشریفات جناب وزیر مختار را فراهم نماید و در مهید موجبات احترام و اسایش و استراحت ایشان ماسعی

۲۶۲۳

موفوره بعجل آورد و تا ورو و در انخلافة الباهره مراقب معانداری و سمرای جناب مغربی  
باشد ولی سپار خوب میشد که جناب وزیر مختار مغربی الیه چنانکه از چند پیشتر اولیای دولت  
علیه و خود سفارت دولت را الیه نظر بودند از راه آذربایجان وارد خاک این دولت  
و عازم دربار شوکتدار جایون می شدند که رسوم تشریفات و پذیرائی در کمال خوبی نسبت  
بایشان بوسعت وقت اجرامی گشت (مقرب انخاقان محمد اسمعیل خان نوری که چندی در صحنه  
نور در این اوقات بر حسب حکم اولیای دولت علیه بدار انخلافة الباهره احضار گشته خدمت جناب  
اشرف رفیع امجد صدر اعظم دام اجلاله مشرف شده مورد لطف و اوقات آمد و بعد بحضور  
لامع النور سرکار اعلیحضرت اقدس جایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه شرفیاب گردیده بشمول  
عواطف و مرحامت لوکانه گشت و باعطای یکثوب جبهه ترمه کرمانی اعلی بسم خلعت آفتاب طلعت  
سربند و قرین افشار آمد و جناب اشرف رفیع امجد دام اجلاله نیز یکثوب کلچه ترمه کرمانی مخصوص  
خود را با و التفات کردند و احکام علیه برای انجام مطالب و انتظام امورات ملکی و بیولی او گردان  
صادر آمده اجازه و رخصت حاصل کرده با کمال امیدواری با لطافت نامه و توجهات و پیرایه  
اولیای دولت علیه برای سرستی اهل و عیال و نظم امورات ملکی و بیولی خود روانه کرمان گردید  
(چون اهتمام و مراقبت مقرب انخاقان میرزا رحیم شیخ مت و محصل محاسبات در گذراندن  
محاسبات دیوانی و اصدار مفاصا و کتابچه غیره مشهود اولیای دولت علیه گشته در این اوقات  
محض ظهور مرحمت خاطر اقدس جایون شاهنشاهی در باره مقرب انخاقان مشار الیه یکثوب جبهه  
بسم خلعت از جانب سنی ابجواب ملوکانه با و مرحمت گردید) (عالیجاه میرزا محمد سرشته دار  
مملکت آذربایجان هم که در گذراندن محاسبه آذربایجان صداقت و خدمتگذاری خود را مشهود نظر  
اولیای دولت علیه کرده سر او ارفات شده بود و یکثوب جبهه ترمه با و خلعت مرحمت گردید  
(موجب فرمودی کوکب جایون در منزل او شان که اول دهات رود بارت بجهت موم و صفا و کرمی هوا  
زیادتر از یکثوب توقف فرموده از آنجا تشریف فرمای آغار که حشر شده رودخانه چاهرود است گردید و در آنجا  
دو شب توقف فرمودند و از آنجا بمنزل شهرک که حشر شده رودخانه کرج است تشریف فرما شدند آب و هوای آنجا  
زیاد مطبوع و معتدل طبع مبارک اعلیحضرت اقدس عالی افتاده در آنجا توقف دارند و هر روز سوار شده بکار و تفریح تشریف میبرند

۲۶۲۴

### استرآباد

از قرار روزنامه استرآباد خلعت مهر طلعت خایون که از جانب سی الجواب شاهنشاهی بافقار  
 مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیخانیکر سکی استرآباد مرمت شده بود در نوزدهم شهر ذی قعدة  
 بانجا بر تو وصول افکنده مقرب الخاقان مزارالیه و عالیجا همیرزا محمدنشی مهام خارج بمقرب  
 استرآباد که برای او نیز خلعت از دربار خایون مرمت شده بود با اعیان و اهالی و صاحب  
 نظام لوازم استقبال و توقیر و احترام را بعل آورده زین برود و شرفها خرت و مباحث کرد  
 صرف شربت و شیرینی نمودند (دیگر نوشته اند که جمعی از ترکمانان طایفه جعفریامی بیوت  
 نیز در مقرب الخاقان ایلیخان آمدند مذکور داشتند که چند نفر اسپر استرآبادی و غیره که در آنجا  
 ما بودند آورده و مشدعی مرخصی بعضی از اسیری خود که در آنجا مستند میباشیم تا اهلینان  
 کرده بعد از این طریقه اطاعت و انقیاد و خدمتگذاری دولت جاوید بنیاد پیش نهاد کرده  
 در مقام ایلیت برائیم مقرب الخاقان مزارالیه نیز در صد استمالت و اهلینان خاطر آنها  
 برآمده چهار نفر سیر و زن دریا قلیخان را که سابقا در ماحت طایفه مزبور دستگیر شده  
 بودند با آنها رد نموده با نهایت امیدواری و تعهدات خدمتگذاری به او بهای خود معاد  
 کردند و بعد از چند روز مجدداً بیت نفر اسپر از استرآبادی و مازندرانی که در میان  
 آنها بود آورده و پانزده ریس اسب خوب هم شکش کرده طمیز شکش پانزده ریس اسب  
 نیز گردیدند و مقرب الخاقان مزارالیه از دومی خود را که در قریه محمدآباد یکفرسخی استرآباد  
 بود بعد از آنکه دو فوج سمنان و دامغان جمعی مقرب الخاقان مصطفی خان سیرتپ هم تلخج  
 در بیستم ذی قعدة از انجا حرکت داده در محل مشهور بکل پته و قوشه چائی که محاذی او بجای  
 ایل بیوت و یکفرسخی رود کرکان واقع قلعه است از دوزده طوایف ترکمان که در مقام  
 رعیتی و خدمتگذاری پناشید آذوقه بسیار از جو و کندم علی التوالی بار دوا آورد  
 میفرود شدند و کمال فراوانی و ارزانی در آرد و حاصل است و ترکمانانی که سابقاً  
 هرزگی شده بودند بفرج ای الخاقان خائف بپت ارتک فزاری شده مال و عیال خود را بانجا  
 برده بعد ریکه از خانوار در آنجا جمع شده اند

در آنجا سی اسب از استرآباد فرستادند  
 ۲۶۲۵

## عربستان

از قرائکه در روزنامه عربستان نوشته امور آن ولایت بواسطه حسن کفایت و قرار  
 محکم که نواب مستطاب حاتم الدوله خاندان میرزا حکمران عربستان و لرستان و بروجرد  
 و نجف تبار می داده اند کمال انتظام و انضباط را دارد و از جمله امور محترمه بر اقبیت و  
 اهتمام مقرب الخاقان حاجی جابر خان میر پنج نقطه و مضبوط و لوگو بلوچ و عرب  
 سر خدمات نامور و پنهان و بارهای شکار که از دریا میرسد در کمال امانت و استودکی از شرط  
 کاران بکشتی عمود کرده بچهل مالهای مکاری بشوستر میرسد و هم چنین امور واجب و حوز  
 از قرائکه نواب والا ابراهیم میرزا نایب الحکومه آنجا نوشته بوده اند نظم و مضبوط  
 طایفه از قریح که زمستان هر سال بنجاک حویزه و اهو از آمده تا هنگام فرسخیات در آنجا  
 اقامت مینمایند چند نوبت مصدر سرقت و شترارت شده بودند چون نواب مستطاب  
 حاتم الدوله قدغن نموده بودند که متعرض آنها نشوند نواب ابراهیم میرزا افسردگی  
 که در سرست ماضی نوشته است با چند سوار مأمور میان طایفه مرپور نمودند که بزبان  
 اموال مسروقه را از آنها مسترد سازند و پیغام دادند که اگر در ادای اموال مسروقه تعطل  
 نمایند حکم تباراج و غارت آنها خواهد شد مأمورین رفته طایفه مرپور پس از اسحصار  
 کلیه اموال را رده نموده بعضی جزئیات که مانده بوده است در مقام ادای عووض و بها  
 آنها بوده اند از امور شوستر نوشته اند که نظم کامل دارد در سنوهای سابق در محلات  
 شوستر سرقت اتفاق می افتاد و اسال چون شش هفت نفر از دزدان مشهور آنجا را نواب  
 حاتم الدوله در اوقات توقف در شوستر گرفته مغلولاب بر وجه آورده و بالعقل  
 طپاشند در دی در شوستر هیچ اتفاق نمی افتد و کمال امانت از برای امانی آنجا حاصل است  
 و هم چنین اعراب بی لام که در کنار کرخه قریب بزر فول نشسته اند گوشه و کنار دست اندازی  
 و دزدی میکردند نواب ابراهیم میرزا مأمورین سواره در طرق و معابر آنها که ایستاده  
 چند دفعه که مرکب لغدی و سرقت شده اند صرفه نبوده کوشمال بسزا دیده اند لهذا دزدی را  
 در خاک و زرفول موقوف کرده اند

۵

### فارس

از فراری که در روزنامه بندر اوشهر نوشته اند امور انولایت بحسن مراقبت و کفایت  
مقرت انخاقان احمد خان دریا بکی و حاکم اوشهر و مضافات قرین اهلیت و انتظام است  
و در رفاه حال رعایا و معمولیت ولایت و انجام محاسن و مرجوعات دیوانی کمال سعی و اهتمام  
بعل می آورد خصوصاً در جمع آوری تفرقه رعایای خارک و مضافات و غیره که عالچاه  
شیخ نصر خان را فرستاده و مشارالیه با کمال معقولیت و حسن سلوک تفرقه رعایای انخاقان  
جمع آوری کرده و با نهایت دگر می با مور عیسی خود مشغول شد و طرق و شوارع را اهلیت  
عابرین و متره دین باطنیان و خاطر حسبی عبور و مرور مینماید و بجهت کمال مراقبت مقرت انخاقان  
مشارالیه سرفت کمر اتفاق می افتد و اگر احیاناً در دی اتفاق بنفد اموال مسروقه پیدا  
شده لصاحبش تسلیم میشود یژد از فراری که در روزنامه دارالعباده یژد  
نوشته اند مقرت انخاقان محمد یوسف خان سرسب و حاکم یژد در نظم امور انولایت و انجام  
خدمات دیوانی نهایت مراقبت را بعل می آورد و پاره بدعتهما که از مباحثین نسبت رعایا  
سابقاً معمول بوده است موقوف کرده از چند اربابان کلن با مباحثین در ساخته مالیات  
بدی خود را سرشکن رعایای جزو میکرده و این فقره نسبت بر عیبت ظلم فاحش بوده درین باب  
از جانب مقرت انخاقان مشارالیه و عالچاه میرزا محمد سعید مستوفی پیشکار انولایت قدغن  
شد که هر کس بدی خود را خود بدد و با خود را بگردن رعیت نیندازد و اگر ارباب یا عامل  
و مباحثی مرتکب اینگونه تعذبات شود مورد تنبیه و ترحمان باشد و نیز قدغن نموده اند  
که رسم خدمتانه و مخارج مأمور و محصل موقوف باشد و زیاده بر آنچه از دیوان حواله  
میشود حجه و دیناری هیچ اسم در رسم از رعایا مطالبه نشود و رعایا ازین فرار دادها کمال  
دعا کوفی و شکر گذارند و نیز در باب نظم شهر و محلات قدغن اکید کرده اند که کومه  
و قراول و کدخدایان محلات مراقبت تمام در حفظ و حرارت محلات داشته باشند و در  
باب تعمیرات سر باز خانه و توپخانه و بوتات دیوانی انجابه نهایت اهتمام را نموده و اغلب  
انجابه را در کمال استحکام تعمیر کرده اند

۲۶۲۷

اخبار دول خارج که از روزنامه‌های خارج ترجمه شده نوشته می‌شود  
 از فرایکه در روزنامه جریده اسخاوت از روزنامه لندن نوشته اند موجب تفصیلاتی که سابق  
 نوشته شده بود در باب کاشتن و بعل آوردن پنبه یکی دنیا در مالک عثمانیه و ایتالیا و لونا  
 صاحبان کارخانجات لندن قومیه ما بین خود قرار داده و تخم پنبه مزبور را بحال مرقوم فرستاده  
 بودند در این اوقات بجهت خرید و تکثیر این کار مجده داده هزار تومان وجه نیز از آن قومیه داده  
 شد است که باز تخم پنبه یکی دنیا خرید بحال مزبور ارسال دارند (دیگر نوشته اند که صاحب  
 و ایما بجزه و جملهای کونا کون آب بکش مردم میبایند از جمله در این اوقات در جسر جدید  
 یکی ازین اصحاب سرقه و نفر است آمده ساعتی از بعل در آورده گفته بود سخاهی مراضه  
 و این ساعت را بهای نازل بشام فروشم آن ساعت را دیده و پنبه دیده در باب قیمت و گفتگو  
 بودند اول قیمت گزاف گفته بعد از گفتگوی زیاد که مابین با بیع مشتری قرار است قیمت تومان  
 قطع و فصل قیمت کرده و ساعت را در پیش چشم آنها میان کاغذی پیچیده و تسلیم آنها کرده سخاوت  
 گرفته گذشته بود بعد از رفتن ایشان بیشتر بها خواسته بودند ساعت را درست تا شما نمایند  
 و قبیک کاغذ را کشوده بودند دیده بودند که سنگ چینی بجای ساعت در میان کاغذ طغوف است  
 و چند آن شخص را سخاوت کرد دنیا گفتند (دیگر در روزنامه سابق نوشته شده بود که طغوف است  
 اسپانیول با چند کشتی غنیمت سیاحت سواحل فرانسه نموده و بکشتی سازخانه قادنس وارد  
 شده بودند موجب روزنامه که بعد رسید از جانب دولتین فرانسه و انگلیس هر یک یک قطعه کشتی  
 سخاوت بجهت احترام ملکه شارالیهانبر داد ارسال شده است که در اوقات سیاحت و رعیت او باشند  
 (دیگر نوشته اند که بجهت شید مابانی اتحاد حاصله مابین دولتین انگلیس و فرانسه و اجراء اسم  
 عیش و سرور در این اوقات از جانب دولت فرانسه جمعی از موزیکانچیان نظام و صاحب طرب  
 بدولت انگلیس فرستاده شده است که در مجال مناسبه انگلیس بانگ موزیکان مرتب کمال اتفاق  
 و موافقت دولتین را کوشند خاص و عام نمایند) (دیگر از قرار روزنامه‌های لندن نوشته اند  
 که تاکنون کالسه بخار بغیر از راه آهن ساخته از راه دیگر معهود و ممتد اول بود حرکت نماید در این اوقات  
 یکی از موزیکدان انگلیس کالسه بخاری ساخته و تصرفی در آن کرده است که در هر جای روی زمین حرکت

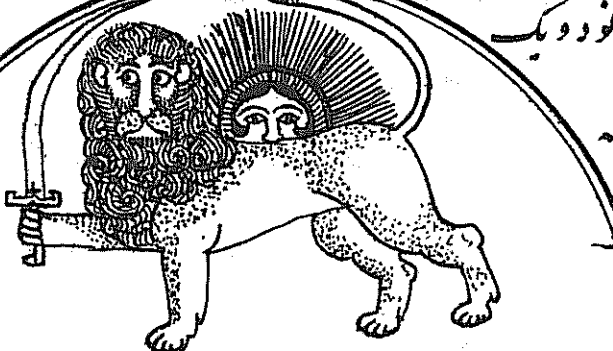
بدین حرکت می کند اگر چه آن فوت و سرعت سیر که در کالک راه آهن است در این کالک نیست  
ولی کار سازی میکند و مثلاً رایه این صنعت را بدولت انگلیس عرض و بیان کرده است که شایع و  
متداول نماید بجهت تجر از یک کشتی سازخانه یک توپ شصت و هشت پوند کالک مزبور حمل کرده  
و بعد یک ساعت و نیم مسافت اطراف را گردش کرده و کشتی سازخانه مزبور معاودت داده  
(دیگر از قرار روزنامه های فرنگستان مانند زلزله شدیدی که چند وقت پیش ازین در ناپولی و  
یافته زیاده از صد هزار کس را هلاک و خیلی اشخاص را بی خانه و هلاک نمود در چهارم سوال بان  
چنین زلزله در آنجا ظهور نموده خصوصاً در ایالت و اسپیلی قات و خیلی آدم تلف شده و ضرر زیاد  
مردم رسیده است) (دیگر نوشته اند که در سیج جایی یونانستان معدن ذغال سنگی بنود  
در این اوقات بواسطه زلزله که در آنجا شده است در کوردوس که زلزله در آنجا از همه جا بیشتر  
کرده بود یک مورن ذغال سنگی پیدا شده است) (دیگر نوشته اند که کشتی بسیار بزرگ که از آن  
بزرگ کشتی تاکنون در سیج دولتی ساخته شده بود بواسطه قومپانیه که در لندن لیجیل یافته و  
شده و بصورت تمام بدیاری انداخته بودند بجهت حمل عسکر و توپ و سایر اسباب که کشتی مزبور بگذار  
در این اوقات از جانب دولت انگلیس با قومپانیه مزبور باز اربع و سراسر انگلیس مقرر است) (دیگر نوشته اند  
که فرال دولت یونان بجهت مذکره تعیین و لیعهد خود و هلاقات نمودن با خویشان و وطنوبان درین  
تیزدیرا و خود که فرال با ویرانها شد غمیت کرده است) (بقراونیکه کرات در روزنامه ها  
شده است چند وقت پیش ازین اغلب دولتهای فرنگستان بزیاد کردن قوه بحریه خود کوشیده  
کشتیهای جنگی بسیار ساخته در این اوقات فرال دولت ناپولی نیز در بعضی کشتی سازخانه های  
خود سازنده قطعه کشتی بخار فرار داده است که در مدت قلیل با مقام برسانند) (دیگر نوشته اند  
که از جانب جناب امرا ل ناپیر و کیل بحریه دولت انگلیس بعضی مذاکرات در مجلس مشورت شده بود  
براینکه قوه بحریه دولت انگلیس مقابل قوه بحریه و بریه دولت فرانسه و زیاد کردن قوه بحریه دولت  
انگلیس در درجه و جوب است و بعضی کلمات مؤثره دیگر ایراد نموده که درین باب یک قومسیون مخصوص  
باید ترتیب شود از جانب و کلای طت در این باب اعتراض شده است که اختیار کردن دولت انگلیس  
در حالت ایس اینگونه تکلفات بی لزوم را سبب شبهه دولتهای دیگر میشود و مرث توهمات دولی

۲۶۲۹

بعد از گفتگوهای بسیار قرار دادند که قوه بحریه دولت انگلیس مقابل قوه بحریه تمامی دولت‌های فرانسه  
 باید باشد و اگر حد سفاین و لشکر بحری انگلیس کمتر از همه آنها باشد باید زیاد بکند تا مقابل  
 آنها برسد و درین باب قرار گذاشتند که قومیون مخصوصی ترتیب بدهند (تفصیلی بر سر  
 که هفتاد و پنجاه هزار خواربارگیری او بود و در لندن ساخته بصورت تمام بدربار انداخته بود  
 بکرات و روزنامه‌ها نوشته شده در این اوقات در لندن یک قومیون جدید  
 داده اند که شش قطعه کشتی بزرگتر از آن کشتی که هر یک نود هزار خواربارگیری داشته باشند  
 و دوازده هزار آدم بگیرد با زند و قرار گذاشته اند که در مدت قلیل با تمام برسانند (سابقاً  
 نوشته شده بود که از اناطولی یکی دنیا شخصی صنعتی اختراع کرده است که اسب و سایر حیوانات  
 هر قدر شریک و سرکش باشند در ظرف یک ساعت مانند بره آرام می‌کند و لا این صنعت را  
 کسی یاد نمی‌داد و موخر آدر لندن پنج هزار لیر گرفته و بعضی اشخاص تعلیم نموده بود در این اوقات  
 نازمبانی گرفته و بدو هزار کس این صنعت را تعلیم کرده است) (دیگر نوشته اند که نواب  
 خاندان وق قسطنطنیه برادر اعلیحضرت امپراطور روس با چند کشتی عزیمت کرده اند که یک چند  
 سواحل دریای بالتیک را گردش و سیاحت نمایند) (سابقاً از روزنامه‌های فرانکستان  
 نوشته بودند که جناب پاپای رومه با قرال دولت ناپولی در محل انجمن نامه چیده ماده و لیجه  
 ملاقات کرده بودند ولی بموجب اخباری که این اوقات رسیده است منظورشان ازین  
 ملاقات تصحیح احوال نیکه اتی لیا مینا و درین باب تنظیم تعلیماتی بقونفرانس پاریس ارسال  
 داشت) (دیگر نوشته اند که سیمون بولیوار و توقیف قرال دولت ناپولی کشتی قالیاری نام مال دولت  
 ساردینیه را که مفیدین با و سوار شده بعزم اختلال بناپولی آمده بودند و دستگیر دولت بناپولی  
 شدند مابین دولین ساردینیه و ناپولی برودتی حاصل شده و قطع رشته دوستی و سیاحت  
 نموده بودند در باب التیام فیما بین آنها از جانب دولت انگلیس تسلیفات بدولت کرده  
 ابلاغ شده بود که مابین دولین و ناپولی توسط نماینده موجب روزنامه که این اوقات رسیده  
 قرال دولت پروسیه اقدام در توسط مابین دولین و ناپولی کرده است



روزنامه و فایده اتفاقیه بتاریخ یوم خمسه بیستم شهر محرم الحرام مطابق الیوسیل ۱۲۷۴

منطقه دارالخلافه طهران		نمونه سید و نود و یک
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
هر خط در هر شماره		هر نسخه ده مایه

اخبار واحوال ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

بعد از تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب بیسیقات رودبار و شهرستانک بواسطه خوبی آب و هوای آنجا که نسبت بایسیقات کمال امتیاز دارد بوجود و سجود سعود مبارک اعلیحضرت اقدس هالیون شاهی خلد الله ملکه و سلطان زاید الوصف خوش گذشته اغلب روزها سوار شده بکاف و تفریح تشریف برده اند و روزیکه از منزل امارت بهر حتمه رودخانه جاجرد که مشهور است بشکرات تشریف فرمایدند چون کردند زیاده سخت و صعب الماسک و اغلب مرکب از عروج نبرازان خراب و سرکار اقدس هالیون اسب عربی خاصه سواری وجود مبارک را که از گوه و دشت چون صرصر میگذشت و در سنگلاخهای سخت از نموده و مجرب بود با یراق مرضع مکمل سجا بهر محض رافت و عاطف جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم القات فرمودند که سوار شده در کمال استظهار بمنزل برسند و بعد از آن نیز مقرر فرمودند که در هر وقت سواری همان اسب مخصوص ابا یراق مرضع سجه سواری جناب معظّم الهی میگردند و روز عید سعید اضحی که شهرستانک محل توقف موکب فیروزی کوکب هالیون بود سخن سر قربان بقاعده متداوله درها بجا بعل آمد اگر چه از جا کران در بار شوکت مدار کمتر مقرر رکاب مبارک بودند لکن آنها که حضور داشتند بسلام حضور هالیون مقدر گردیدند از جانب سنی احوال هالیون شاهی پدید آید همیشه و ابد اللدعیه موازی یکشوب جبهه ترمه لاکه شمس مکمل با لباس که در کمال امتیاز و شمه اش زینا و سکین و متماز بود بجناب جلالت تاب مرحمت و عنایت شده و در روز نیز هم نیز سرکار اقدس

۲۶۳۱

هایون جناب معظم المیه را در اصل هر چند رود خانه کرج که جای با صفاست و چند سنگ آب از یک  
 چشمه میجو شد و در نهایت سردی و لطافت است مخصوصاً بصیافت دعوت فرمودند جناب معظم المیه  
 نیز در رکاب حضرت انتساب هایون سوار شده بپوشیده بر تشریف بردند بعد از صرف نهار و  
 سیر و تفریح که سوار نیز در یک غروب بار دوی کیوان شکوه معاودت فرمودند (امور دارالخلافه)  
 طهران از حسن مراقبت چاکران دیوان اعلی در عین ان نظام است نواب مستطاب مشرف والا محمد تقی میرزا  
 حکمران دارالخلافه طهران در مقر حکومت بامور نظم و ولایت و انجام مقامات دیوانی پیر و از نذ و <sup>تختگاه</sup> مشرف  
 میرزا موسی وزیر دارالخلافه و عالیجاها ن کلانتر و کدخدایان همه روزه تا هنگام عصر در دیوانخانه  
 مبارک مشغول غوررسی امور رعایا و اهالی شهر میباشند چند نفر مقصر و دزد و غیره که بدستیار  
 که خدایان بدست آمده بود حسب احکام روز بعد از غیاضی هر یک بسرای عمل خود رسیدند (از قبیل  
 قسون مأمور خراسان مقرب انخاقان عبدالعلی خان سرتیب توپخانه مبارک و قاسم خان سرتیب  
 فوج مخبران و حسن خان سرکرده سواره فراباق با توپچی و سرباز و سواره ابوالجهمی خود وارد  
 دارالخلافه مبارک شدند و در روز دوازدهم در محله مقرب انخاقان نتیجه الوزرا اعظام میرزا داود خان  
 وزیر شکر با تقاضای مقرب انخاقان این لشکر و سایر لشکریان عظام از نیاوران بار دوی مرزبور  
 آمده توپخانه و توپچی و سرباز و سواره را با کمال دقت سان دیده از جانب سسی ابوالجانب علیش  
 اقدس هایون شایسته خلد الله لکم نسبت بصاحب منصبان و آحاد و افراد توپچی و سرباز و  
 سواره اظهار التفات نموده و احوال پرسی کرده وقت عصر بنیاوران مراجعت نمودند (در  
 فوج دماوندی ابوالجهمی مقرب انخاقان ابوالقاسم خان سرتیب که چندی بحفاظت و آو نجانها می  
 شهر مأمور بودند در این اوقات مرخص شده بطییم امور قراولانها بعهده فوج فیروز کوهی ابوالجهمی  
 عالیجاه میرزا قاسم خان سرتیب محول گردید) (مقرب انخاقان حسنعلی خان سرتیب و خیرال  
 اچو در آن خاصه حضور هایون بر حسب ماموریت با کمال حسن سلوک در رسیدگی بامورات نظایم  
 و انتظام قراولانهای شهر و محارست و قراولی عمارات مبارک و ارک هایون لازمه است تمام  
 بعضی می آورد) (نظر بطور رحمت خاطر اقدس هایون سابقه می در باره مقرب انخاقان <sup>مجلس</sup>  
 پسر امیر الامراء العظام کشیکچی باشی بکطافه شال کشیری و یک ثوب قبای رزی از جانب سسی ابوالجانب

۲۶۳۲

طوکانه با دخلت مرحمت گردید حسب الامر مأمور بنجر شتر قربانی گردید و بجای آن اقا باخان  
 یوزباشی و پسر شایبانی نیز خلعت های یون مرحمت شده با اتفاق مقرب الخاقان محمد مهدیجان  
 مأمور بنجر شتر قربانی شدند در روز عید اضحی پس از تدارک طرومات عید نوات مستطاب  
 اشرف والا شایباده محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه در عمارت خورشید محفل و متحشین عید  
 سعید را قرار داده مقرب الخاقان محمد مهدیجان بحضور نوات مغربی الیه شرفیاب شده و اذن  
 در تفتی بنجر شتر قربانی را حاصل نموده بقانون معموله در مصالحای پهلوی بکارستان شتر قربانی  
 سخن نموده هر یک از اصناف سهمی که از اعضای شتر قربانی داشتند دریافت نمودند و در یک  
 مبارکه اجزای شیک عید گردیده مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه با ارباب مسلم  
 در شهر و عالچاقان کلاتر و کدخدایان و صاحب مضبان نظام و خوانین و غیره بحضور نوات شایباده  
 آمده بعد از ادای خطبه بنام سرکار اقدس عالیون شایبانی علیه السلام و سلطانان صرف شربت  
 شیرینی نموده بنازل خود مراجعت کردند **فارس** از قراقرم که در روزنامه شهر  
 نوشته اند مقرب الخاقان احمد خان در پایکی و حاکم بوشهر و مضافات در نظم امور و کاتب  
 و انجام مقامات دیوانی مراقبت تام بعمل می آورد از جمله کسب بازار از قبیل بقال و خباز و عطار  
 و غیره که معاملات آنها بوزن و میزان بود و تقاضات در سنگهای اوزان قرار داده بودند  
 سنگ زیاده بجهت خریدن و سنگ کم بجهت فروختن اجناس داشتند مقرب الخاقان مشارالیه  
 این تقلبات کسبه را موقوف داشته بقدر کفایت اهل میزان سنگ آهن مهر دار که یک من آن  
 بخصه و نصب مثقال است ساخته بانها داده و قدغن نمود که بآن سنگها داد و ستد نمایند  
 اگر معلوم شود که چیزی کم مردم فروخته اند مورد مواخذه و ترمجان باشند هم چنین صنف  
 بنیاد نیز نیم درجه های کوتاه داشتند آنها را هم موقوف کرده و نیم درجه های آهن تمام بانها داده  
 قدغن نمود که چیت و کرباس و غیره را بان نیم درجه بفر و شند (دیگر نوشته اند که هوای  
 بوشهر تا نیمه جوزا بسیار خوب بود لهذا ازان رفته رفته گرم شده با علی درجه که رسید  
 در یازدهم ذیحجه به یکصد و پنج درجه حرارت بوده است و این اوقات تتریل گرا بوده است  
 چند روز قبل به یکصد و شصت درجه گرمی رسیده بوده است

و نیز نوشته اند که در غزه شهر ذی قعدة الحرام مکلفند جهاز اتشی تجارتی بجهت بردن اهل حاج بجهت  
 از معموره میثی وارد لکرگاه بندر بوشهر بشود هر چه روز قبل از میثی حرکت کرده بود ولی خیزد  
 در مسقط و بند عباسی و لکنه بجهت پائین آوردن مال التجاره معطل شده بود از قرار مذکور کلیه مال التجاره  
 در بند عباسی و لکنه پائین کرده قلیبی به بندر بوشهر آورده بود و جهاز مزبور مستی به پی بزمی است از قرار  
 تقریر اهل آن جهاز بجهت فرونده بخله و غنچه پوشهری و غیره از میثی با رگیری نموده بجانب پوشهری آمد  
 و در چهار فرسخ میثی طوفان شدیدی شده چهار روزه فروند آنها پاره فی که در روی سطح بار کرده بود  
 مبر یا ریخته مر اجبت میثی بودند و چهار فروند آنها ناپدید معلوم نبود که غرق شده اند یا اینکه  
 و طوفان آنها را سمیت دیگر برده باشد و این خبر باعث طالت تجارت گردید و این جهاز که بجهت حمل حاج  
 به بوشهر آمده بود چون حاج بقدر کار ساری جهاز بود رفتن بجانب حیده و کله را موقوف کرده  
 اهل جهاز جناب داشته اند که اسب و مال التجاره حمل کرده میثی معاودت نمایند (دیگر نوشته  
 که یک فروند بکاره از حیات و او که از مضافات پوشهر است گاه حمل کرده به پوشهری آمد در  
 نزدیکی لکرگاه بوشهر غرق شده چهار نفر زن و دو دختر که یکی دو ارده مساله و دیگری نه مساله  
 بود غرق شدند زنها را اهل سفین سلامت سپردند و دو دختر را آب برده روز دیگر بکار  
 از جماعت مای کبره از مواضع بعیده به پوشهری آمد در روی آب چنبری از دور نمودار شده بکاره  
 با نظرف راند بختش و ختری را دیده بودند او را از آب سپردند و دیده بودند نیم نفسی دارد  
 او را سر ازیر او بخته بودند آب زیاد از گلوی او آمده کم کم بجال آمده بود و این آن دختر دو ارده  
 ساله بود که یک شبانه روز در آب بوده و از تعضلات الهی جان دوباره یافته او را به پوشهر آورد  
 تسکین او نمودند و از آن دختر نه ساله اثری ظاهر نشد (دیگر نوشته اند که در غزه ذی قعدة  
 نزدیک سحر زلزله شدیدی در بوشهر شد ولی خرابی بجائی و اذیت کسی نرساند و روز چهارم  
 مزبور نیز چهار نوبت با زمین حرکت خفیف نمود (دیگر نوشته اند معرت انخافان دریا یکی سحاحم بود  
 در جانی که لنگ انداخته بودند و نشسته بود بعد از فرغت در وقتی که برخواستند بجز نبه رفت که سر  
 شسته بیاید رنگ به بند از قضا یا ای القایه که بخیر گذشت مقارن داخل شدن او بجز نبه پنج عدد  
 هزاره که هر یک میت من بیشتر وزن داشت از پاد آمده بروی لنگی که انداخته بودند افتاد و در بر جوی بود

۲۶۳۴

اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته میشود  
 از فراری که در روزنامه جدید اخبار است با اسامی نوشته بود و چهار قطعه کشتی که در لندن بجهت  
 دولت عثمانیه ساخته شده بود بمقتضای مصالح عمومی که بابت کشتیهای فرانسوی را بجز سیاه نفرستادند  
 با نجات ارسال نمودند ولی در روزنامه بعد نوشته اند که آن کشتیها را به بحر سیاه نفرستاده اند بلکه  
 با اسامی وارد کرده و قرار شد که در ایورسایره کشتی سازخانه اسامی در کار باشند و سواستی  
 اینها ده قطعه کشتی دیگر بجهت دولت عثمانیه قرار شد است که در لندن در مدت پنج شش ماه با تمام  
 برسانند بعد از آنکه آنها تمام شده با اسامی رسید بقدر لزوم از آنها بجز سیاه خوانند انداخت  
 (دیگر نوشته اند که والی و آستان مصر مخصوص سواری خود یک کالک که بخار در لندن سفارش کرده  
 بودند که بآن در این اوقات با تمام رسیده است و بجز این تصنیفات تا کنون کالک  
 باین خوبی مشاهده نشده است) (دیگر نوشته اند که بموجب اجباری که از ادرنه رسیده است مخصوص  
 ابریشم در آنجا اسامی بسیار خوب و زیاد آمده است و سال آینده را کمان دارند که بیشتر از اسامی  
 هم بعل سبب) (دیگر نوشته اند که در منقح ذیقده طوفان شدیدی در ادرنه شده و مگر کی بدستی  
 تخم مرغ باریده بود اگر چکان داشتند که ضرر زیاد رسانده باشد ولی بموجب اخبار جدید  
 صرزی بجهت و باغات نرسانده است) (دیگر نوشته اند که پسر و برادر پادشاه فارس  
 زیارت بیت الله احرام نموده از جانب دولت انگلیس یک کشتی بجهت سواری آنها ارسال شده  
 بود مشار الیه بان کشتی را کتا با سکنه ریه وارد شده اند و از جانب والی و آستان مصر لوازم  
 توقیر و احترام آنها بعل آمده اند راه سویس عازم که محظوظ گردیده اند) (دیگر از روزنامه پاریس  
 نوشته اند که نواب پرنس ناپلیان عموزاده اعلیحضرت امپراطور فرانسه بجا تیم معافی خیر از منسوب  
 شده و سالی دو کرد در فرائق بجهت منجارج نواب معزی الیه بر آورد و معین کرده اند) (دیگر نوشته اند  
 که بجهت محافظت لنگرگاه بزرگ ماریسیا که در جهت جنوبی فرانسه است قلعهای از جانب دولت فرانس  
 ساخته شده در اواخر مابین گذشته توپها را در آن قلعها شروع کرده اند بگذارند) (دیگر نوشته اند  
 که از شاگردان کتب بحریه فرانسه یک صنف بجهت تحصیل اصول بحریه کشتی دولتی سوار شده  
 سیاحت بعضی سواحل گردیده اند) (دیگر از روزنامه لندن نوشته اند که نواب پرنس البرتر

۲۶۳۵

شده اعلیحضرت پادشاه انگلیس پسران که غراند و عوط یعنی حکمران آنجاست بجهت پیر و مست بود  
 اراده کرده بود و اب مغزی الیه را و بعد نماید چون نواب مغزی الیه استغفا نمودند لهذا برادر کوچک  
 ایشان بولیمدی برقرار شده و مشا رالیه در این اوقات مشغول تحصیل زبان منس پناش  
 (دیگر نوشته اند که قرال دولت ساردینیه در این اوقات مالک زیر حکومت خود را کوشش  
 و سیاحت نمایند و بهر قریه و قصبه و شهری که وارد میشوند معتبران ملت را بصیافت دعوت کرده  
 بعضی بر سفره قرال مشا رالیه نشسته طعام تناول می نمایند و اکثر اوقات در سفره قرال بر  
 دولت نفرو دولت پنج نفر شام و نهار حاضر میشوند و در هر محل از طرف الالی لوازم اکرام و  
 احترام قرال مزبور بجا می آید) (دیگر از قرار روزنامه ساردینیه از جانب دولت ساردینیه در  
 استریه قلعه الکندر نام ساخته شده و پانصد قطعه توپ در آنجا قرار گرفته استه بودند بگذرد  
 در این اوقات توپخانه ای را که در آن قلعه وضع میکنند به نصد قطعه قرار داده اند و شصت قطعه  
 از آن توپخانه رخته شده سیصد توپ دیگر هم میریزند و سابقان نیز از طرف بعضی الالی خواه یکصد  
 توپ داده شده) (دیگر نوشته اند که دو کشتی جنگی یکی از انگلیس و دیگری از روس به سمت  
 می رفتند در رس امید بهم رسیده الالی کشتیها بشهر آمده بودند از آحاد قشون انگلیس که در آن کشتی  
 بودند یکی در نمازخانه سابق یکدش در جنگ افتاده بود در اینجا حرف خود را دیده و شناخته کرد  
 او را گرفته و به دست خود را مطا لبه کرده بود طرفین محمد و امانا زده نموده طرفداران آنها بکارت پیوسته  
 و معرکه غلیظ شده جمعی درین میان مقتول و مجروح شده بودند بالاخره از جانب ضابطان طرفین  
 تادیبات لایقه اجرا کرده رفع نزاع شده بود) (دیگر از قرار روزنامه لندن یک کشتی جنگی آبی  
 که بخت مش کشتی سه انباری باشد و در دو طرف او مانند شمشیر آلات خارجه وضع باشد که هر  
 کشتی که با او مقابل شود سگته و غرق نماید از جانب اعلیحضرت ملکه انگلیس بولیس دولت فر بولیم  
 شده است که باز که در هنگام حرب بکار بند آرنند و در مجلس بجهت این مطلب مذاکره شده است  
 (دیگر نوشته اند که دانش رزله که در ناپولی اتفاق افتاده و بکرات در روزنامهها نوشته شده بود  
 رزله آتش کوه سوزنده که در مقابل ناپولی است ریاد شده پنج چشمة دیگر از او پیدا کردید و از آنها فزونی  
 مانند آهن که اخته جباری کردید یکدو قطعه از باغات را که در دامن کوه مزبور بود سوزانده ضرر زیاد رسانده است

۲۶۳۶

روزنامه قلیان العاقبه تاسیخ یوم شنبه پنجم ذیحجه الحرامات سید

شهره سید و نود و دو

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر خط شش

بر خط شش



اخبار و احسانه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس شاهایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه که بی بیلاقات کورا و سهره شکر تشریف برده بود در روز  
 پنجم ذی حجه الحرام واروینواران گردیدند و روز یکم که روز عید عذر بود لوازم سبب عید واروینواران  
 فراهم آورده تمامی چاکران دربارهایون که در شهر و نیواران و سایر دهستان سیران بودند از صاحبان و  
 ارباب قلم و خوانین و غیره بفراموشی اول خدمت جناب مستطاب شرف اجداد رفع خدمت چشم انداختند  
 عید گفتند و شعر افتادید که بجهت عید عذر برشته نظم کشیده بودند معروض داشته صلوات و جوایز در حق آنها  
 از جانب جناب معظم نظام گردید و در همان مجلس از جانب شیخ ابوالقاسم قدس یون چنانچه در هر یک از اعیان  
 یکتوب چیه ترمه لاکه شسته و مخصوص از طبقات خاص بن مبارک رحمت گردیده از جانب جناب معظم لوازم استقبال و توجیه  
 احترام یعنی آمده و پند برودش خود نمود و اهل مجلس مبارکبا گفته بعد از صرف شربت و نهال سلام حضور مهر ظهورهایون آن  
 شدند و صف سلام عام منعقد گردید انسانی و دولتی و هزارگان عظام و صاحبان نظام و ارباب قلم و خوانین ویراهن سلام پیر در مرتبه  
 خود شیر فانی حال کرده جای شکر تیشده صد و ده تیرتوب بعد از آن جناب امیرالمومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام خالی گردید بعد از ادای  
 خطبه موعظان یون و امام علی دوم در روز اولین عاچه میرزا محمدعلیخان شمس الشیرازی که در تهنیت عید عذر برشته نظم کشیده بود معروض  
 مورد تحسین گردید جناب اجداد رفع سخطات غایت آمیز خطاب آمده از حصول ایت و از اینکه با وصف شدت گرامی است  
 ظهور ندارد و فضایی فرمایش فرمودند و سلام عید منقضی گردید و نیز بجهت ظهور فور همس ملکانه در حق جناب مستطاب نظام الملک  
 روز عید یکتوب چیه ترمه کشمیری شسته و در سکنین از لباس خاص بن مبارک جناب معزنی الیه از جانب شیخ ابوالقاسم قدس یون  
 گردید

۲۶۳۷

چون منظر نظر اقدس بن یون سرکار علیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه وسلطان ظهور هر نوع شفاق  
و مرهم شاهان نسبت جناب جلالت آیت نظام الملک است و جناب مغزی الیه را میخوانند  
از کل مراتب عالییه و مقامات بلند که همیشه خاصه چاکران بزرگ درباری بوده است بهره یافان  
و مراتب اعتبار و علو شان و مکان ایشان را مسمود خاص و عام سازند لهذا درین عید قربان  
گذشته که اندک نقاشی در مزاج جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم تحسینم عارض شده بود و بدین  
واسطه از درک فیض حضور مرهم ظهور بن یون و مورد خطاب مستطاب مبارک بودن معدوم و روبرو  
باشاره علیه بن یون مقرر شد که امروز را جناب جلالت آیت نظام الملک بمقام خطاب مستطاب با  
سلام عام فایز و سیاهی و محل خطابات سرکار علیحضرت شاهنشاهی باشد بعد از آنکه صفوف سلام  
مستعد گردید و جناب جلالت آیت مغزی الیه بموجب فرموده عمل نمودند بطوریکه شایسته و مستوف  
بود از عهد و عرض جواب فرمایشهای ملوکانه برآیدند و در هر معوله که الفاظ دوزخ بار پادشاهی اوین  
کوشش ارادت و فدویت ایشان میشد جوابهای مناسب بمقام بعضی پایه سر بر اعلی میرسانیدند بطوریکه  
بقاعده ادب و رسم عبودیت جمیع حواس خود را مصرف عرض جواب فرمایشهای ملوکانه نمودند  
که در پیشگاه مقدس محل قبول یافت و بر اعتقاد و التفات ضمیر میر اقدس اعلی در حق ایشان که  
با اعلی درجه کمال است افزود و مراتب سخن سنجی و فصاحت تقریر ایشان در نظر ما جلوه تمام نمود و احوال  
از احوال جناب جلالت آیت شرف امجد صدر اعظم فرموده و زیاده اظهار رحمت فرمودند و ختم  
سلام با التفات و رحمت جناب جلالت آیت صدر اعظم فرمودند (چون معرفت انخافان <sup>الملك</sup>  
هواره اوقات سفر اخصر اوقات خدمات شام و نهار خاص وجود فائض اسجد اقدس بن یون بود <sup>حفظاً</sup>  
درین سفیر یقافت لوراد شهرستانک که خاطر اقدس ملوکانه احسن خدمتگاری معرفت انخافان  
مثال الیه زیاده فرین خرسندی در رضامندی کردید لهذا بعد از دور کو و موکب بن یون به نیادان  
یکشوب کله تر مد ز مادی بسیار خوب که از ملابس خاص بدن مبارک بود بجهت مزید مفاخرت و مهابت  
او برسم خلعت رحمت فرمودند) (چون در اوقات تشریف فرمائی موکب سیر و زنی کوکب  
شهرستانک عالیجاه میرزا محمد با رعایای آنجا با استقبال موکب بن یون آمده گاو و گوسفند زیاد  
قربانی کرده و لوازم خدمتگاری و جان نثاری را بعل آورده بودند لهذا مورد توارش و مرهم ملوکانه

۲۶۳۸



کردید و یک طاووس سال کرمانی بعالیجاه میرزا محمد رحمت شده و سه نفر از کد خدا بان آنجا نیز خلیف مبارک  
 فتح گردیدند (د نظر بر این است که مقترب الحضره اعلیٰ حاجی حسین خان بر وجودی بشمول رحمت  
 خاطر اقدس سنجایون شایستهی دربار مشا را المیدر این اوقات بموجب فرمان مهر لعلیان مبارک  
 اورا بصب نیات اول ایشیک آقاسی شایستی گری در بارها یون سرافراز فرموده و یکسب چیه تزیین  
 از صند و قیانه مبارکه با و خلف مرحمت گردید و در روز عید غدیر نیز نجاکپی مبارک شرفیاب  
 گردید و مورد رحمت و عنایت شد اصفهان از قرار یک در روز نامه اصفهان نوشته اند  
 امیرالامراء العظام عیسی خان والی حکمران دار السلطنه اصفهان در نظم امور ولایت رسیدگی  
 بعرض و واد رعیت و انجام مهات دیوانی مراقات کافی بعمل می آورد اغلب اوقات را در  
 چهل ستون نشسته بغیض امور سپردار و در باب وصول و ایصال بالیات کما شکران معقول  
 کاردان معین کرده که بار عایا طریق رفق و مدار اسلوک داشته از رسوم تعدی محرز باشند  
 خالصات دیوانی را حکم باز دید و ممتیزی و ضبط آنها را داده باشند این گذشته است بعضی از  
 بلوکات را که بدون ضابط بودند بهر یک ضابط معین نموده است از جمله نجف آباد را عالیجاه  
 محمد یوسف خان که سابقا بکامپ الحکومه بود و قهاب را بنواب نورالدین میرزا و جی را بمیر افضل  
 و کداز نموده و امور بلوکات و لواجی همه چیه منظم مصبوس است و نیز در باب امنیت شهر و محلات  
 مواظبت کامل معمول داشته سرفقت و شرات بندرت اگر اتفاق بنقید در مقام رفع و سزای  
 و جزای آن بر می آید و در وفه و کد خدایان و مستخفین بنایت مراقبت را در حفظ و حرمت شهر  
 و محلات دارند و امانی دلالت از عللای اعلام و ساداة ذوی الاحترام و اغره و عثمان در عایا و کسبه  
 کمال سکر گذاری و دعا کوفی را دارند و نیز بکار فوج و توپچی و سایر نوکر متوقف اصفهان هم وقت  
 و رسیدگی کامل نموده فوج ابواججعی عالیجاه ابوالفتح خان و توپچی متوقف اصفهان همه روز مشغول  
 مشق میباشند و علمایان ابواججعی عالیجاه حسنعلی خان مشغول انجام خدمات محوله بنجود میباشند  
 و علمایان ابواججعی عالیجاه ایاز خان یوزباشی را که مدتی بود سان آنها دیده نشده بود در این  
 اوقات آنها را احضار کرده و بدقت سان آنها را از آدم و اسب و اسباب دیده  
 نموده خدمات محوله بنجود مأمور شدند

۲۶۳۹

### کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند امور اولایت ارض اتمام و مراقبت نواب علی الدوله  
 حکمران کرمانشاهان و سرحدات عراقین قرین انتظام است و نواب معزی ایله در نظم ولایت و رفاه  
 حال رعیت و انجام خدمات و مهمات دیوانی کمال مواظبت را بعمل می آورند و همچنین در امور افواج و توپچی  
 موقوف و ارالدوله کرمانشاهان رسیدگی کامل بعمل می آورند از جمله بیکر و مقرر و استبد که عالیجاهان  
 سرسبز فوج کلیان و ملک نیازخان سرسبز فوج کرمندی و محسودخان سرسبز فوج رکنه و نواب  
 عبدالباقی میرزا سرسبز فوج کلیان و عالیجاه فوج التدیپک یا در توپخانه افواج و توپچی را در خارج شهر  
 حاضر نمایند و مشق جنگ بکنند مشرق الیهم سرسبز و توپچی و توپها را برهنه کشیده و در فضائی که بالای سر  
 قبر آقا مشهور است تربت جنگ نصب کرده اند و نواب علی الدوله بملاحظه و تماشا می آنها حاضر  
 بعد از آن سرسبز و توپچی بنای شتیک و پوشش را گذاشته در کمال راستگی و چالاک می نشیند و  
 آنها شش بسندیده افتاده اجاده و افراد مورد تحسین و نوازش گردیدند روز دیگر توپچیان حسب احکام  
 شش عاده توپ پرهن در وازنه سمت بغداد کشیده و نشان گذاشته در حضور نواب معزی ایله  
 مشغول تیراندازی شدند و نهایت مهارت و جلدی و چابکی را ظاهر ساختند چنانچه چهل تیر توپ که نشان  
 زدند سه تیر آن بخلاف رفت مابقی را به نشان زدند نواب معزی ایله زیاده آنها را تحسین نموده و وجهی بانهای آنها  
 کرد و **کرمانشاهان** از قرار یک در روزنامه جوارنو نوشته اند رسیدن ادنامی که همه اوقات در  
 کوهما بصید و شکار مشغول بود این اوقات در کوه نزدیک غاری شکاری بنظر آورده او را بدف کوله  
 ساخته شکار تیر خورده و در غلطیده بردر غار افتاده مشرق الیه بر سر شکار دیده بود که او را ذبح نماید و  
 بد غار رسیده بود ناگاه پلکی از غار پرده حسته و سر شکاری بدین برده چنان وقت کرده بود که سرش  
 در دهن پلک مانده و تن او از کوه سر ایزر شده تا پایان کوه هم مسافتی بوده از تیره به تیره و کمر بکمر خورده ریزش  
 شده پستی کوه افتاده بود بعد از چند روز لشک او را در پهلوی لامته پارچه پارچه شده او دیده شناخته بودند  
 نفس او را بالهشکس بجوار آورد آوردند (دیگر نوشته اند که در غاری شوره که از مصلحات جوارنو دست زنی دختر  
 باهم آورده دختر صبح الاعضاست ولی پسر هر دو دستش بگردن چسبیده و از گردن جدا نمی شود و سبب چسبیدن  
 درشت تراست و مانند سایر اطفال صنایع شیر میخورد و پانزدهم ذی قعد که روزنامه بخارا نوشته بود بیت روزی بوده

۲۶۴۰

صورت قصید است که عالیجاه میرزا محمد علیخان شمس الشترادری در عید سعید غدیر در سلام  
پیکاه حضور مهر ظهور اقدس نایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانہ داسه

تغیر بجا این سخن را  
کافور چون خطه پیران را  
نماز بس پنداره مکر دارد  
در باغ روی گلن زین را  
از نام چون با بیکر کرم  
در بند با بیدم زین را  
رضوان و مافدای زین را  
ار استر زین را  
روشن روی او و جهان  
از نام چون با بیکر کرم  
شبان بدوش برده کین را  
دولان منقش بر کین را  
سپان بر سر دریا کین را  
ناخط دین حق کند از کین  
احمد بس در دین را  
در خط دین خلیفه خود کرده  
امر و اقبال را  
بوی نضت با صبرین کاین را  
باجان در بی سر کین را  
و در این عالم کین را

کفتم ز من چه خواهی گفت  
منگر ز بهر سکر او دارد  
مدح سوار خندق و صفین  
در چنگ نهفته برترین  
مدح علی خرد ملک محسود  
فخنده یاد عید و صی بر تو  
افسانهای پرن و کزین  
با من ملک کی شده این را

۲۶۴۱

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه نوشته میشود  
 از قراریکه در روزنامه جریده اتحاد اسلامبول نوشته اند حاصل ابرشیم تبه جنوبی ممالک  
 خدسال است بروجه مطلوب بعجل نمی آید در سال گذشته تبه اشرای تخم ابرشیم از بعضی ممالک  
 عثمانیه که ابرشیم خوب از آنجا بعجل می آید نامورین مخصوص از فرانس آمده بودند در این اوقات نیز  
 چند نفر نامور مخصوص و بعضی از تجار فرانس بجهت خریداری تخم ابرشیم با اسلامبول آمده اند (دیگر  
 دیگر از قرار انبار فرنگستان نوشته اند که نواب پرنس البر شوهر اعلیحضرت ملکه انگلیس تبه دیدن  
 و خسر ملکه مرزبورگه کسرو و لیعهد وال دولت پرستیه عقد و تزویج شده است تبدیل غریب برین  
 پای تخت دولت پرستیه را نموده است) (دیگر نوشته اند که در جزیره سنت پیتینه محلی را  
 که ناپلیان بزرگ در آنجا مدفون است با اراضی لونور خود نام که در جوار آنجا و در ملک شخصی مجلس بود  
 در این اوقات اعلیحضرت ملکه انگلیس خریده و با اعلیحضرت امپراطور فرانسه پدید نموده است) (دیگر نوشته  
 که اعلیحضرت امپراطور اتریش یک کشتی بخار مخصوص سواری خود سفارش کرده بودند که در لندن ساخته  
 در این اوقات کشتی مرزبورگه با تمام رسیده و بسیار سریع است بطوری که در یک ساعت نوزده  
 میل مسافت را قطع میکند) (دیگر نوشته اند که از هندستان اورسینی و پیه ری نام که قصد اعلیحضرت  
 امپراطور فرانس را کرده بودند و بعد از نقل و اعدام اورسینی و پیه ری تاکنون در فرانس محبوس  
 بودند و نقره و دیو و غوغوس نام با بعضی از اصحاب جرایم در این اوقات از جانب دولت فرانس  
 بجزیره غایت نام که در فرانس واقع است نفی و اجلا شده اند) (دیگر از قرار روزنامه بلجیقا در این  
 اوقات پسر بزرگ فال بلجیقا بجهت تزوید احکام و منافقت له انور و ساختن باستان در بعضی  
 محال دیگر آن دولت عزیمت کردش آن ولایات را کرده است) (موجب سرشاری که در این اوقات  
 در ممالک روس کرده و در روزنامه پترزبورگ نشر و اعلان نموده سوای مذکورین بجز این مختصره در انولایت  
 اسلام پنج کور و دویست و پنجاه هزار کتولیک عیسوی حج کرده و صد و هفتاد هزار از من کتولیک و کور و دویست و هشتاد و هفت  
 هفت کور و سیصد هزار پروتستاند بیت کرده و دویست و پنجاه هزار کور و دویست و پنجاه هزار کور و دویست و پنجاه  
 بیت هزار که جمیعا سوای مذکورین سوای چهل و سه کور و دویست و پنجاه هزار کس میباشند  
 از سایر ممالک که در دولت روس ممکن دارند

در بیت چهارم این گفته در المانیار زلزله شدیدی شد و بعضی آبی را ندولی تفصیل آن هنوز رسیده است  
از قرار یک در روزنامه های فرنگستان نوشته اند چنانچه خیال است که کجاسل نکور در فرنگستان  
افتی روی داده و انکور را خراب میکند درین سال نیز در فرانسه و اسپانول و ایتالیا و پورتوگال این  
افت با انکور رسیده و صاحبان باقات انکور این مرحله دچار خسارت و زیان شده اند ( )  
دیگر نوشته اند که ما بین فرنگستان و نیکی دنیا که هزار فرسخ مسافت دریاست از جانب دولت  
انگلیس و جمهوری نیکی دنیا راه شده بود که نسیم تلغراف کشیده شود آن وقت این کار  
بود در این اوقات آلات و ادوات تلغراف را در دو کشتی گذاشته بوسط دریای فریور برده اند  
که در آنجا نسیم تلغراف را بهم وصل کرده یکس از آنرا به انگلیس و یکس دیگر را به نیکی دنیا بکنند ( ) دیگر نوشته  
که از امانی هند شخصی بلدن آمده و چیزی مانند خمره بقوت ده اسب ختمه است که آب را با آن منجمد  
و باین واسطه پنج را از آن کرده است تخمیناً بیست و پنج من آنرا بدو هزار دنیا می فروشد و هر اورا  
زیاده بختین کرده اند ولی بجای تعلیم نموده است و در این اوقات غرمت معاودت هندوستان  
گرفته است ( ) دیگر از قرار روزنامه لندن در فرنگستان چیزی از متولین که از پروما و میراث ریاست  
برای آنها مانده اند اوقات خود را صرف تحصیل هنر و صنعت کرده اند و بعضی هم صنایعی که فایده  
اند برای کسی نداده ولی حیرت افزای عقول و محض تماشا است ایجاد و اختراع کرده اند و چیزی با  
غریبه بنظهور رسانده اند از جمله یکی که صندوق بزرگ ساخته است و در میان او بعضی صور حشره  
نموده است که بواسطه آلات حرکت می کنند از جمله یک شکارچی تعنک در دست آمده در میان جنگلی  
که با شکار کونا کون مشغول است یک دوازده میگزفش بخری که چنان تصنع نموده است که گویا آب آن در  
در جریان است از روی آن نهر بر و از می کند و شکارچی تعنک را بر دست کشیده او را میزند  
و اردک تیر خورده بزین می افتد شکارچی او را برداشته در میان تو برو و میگذارد و در کنار  
نهر بر و بعضی مارهای آبی سر میکشند و بواسطه چرخ در جنگل آنجا آفتاب می تابد بعد از آن با بند  
صنجکاه مهتاب ظهور می کند و بعد از مدتی گویا زمستان می شود و برگهای اشجار کلاً فرو میریزد بعد از آن  
برف شروع می کند بیاریدن و حکم زمستان جاری می شود اگر چه همه اینها در تماشا خانها دیده شده  
ولی در آنجا بواسطه این اعمال ظهور می یابد اما این شخص با آلات بسیار نازک که در درجه لایری است

۲۶۴۳

این صنایع را بکار برده است از نیکه جنبی صنعت غزیه بکار برده است مورد تحسین بیان گردیده است  
 (دیگر از قرار روزنامه پارس شخصی از اهل بروجرد که در فرانسه ساکن بود شب در خواب دیده بود  
 که در فلان وقت وفات خواهد نمود با نهایت خوف تا الوقت که در خواب دیده بود و احتضار مرد  
 می کشید اگر چه در آن وقت همین فوت شد ولی از شدت و ابرم علی بوجود او عارض شده بود  
 که بعد از ده بیت روز فوت شد) (دیگر از قرار روزنامه لندن که نشر و اعلان کرده اند بحاجت منجمن  
 در ایلول آینده آفتاب میگیرد تجبه تحقیق احوالات شمشه یک محل مناسب درجه جنوبی یکی دنیا معین  
 که اصحاب بیست و نجوم در آنجا جمع آمد تحقیق مراتب مزبور و نمایندگان هر کس از منجمن با نجا برود و کول  
 مشروب او از جانب دولت انگلیس مجاز داده میشود و یک کشتی بخار نیز از جانب دولت انگلیس مخصوص  
 منجمن بوزارت) (دیگر نوشته اند که چند وقت پیش ازین در استرالیه در محل قورنر نام طوفانی شد  
 ظهور کرده و باه و سختی وزیده است بطوریکه زیاده از چهار درخت از ریشه کنده و خیل خرابی و ضررهای  
 دیگر نیز رسانده است) (دیگر نوشته اند که یک کلیت می پاریز که با تکلفات و ممانت زیاد در سی و دو  
 سال قبل ازین در سنت بطور بوع پای تحت دولت روس بنا گذاشته بودند در این اوقات تماماً  
 رسیده و و ستمش بطوری است که شش هزار کس در او می توانند عبادت و اعتکاف نمایند) (دیگر  
 نوشته اند که در فرنگستان بوجیب قانون قدیمه اگر زنی بدعل اتفاق بیفتد و شوهرش مطیع بشود او را  
 نمیتواند طلاق بدهد و اگر هم بصورت تمام بتواند طلاق بگوید اما ام العی می تواند زن دیگر بگیرد و آن  
 زن را هم که طلاق گفته است باید زیاده از محمل خود معاشش بدد و این کیفیت رفته رفته باعث  
 خسارت و مشکلات میشود در این اوقات دولت انگلیس قرار گذاشته است که این اصول قدیمه را  
 لغو و متروک داشته بعد ازین اگر از زنی افعال قبیحه با بجا سرزند و شوهرش بتواند ثابت کند  
 نظام جدید که احداث میشود مختار در طلاق او باشد و التزاماتی که درین باب در اصول قدیمه معمول  
 بود موقوف و متروک باشد) (در روزنامه سابق نوشته شد بود که در یونانستان معدن زغال سنگی  
 بعد از وقوع این زلزله تازه در محل را قوی نام معدن زغال پیدا شد و بجهت کشف و معاینه او  
 در این اوقات از قورنر دو نفر همدس با نجا برده اند که معدن مزبور را بر آه انداخته اند

اسباب در او بکار می دارند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ویم شهر محرم مطهر سن ۱۲۷۵

مطبعة دار اخلاف طهران

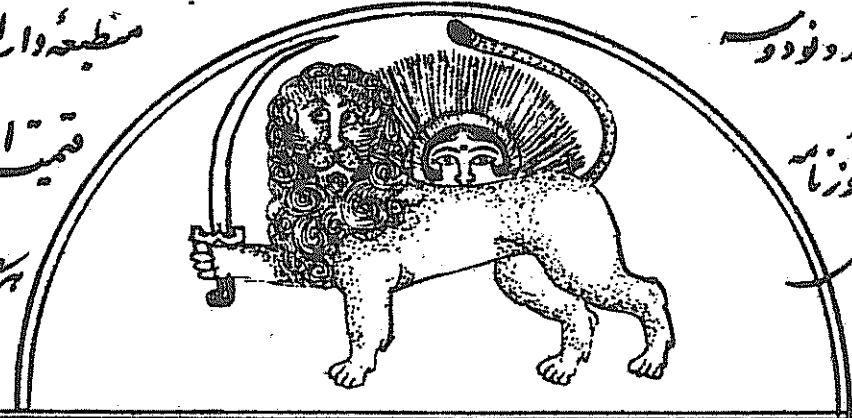
نرسید و نود و دو

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط در هر

پهلو در هر



### اخبار و احداثیه محروسه پادشاهی

#### دار اخلاف طهران

چون مملکت آذربایجان از ممالک معشوره این دولت علیه در قریب و چو آنکه و لتهای بزرگ واقع است  
و محل اقامت گروهی عظیم از مأمورین و تبسین و تبعه و تجار و عابرین و تجارین بلاد و ممالک خارجیه و محل  
و محل حال بسیاری از مفیم مسافرت همچنانکه متاع و امانت و نقایس هر مدتی و هر مکی پیش این پادشاه در آن  
باز میشود که آنجا اخبار و اقوال تیر از دست و در وقوع و وقایع و اکادین بسیار کثرت تر و در خلافت زیاد تر و در  
عشر میگردند لهذا این اوقات بعضی از مردمان یا و کوی بی عقل و تمیز که همیشه در آن بهرزه کوفی و فتنه جوئی کرده اند  
بعضی اخبار کا ذی را در آذربایجان در حق جناب جلالت تأیید شرف اجل اکرم اعتماد الله و له العلیه صدر اعظم  
شهرت داده بودند و تقصیر این مرتبت و انتشار این اخبار که فی الحقیقه منافات کلی با القایها و حسنهای مخصوصه  
هر روز سراسر کار اعلیحضرت پادشاهی نسبت بجناب معنی الیه داشت زیاده از اندازه مایه از تجار و تغییر خاطر  
خیبر مبارک کرده دید از آنجا که مملکت آذربایجان از ممالک معظم ایران و با و صاف مذکور و فوق موصوف است  
رفع اینکه اخبار را ارجیف از معبری چنین معتبر از الزم و واجب امور بود تا زود تر و بنامه آن قطع شود بنابر  
از جانب سنی احوال و حکم و اشارت رفت که در تبسین و سیاست راویان این اخبار فرمان مبارک  
با فتح آنوقت استاب رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان شرف صد و یافه عالیجناب  
حسین پادشاهان میرنجه مخلص فرمان راویان را با آذربایجان برده مدلول آن را کوشید خاص عام کند و خود  
و مأمور با که هر این اخبار کا ذی را در ایت که ده شهرت داده است موافق فرمان مبارک معروض تبسین و سیاست

در آورد مضمون فرمان هایون و دستخط مبارک که در صدر آن بافتی نواب مغزی الیه شرف صد و ...  
از قرابت که درین روزنامه نوشته میشود و بهین مضمون فرمان هایون دیگر نیز تعهد عالیجا مقرب  
مشار الیه شرف صد و ... در یاقه بدستخط مبارک موشح و فریق آمد چون مضمون فرمان او با فرمان نواب مغزی الیه  
موافق بود بهمان شرح دستخط مبارک که بیشتر معنی به بود اقصافت به ...

شرح دستخط مبارک  
سینا الله و این جانب ...  
نقش دستخط مبارک ...  
نقش دستخط مبارک ...

آنکه عمده اگر فرزند ششم خجسته احمد نامدار کنالدوله اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان حضرت پادشاه عزیزین مفا  
و اعزاز بیکار بوده بدانند که چون بجهت وقوع قضیه ایله چند روزی در قلب هایون ما انگلی راه یافت و برسی  
وجود هایون بالنسبت سچا کران و بکافو لور و خدم و عاتقه خدم و حشم بمنزله طب است و با کسب بر گردان و  
جبار احاطت سلامت و نباشتی نخواهد بود بدین واسطه جمیع چاکران در بار سپهر در طون عموما و جناب  
حالات بنات نصاب قوا الله و المجد والاحتمام نظاما للشوکه و القوا الاحترام اشرف احمد اکرم اعتماد الله  
صدر عظم افخم خصوصا که از همه نزدیکتر و در هر حاله قرب حضور از همه بالاتر و برتر و عزیزتر درین خند و راز برین  
احوال و تراکم هموم و اختلال خیال بکاری اقدام نمودند مردمان مفتد و جوی مفتد آنکس طاهر این حال  
بنیال بکمال خود ترجمه و تعبیر باطنی بران مترت و استه چنان دانستند که از جانب سنی لوجاب هایون  
بجناب مغزی الیه حضور جمعی بهم رسید است یا قیبه حالتی ظاهر کردید است این اوقات از فرادیکه بعضی خاکهای  
رسید این اخبار محجوله کاذبه در آذربایجان است ریافته الواطه و اشهر از هرزکی آغاز کرده اند لکن عالیجا تجت  
همراه شهامت و بابت انبیا مقرب الحاکمان حسین پاشا خان میرنچه را از کابل حضرت ختایون ما مورد آن عم نام  
بصد و بر این فرمان مهر لعلان هایون مفتقد و سزاوار داشته امر و مقرر سفر ما نم که این بدین است بعد از آنکه  
قرون بی شمار در این دولت جاوید مدار باین کفالت و کفایت کار گذاری صادق تربیت شده که زبیر برور  
و مایشایه سبب شرقی دولت و موجب ترفیه و آیش عت است اولاد و احفاد و لقب و خلاف او  
نظا بعدن در دولت معزز و محترم و از خوان نوال و نعمت دولت بهره ور و محشم باشند تا چه رسد باینکه  
امروز که خود او لیل و نهار صرف جان و مال خود را برای خدمت دولت میجو نسبت بچنین وجودی صورت

۲۶۴۶

فرمان  
مقرر آنکه آن عمده باید سوادین  
بر لعلان هایون را نوشته جمیع  
آذربایجان فرستاد بعد حکام جزو  
ولایات آذربایجان قدغن آید  
که در هر جا این اخبار را اجف نش  
کرده بار آورده قدر این است  
بجست او در قیبه کمال  
حب المقرر تربیت شده  
شاند



در محنت خاطر هائون بدیداید یا چنین چنانی در خلیه هائون ماحظور کند اینگونه بجهت بدی است از مردمان لاجرم  
 قه اینگز ناشی و منتشر شود که باین دست آور چن روزی انظار را بکنند یا بدزدی و هرزگی در کوچ و بازار  
 نامدار هاید با کمال دقت و غوررسی اشخاصی را که راوی این اخبار هستند بدست آورده تحقیق کنند تا قهتی بهر جا  
 بخصتی مقتضای انظار ایشان الیه اورا گرفته اگر کسی است که در اینجا بدقتیه شود سیات کامل و تیب علی بایلیق  
 لعل آور دو اگر کسی است که باید در انظار فرستاد روانه دار انظار نماید تا اینجا هم حرم خاطر مبارک را در با  
 جناب معزی الیه مشاهده نماید و هم ثمر و فواید انظار را بیکونه اخبار کا دبه را دریافت کند تا بعد از این هر کس ازین  
 گوئی و هرزه درائی عبرت گرفته ازین پس کسی اینگونه خیالات و مقالات پیش بخیرد و لو که قهتی محرم محترم ما را  
 شب و روز آرام و قرار بر خود حرام کرده نیاسود و لغت و تا مدبر سلطنت رسید و اسباب شک و سلطنت  
 آفتاب کس متاگردید آلت اخبار باز بکنند البته در انظار و اذیت اینگونه اشرا راوی این اخبار انعم کا  
 کوتاهی نماید و حسب المقرر معمول در مرتب داشته در عهد سنا سحرانی شهر دیجه ۱۲۷۳

و بهین مضمون فرمان مبارک بعد مقتضای انظار حسین پاشا خان میر بیخه شرف مهدور یافته دستخط هائون در صد  
 فرمان هائون باین مضمون شرف صدویف حسین پاشا خان البته از قرار این فرمان معمول شده مردمان اول  
 هرزه رای را با اطلاع رکن الدوله و وزیر نظام سیاست کند البته هر کس این نوع اخبار را جیف بگوید و  
 میدهد شرعاً و عرفاً واجب العقاب است ( لوگری که از جانب اولیای دولت علیه نامور بخند  
 میشوند و تکلیف لوگری آنها این است که بعد از درود بان طبعی که نامورند از هده تا تورت خود  
 تجاوز نکنند و تصدی و اتهام همان خدمت را مانیه رو سفیدی خود داند خاصه صاحبان نظام که  
 بجای منافی رای جهان آرای هائون است که در اموریت ولایت بخدمت مباشری اقدام نمایند و لکن  
 مصطفی قلیخان میر بیخه که با سر با وجود بخدمت فارس نامور شده بود با اینکه شغل و خدمت او امر نظام  
 بعد از زور و با بجا حکومت و عالی لار سمعه را از کار گذار ان امور دوانی آن ملک قبول کرد بمصداق  
 این شغل شده بود و گذشته از اینکه این حرکت او از هده تا تورتش خارج از جانب اولیای دولت  
 علیه بقبول چنین خدمتی مآذون و در شخص نبود پس از قبول حکومت و عالی لار سببه از جا ده حسن  
 نیز در افتاده بنای لغتی نسبت بر عایا و الی انجا که داشته بود و محبت اینکه در نگا بهاری سر با خود  
 نیز اتهام درستی کرده آنها را محور و برهنه با کمال فلاکت در بار هائون آورده مواجب و جیره آنها را

۲۶۴۷

درست نرسانده بود از آنجا که مراتب تعذبات و این نوع حرکات او که فی الحقیقه فردا وقتی که ملاحظه شد  
 بر که ام تقصیر بزرگی است بعضی ادبیای دولت علیه رسیده و زیاده از اندازه مایه تغییر خاطر خلیفه مبارک  
 سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه گردید لهذا این اوقات که عالیجاه مشارالیه بر کباب  
 آمد سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی او را بمعرض خطاب و عتاب در آورده در ازای آن حرکات خود سراسر  
 و متعذبان به اش حکم سیاست فرمودند و چون قهر جباری و غضب شهبازی را تا شفاعت و واسطه از  
 و واسطه مقرون نشود عاصی و معصرا به چو قوت امید نجات و بقای حیات نخواهد بود لهذا جناب جناب  
 اشرف امجد اکرم اعتماد الدوله العلیه صدر اعظم فخرم بعد از اطلاع بر این حکم سیاست با عرض و  
 در مقام شفاعت و عفو تقصیرات او برآمد و جناب جلالت آت نظام الملک و مقرّب الخاقان <sup>العلی</sup> نیز  
 میرزا داد خان وزیر شکر نیز که در آن وقت در حضور همایون شرف اندوز بودند از روی عجز و انگیختن  
 شفاعت بوسید و بخش سیاست او را از خاکهای مبارک درخواست و استند نمودند سرکار اعلیحضرت  
 اقدس شاهنشاهی نیز به توسط شفاعت این واسطه که قرب حضور داشتند از سیاست او گذشت فرمود  
 ام و معزز فرمودند که در ازای آن حرکات و تقصیراتش پنجاه تومان پیشکش بدو ان اعلی بدو تا این عمل  
 عبرت عموم جا کران شد و هیچکدام از حد مأموریت خود تجاوز نداشتند و از این نظام هر کس بجز منی مأموریت  
 عالی قبول نکند (از فرار روزنامه های ولایات که در این روزها رسیده و میرسد حکام و صاحبان  
 و عموم اهالی و اعیان هر یک از ممالک محروسه بخش اشجار از قضیه مانیه و فات لوات عفزان ماب  
 و لعیند طوبی مهد مجلس تعزیه داری و سوکواری بر پانزده اطماع بفقرا و مساکین و طلب دعای بقای وجود  
 و وجود همایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی را اقدام نموده تمامی کسبه و اصناف و رعایا در هر یک از  
 بلاد و مجال ممالک محروسه تا سه روز دکاکین و بازارها را بسته در مجلس غزاداری حکام حاضر شده  
 لوازم غزاداری را بعجل می آورده اند اگر چه تکرار این واقعه جان فرسا موجب از دیدن و مطالب خاطر  
 ولی چون کل اهالی ممالک محروسه از حکام و محکوم رسم غزاداری را بعجل آورده مختصری از تفصیلاتی که در روز  
 ولایات نوشته بودند در این روزنامه مسطور گردید (دیگر بقاری که در روزنامه های ولایات نوشته اند اسامی  
 در اغلب ولایات هوا زیاد تر از سالهای دیگر گرم شده و حرارت مفرط شدت داشته است خصوصاً در  
 کر میرامت و بندر فارس که کما کمال شدت داشته است ولی با این شدت که هیچ قسم ناخوشی در میان مردم نماند

۲۶۴۸

# عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند نواب سطات هزاره والا بتاریخه الدوله فیه وزیر را  
 حکمران ولایت عراق در نظم امور ولایت و رفاه حال رعیت و انجام مهات و مرچوات دیوانه  
 نهایت مراقبت و رسیدگی را بعمل می آورند و با علما و اعیان و عامه اهل الی ولایت با نهایت رفقت  
 و عطوفت رفتار می نمایند و همه روزه در عمارت دیوانی سلطان آباد نشسته بعضی و داد در عیال  
 می نمایند و روزهای پنجشنبه را مخصوص با رعایا می نمایند که هر کس از اعلی و ادانی عرض مطلبی داشته  
 باشد بدون مانعت حاجب و در بان آمد عرض خود را می نماید و مقتضای عدالت کار او فیصل می یابد  
 و از وقتی که احکام رفع دردی ولایات رفته است تا کنون بهیچ وجه سرفت در هیچیک از ولایات  
 عراق اتفاق نیفتاده است و مقررین در نهایت اطمینان عبور و مرور می نمایند و رسم خدمتیه  
 و سپهر سات و اخذ مخارج از رعیت خواه از محصل خواه از نایب و مباشر کلی متروک و تسوخی  
 در عیال این مرحله کمال شکر گزار پروا دارند (دیگر نوشته اند که در باب جتازی سلطان آباد  
 در سواه سابقه فرار این بود که هر کس میخواست در خانه یا دکان نان خوب بخته بیازار آورده  
 درین چند سال این قاعده موقوف گردیده قرار داده بودند که دیگر در خانه نان بخته فروش  
 و نان آنجا منحصر بخته باب دکان جتازی که در بازار بوده و حکام سفت تومان از بابت وجه  
 جتازی جزو عمل و جومات و اجارات شهر کرده دریافت نمی نمودند و باین وجه انظار نان خوب که  
 در سلطان آباد بهم میرسد متروک شده بود و نواب بصره الدوله روزی در سرنهاری که بلدان از نان  
 دکان جتازی آورده بودند گفته بودند چیزی که سخی از عراق شهرت داشت نان و پیر بود چو  
 که حالاناش آن بسیار اندازد حصار مجلس عرض کرده بودند که آنوقت نان خانه بزی قدغن شده بود  
 و در خانه نان خوب بخته بیازار آورده میفرجستند حال نان خانه بزی چند سال است قدغن شد  
 و منحصر بخته دکان جتازی بازار گردیده آنها نیز خندان دقت در خوبی آورد و در خستگی نان نمی کنند  
 نواب مغزی الیه گفتند که بعد ازین جتازان از ادای سفت تومان وجه جتازی معاف باشند  
 و سایر مردم کافی سابق ماذون و محض هستند که هر کس بخواهد در خانه خود نان بخته و در هر جای  
 ببرد و بعد از صد و این حکم نان چهار اول آمده هم نامهای خوب از خانه بیازار آورده مردم فوراً

۲۶۴۹

### عربستان و بروج

از قراریکه در روزنامه بروج نوشته اند امور انولات احسن کفایت و مراقبات کامله نواب  
 مستطاب هزاره چشم الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروج و بختیاری قرین نظام  
 و امنیت کامل است و اهالی و رعایا در عین آسودگی بدعا کوفی و ات قدس علیون شایسته خلد  
 ملکه و سلطان اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که در سال گذشته بحکم نواب چشم الدوله  
 در مادیان رود بمباشری عالیجاه فتح الله خان یا ورامانی بی در کمال استحکام در محل عبور قوچ  
 و طوائف بسته شد و بجهت عابرین و مترددین که بصحبت از آن آب عبور میکردند افاقه کلی حاصل  
 ولی چون منزلگاه است و از آبادی و طوائف دور عابرین از منزل دیگر بجهت آنجا آذوقه حمل میکردند  
 نواب مغربی الیه قرار دادند که امسال قلعه هم در آنجا ساخته شده و بجایه آبادی درایده که عابرین از  
 هرجهت آسوده باشند و بنا و عملیکار افتاده تا اول زمستان قلعه مزبور بصورت اتمام خواهد یافت  
 و همچنین از خرم آباد که با شتر میروند در میان راه رودخانه ایت وسیع موسوم بکلبکان و این رود  
 تا جایدمیرود و از آنجا بروج و صمیمه منقسم شده داخل آب گریخته میشود هر سال بمالغی مال طوائف را آب  
 هیز و آرد و هم که از آنجا گذشت صدها کلبه بابل آرد و وارد آمده بود چنانچه عالیجاه محمد کاظم خان  
 در حین عبور غرق شده و قریب بهلاکت رسیده بود ابشس برایشه درختی گیر کرده و سربازان هم آید  
 نموده او را از غرق شدن نجات داده بودند نواب چشم الدوله عالیجاه عبدالعلی خان را نامور کردند  
 که بی حکمی در روی رود مزبور بار زد و بنا از بروج دره آید نمودند که مشغول ساحل بی مزبور بشود  
 (دیگر نوشته اند که امسال که ما در سمت عربستان و بروج زیاد تر از سالهای دیگر شدت کرد چنانچه  
 در سنوآه سابقه در فصل جوژاوسرطان که بادسام می آید بیش از سه چهار نفر از صحرائینان تلف نمیشدند  
 امسال درین دو ماه میت و دو نفر از چشم حشرین و دو نفر از اهل بروج و بیادسام هلاک شدند  
 بطوریکه هرچه خواسته بودند آنها را غل بربند ممکن نشد بود بجهت اینکه بادسام اجزای آنها را بپشتاشی  
 کرده بود و این اشیا صرفاً بکنف در زوئی بنورزند است و حاجت بینانند که در او هم امید بهبودی نیست  
 دیگر نوشته اند که در فوج و اهالی که نامور خلوشو شتر و حویره میباشند با وصف شدت گرمای امسال در آن  
 صحنه تکمال خوداری در قراولی قورخانه و مستحطی قلعه سلال کرده و با حسن سلوک با اهالی آنجا رفتاری نمودند

۲۶۵۰

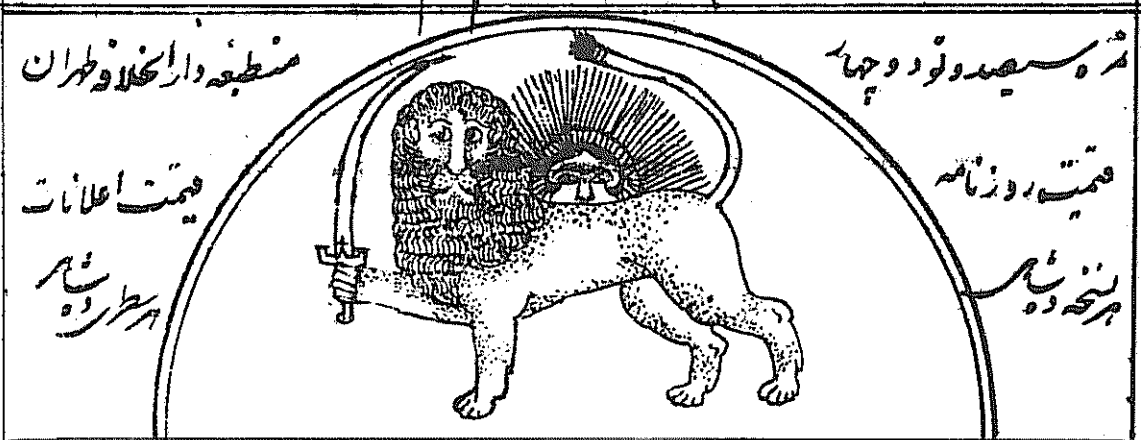
اجبار و دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته می‌شود  
از قراریکه از روزنامه‌های نوشته بودند اظهار نمودند و صفت نابخوابی از حالات قبیحی است که از جمله  
در این اوقات از حقه بازمانده‌های فرنگستان هرمان نام مشهور یک دوکان دلاکی رفته و بطور  
تهور بدلاک گفته بود استره بیاد و صورت مراتبش دلاک استره دلاکی برست  
گرفته و صورت او را بنا کرده بود تهر اشیدن درین بین گفته بود که تیغ تو خوب می‌ترسد  
و تیغ را از دست دلاک گرفته بقوت بکلوی خود کشیده و کلوی خود را بریده افتاده بود دلاک  
بسیار ترسیده و با نهایت خوف و بیم استخاضی را که در اینجا بودند شاهد گرفته و بجانب حکومت  
رفته اخبار نموده چند نفر از پولیس که عبارت از مستحفظ باشد آورده آن شخص را بمجا  
اینه آورده دیده بودند که چیزی بگردن خود نماند گردن بند تعبیه کرده بوده است او را بر  
و بگردن او اذیت ز رسیده است تعجب کرده بودند و معلوم شده بود که حقه باز است  
ولی دلاک از شدت خوف و تلاش که با و روی داده بود آتش موهای سر و صورتش کجا  
سفت شده و بعد از پنج روز وفات یافته بود از اینکه این حرکت حقه باز سبب هلاکت آن  
دلاک شده بود و خیال دلاک مدعی آن حقه باز کرده و حکومت عرض کردند و از جانب  
حکومت آن حقه باز گرفته اند اما اجرائی محاکمه او را نماند (دیگر نوشته اند که بعضی از  
حیوانات بملاحظه حس و قابلیت که دارند قبول تربیت می‌کنند از جمله قبول تربیت نمودن  
میمون مستغنی از میان است حتی در فرنگستان اغلب کارها که از خدمتکاران برمی‌آید میمون  
نیز تعلیم گرفته و آن کارها را می‌کند سبب تعلقی که اهل انگلیس بهندستان دارند از چند وقت  
قبل ازین در صد و این برآمده اند که فیل را تربیت نمایند که بکارهای عمده روزگار بر بخورد  
ولی سبب کبر و عزوری که فطری فیل است تاکنون بوجه دلخواه قبول تربیت نگردیده است  
مگر از طریق سنج بعضی ارباب وقت فقط دو فیل را تربیت کرده اند بطوریکه عراده توپ  
یا عراده بارکش را با بنهایی بنده و آنها عراده را می‌کشند و در هر جا هم که توپ از عراده بن  
افتاده باشد آن فیلها از زمین بلند کرده بروی عراده گذاشته می‌کشند تاکنون پیش ازین  
دو فیل و آنها هم پیش ازین دو فقره تعلیم گرفته اند

۲۶۵۱

دیگر از قراریکه در روزنامه اسلامبول نوشته اند در ششم ماه ذی القعدة در امپراتوریه  
وقوع یافته و بعد از آن خیلی بازاران آمده و باز در شب پانزدهم و شب هفدهم ماه مزبور در روزان  
چند دفعه حرکت ارض در اینجا وقوع یافته ولی ضرر و خرابی مشاهده نشد است (دیگر نوشته اند  
بر وجهی که چند دفعه تفصیل آن در روزنامه بیان شده است چند وقت قبل ازین دولتها  
فرنگستان زیاد کردن قوه بحریه خود اهتمام داشتند دولت فرانسه زیاد تر از سایر دول  
باب کوشیده و در روزنامه های فرنگستان خیلی ایرادها و کفکوها می نوشتند و جواب آنها در روز  
رسمی فرانسه با اینطور داده شد که دولت فرانسه قطعاً اعتقاد بر تزیید قوه بحریه خود ندارد و بعضی  
سفاین عربیه که در کشتی سازها بنا ساخته میشود از مخارج و لوازم مستمره کشتی سازخانهات درین  
صورت اینگونه ایرادات بعضی از روزنامه نویسان فرنگستان از قبیل ترکات است بعد از آن  
دولت فرانسه مافوق خیلی قشون در سگ کر تیکشید درین خصوص نیز در روزنامه های لندن  
خیلی اعتراضات نموده بودند که در وقت حضرتیت اینقدر قشون زیاد جمع کردن دولت فرانسه  
چه معنی دارد و در جواب آنها پانزده روزنامه رسمی فرانسه نوشته شده بود که این قشونی که  
دولت فرانسه میگردانید از مقرریت اودیت بعد از مصاحبه عمومی که دولتهای فرنگستان بجا  
از لزوم در ارتعایل کردند دولت فرانسه نیز از قشون خود که از محاربه معاودت نموده بود چند  
شش هزار نفر را موقتاً با وطن خودشان مرخص نمود این قشونی که حالاً میگرد و در عرض آنهاست که  
مرخص کرده بود گذشته از آن دولت فرانسه همیشه اوقات بجهت نظم امور داخله مالک خود قشون  
زیاد محتاج است در این اوقات این کفکوها باز در لندن زیاد شده و موجب قیل و قال بعضی اخبار  
کرده بنابراین مجدداً در روزنامه رسمی فرانسه نشر و اعلان کرده اند که این گونه حیالات فاسد  
این اشخاص که روزگاری کفر می کنند مانند خوابهایی است که شبهای می بینند و بالفعل ما بین دولتین فرانسه  
و انگلیس میل محبت و اتفاق زیاد از سابق است (دیگر از قرار روزنامه لندن نواب و لیتون  
انگلیس که این اوقات در سن پانزده سالگی است کتاب بزرگی که دایره بر علوم که تحصیل کرده بود  
در چاپخانه های لندن طبع و پیش می نمایند) (دیگر نوشته اند که قوال دولت بلجیکا که از اقوام  
پادشاه انگلیس است در این اوقات بجهت ملاقات پادشاه انگلیس وارد لندن گردیده است

۲۶۵۲

روزنامه قایم القایق و تیغ یوم بختیستم شهر محرم مطابق سال یوستیسی ۱۲۷۵



اجبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلاق و طهران

در این اوقات که ایام عاشورا است علیحضرت اقدس شاهایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه در سلیق  
 نیار و ان تشریف دارند بکینه جدید البناهای نیار و ان را که درین دو ساله ساخته شده است اسباب بکینه و  
 طاق نماز شان لغایس و قنادیل و پر بلور آلات که قبل از وقت جناب شرف امجد رفیع اکرم صدراعظم فخر  
 معزز داشته بودند حاضر نمایند از شهر برده صف و طاق آنها را بقانونی که رسم است از تجار و غیره در کمال آرایش و صف  
 بسته و روضه خوان و شمیم خوان هر روز بکینه مخصوصه آل عبا و ائمه اهل بیت علیهم السلام مشغولند و درین ایام  
 سراسر ایون خود تشریفهای بکینه بوی میوند و چاکران شرم کبابی و اعیان و اشرف و ادالی و مالی اجتماع ذکر مصیبت  
 میوند و جمیع کارها را در آن متوقف میدارند و در آن ایام شرف و ادالی و مالی اجتماع ذکر مصیبت  
 اطعام و مساکین و غیره در آن از جانب جناب شرف رفیع امجد صدراعظم بطور کمال بجز می آید و در سایر دهه شیران در  
 قریه و جنبه بکینه بسته بلوارم تغزیه داری میکوشند و در شهر دارا خلاق نیز جمیع تکایار بسته عموم مالی و  
 از سادات و اعزّه و اشرف و غریب بوی ذکورا و انانها لیل و نهاراً بلوارم تغزیه داری اشتغال دارند درین  
 اول تشریف فرمائی سرکار اقدس شاهایون بکینه نیار و ان بقوامه و از جانب جناب شرف رفیع امجد  
 تقدیم قربانیه و پای انداز کردید چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الله و نه سواره در انجام خدمت  
 محو بخود انار کفایت و کفالت اطهر ختمه و مورد عنایات و انعامات علیحضرت شهبازی خلد الله علیه و سلطانه  
 شال پای اندازی در بکینه را از جمله بشکون مقرب الخاقان شرایه حمت میفرمودند اما سال نیز طاووس شال پای انداز  
 با عنایت و قربانیه با تشریف فرمودند

۲۶۵۳

بافتنای مراتب اتی دو و دادی که فیما بین دو دولت قوی شوکت ایران و فرانسه موجود و برقرار است  
 اوقات نامه محادثه از جانب منبج اجواب علیحضرت قوی مکت امیر الطور مالک فرانس در  
 جواب نامه موافقت علامه سرکار علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی لازالت شوکت محروست  
 انکارش یافته و ابلاغ آن بعد از کفایت جناب جلالت آیت سپهبدیون وزیر مختاران دولت بهتیه مقیم  
 دربار خلافت علیه مفوض شده بود علیهذا روز شنبه شهر رجب الحرام که یک روز قبل از حلول ماه محرم  
 و ایام تعزیت ملت اسلام است از جانب سینه المراتب علیحضرت آقدس تالیون شاهنشاهی جناب وزیر مختار  
 مغربی الیه رخصت باز داده شد و علاوه بر رسم معهود و قرار متعارف محض ورودان نامه محترم عالیجاه  
 حسین خان پشیک آقاسی باشی حسب الامر سفارتخانه دولت فرانسه رفقه جناب وزیر مختار بحضور مهر خوار  
 آقدس تالیون شاهنشاهی خلد آمد بلکه و سلطانیه دعوت نمود و یک نفر صاحب منصب فرستاده باده نفر  
 درباری با استقبال جناب وزیر مختار بایرون نیاوران که مقرب سلطنت عظمی است رفقه در حضور  
 مغربی الیه افتاده بکشیکخانه که امیر الامراء العظام پشیک آقاسی باشی و مقرب انخاقان شهباز خان خورولبا  
 و میرزا عبد الغفار خان و میرزا چکاس خان ناپان وزارت خارجه و قاسم خان جارچی باشی و بی خان  
 اجودان خاص جناب صدرت عظمی و مترجم وزارت خارجه حضور داشتند و اورد شده بعد از آن  
 و صرف قهوه و غلیان با اتفاق امیر الامراء العظام پشیک آقاسی باشی با پنجم حضور با بهر النور علیحضرت آقدس  
 شرفند و جناب جلالت آیت نظام الملک و مقرب انخاقان نتیجه الوزراء العظام وزیر شکر و مقرب انخاقان  
 حاجب الدوله علاوه بر اوقات سیره که در همین شرفیابی سفرای دول متحابه بحضور و شرف اندوزی جناب  
 جلالت لصاب وزیر امور خارجه انکفا شود نیز شرفیابی خاکبای تالیون بودند جناب وزیر مختار ادالته  
 مرایات که از جانب علیحضرت امیر الطوری بایشان القا و آنها شده بود نموده نامه مبارک را که نایب  
 آن سفارت در سینی طلا بر کف دست داشت گرفته به پیشگاه مقدس حسروانی تقدیم نمود علیحضرت  
 آقدس تالیون با کمال میل باطن و شغف خاطر نامه شریف را بهت مبارک بلا واسطه اخذ فرموده با الفاظ  
 در بار عباراتی که صافی صفوت و زلال محبت بود سپان فرمودند و بعد از انظار تفصیلات طوکاره نسبت  
 جناب وزیر مختار حضرت انصاف ارزانی داشتند و چون جناب جلالت آیت کفایت و کفایت  
 لصابغ اف دالفکی وزیر امور خارجه آن دولت بهتیه نیز مکتوبی در کمال حسن نظم و اسلوب محتوی بر

۲۶۵۴



فقرات یکجائی و اتحاد بحجاب اشرف امجد رفیع صدر اعظم نکاسته ابلاغ آنرا نیز لعبد کفایت بحجاب  
 وزیر مختار محول داشته بودند لهذا جناب معزنی الیه بعد از مرخص شدن از حضور اقدس عالی  
 بنزل جناب امجد اشرف رفیع دام مجده العالی آمده مراسم ملاقات بعمل آورده صرفه های  
 و قوه نموده در کمال احترام معاودت لبفارت سینه نمودند (فوج امیریه حسی مقرب انخافان  
 حاجی یوسف خان سرتیپ که از آذربایجان احضار شده بودند وارد شده در کمال ارادت و  
 پابین عمارت پیاوران حاضر شد بنظر مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان رسید  
 مورد نوازشات ملوکانه گشتند و مبلغ یکصد تومان انعام در حق آنها مرحمت شد (فوج ماکو  
 جمعی مقرب انخافان تیمورپاشا در کمال ارادت و پاکیزگی در پیاوران حاضر گشته مقرب انخافان  
 تیمورپاشا یکصد نفر سواره بسیار خوب و قوی با اسب خوب و یراق نقره تپه از خود گرفته  
 آورده بود و با اتفاق فوج مزبور حاضر نموده سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف آورده آنها  
 ملاحظه فرمودند و در نظر مبارک جلوه کرده و سخن افتاده کمال التفات و نوازش را در  
 حق مقرب انخافان ملاحظه فرمودند و مبلغ یکصد تومان بفرح و نچاه تومان بسواره انعام  
 مرحمت شد و قیام الوزراء العظام و وزیر لشکر و مقرب انخافان این لشکرسان آنها را  
 (فوج دماوندی حسی مقرب انخافان ابوالقاسم خان سرتیپ که مدتی بود در رکاب انخافان  
 بودند و در قراولخانه های شهر مشغول قراولی و حفظ و حراست بودند و عده خدمت آنها  
 سه آمده بود حسب الامر اولیای دولت علیه فوج فیروزکوهی حسی عالیجاه میرزا قاسم خان  
 سرهنگ احضار شده عوض آنها بقراولخانه ها رفته فوج مزبور مرخص شده بودند از قراول  
 سنی الحجاب هایون یکتوب جبهه ترمه کرمانی در حق سرتیپ مشارالیه و یکطاقه شال کرمان  
 در حق عالیجاه محمد خان سرهنگ خلع مرحمت گردید) (افواج قاهره ملزم رکاب انخافان  
 و مشرف دارالخلافه مبارکه سوای آنها که بقراولی عمارات و قراولخانه ها مأمورند باقی از  
 سرپاژ و توپچی و غیره در این ایام همه عاشره که اوقات تعزیه دارند حسب الامر اولیای  
 دولت علیه از مشق مرخص میباشند که ایام اولیای را در رکاب یا مشغول تعزیه داری جناب  
 علیه الاف التحیه و الشکر باشد

۲۶۵۵

چون رساله مقتررات که حسب الامر اولیای دولت قاهره گردان مدرس دارالفنون را به  
امتحان درمی آورد تا هر کسی ترقی کرده باشد مورد التفات و رحمت گردد و هر کس تکامل و تعاضل در  
کرده است مستوجب تنبیه و اخراج شود لهذا دو ماه قبل از حسب الامر اقدس تایید شایسته خلد الله  
نواب والا اعضاء السلطه رئیس مدرس دارالفنون و نواب و الانایب الایماله فرهاد میرزا و مقرب الخاقان  
مشیر الدوله و عالیجناب اخوند ملا علی محمد و مهندس باشی جمعی از حکیم باشیان ایرانی و فرنگی و اشخاص  
این علوم با بهره بودند و در زبان فرانسه مهارت داشتند یکماه متوالی هر روز هشت تا گردان  
فرهاد فردا در کمال وقت غوری از جمیع مراتب علوی که دیده بودند امتحان کردند تا محقق غالب از شاگردان  
خوب ترقی کرده بودند بعد از اختتام مجالس امتحان صورت آنرا عالیجناب میرزا یوسف طوماری طویل و  
مشروح نوشته در خدمت نواب اعضاء السلطه بحضور جناب جلالت نواب شرف امجد صدر اعظم  
رسانیدند و جناب معظم الیه در خور و اندازه مراتب ترقی هر کس اضافه موجب و نشان و انعام  
حلقه در رسم او معین فرمودند و ثانیاً برسم هر کس که بچه مشروح و مفصل در کمال ایتیا را بجهت  
حضور اقدس تایید نوشتند و بنظر مقرب الخاقان نتیجه الوزراء العظام وزیر لشکر رسانده و کمال وقت غوری  
کردند و در روز یکشنبه این نفعه حسب الامر اقدس در حضور مبارک سلام خاص از شاهزادگان بزرگ  
و امر و اعیان و بزرگان اهل نظام و مستوفیان منعقد شده جناب جلالت نواب شرف امجد صدر اعظم  
و جناب جلالت نواب نظام الملک حاضر شدند و شاگردان را صنف بصنف با معتمد و مترجم هر صنف در  
خود قرار دادند نواب اعضاء السلطه در پیش روی مبارک پیاده و مقرب الخاقان نتیجه الوزراء العظام  
وزیر لشکر کتابچه امتحان را در دست گرفته و امین لشکر در پهلوی ایشان پیاده و نشانها و حلقه و  
انعام را در مجموعه های طلا و نقره مقرب الخاقان معیر الممالک و آقا محمد حسن و میرزا هاشم خان حاضر کرده  
ایستادند و احکام نظامی و فراین مضب و موجب نشان را در مجموعه گذاشته در دست عالیجناب حیرت  
نایب انبوه ان باشی پهلوی عالیجناب میرزا یوسف پیاده و مقرب الخاقان نتیجه الوزراء العظام وزیر لشکر مشروح  
آن بچه کرد اسم هر کس که عرض می شد عالیجناب رضایتخان ناظم دارالفنون که در حضور پیاده فرهاد  
فرهاد آورده مستحق هر یک از انعام و نشان و حلقه و حکم که می شد اشخاص معضله بدست نواب اعضاء السلطه  
میدادند و مغزی الیه میداد تا باین ترتیب جمیع معین و مترجمین و متعلمین و غیره از حضور تایید گذشتند

۲۶۵۶



درجه دوم

ع

میرزا نصرالله دلد میرزا کوکب صاحب میرزا مهدی قلم حشاشان میرزا عباس خان ولد میرزا رضا رهنما صاحب  
 نشان نقره بود بسیار خوبی کرد نقره لجه متحرک نشان مطلقه صاحب نشان س لجه در این امتحان ترقی کرد  
 متحرک نشان مطلقه شده است تو مان بر متحرک نشان نقره شده ده نشان بر چهار تومان بر  
 صد و دو تومان موجب بقدر ارفقه نشان مطلقه بقدر ارفقه  
 اضافه موجب نشان مطلقه اضافه موجب نشان نقره  
 من قطع من قطع

مغول  
 حسین خان قاضی مترجم چون  
 توجیه است یکیل و ال کرمان  
 طفت حمت میوه

درجه سیم

ه

میرزا مهدی رود در حشاشان نقره لجه متحرک نشان عبا علی خان برادر قاسم خان صاحب سبع صاحب نشان نقره بود  
 شده انعام مرحمت میشود ده تومان متحرک نشان شده ده تومان بر سه تومان موجب بقدر ارفقه  
 انعام  
 چهارم واجب من  
 چهارم میرزا ولد مرحوم محمد میرزا صاحب نشان میرزا رضا خان ولد تاج بیگ صاحب نشان س لجه متحرک نشان  
 در این امتحان ترقی کرده متحرک نشان نقره شده ده تومان بر چهار تومان موجب بقدر ارفقه  
 ده تومان بر چهار تومان موجب بقدر ارفقه  
 اضافه موجب نشان نقره اضافه موجب  
 من قطع من قطع

۲۶۵۸

میرزا محمود قزوینی است بدرس اده خا الفقار خان ولد رضوان بیگ صاحب نشان س لجه متحرک نشان  
 چون قادر دستهبست بیت نشان بر نشان شده ده تومان انعام مرحمت میشود  
 بجهت او بر قرار شد انعام  
 موجب بجهت من  
 مرتزقه آقا شاکر و اول پیاده نظام بوج نشان مطلقه  
 دارد تازه درس هندسه میخواند هنوز در درس هند  
 متحرک انعام نیست

۷

مرتبہ دوم در میرزا علی اکبر خلیفہ انبات

میرزا فرخ اللہ ولد مرحوم لا غلام	میرزا نصر اللہ ولد میرزا احمد مستوی	میرزا احمد ولد شیخ صالح صاحب کتاب
صاحب کتاب بس بوجون مدیر	صاحب کتاب بنجو در این امتحان مستحق	مستحق کتاب منس شدہ ہشت تو مان
ترقی شدہ مستحق کتاب شدہ وہ	مستحق کتاب منس شدہ وہ وہ	بہ دو از وہ لیمان موجب بقیہ افزہ
انعام مرحمت می شود	انعام مرحمت می شود	
انعام	انعام	انعام

میرزا دشت خان صاحب کتاب	میرزا حسن خان ولد میرزا حسن	میرزا قاسم خان پسر عباس قاسم خان ابرو ایلی
مستحق کتاب منس شدہ وہ	صاحب کتاب بنجو مستحق کتاب شدہ	در امتحان بنیاد ترقی کردہ درین امتحان ہم
انعام مرحمت می شود	وہ تو مان انعام مرحمت می شود	ترقی کردہ مستحق کتاب کہ در سلام حضور مبارک
انعام	انعام	انعام

مرتبہ سیم کہ میرزا خلیفہ انبات

میرزا حسین میرزا شایخ شایخ کتاب	میرزا محمد شایخ کہ دو روز انعام بوجہ چہارم درس ہند
مدیر رسالہ مستحق کتاب شدہ دوازدہ	میخواہد مستحق التفات مجدد در نشہ
موجب در حق او برقرار	
موجب بقیہ	

شاگردان علم تو گمانہ بیست و نوزد

انعام	انعام	انعام
انعام	انعام	انعام

مرتبہ اول کہ علم حساب را با تمام دہندہ را با مثلثات و جبر و مقابله و الکالیم و جبر العال

میرزا صادق خان قاجار منصب سرمنشی سرافروز شدہ میرزا فضل اللہ ولد میرزا حسین و انعام مرحمت از

میرزا مصطفی قلی خان ولد میرزا قلی خان لہ از	میرزا محمد تقی خان لہ در حین مقدم در این امتحان بسیار خوب تر
مستحق کتاب منس شدہ وہ	لہ جو صاحب کتاب لہ از لہ جو کتاب منس شدہ وہ
مستحق کتاب منس شدہ وہ	مستحق کتاب منس شدہ وہ
انعام	انعام

میرزا ضیاء اللہ ولد میرزا محمد خان قراقرز صاحب کتاب منس شدہ وہ

میرزا حسن خان ولد میرزا حسن	میرزا محمد تقی خان لہ در حین مقدم در این امتحان بسیار خوب تر
مستحق کتاب منس شدہ وہ	لہ جو صاحب کتاب لہ از لہ جو کتاب منس شدہ وہ
مستحق کتاب منس شدہ وہ	مستحق کتاب منس شدہ وہ
انعام	انعام

۲۶۵۹

محمد حسن خان اصفهانی با آنکه سال است مدرسه  
آمده باشد گردان مرتبه اول هم درجه است صاحب  
شان بنوستان نقره رحمت نذره است چون خدمت کرده  
بر دوازده تومان مواجب نقس افزوده شود  
اضافه مواجب شان نقره  
قطع

قاسم میرزا ولد مرحوم فتح الله میرزا مورخرسان بود  
یکماه است مراجعت کرده است چون خدمت کرده  
بنجاه تومان انعام رحمت میشود  
الحام

الحام

مرتبه دوم

محمد حسن مقدم شاه است بر نفس آفرخان ولد هم خان سال است  
در آمدن مدرسه متقدرا صاحب شان بنوستان نقره  
مقدمه است و بر نفس آفرخان صاحب شان بنوستان نقره  
مواجب نقس افزوده  
اضافه مواجب شان نقره  
قطع

میرزا فتح الله ولد الفیر الملک صاحب شان نقره  
مستحق شان نذره ده تومان بر چهار  
مواجب نقس افزوده  
اضافه مواجب شان نقره  
قطع

مرتبه سوم

عبد الفتاح یکم کمالی صاحب شان نقره  
کرده و بر نفس آفرخان صاحب شان نقره  
صاحب شان بنوستان نقره رحمت نذره است چون خدمت کرده  
بر دوازده تومان مواجب نقس افزوده  
ده تومان هم انعام رحمت میشود  
اضافه مواجب شان نقره  
قطع

سجف قه خان ولد ساجد صاحب شان نقره  
مس بنوستان نقره ده تومان  
انعام رحمت میشود  
الحام

الحام

اضافه مواجب شان نقره

محمد آقا ولد قاجار شاه صاحب شان نقره  
مس بنوستان نقره شده ده تومان  
انعام رحمت میشود  
بهاج دولت تومان مواجب  
انعام

محمد آقا ولد قاجار شاه صاحب شان نقره  
مس بنوستان نقره شده ده تومان  
انعام رحمت میشود  
انعام

انعام

انعام

عبد الفتاح ولد سلیمان خان دینا صاحب  
شان بنوستان نقره شده ده تومان  
انعام رحمت میشود  
الحام

محمد میرزا ولد محمد آقا صاحب شان نقره  
شان بنوستان نقره شده ده تومان  
انعام رحمت میشود  
الحام

الحام

الحام

تفصیل و شاکردان علم توپخانه و سایر متعلقات در این بقیه در روزنامه کنجاش بد است در مقدمه آینه  
نوشته میشود

۲۶۶۰

روزنامه قایم العاقبت جامع یوم شنبه از هم سفر محرم مطهر سال ۱۲۷۵

منطبه دارالخلافه طهران

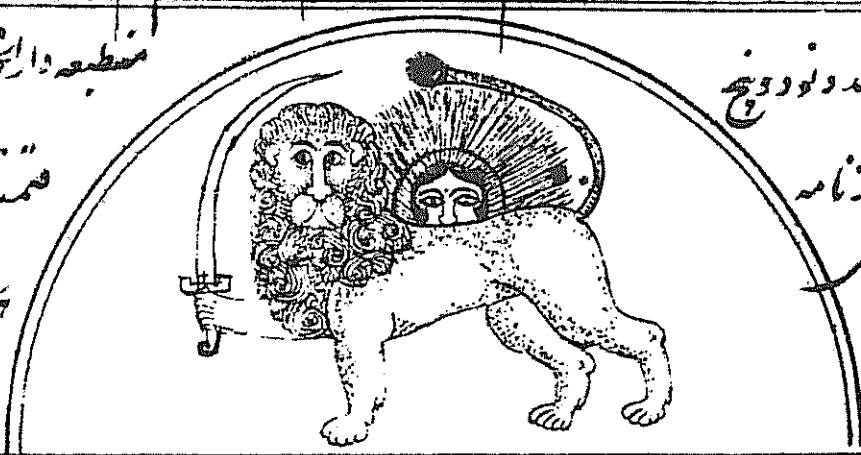
مربسید و نود و پنج

قیمت روزنامه

هر نسخه

هر طرزد

هر نسخه



### اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

ایام عاشورا که موکب همایون در نیاوران تشریف داشتند همه روزه در حضور پسر کار عالی  
 قدر قدرت شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطانة تعزیه داری جناب حامس آل عباس سید شهید  
 علیه و علی ابائه الف الف التحية و لهنا ینید و همه روزه به بکته دولت که جناب جلالت مآب  
 اجل اشرف امجد اکرم صدر اعظم محم در نیاوران ترتیب داده و با کمال زینت بسته بود  
 تشریف می آوردند و در حضور همایون تعزیه داری میشد و شبشم یکی شب عاشورا و یکی شب  
 یازدهم را تشریف آورده هم سیر چو افغانی انجا فرمودند و هم در برد و شب تعزیه در حضور  
 همایون آوردند در سنوآه سابقه اگر چه جناب جلالت مآب معظم روز یازدهم را هم تعزیه داری داشتند  
 لکن پسر کار آمد سن همایون روز نهم را تشریف می آوردند در بنده سه روز یازدهم را هم سیر  
 آوردند و در کمال خوبی مراسم تعزیه داری بعمل آمد و نظر باینکه مقرب الخاقان دیر الملک در مراسم  
 تعزیه داری در کتبه فرآورده کمال اهتمام بظهور سازند مقبول خاطر مبارک قدس همایون گردید و بیشتر  
 کلی از طبیبسنین مبارک خلق در روز یازدهم رحمت فرمودند (مقرب الخاقان امیرالاعلی  
 امیر اصلاخان عمید الملک حاکم کیدان که شرفیاب رکاب مبارک گشته و تعضیل و زود سفر  
 او در روزنامه های پیش نوشته شده بود مقرب الخاقان مث را لیه قریب دو ماه در رکاب  
 چه در توقف نیاوران و چه در سفر لورا و شهرستانک بوده هر روزه مورد التعمات و رحمت

۲۶۶۱

خاصی از جانب اولیای دولت قوی شوکت قاهره گردید یکجمله شمشیر مرصع بجهت از دیار مسعود  
و خدمتگذاری و رعیت داری و افتخار پین الاماثل و الاقران مبرک بمقامان معزنی الیه حرمت و رعیت  
شده عراض و مستعدیاتی که داشت از قبیل و اکذار شدن دهات خالصات کیلان و ساکنان  
ازین منجیل الی شهر رشت که بجهت عبور سرتودین و قوافل نهایت صعوبت را داشت و تعمیر باسیما  
و ساختن سربارخانه و سایر طرزات سرحد انزلی و سایر مطالب حکومتی و ولایتی بخدمت حضور  
اولیای دولت علیه سانه تماماً بدرجه اجابت مقرون و فرمان قضا جریان مبارک و احکام عدل  
از مصدر جلال شرف صدور یافته چون وقت نوبت و اخذ منال دیوانی کیلان و انفا و قسط  
عامه و سایر وجوهات ابو اجمعی صاحب جمان دیوانی بود اولیای دولت علیه اذن مرحضی و انصاف  
با داده در وقت مرحضی نیز با عطای یکثوب قبای مطبوس بدن مبارک بظلاله و خلعت استمراری  
عیدی و یکسب اسب ترکمانی که امیر قاین رسم پیشگی بحضور مبارک فرستاده بود از جانب  
مفتوح و سرفراز شد (کیف ناموریت جناب جلالت صاحب بیخود و بچگونگی از جانب که جواب علی حضرت امیر بود دولت همیشه در پیشگاه  
مخصوص و وزیر محاری بدر معدلت دارد دولت علیه ایران و در جانب معزنی الیه از راه استرآباد در روزهای ششم نوبت  
بعد از آنکه جناب وزیر محاری گشتی بخارین آمده وارد عده و خاک دولت علیه ایران گردید عالینا مقرب نجفان و دکان سرت کتبا  
نامور و روانه گشته بود در منزل اول جانب وزیر محاریات کرده لوازم پذیرنی را بعل آورد و تقاضای عازم و روانه دریا معدلت  
در بر یک از منازع عرض راه نظر بر اسم مودت کلا پس ولتین وی شوکتین دستور العمل اکید اولیای دولت علیه از جانب  
مجلس حکام و سباط ولایات رسم کرمیات و احترامات بعل آمد جناب وزیر محاریات رضامندی و شجوهی از مقرب نجفان و دکان  
سیرتیب و بر امورین دولت علیه حاصل نموده یوم شنبه یازدهم شهر محرم که روز دوعه جناب معزنی الیه سفارتخانه سیلانی دولت  
همیشه رتبه واقع در رکنه بود بوقت مقرب نجفان حاج علیخان حاج الله که حسب الامر الاقدس قرار شرفیات سفر  
بعهد مقرب نجفان را بجا آورد در عمارت دولتی جدید قصر قاراطاقهای متحد و مفروش نمود و صندوقها چید و نیزه کرد  
ده خوانچه از سیرینی لایق بیوت حاضر و تیار و اسباب و اوضاع قهوه و چای و طرزات پره تربت دادند و از جانبی بجا  
جایون جمعی از محبتین جا کران درباری بدینجوب نامور شد که مقادین درو جناب وزیر محاریات قصر قاراطاق لوازم استقبال بجا  
از طرف جناب جلالت امیر فرستادند و عظم عالیجاه محبت

۲۶۶۲

در باره سربارخانه و سایر طرزات سرحد انزلی و سایر مطالب حکومتی و ولایتی بخدمت حضور  
اولیای دولت علیه سانه تماماً بدرجه اجابت مقرون و فرمان قضا جریان مبارک و احکام عدل  
از مصدر جلال شرف صدور یافته چون وقت نوبت و اخذ منال دیوانی کیلان و انفا و قسط  
عامه و سایر وجوهات ابو اجمعی صاحب جمان دیوانی بود اولیای دولت علیه اذن مرحضی و انصاف  
با داده در وقت مرحضی نیز با عطای یکثوب قبای مطبوس بدن مبارک بظلاله و خلعت استمراری  
عیدی و یکسب اسب ترکمانی که امیر قاین رسم پیشگی بحضور مبارک فرستاده بود از جانب  
مفتوح و سرفراز شد (کیف ناموریت جناب جلالت صاحب بیخود و بچگونگی از جانب که جواب علی حضرت امیر بود دولت همیشه در پیشگاه  
مخصوص و وزیر محاری بدر معدلت دارد دولت علیه ایران و در جانب معزنی الیه از راه استرآباد در روزهای ششم نوبت  
بعد از آنکه جناب وزیر محاری گشتی بخارین آمده وارد عده و خاک دولت علیه ایران گردید عالینا مقرب نجفان و دکان سرت کتبا  
نامور و روانه گشته بود در منزل اول جانب وزیر محاریات کرده لوازم پذیرنی را بعل آورد و تقاضای عازم و روانه دریا معدلت  
در بر یک از منازع عرض راه نظر بر اسم مودت کلا پس ولتین وی شوکتین دستور العمل اکید اولیای دولت علیه از جانب  
مجلس حکام و سباط ولایات رسم کرمیات و احترامات بعل آمد جناب وزیر محاریات رضامندی و شجوهی از مقرب نجفان و دکان  
سیرتیب و بر امورین دولت علیه حاصل نموده یوم شنبه یازدهم شهر محرم که روز دوعه جناب معزنی الیه سفارتخانه سیلانی دولت  
همیشه رتبه واقع در رکنه بود بوقت مقرب نجفان حاج علیخان حاج الله که حسب الامر الاقدس قرار شرفیات سفر  
بعهد مقرب نجفان را بجا آورد در عمارت دولتی جدید قصر قاراطاقهای متحد و مفروش نمود و صندوقها چید و نیزه کرد  
ده خوانچه از سیرینی لایق بیوت حاضر و تیار و اسباب و اوضاع قهوه و چای و طرزات پره تربت دادند و از جانبی بجا  
جایون جمعی از محبتین جا کران درباری بدینجوب نامور شد که مقادین درو جناب وزیر محاریات قصر قاراطاق لوازم استقبال بجا



و یا مستقبلین حسب الامر بعد عمده الاموال عظام مقرب الخاقان سیف الملک مقرب کر دیدن لیا مقرب الخاقان میرزا عبد الغفار  
 نایب الوزاره خارج هم از وزارت امیر خوجه روانه شد جناب جلالت لعیاب وزیر مختار که از منزل پیش سوار گشته و بجهت قضا  
 می آمدند در قرب عمارت منزل جناب عمده الاموال عظام مقرب الخاقان سیف الملک با همراهانش جناب وزیر مختار در سوار  
 طاقان بنوده و با اتفاق وارد عمارت جناب سیف الملک با کمال حسن پان از جانب سوار کار آمدن تا یون رسم احوال برود  
 تلفات با کاند و پذیرائی لعل آورده و سپین عالی و عبد الحسین خان اطهار محبت و جهر با نیای جناب شرف مجداری را  
 از جانب وزیر مختار پان کرده پس از استراحت و صرف نهار و قهوه و چای و مکالمات محبت آمیز مجلس نور منقشی بنا عینی استغاثه  
 از جانب سنی ایوان پان سه سرباز از سبهای خاصه در ایام قیامی ملائیکه بر سوار خراب وزیر مختار و در سوار از برای بد  
 یک نفر ایستاده بود و نفر چهارم و پنجم در سرباز دیگر از مطبل کاری جهت صاحبان سفارت قبل از وقت در وقت  
 همیشه بود جناب وزیر مختار سوار خاصه در ایام قیامی با اتفاق سایر مستقبلین و اجراء سفارت روانه شد  
 قدری منزل سفارت نذبت نفر دهم و در سفر طهره با صاحب منصب خود که قبل از وقت حاضر بودند در عمارت وزیر مختار پیش آهاده  
 در منزل سفارت پیش بودند و در پیش میگردند حسب الامر اولیای دولت قاهره مقرب الخاقان اجدان با دولت نفر سرباز با سبها  
 منع با یک نفر یا معتبر در منزل سفارت حاضر کرده بود در هنگام ورود و پیاده شدن وزیر مختار احترامات عسکرانه را لعل آوردند و  
 سرباز با یک نفر وکیل نیز با سبهای پاکیزه در منزل سفارت از جهت قرائت احرام دائمی حاضر بودند و از جهت تبرک  
 و خوش آمد جناب وزیر مختار از جانب سنی ایوان پان سه سرباز از سبهای ملایک ناظر علیحضرت شهبازی  
 ده خواججه نقل و قدم بصحوبی عالیجا میرزا تقی نایب ناظر قبل از وقت فرستاده و در منزل جناب وزیر مختار حاضر کرده  
 بودند و از طرف جناب شرف ارفع محمد صدر عظیم نیز پنج مجوه شیرینی مخصوص عالیجا میرزا تقی فرستادند  
 جهت خوش آمد قبل از وقت برده حاضر کرده و چهار نفر مستوفیان عظام بدین موجب در منزل سفارت بالباک

۲۶۶۳

مقرب الخاقان میرزا علی قراق مقرب الخاقان میرزا علی نور محمد مقرب الخاقان میرزا علی مقرب الخاقان میرزا علی  
 حاضر بودند پس از ورود جناب وزیر مختار از جانب ملایون رسم تعارفات لعل آوردند و در دویم و در دویم و در دویم  
 محبت مقرب الخاقان عبد العلی خان ادیب الملک میخدمت خاصه ملایون از جانب سنی ایوان پان سه سرباز از سبهای ملایک  
 کل از طرف جناب شرف ارفع محمد صدر عظیم در سفارت رفته احوال پرسید از جناب برالیه بود و در عصر دویم روز ورود از جانب  
 مضایب وزیر امور دول خارج از جناب وزیر مختار دیدن کرده رسم مودت و کمال کفایتی را لعل آوردند و در وقت  
 وزیر مختار در حضور اقدس ملایون علیحضرت پادشاهی خلد الملک و سلطان در روزنامه آینده نوشته خواهد شد

باقی تفصیل محلیین و متعلین دارالقون که از حضور مبارک گذشتند در روز فتنه نامه این بنده مسطور میگردد

مردم به شاکه آن زمانه به نفس

انچه در میرزا و ولد حاج علیخان و میرزا علیخان صاحب  
میرزا محمدخان و ولد میرزا علیخان صاحب  
مدرسه آمده موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

چنگیز میرزا و ولد سفاله میرزا و ولد  
میرزا احمد علیخان صاحب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

۲۳ ساله ولد محمد طاهر خان میرزا علیخان صاحب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

مطلق اقا محمد قاضی خان آقا شهاب میرزا علیخان صاحب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

میرزا محمد علیخان میرزا احمد علیخان صاحب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

سازمان سواره نظام  
افضای موجب الحام

علیخان و ولد میرزا علیخان صاحب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

مدرسه است موجب  
مدرسه است موجب

بیونیر معلم سواره نظام  
در خدمت خود عملت  
بر مدار دیکتاتور  
تک کرمان  
ت در خدمت بیود

عقیدت خان و ولد قطعیان قاجار دول  
 در هیچ امتحان تری مکرده بسیار  
 و مقصود است مستوجب آن است  
 که در سلام حضور مبارک چوب کار

نظام را در هر چه میگوید  
 نظام را در هر چه میگوید  
 نظام را در هر چه میگوید

عقیدت خان و ولد قطعیان قاجار دول  
 در هیچ امتحان تری مکرده بسیار  
 و مقصود است مستوجب آن است  
 که در سلام حضور مبارک چوب کار

عقیدت خان و ولد قطعیان قاجار دول  
 در هیچ امتحان تری مکرده بسیار  
 و مقصود است مستوجب آن است  
 که در سلام حضور مبارک چوب کار

عقیدت خان و ولد قطعیان قاجار دول  
 در هیچ امتحان تری مکرده بسیار  
 و مقصود است مستوجب آن است  
 که در سلام حضور مبارک چوب کار

عقیدت خان و ولد قطعیان قاجار دول  
 در هیچ امتحان تری مکرده بسیار  
 و مقصود است مستوجب آن است  
 که در سلام حضور مبارک چوب کار

عبدالله خان  
 نظام را در هر چه میگوید  
 نظام را در هر چه میگوید  
 نظام را در هر چه میگوید

محمد لا ینوب به والد مع اقبال است لریزه مورث احمد علی و له مرحوم صفی قلی خان حجت مدنی در غم و سوگند است  
گرنه آن برشته صاحبش ن بنوع حق القایست در احب کوه سخی القایست

جدید در مرتبه

مصطفی طایبان و له مرحوم محمد حسن خان رحیم خان خاورزاد میرزا محمد تقی میرزا عبد الجید میرزا و له سلطان احمد میرزا کجا  
فرید کوهر سه ماه مدرس است مدرس آید  
چرخ پستان لجه مورث است نریمان  
مواجب در حق او برقرار شد  
مواجب در حق او برقرار شد  
مواجب جدید  
مواجب جدید

م م م

کوان طب و جعفر

اضافه واجب انعام  
مستطاب طاقه  
مستطاب طاقه

مرتبه اول

نظر الیه میرزا اولاد جعفر سفا الدو که را میرزا حسین له میرزا الارزک که له صاحب  
خوب تره کوده صاحبش ان طلاق  
ولیت زمان موجب دارد کبطاطه  
گرمای حلف مرجمت میشود  
نر کانه طاقه

۲۶۶۶

میرزا عبد الوهاب له محمود خان صاحب میرزا زین العابدین مع میرزا احمد کاسا صاحب  
نقده است با نروده تومان انعام  
بر سر زمان موجب بقدر ارفعه  
اضافه واجب

میرزا عبد العباد له میرزا احمد حسن داغی صاحب میرزا علی میرزا احمد سکا بر صاحب  
صاحبش ان لهره است محققان نروده مدرس آید له سار فامر مستعد  
ده تومان بر عهد زمان موجب بقدر ارفعه  
اضافه واجب

مرتبه دوم

محمد خورشید زاده له ارکشی میرزا صاحب میرزا مصطفی زاده در مرزاجن منظر انعام  
نشان منس بنوع حق نشان نروده مدرس آید موجب است بیت  
انعام مرجمت مستعد  
مواجب در حق او برقرار شد  
مواجب جدید  
انعام

در سینه معلم علم طب جعفر حون  
در مقدمه کرده ان خود حقیقت ندارد  
کبطاطه کرمای مرجمت میشود



مرتب و در هر وقت خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

عربی یک و در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

مرتب اول و در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

مرتب دوم که چهار ماه است و در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

مرتب سوم که در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

مرتب چهارم که در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

مرتب پنجم که در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

مرتب ششم که در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

مرتب هفتم که در هر وقت که در هر روز یک بار خواند و هر دو نوبت در هر روز یک بار خواند

۲۶۶۸

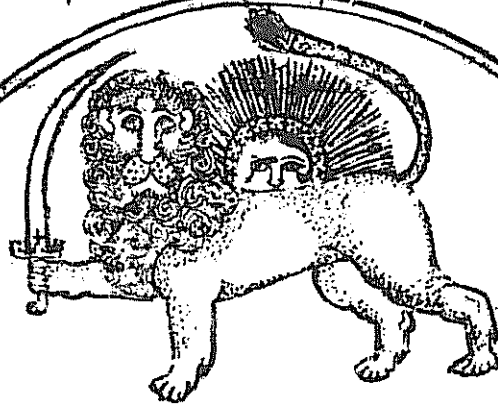
روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه چهارم شهریور ماه سنه ۱۲۷۵

منطقه دارالخلافه طهران

نزهت سید و نودوش

قیمت اعلانات

هر خط در روز



قیمت روزنامه  
هر خط در روز

### اجبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

کفایت ورود جناب جلالتاب وزیر مختار دولت بینه روسته سفارتخانه آن دولت در روزنامه  
مخبره که نوشته نوشته شد یوم سه شنبه چهارم شهریور ماه سنه ۱۲۷۵ بحکم الامر الاحکام  
شهباز خان قویا ولی باشی بالباس در باری بجهت دعوت جناب وزیر مختار برای شرفیابی حضور  
هایون سفارتخانه که در زکند است رفته و چون بوقت نماز عصر فرج و کالت راه سواری اسب  
برای ایشان رحمت بود یک دستگاه کالکه از جناب دولت برای سواری جناب مغزی الیه و دور  
اسب یراق طلا از اصطلح خاصه هایون از برای یک بزکند برنده و نزدیک خارج مینا و در آن بیت  
تقرقرش و ده نفر شاطر و ده نفر یول بچلو افتاده تا کشیکخانه مبارکه پیشش بودند دولت  
تقرقر با یک نفر یاور در دربارت لطانی حاضر بود و جناب مغزی جناب مشارالیه احترامات کراته  
بعجل آوردند امرای و ربار کردون مدار از قرار تفصیل در کشیکخانه مبارکه بالباس رسی نشان حایل  
مغرب انجان خان سید محمد مقرب انجان خان حاجب الدوله مغرب انجان خان میرزا علی مقرب انجان خان اجودان باسی  
مغرب انجان خان سید محمد مقرب انجان خان سهام الملک مغرب انجان خان میرزا علی مقرب انجان خان سید محمد مقرب انجان خان  
نایب وزارت خارجه

۲۶۶۹

بعد از آنکه جناب مغزی الیه قدری استراحت نموده بحضور هایون احضار گردیدند امیر الامرار العظام  
یشیک آقاسی باشی جناب مغزی الیه را با صاحب منصبان نشان تشریف و نظمی که مقرر بود به پیشگاه

حضورهایون برودند و در مظهرهای تالار و نفر از نمایان اجودان باشی که باباسرسی حاضر بودند  
احترامات نظامی بعمل آورده و از شاهزادگان عظام بدین تفصیل در تالار حضورهایون

نواب هزاره اعضا و سلطه نواب هزاره فرهاد و فرهاد و نواب هزاره حمید و نواب کیومرث میرزا  
علیق میرزا نایب الایاله حمزه میرزا

حامل اسباب جواهر سلطانی بودند امیر الامراء العظام میرزا محمد خان کشیک باشی باباس درباری  
باشان و حامیل در سلام مخصوص اقدس شرف اند و حضورهایون بود و چهل نفر از عظام شاهی  
خاص درباری صف سلام شدند و از مقربین دربار گردون مدار بدین نحو باباسرسی و نشان

جناب جلالت نواب جناب حلال تاج وزیر امیر الامراء العظام لشکر قائم مقام میرزا داود خان صاحب  
نظام الملک امور خارجه باش وزیر لشکر

حامل در سلام حضورهایون حاضر بودند همینکه جناب وزیر مختار داخل اطاق شدند مأموریت خود را بزبان  
مفصل و مشروح بعضی پیشگاه اقدسهایون رسانیده مترجم اول سفارت چون تقریرات را بزبان  
فارسی ترجمه نمود و مشهورای مرحوم پیرای اقدس اعلی کردید کمال تقریرات و ادای مأموریت جناب  
جلالت نصاب الیهی مخصوص دلیل کمال مودت و استقرار دوستی ما بین دو لیتین ذمی شوکتین ایران و  
روس بود و بعد از فراغ از عرض مأموریت جناب وزیر مختار نامه دوستی علامه علیحضرت امیر اطوری را  
که در میان سینی طلا بدست نایب سفارت بود گرفته پر پیشگاههایون برد و اعلیحضرت اقدس شاهی  
بلا واسطه از جناب معزی الیه گرفته و بجناب جلالت نواب نظام الملک داده با الفاظ در برابر اظهار دوستی  
و مودت نسبت باعلیحضرت امیر اطوری فرموده و لازمه تقدات ملوکانه در حق خود جناب وزیر مختار  
بعل آمد جناب وزیر مختار بعد از مرخصی از حضورهایون بملاقات جناب جلالت نواب اجل محترم صدر اعظم  
در عمارت مخصوص جناب معزی الیه رفتند و لازمه دوستی و مودت و احترام بعل آمده مرسله که از جانب  
جناب جلالت نصاب پرنس غرچکوف وزیر امور خارجه دولت بهیته روسیه بجهت جناب جلالت  
معظم الیه داشتند ابلاغ نمودند بعد از آن جناب وزیر مختار همان ترتیبی که آمده بودند سفارتخانه  
دولت بهیته روسیه مراجعت نموده فردای آن روز جناب اجل محترم صدر اعظم سفارتخانه دولت  
بهیته روسیه رفته جناب وزیر مختار را باز دید کردند و وزیر مختار با صاحب مصباح سفارت

۲۶۷۰



باب اس رسی پوزارخانه دولت علیه امده جناب وزیر امور خارجه را باز دید کرد و ملازمه نمود  
 و دوستی و اکرام فیما بین بعل آمده مرسله جناب جلالت نصاب پرنس مرکلوف وزیر امور خارجه  
 دولت بهینه را که بجناب جلالت نصاب وزیر امور خارجه دولت علیه نوشته بود ابلاغ نمود چون  
 در روزنامه سابق کیفیت استقبال مقرت انخان سپو جان داود خان از جناب وزیر مختاری  
 شده بود بمطالعه درین روزنامه نوشته میشود که عالیجاه مشا رالیه نیز روز و روز جناب معزی لیه  
 در سبک مستقبلین که از جناب دولت علیه رفته بود نذات نظام داشت (از فقرات معین و مستقیم  
 دار الضمون که از حضور مبارک سرکار اقدس هالون گذشته و تفصیل آنها در روزنامه های سابق  
 شده بود و در آن روزنامه ها از قلم افتاده بوده اند درین صفحه نوشته میشود) (عالیجاه  
 موسیو کریش معتم علم توپخانه چون در خدمت خود کمال سعی و اهتمام را دارد و یک طاقه شال کرمان  
 با و خلعت مرحمت شد) (عالیجاه میزبان کی معتم توپخانه منصب یاوری توپخانه سرافراز بود چون  
 در مشرجه و خدمات محکمه بخود عقلت و کوتاهی نکرده منصب سرهنکی توپخانه برقرار شد و یک طاقه  
 شال کرمانی خلعت مرحمت کردید) (تفصیلی در مسمی در صفحه چاپ کرده اند در دین روزنامه  
 لب شهر رسیده بعینها بهمان عبارات درین روزنامه مسطور میگردد معلوم صاحبان  
 بوده باشد که از هفتم شهر رمضان المبارک الی سیم شهر سوال المکرم البیه قرینت  
 بخله و غنچه از بندر بمبئی روانه مسقط و عباتی و لنجه و لوب شهر و لصره شده و بخله جانی که از هفتم  
 الی هفدهم روانه شده اند معلوم میت که بجا رسیده و رسید اعدی الی حال رسیده  
 مگر رسید بخله ملت نا خدا یوسف از مسقط رسیده که آن بخله چهارم شهر رمضان روانه شده  
 بود و بخله فرس نا خدا علی هم مورخه چهارم با اتفاق بخله یوسف روانه شده بود قدری که روانه  
 شد بنواستد بود فرمن بخله سکت مراجعت کرد و فرمن خود را درست کرده مورخه هفتم روانه شد  
 و بخله ای که از بمبئی روانه شده بخله علی پوز دیم و بخله محمدی سیم و بخله فیض الرحمن این  
 و بخله منصوره این بشاری بیت و دوم و بخله سبع البحر نا خدا جعفر میت و سیم و بخله سلیمان  
 و غنچه سحر این عریقان میت و چهارم و بخله فتح الرحمن خلعتان نا خدا محمد عیسی میت و چهارم  
 و بخله هاشمی عبدالکریم حیدر آبادی میت و پنجم و بخله فیض الرحمن نا خدا محمد حسن حیدر آبادی

۲۶۷۱

بیت هشتم و نعلیه احمدی ناصدا صبر بیت هشتم و نعلیه فتح الکریم ناخدا علی حیدر مورخ و هشتم  
و بطین فلاحی و عیجه هند و مورخه دوّم شهر شوال و غراب بار شیخ عبد الرحمن ناخدا  
عبد الله نهم شهر شوال روانه شده و این نعلیه جاتی که ذکر شده از بمبئی الی بیت پنجم زام  
از بمبئی گذشته که طوفان میشود و نعلیه که بیت و دویم روانه شده بود موج نعلیه که بیت نهم  
روانه شده کلاً قریب یکدیگر بوده که طوفان شدید و موج و بارش زیاد میشود که قدرت  
نکاهد استن نعلیه ناراند داشته بنای بار در دریا ریختن را میکند و هر یک بقدر همت و زور  
نخدا و آنکه فاطمه حسنی داشته کمتر بار بد ریاند اخته نعلیه سلیمانی قدری انبوس و صیحه  
طرف شکر در نعلیه باقی گذارده و بقیه را تمام انداخته نعلیه بن زید فیض الرحمن تمام بار سطح  
و ثلث از خن را انداخته و نعلیه سبع الحج تمام بار سطح و تمام بار فیول حتی لجه شمال و ثلث با  
خن را انداخته نعلیه سبع بار سطح و قدری از بار خن را ریخته نعلیه مفصوری بار سطح و ثلث از  
بار خن را انداخته نعلیه هاشمی ناخدا خلفان بار تمام سطح و نصف از خن را انداخته و نعلیه  
احمدی ناخدا صفر بار سطح را انداخته بلکه قدری از بار سطح و زیر نیم را نگاه داشته و یک طرف  
از توی خن نه انداخته و نعلیه فتح الکریم که عقب رفته بود بسیار دریائی شده و طوفان آن  
نرسیده قدری از باران واج شده بر کشته و یک طرف هم نه انداخته و نعلیه محیود  
و جلیلی هنوز معلوم نیست که برو دیانه مذکور میشود که چندین غنچه نعلیه هم از نمود باید بر کرد  
سه نعلیه سم از زنجی رمی آمدند که میخک و دندان پیل و عمیره داشته و نصف با حوز را  
مدریا انداخته جناب احدیت ایشا العیضا حفظ نماید نعلیه های قبل را که درین سنه  
بسیار حکام از دریا بخلق الله رسید جناب احدیت عرض کر امت فرها خراسان  
در روزنامه ارض اقدس نوشته بودند که شخصی مجلس روضه خوانی داشت بدر دکان جناب رفته  
بود که شیخ من بان بد هرف تعزیه امام حسین بکنم جناب رفته بود من امام حسین را نمی شناسم و نان یاد می هم  
ندادم آن شخص رفته از دکان دیگران خرید و مجلس خود را برگزار کرده بود و هم در آن شب دکان  
آن شخص جناب اتفاقاً آتش گرفته تا مردم خبردار شده و جنابش کردن آتش مشول شود  
بودند دکان در نور با حیره دکان متصل با سوخته بودند

۲۶۷۲

حمه

از قراریکه در روزنامه حمه نوشته اند سارقین و قطاع الطرق ولایت اذربایجان طایفه شتانی  
و طایفه شهبان کن اردبیل از سمت ولایت خوار و راهین و سایر جاها مال سرقت کرده بعضی  
از خاک حمه و برخی از خاک خرقان شبانه کز راهه میسر دهند و بهم چنین از ولایت ارمنستان  
و کرمانشاهان نیز سوار و ده سوار دست شده در قرا باغ قره قروین و کدوک اندک کربال از سر راه  
و عابری می بروند مقرب انخان چراغعلی خان حاکم حمه در صد و چاره این کار برآمد و علاوه  
بر سواره قرا سوران حمه چند نفر سوار از خود در سر راه را بگذارای حمه گذاشته و التماس  
از آنها گرفت که من بعد سارقین الکا خارج اگر مال در دیده و از خاک حمه بگذرانند و آنها بگیرند  
و سارقین را دستگیر کنند مورد تمیبه و سیات باشند از جمله اسکندر بیگ ارمنستانی را که جانی  
توجهی و کار آمد و تواناست عجالتاً بیت تومان و چند نقد داده و پنج شش سواره خوب کار را  
از سوارکان ارمنستانی ابراج جمع نمود که مستوجه ارض راه ارمنستانی الی آن کند بوده محافظت آن  
راهها را نماید و هم چنین رضا علیخان کربابی را چند سوار کار آمد ابراج جمع کرده التماس گرفت که از  
شهر نجان الی سنگ پی و حیم عابری را محافظت نموده و مستوجه با که سرقت در آن راهها اتفاق  
نیفتد کرمانشاهان از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند در باب تعمیر و بنائی  
رباطات ارض راه عتبات عالیات که از جانب جناب اشرف ارفع صدر اعظم اعظم و جبه داده شده  
و عالیجاه حاجی جعفر خان مبارک این کار را بر دایم رباطات را تعمیر خوب نموده و نواب سبط  
حکیم ان کرمانشاهان عالیجاه فتح الدخان فرانسبانشی خود را با چند نفر بنائی باوقف بجهت بازوید  
کارهای مشارالیه فرستاده اند آنچه تاکنون ساخته شده و بازوید کرده اند در کمال خوبی و سجا  
ساخته شده است از جمله این رباطها خان میان طاق است که بجهت مصالح قدری معطلی داشته است  
در مقابل خان قدیم آنجا که مرحوم محمد علی میرزا ساخته بود تپه خاکی بوده است انجاری می کشا فندک  
سنگ که بکار کچ و اکب بچورد پیدا نمایند از اتفاقات حسنه آجر درشت بسیار از زیران سید ای  
که کار قدیم و هر یک بوزن پنج من تبریز و کچ فراوان هم بدست آورده اند و آجر انجا بدست  
از آنچه مصرف دارند برآوردن می آید

۲۶۷۳

اجبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده و نوشته می‌شود

از قراریکه از روزنامه فرانس نوشته اند بجهت ورزیده شدن و عادت کردن قشون بختی و مشتقی که در محاربات از برای آنها متصور است ترتیب دادن ورود در ایالتان و بقتلش دادن قشون در آن ایام زمستان به حال در محلی از فرانسه از اصول موضوعه دولت فرانسه است بموجب این قانون امسال تابستان را در دو ولزده فرسخی فرانسه در محل شالون نام چادرهای بسیار بجهت قشون زده در آن اردو ترتیب داده بودند (دیگر نوشته اند که بجهت فایده و سهولتی که در استعمال کردن تفنگشش جوان در محاربات از برای قشون حاصل می‌شود دولت انگلیس که خود را کلاً تفنگشش جوان دادند و در فرزند نیز فرار داده است که عا که خود را تفنگشش جوان بدهد و در تفنگشش از خانه‌های پاریس و سایر محال فرانسه حکم شده است که چهارصد هزار تفنگشش جوان بجهت قشون بفرستد) (دیگر نوشته اند که در اول تموز قوال دولت یونان غزیت رقص آب که مگر کرد محلی قارسات نام که در المانیا واقع است نموده و قایم مقامی قزاقیت فریاد بزرگ و تفریط کرده است دیگر از کرمای تابستان امسال که در اغلب ولایات خارجی نیز شدت کرده بوده است نوشته اند در هندوستان در جاهانی که سایه بوده است حرارت کرمان صدمت درجه رسیده است) (دیگر از قرار روزنامه پاریس روشنی بخار ذغال سنگی که در فرنگستان بجای چراغ استعمال می‌شود در هر شهری کارخانه مخصوص داد و اوزان کارخانه هر بخار خود را می‌ماند بنوش دست کرده هر چند چراغ که لازم دارد روشن میکند در این اوقات یکی از خبرندان پاریس بدسری کرده است که در کالکها و جاهای دیگر هم این روشنائی را بکار می‌برد و طوری که بوده است جوانی را که باعث اشتعال بخار ذغال سنگی می‌شود در چنگ صلب کرده است و در روزم بکار می‌برد و آن در پاریس در چند کالک و عآ این چراغ را وضع نموده و بر آه آه آه است (دیگر نوشته اند که چنانچه ابریشم در مالک فرانسه درین دو ساله بروجه مطلوب بعجل نیامده است در مالک ایتالیا نیز این علت با ابریشم عارض شده در باب تحقیق اینکه این علت بجا حاصل ابریشم از چه سبب حادث می‌شود در این اوقات در ایتالیا یک توسیون مخصوص ترتیب داده اند) (دیگر از قراریکه هم در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند بموجب خبری که از آنجا رسیده است در لندن قیمت اجناس کولات در لندن در صد شصت و هفتی کرده است و معلوم می‌شود که امسال در ولایت

انجمن و آن حوالی حاصل مانند سایر ایام دیگر نیامده است (دیگر از روزنامه های فرانس نوشته اند  
از مکالمات قونفرانس بعضی اشخاص مفید باره اخبار حوادث که منافی پولتیک دولتی بود نشر میگرداند  
جانب دولت فرانس این اشخاص دستگیر شده و هزار فرانق آنها را جریمه کرده و تا مدت یک سال نیز  
محبس آنها حکم شد مجوس گردیدند) (دیگر از قرار روزنامه های پاریس پانزده نفر از مفیدین مجدد  
بقصد اعلیحضرت امپراطور فرانس و برپا نمودن اختلال بزرگی در آن و تداریک محلی از پاریس عقد انجمن  
مسئورت کرده بودند ضبطه پولیس خبردار شده بر سر آنها رفته یک نفر از مفیدین که رتبه و چهارده نفر  
دیگر را گرفته بودند در اجزای محاکمه تحقیق سه نفر آنها که بری الذمه بودند متخلص شده و باقی را که یازده نفر  
بودند از ده ماه تا هیجده ماه محبوس نمودند) (دیگر از قرار روزنامه پرستیه فرانس دولت فرانس  
اینکه مدتی است مزاجش هیل و مریض است غرمت اب کرم محل قانبات نام که در پرستیه است نموده  
قایم مقامی فرانس را اراده کرده بود که تا شش ماه بعد از دلی عهد خود و اکلان نماید از جانب بعضی اشخاص  
قبول شده بلاخره بعد از مکالمات وارد شده بودند که مدت قایم مقامی سه ماه بعد تجدید بشود  
در این اوقات مدت سه ماه بسر رسیده باز تا سه ماه دیگر قایم مقامی و بعد فرانس را تجدید کرده اند  
(دیگر نوشته اند که ده سال قبل ازین دولت یقیناً سخته عدم لزوم کشتی سازخانهای خود را موقوف  
و متروک نموده دولت پرستیه نیز هشت سال قبل ازین این قاعده را معمول داشته از قوه سخریه  
خود صرف نظر نمود کشتی سازخانهای خود را موقوف کرده بود در این اوقات که باز دولتهای  
به بکثیر قوه سخریه خود اتهام کرده اند دولت پرستیه چهار طیان ریال از مالیات الولايات بجهت  
صرف کشتی سازخانها تخصیص داده است) (دیگر از قرار روزنامه سنت بطر زورغ اعلیحضرت  
امپراطور پرستیه بلگرگاه قانزل نام که در ساحل سحر سخته واقع است غرمت نموده اند کشتیها و کرا  
موجوده آنجا را مشاهده کرده از آنجا غرمت کردش بعضی از مالک خود را نموده و اراده حرکت نسبت  
نیز داشته اند) (دیگر از قرار روزنامه های لندن چنانچه اعلیحضرت ملکه انگلیس هر سال در موسم  
تابستان بعضی از شهرها و مالک خود را گردش بجا نهد درین تابستان هم بشهر بریتانیا که از شهرها  
مختم مقبره انگلیس است تشریف برده اند و امانی آن شهر کلاً باستقبال پیرون آمده لوازم احترامات برایشان  
آورده بودند از جمله استقبالین شهر نورچیل و هفت هزار نفر اطفال شاکردان مد رسها و کتب خانها

۲۶۷۵

که باستقبال آمده در سبب اعلیحضرت بلکه مجلس صف کشید بودند (دیگر نوشته اند که دولت ساری  
 در این اوقات وجهی لازم داشت از روشد مشهور که از صرافان مجرب بود و ساکن در لندن  
 چهل میان فرائق گشت که در متجاور بحباب تومان این ولایت با بقا رسد و هیچ منفعتی حاصل  
 نگردد و بآب محصول ابریشم فرنگستان تاکنون بکرات در روزها نوشته اند که از خرید  
 قبل ازین در فرانسه و سایر محال او را پادشاه ابریشم خراب و نابود می شود ولی امسال در فرانسه  
 خوب و زیاده بلبل آمده است که در نیک و لو مبارک و یا که ابریشم اینجا خوب شده است اهالی و یک  
 از بعضی مالک عثمانیه که ابریشم خوب بلبل می آید تخم ابریشم خریده و برده در نیک بلبل آورده  
 بودند باز هم خوب شده بود و در سه ایالت سارونیه نیز ابریشمی که بلبل آره است نسبت باقی  
 است و بی مناسبت است و ابریشم اسوخره نیز اگر چه زیاده بلبل آمده است ولی جنبا آنهم بی  
 نازل است ابریشم اسپانول خوب و بی علت بلبل آمده ولی بخارج نفر خشنند باین جهات کارخانها  
 ابریشم شهر لیون فرانسه و رسال گذشته بجهت کمی ابریشم تقطین شده و عمده جات کارخانها  
 متفرقی گردیده بودند و کار صاحبان کارخانجات بر وجه مطلوبش ترفقه بود امسال که ابریشم  
 فرانسه نسبت با لهای دیگر بی عیب و با برکت بلبل آمده است باز صاحبان کارخانجات فرانسوی  
 عمده جات و راه انداختن کارخانها اتهام داشته اند) (دیگر از قرار روزنامه لندن نوشته اند که  
 در کن رودخانه لیس که از درون شهر لندن می گذرد و انبارهای بزرگ از تجارت است که مال التجاره  
 در اینجا انبار می کنند و در مجسم ماه ذی قعدة از یکی از انبارهای تجارشان ظهور کرده طولی می و غیره  
 خبردار شده با طولی های بزرگ که در هر دقیقه قریب سه هزار من آب می پاشند بنا کرده اند آب پاشیدن  
 مع ذلک جلوتش گرفته شد بقدر بیست باب انبار سوخته و مال التجاره که در میان آنها بود خورق  
 و تلف شده است حساب قیمت مال التجاره که بعرصه تلف در آمده است کرده اند معادلش  
 که رود دولت هزار تومان اموال تجاری در انبارهای فرانسوی سوخته بوده است) (از قرار روزنامه  
 پاریس اعلیحضرت امیر طور فرانس بجهت تبدیل آب در این اوقات با عیال خود عزیمت حاصلی کرد  
 که بمیر نموده پانزده روز در اینجا اقامت خواهند نمود بعد از آن بکشتی سازخانه شربونج که اجرای  
 تعلیمات کشتیهای جنگی در اینجا خواهند نمود تشریف فرما میشوند

۲۶۷۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه سحر الحرام مطابق سال یونین ۱۲۷۵

نزهت و تفریح

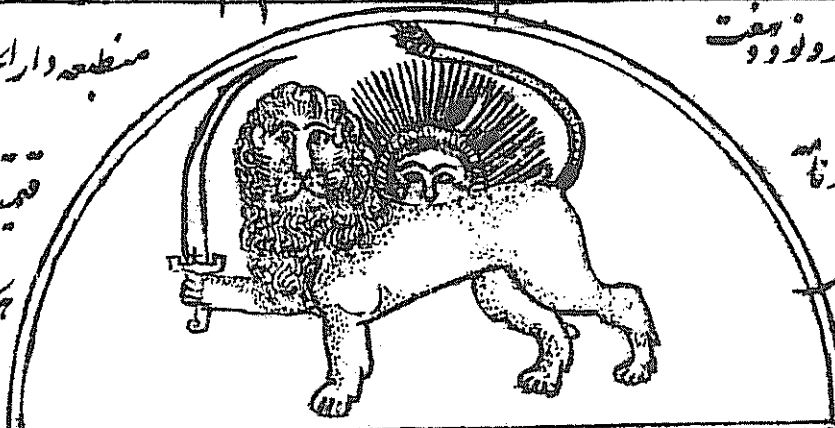
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر خط در هر شماره

هر خط در هر شماره



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اینکه رای جهان آرای اقدس علیون اعلیحضرت شاهی صان الله شوکه عن التناهی قرار گرفت  
 وضع پیکاری و وزارت دربار شوکنداره ایون تبدیل شود و جمیع مشاغل و مقام عظیمه دولتی مثل سابق  
 منحصر بیک نفر تنها باشد برای این بود که دولت و مملکت خود را تربیت فرماید و آئین سلطنت را برپا  
 و هر یک از عیله های مهم بزرگ را بدست کفایت یکی از انسانی حضرت در حال دولت تحول فرماید که  
 شخص کافی و اوره یکی از قسمتهای عظیمه مهم سلطنت را بعهده استقلال خودش گرفته اوقات خود را صرف  
 همان قسمت معینه سازد و بطوری نظر کافی در لوازم آن خدمت بجای آورد که نقص و ناتمامی در هیچیک از این  
 آن باقی نماند زیرا که بحکم بدین عقل واضح است که بدست یک نفر تنها انضمام جمیع مهم دولت از دست  
 چنانکه نظر اقدس علیون طوکانه را باحوال هر یک از انسانی حضرت در حال دولت که عیله در خدمت بزرگ  
 تربیت یافته و بصداقت و دو لخواهی پیوسته مجرب و متمحن بودند کما شسته هر کدام را در خور لیاقت و  
 شایستگی خود بر جوع یکی از مقام عظیمه و غل جیمه دولت علیه نامزد و مخصوص فرمودند و حدود خدمت  
 و تکالیف چاکری هر یک را معین و محدود ساختند تا بدو آن در خلیت خدمات مخصوصه یکدیگر مسئول  
 و رابطه مهم تحول بخود بوده کفایت یکدیگر را بدینند و مگذارند در جزوی از اجزای آنها بان طوری که قواعد  
 مملکداری اقتضا میکند نقص و قصوری باقی بماند ازین قواعد تازه و بنیای جدید که اساس حکم آنهاست  
 حکمت اعلیحضرت شاهنشاه مؤید خلد الله مملکت و سلطانه نشیند و استوار آمد امید واری تمام و اطمینان کامل

۲۶۷۷

بفضل و عنایت حضرت احدیت جل و علا حاصل است که در اندک زمانی شاهنشاهی عالی جهان استقامت  
 در مهام کشور و لشکر و آبادی مملکت و توفیر و جوه خراین و رفاه رعیت از میان توجهات خاطر محبت  
 اقدس نمایون ظاهر شود که انسانی دولت و وزرای حضرت را کمال مفاخرت و روسفیدی در پیشگاه پادشاهان  
 حاصل آید وزارت دربار نمایون بخدمت منقسم می شود آ وزارت داخله و وزارت خارجه ۳ وزارت  
 عم و وزارت مالیه و وزارت عدلیه و وزارت وظایف آسمی و شخاص و زراعت و تکالیف هر یک از  
 و القاب جلیده که از جانب بی الجوانب نمایون برای برگزین و مرصحت شده از انبقر است که برای اطلاع کل طبقات  
 مردم در ذیل این ورقه نوشته می شود تا بهر کس براند که در امور و مطالب خود بکدام یک از وزارت های معینت رجوع نماید

وزیر داخله جناب صلاتت ابین الله وله العلیه میرزا صادق قاسم طبیب جلیل امین الدوله لقب شد و بزرگوار  
 شاعر و استیارات از فرار دستخط نمایون برایشان مقرر گردید

همچین طبقات نوکر احترام این بزرگان در سلام عام بجا محترم داشته باشند و در نظم در خانه و دولتی و سلوه ان بجهت  
 دارند و در نشستن بر زمین و بر سر نشینند اعمال خطایستطاب علی حضرت شایسته ایشان با و اعلیت شایسته این سوال این  
 معنی را از ایشان فرمایند

۲۶۷۸

در منصب حکام ولایات دستور العمل قرار داده را که بهر عهد نمایون صادر می شود  
 و کردار آنها از جانب اقدس نمایون ایشان باید بطور قسط بندی و قاعده خارج و عدلیه و وظایف که هر یک از این  
 با ایشان القاشود که از انقاری حکام از خزانه لشکر یا معیر الممالک حواله بیند همایم بعهده وزارت معینت بالاستقلال محول  
 ابلاغ دارند و بمقر حکومت نفرینند بعد بنظر دفتر امین سیه بصحیح و مستطاب مطالب متفرقه با ۲ بماند مثل امور هر دوگان  
 و هم چنین در عزل آنها مبارک فریق و از خزانه داران دریا عظام و علمای اعلام و عمله سنوات و مانند آنها  
 بعهده وزیر داخله خواهد بود

عزایض و نوشجات که از ولایات است و کلامی رسد آنها عزیز حضور نمایون را بسته و نوشجات خودشان را بجا خواهد  
 نبرد و وزیر داخله میسرند وزیر داخله نیز عزیز را سر شهر و نوشجات بجهت آنها بقرت انخاقان دبیر الملک مثنی حضور نمایون  
 تسیم می نمایند و دبیر الملک احکام قضای نظام پادشاهی را بطرز مقرر است صادر کف با اطلاع وزیر داخله میسراند و برقی  
 ممالک محروسه در اوقات معینت میفرستد بی آنکه در صدور احکام حاجت بنوشجات خود وزیر داخله باشد

وزارت امور خارجه کماکان بعهده کفایت جناب جلالت آتیب مؤمن سلطان میرزا سعید خان وزیر امور دول  
 خارجه بالاستقلال محول است رجوع مهام دولتی بی داخله اهدی با ایشان خواهد بود جنابان سفیرهای دول  
 مستجاب و در مهام و مطالب خود ان اهدی را بجز جناب ایشان نخواهند شناخت و رجوع نخواهند کرد



وزیر جنگ امیر الامراء العظام نظاما للجهه و اجتهاد امیرزاده خان شکیبایی مقبل حلیل سپه لاری  
مقتب شدند و منصبیل با عتقا که منصوره از نظام غیر نظام بالاستقلال بعد کفایت ایشان مجول گردید  
و حدود غلظت آن بموجب دستخط سالیون بدین موجب معین شد

افواج قاهره نظام سوار و عساکر حضرت فرجام از قورخانه دولت با شریط و لوازم بالاستقلال  
کلاً نظام و غیر نظام کلاً

جیه خانه دولت با لوازم مراقبت در عمل نظم توپخانه و اسلحه مراقبت و تنقیح ملبوس نظام حضرت فرجام  
بالاستقلال توپخانه

وزیر مالیه یعنی مستوفی الممالک چون این شغل نبیل در خانواده ایشان بوده است کماکان جناب مستعظم  
میرزا یوسف مستوفی الممالک خواهند بود و لوازم آن هر چه متعلق عمل دفتر و استیفاست بی مدخله احدی  
مستقلاً بعد کفایت ایشان مجول خواهد گردید از آنجا که شقوق این شغل جلیل محند و در معین است شرح تمام  
آن مستقی از تفصیل آید

۲۶۷۹

وزارت عدلیه بعد کفایت امیر الامراء العظام مقرب دربار سپهر حشام عباسقلی خان و اولی  
بالاستقلال مجول و بقیه نبیل معتمد الدوله مفتخر گردید بشرایطی که حسب الامر الاقدس مستر است و در نهایت  
نظم و کمال بیغرضی بداد خواهی مردم از هر صنفی و هر طبقه که باشد بردارند و رجوع این عمل بخرایشان باشد  
نباشد و چشم و کوش کل دیوانخانهای جزو ممالک محروسه بدیوانخانه عظمه پادشاهی باشد

وزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه بعد مقرب الخاقان مدوی دولت بدینین میرزا فضل الیه  
از آنجا که این وظایف و اوقاف که مبالغه خیر است باید بدون عیب و نقص عاید آید بایستحقاق بشود

با کفایت و امانتی که دارند مراقبت این مهم جلیل را در عهده خود خواهند داشت

مقرب الخاقان میرزا عنایت امین لشکر کماکان مشغول منصب و ربطا دفتر لشکر خواهند بود و حساب محتاج  
قشون حضرت نمون را جمیعاً با تسلط تمام خواهند داشت و از جانب سپه لاری کل نهایت مراقبت در کار ایشان  
لعل خواهد آمد

قرار احکام هایون و عهد و خدمات و مناصب یک از رجال دولت علیه از فراریست که تفصیل داده شد هر کجا  
 با تکرار و تشریح خدمت مرجوعه قیام و اقدام خواهند نمود و اگر مصلحتی برای دولت پیش آید و امر عهده صورت ظهور یابد  
 و زرای دولت و منای حضرت در صلاح و صواب و صحت و ستم آن با هم اتفاق نموده شود خواهند کرد و از احتیاج  
 آرای ایشان هر نتیجه مطلوبه که حاصل شود بعضی رای اقدس اعلی خواهند رسانید تا بدینچه مصلحتی مملکت  
 اقتضا نماید حسب الامر الاقدس از ان قرار عمل نمایند این وزیران و عرض بجا کپاسی مبارک اعلی حضرت  
 پادشاهی و استیذان از زرای اقدس ملوکانه امضای امری را نخواهند کرد اما مضا و نفاذ احکام بعد از  
 که از جانب سنی ایجاب تایید حضرت و حکم محکم شرف صدور یابد و هر چه بعد ازین از خاطر اهد  
 اعلی تراوش نماید و با مقتضای وقت در امور و جهام دولت قرار فرمایند مجددا در ضمن روزنامه اعلام  
 ( چون رای جهان آرای ملوکانه بر این قرار گرفت که عالیجاه حاجی علیخان حاجب الدوله  
 از مناصب و خدمات محوله خود معزول و سلب الاختیار گردد لهذا در روز پنجشنبه بیستم  
 شهر محرم الحرام دستخط مبارک اقدس هایون ملوکانه مشتمل بر غزل مشارالیه از مناصب فرموده  
 شرف صدور و نفاذ یافت و مقترب الخاقان حاجی محمدخان پیشخدمت خاصه که بحسن خدمت  
 و صداقت در حضرت سپهر سلطه ملوکانه معروف بود و بموجب صدور دستخط مبارک بطلب  
 حاجب الدوله و منصب فراتش با شیکری در بار محذلت مدارج هایون سرفراز آمده خدمات  
 مفصله ذیل بعد از مقترب الخاقان مشارالیه محول و مفوض گردید و فرمان مبارک در طبق دستخط

۲۶۸۰

خدمت فراتش با شیکری و نظم	عمارات شهر و سیاحت که مقترب	باغات شهر و حول و خوش آن که بنا
فراتش و سرایداران و متعلقا	سلطنت است	بعالیجاه حاجی علیخان سپرده بود

دعوات خالصه که در دست فراتش  
 انبارهای دیوانی و مهمانخانه که بنا  
 حاجی علیخان بود  
 سپرده بعالیجاه حاجی علیخان بود

هایون بر حسب راه علیه شاه شرف صدور یافته با عطای کیشوب حیه ترمه از صند و قبا مبارکه  
 در ازاه مناصب بوزیر مقترب الخاقان مشارالیه تفرین و تحکیم و امتیاز فرمودند

### خوی

از قراریکه در روزنامه خوی نوشته اند در روز عید سعید غدیر حشم نواب والا محمد رحیم میرزا حکام  
 خوی و سلاطین لشکرانہ سلامتی وجود مسعود مبارک علی حضرت قوی شوکت شہر یاری  
 عبدالعجل آورده پنجاه و یک تیر توپ شلیک نمودند (فرار یہای سربازان فوج مقررات الخاقان  
 تیمور پاشا خان ماکوئی را نواب والا محصل مأمور نموده تماماً را جمع اوری کرده باغل و نجر  
 روانہ دارہ تظہ پیر نمودند) (دیگر نوشته اند کہ نواب مغزی الیہ سجنہ اہلیت طرق و شوارع  
 پانزدہ نفر سوارہ در کردہ خرہ و بیت نفر در کردہ سہاس از سوارہای جدید خوی الواجی  
 محمد تقی خان سر کردہ با زبان سلطان مأمور نمودند و سوارہای مہرورد در کردہ ہا چادر زدہ  
 بچھٹ و حرات مشولند و عابریں و مترددین در کمال اطمینان و خاطر جسمعی عبور و مرور می نمایند  
 ) (دیگر نوشته اند جمعی از کسان سرحد داران دولت عثمانی قراچین خود را کہ در سرحد دویں  
 بخلاف رسم معمول احداث کردہ اند خود سرحد اخلہ خاک و ملک طلق این دولت کہ عبارت  
 از قازگیل باشد نقل کردہ بودند اولیای دولت علیہ ایران خود میدانستند کہ این حرکت  
 تجا ورنہ فقط از جانب سرحد داران دولت عثمانی بود امنای آن دولت بہر کرد ووسی را  
 باین حرکت بودند و اولیای این دولت انظار آن داشتند کہ از جانب دولت عثمانی در ریح  
 این تجا ورنہ قرار خواهد شد از قرار خبری کہ رسید و باید در صحت و سقم آن وقت نمود و فتاوی  
 حاکم بایزید خاک این دولت را تکیہ کردہ و رفته اندیم قہ کہ مرتع ایلات و ملک صریح دولت علیہ  
 عباسقلی خان سرحد دار ایلات را مثل پارسال مرتع قدیمی خودشان روانہ نمودہ حسین آقا  
 سرخیل ظالیفہ حیدر انلو و سایر مرتع خود در ریورت قدیمی پانصد سالہ خودشان مثل سال  
 چادر زدہ افتادہ اند) (دیگر نوشته اند عالیجناب نجفقلی خان پسر مرحوم مہدیخان قراپا باق بز  
 وارد و مقررات الخاقان وزیر نظام تیار سج ۴۷ و پنجمہ الاحرام باب یکصد نفر سوارہ قراپا باق وارد خوی  
 شدہ نواب والا چادر دادہ در چمن چادر زدہ اند) (چاپارخانہای شہر خوی و عرض را آن  
 ولایت کہ حسب الامر اولیای دولت قاہرہ معترض شدہ بود تعمیر شود نواب مغزی الیہ سجنہ و عملہ  
 در کار تعمیر میباشند

۲۶۸۱

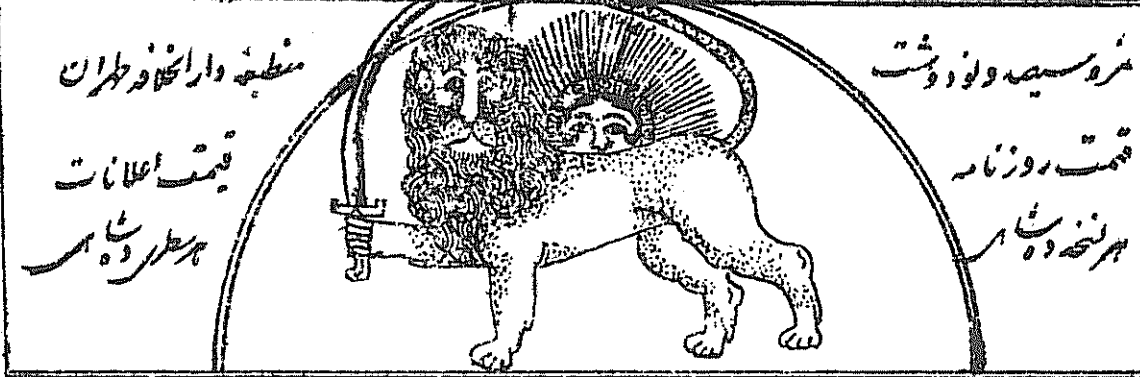
اخبار رول خارج که از روزنامه‌های خارجه ترجمه شده نوشته شود  
 از قرار روزنامه پاریس ده سال قبل ازین و فرانسه شخصی از معدن زاج از نوع نقره که زنگت  
 و نهایت نفیست قریباً استخراج کرده در آن اوقات چون از نقره که استخراج می آمد از خارج آن  
 صرف نظر نموده دو سال قبل ازین اعلیضت امپراطور فرانس فرمایش کردند که هر کس بتواند  
 فلز را از نقره استخراج نماید و جمعیتی با او انعام داده میشود خیلی اشخاص درین باب استقامت  
 را از معدن زاج این فلز را استخراج نمودند نهایت قیمت نقره تمام شد و از آن نازلتر نوشتند  
 بعضی پاورند در این اوقات در محل فلورنس که مقرر حکومت طومانی است یک شخصی فلز نقره را بسیار  
 بسیار نازل را پس را پیدا کرده و استخراج مینماید و تجربه اثبات مدقای خود بسیار پس آمده که عمل خود  
 بمعدن چنان آن ولایت ظاهر سازد و معاینه نماید که آن فلز که گرانتر از نقره بعضی آمد حال از آن تمام  
 می نماید تا از جانب اعلیضت امپراطور فرانس انعامی که وعده شده در حق او داده شود (بجز  
 چند دهه روزنامه نوشته شده است بعد از آنکه که در ناپولی وقوع یافت که سوزنده  
 در جلوی ناپولی که من القدیمش از او ظاهر و کاشی شدت کرده چارکاشده و کاشی صنف داشت چند  
 چشمه شش دیگر از او ظاهر گردیده و شعله کشیده شبها آن اطراف را مانند روز روشن میکند بجهت  
 تماشای این امر عجیب مادر امثال خیلی اشخاص از اطراف ولایات فرنگان با نجا آمده و از دوام  
 در آنجا شده بود قرال دولت ناپولی بجهت اینکه اعتیادش احتمال در آنجا روی ندهد با امورین ناپولی  
 با نجا روانه کرده بود در این اوقات شدت این شش رویگی گذاشته است و این سوزنده کی که  
 در کوه نرولونجا هر گردیده در سالهای دیگر مشاهده شده بود) (دیگر نوشته اند که در آن  
 در لندن شخصی کیمووع رورق اختراع کرده است که از تلام ریاد امواج در وقت طوفان غرق نمیشود  
 و اگر آب هم بمیان آن بریزد بهسولت خارج میکند و این رورقها بجهت بیرون آوردن آدم و سباب  
 از کشتیهائی که غرق میشوند خیلی بکار خورده و مفید افتاده است و از جانب دولت انگلیس ایشان  
 بان شخص داده شده بجهت فایده این رورقها دولت فرانسه نیز قرار داده اند که چند قطعه ازین طور  
 رورقها بفرستند) (دیگر از قرار روزنامه فرانس در کشتی سازخانه نرولونجا که در سمت شمالی  
 فرانسه واقع است از چند وقت قبل ازین با حق خوض جدید و استحکامات دیگر از جانب دولت

فرانسه مبادرت شده بود در این اوقات حوض و سایر استحکامات کشتی سازخانه مزبور  
 با تمام رسیده در اغتسوس آئیده اعلیحضرت امیرالطور فرانس عزیزیت آنها را فرموده از معاین  
 عربیه که در سایر کشتی سازخانه های فرانسه موجود است مفاو و مشتاد قطع کشتی با آنجا حرکت مینماید  
 و اجرای تعلیم بزرگی در آنجا میشود در ضمن سیر و تماشای آنجا از قومانده انهای قشون بحری دولتهای  
 فرنگستان خیلی اشخاص آنجا دعوت میشوند و از کشتی سازخانه مزبور تا پاریس راه آهنی نیز قرار گرفته  
 سازنده بعد از آنکه اعلیحضرت امیرالطور با آنجا تشریف آوردند شروع بکار ساختن راه مزبور خواهند  
 و سببه اجرای تعلیم مزبور یکده کشتی جنگی که در کشتی سازخانه تولون بودند کشتی سازخانه شیربورغ  
 حرکت کرده اند (دیگر از قراریکه نوشته اند اعلیحضرت مکه انگلیس سببه ملاقات در خروجی که حدود  
 پیش ازین به پروس و لیچمدن فرال دولت پروس عقد و تزویج شده است در این اوقات نسبت آنها  
 عزیمت نموده اند) (دیگر از قرار روزنامه های لندن مسافت دریای باپن انگلیس و یکی دنیا را که  
 هزار فرسخ است از جانب قومپانیه که در لندن بکلی یافته اراده شده بود که سیم تلغراف بکشند چند  
 قبل ازین شروع باین کار نمودند سببه پاره شدن سیم در میان دریای تلغراف مزبور بتجوین ایجاد  
 در این اوقات مجدداً از جانب قومپانیه مزبور سیم و سایر آلات داد و ات تلغراف در رود  
 وضع شده لوبوط دریای مزبور بردند که سیم چهاراد آنجا بهم وصل نمودند یکی لطف نگلیس و یکی لطف  
 نیکی دنیا کشیده شود بعد از آنکه سیمها را بهم وصل کردند یکصد و سی و چهار میل مسافت را که  
 سیم کشیدند با سیم پاره شده حالا قرار گذاشته اند که سیم پاره شده را همانا از دریای پاردون  
 بیاورند و بر تپسی که قرار داده اند مجدداً خط تلغراف از انگلیس تا نیکی دنیا از میان دریای بکشند  
 دیگر از قرار روزنامه وینیه پای تحت دولت استریه دولت روسیه هم که موجوده خود را از هر  
 در لهستان بار و دولتی کامل ترتیب داده اند درین باب بر سیم تحقیق و تجسس که باعث بر ترتیب داد  
 این باره و در خاک لهستان چنانچه در بعضی روزنامه های فرنگستان چیزهای نوشته اند از قرار روز  
 لپتربورغ پای تحت دولت روسیه چنانچه دولتهای فرانسه و استریه و پروس سببه  
 در زبده شدن قشون بکلی مستقیم و سختی در مجاریات و سفرهای ایا م تابستان را در محلی از ممالک  
 خود ارا و ترب و اده قشون را مشق و تعلیم میدهند دولت روس نیز این قرار را گذاشته و این

۲۶۸۳

اردو در خاک لہستان ترتیب داده و خیمہ ہارڈہ اندلعباز اندک مدتی کہ اجرائی تعلیمات آنها بعمل  
 مرحض اماکن و اوطان خود خوانند گردید (دیگر نوشته اند کہ قانون پولیس کہ عبارت  
 گزنفہ و مستحفظ شہر باشد در انگلیس بسیار مضبوط است چنانچہ در حبس خانہا از رز و کشتہ  
 و قاتل و غیرہ یکی را کہ مدت حبس او بسر رفتہ و مرحض می کنند شکل او را با صوفیہ کہ عکس ہر پیری در  
 اقباب بان برداشته میشود بر میدارند و در نزد پولیس ضبط است اگر آن شخص بجائی رفتہ  
 رزوی بکند و صاحب مال او را بہینہ و نتواند بگیرد بہین قدر کہ ہیات او را در نظر داشته باشند  
 نزد پولیس می آید و پولیس تصویرات دزدان و ارباب جرم را کہ در نزد او ضبط است بصاحب  
 مال می نماید ہر کدام را کہ صاحب مال نشان داد نفقات پولیس رفتہ او را میکشد از محل خود  
 پیش ازین سہ نفر در و نجانبہ شخصی رفتہ اسباب ہرقت کرده بودند در وقت رفتن صاحب  
 خانہ روی آنها را دیدہ دیگر عیب آنها رفتہ بودند پولیس آمدہ پولیس تصویرات را بنظر  
 او رساندہ بود ہر سہ نفر نشان دادہ پولیس رفتہ آنها را گرفتہ بحبس انداختہ وقت آن  
 ارادہ کردہ است کہ این قانون را در محاکم خود معمول بدارد (از فرار روزنامہ یادیدہ را  
 سوئیچ کہ متعلق حکومت دولت مہنور است از وقتی کہ نباشدہ است تاکنون در ہر سال یک دفعہ اجراء  
 شلیک بزرگ مینمایند در این اوقات مفصل از بنای شہر مہنور کردہ شدہ و نوبت شلیک ہفت  
 و درین شلیک عمارات و بازار دادوستد کسودہ میشود و مخصوص بامتہ متنوہ المانیایک  
 بلور ترتیب دادہ امتہ المانیہ را با نجافل میگردہ اند) (دیگر نوشته اند کہ چون در حبس  
 خانہ نیست تاکنون در آنجا پایچاد و احداث آلات کشتی بنجار موقی شدہ و مسج کشتی بنجار  
 در این اوقات سفیرای انگلیس و فرانکہ در شہر کانتان چین بودند از آنجا بکشتیهای چین  
 نشستہ سجتہ طاقات خاقان چین بہت بکن پای تحت آنجا حرکت کردہ بودند در انسانی را  
 بیک کشتی بنجار کہ بیرق چین داشت و سکنہ آن کلاً اہل چین بودند بر جوردہ بودند بسیار تعجب کرد  
 و در صد دستحق بر آمدہ بودند کہ معلوم نمایند این کشتی  
 از خارج بدست اہل چین افتادہ یا خود  
 ساختہ اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایح یوم نهم صفر از مطابقی لوسئله



اجبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دار انخل و طهران

چون مراتب و ثوق و اعتماد خاطر خیر بملوک انعلین حضرت در س شائشی خلد الله ملک و سلطانة بعقل و کفایت و حسن رأی و دانش جناب جناب رضایع اعلیٰ کان شیره الله و له سجده کمال بود و جناب این را با ریاضه و امور و کاد و مشکافی شناخته بودند و در و انجوهی کفایت قند و مجرب نیستند لکن مصیبت طویل مجلس شورای را بجهت ان اقرار صدر در دست مبارک محول فرموده و ایک صورت دستخط مبارک بعینه نقل می شود چون خبر آنکه در اول صدق و دو تخویسی پایه از مایش فرموده ایم کمال و ثوق و اعتماد بکفایت و کار دانی او داریم و او را خیر خواه و مخلص میدانیم علی بن ریاست شوری دولت را که از امور است معظمت است بجهت کفایت و محول میفرمایم که در این امر روز بروز صداقت و در انجوهی و غیرت خود را بعرضه ظهور سازد و بدان وسط طبات رحمت در حق خود پیفراید و شهر صفر ۱۲۷۵ (از جمله تکالیف فرموده که در روزنامه گفته شد بقدر بود و حالا اعلام میشود این است که جناب طبات است این ابین الله العلیه بید حب امر هر جایون کله انجیر قومی شکست شاهی خلد الله ملک و سلطانة کله قلبین و بر وات ایم بعد از همه انجوهیون همه نماینده در این صیحب مغزی الیه نیز بجائی معین شده است که در اصل بقرای سابق نزارد) (چون موافق شرح روزنامه مسمی که شامه است و ولی حسب الامر الاقدس لاعلیٰ فیما بین در زحمتی عظام تقسیم یافته است که احدی نباید و غل و تصرف در کارهای دیگری نماید لکن از رای عالم آرای جایون بر این قرار گرفت که منصب صدر عظمی و لوازم آن هم بکلی از دولت علیه ایران منسوخ کرده و بهین اعلام نامه رسمی باید کله طبقات تو که مردم این منصب را منسوخ و لوازم آن را در عهد شخص واحد یکی محدود بداند که بعد از این با حدی داده نخواهد بود هر کس باین مقام و هنر شایسته باید مورد دستخط و تحفه خاطر طریقیون خواهد کرد و بد

۲۶۸۵

روز شنبه و دوم این ماه عید هم گذاری علیحضرت امیرطور دولت بهیته رویه بود از جانب سیاحان  
 شاهنشاهی صحبت شو که عن التناهی چند خواججه قد و نقل فرستاده شده و عالیجاه معرب بحضور رضی  
 نایب بشیک آقاسی نیز حجه تهنیت سفارتخانه رفته جناب فحامت نصاب وزیر مختار اند دولت در  
 سفارتخانه خودشان طرقات عیدی و سرور را مهیا کرده بودند سایر سفیرهای تبعین در بار این دو  
 در آن روز حجه تهنیت تبریک سفارتخانه دولت روسیه رفتند چون شب شنبه سیم را در سفارتخانه  
 ضیافت و مهمانی داشتند از جناب جلالت آقا مؤمن سلطان وزیر دول خارجه و مقرنی انجان خان <sup>مؤمن خان</sup>  
 نایب الوزاره و داود خان باش مترجم و مقرتب الحضره العلیه سخی خان مترجم حضور نیز وعده خوانسته  
 بودند جناب معری الیه طرف عصر سفارتخانه رفته او لاجمه تبریک و تهنیت در سفارتخانه نشسته  
 لوازم استی در اهل آوردند و قشام ازان مجلس برخواستند سفیره خانه رفتند بقدرسی نفر که از وزرای  
 مختار و صاحب منصبان سایر سفارتخانه و خواسته بودند همگی جمع و حاضر شده مجلس بسیار باشکوه  
 و زینت ترتیب داده بودند پرده شیر و خورشید نشان دولت علیه را با سایر پرده های نشان دول  
 مستحبه با اند دولت در اطاق او زبان کرده سخن و جنابانها را با فادیل و لظرو سایر چرخها چرخ  
 خوب کرده بودند حضرات پنج ساعت ارباب گذشته در کمال خرقی و خوشی در آن مجلس سپرده و با  
 یکدیگر صحبتهای محبت انگیزه مودت آید کرده در آن وقت متفرق گشته هر یک بنازل خویش رفتند  
 (لا چون در سفر اول که جناب جلالت آقا مستر مری وزیر مختار انگلیس مدبر بار کرده و قار آمد  
 چندان طول کشید که اسباب برودت مابین او و دیگران دولت علیه ریاضت شده و در آنوقت بعضی  
 اسناد و لایق نسبت جناب معری الیه بسته شده بود حتی در روزنامه و در کتابهای تاریخ هم چاپ  
 کردند و متفرق گشت بعد از آنکه در محض مراتب منوره تجدید نظر بعمل آمده معلوم کردید که آن فقرات  
 بیچوجه اصلی نداشته و تمت و افترا می محض بوده لهذا برای وضوح مطلب این فقره را در طی روزنامه  
 این هفته مندرج ساختیم که بر هر مطالعه کنند معلوم و ظاهر باشد که جناب مستر مری و لظرو  
 مقابل ازان تمت و افترا می و عاری بوده اند در نسخ تواریخ نیز همین فقره را مجدداً قید نمودند  
 که رفع اشتباه بشود) (لطفاً بطور محبت طوکانه در بارده عالیجاه معرب انجان خان میرزا بیج  
 دیوان اعلی و وکیل عربستان و لرستان و بروجرد در این اوقات دستخط های یونان با این مضمون



در حق مشایره شرف صدور یافت میرزا ربیع نوکر خوب است و منصب استیفا با و بر  
 شده است لازمه مستوفی کری شال و کلاه و حساب است التبت شال و کلاه بگذار در سلام  
 باشد و حساب یزد و بود و در راهم از امر و زبا و مرحمت فرمودیم که مشغول خدمات بقعه و لاجه باشد  
 ( نظر بوفور قابلیت عاچه نتیجه انجمن العظام مقرب الخضره العلیه سخی خان که ابا عن جد از جمله مکار  
 این دولت جاوید آیت بوده و مراتب لیاقت و شایستگی خود را بمصه ظهور رسانیده عنرا و از بدل  
 کردید لهذا منصب اجودان خاصه و مترجم حضور با هر التور بموجب فرمان هایون سرافراز گشته و کتب  
 قبای نظامی و کسب خدمت مشایره مرحمت کردید ) ( نظر بنظور صداقت و قابلیت و کار دیا  
 عالیجاه مقرب الخضره العلیه میرزا جعفر شیخ مت که از قدیمی جا کران سرکار اقدس هایون است  
 امور نقدی بتائی عمارت مبارکات دیوانی دار الخلافه و سیلاقات حول و خوش و تعمیر کارخانجات  
 و غیره بموجب فرمان هایون تعیده است تمام عالیجاه مشایره محول و موکول شده و کیوتوب  
 کرمانی سکین مشایره علفت مرحمت کردید ) ( در شهر دار الخلافه مبارک که نیز در روز چهارشنبه  
 عاچناه تو آب شرف والا محرقی میرزا حکمران دار الخلافه طهران و توابع کجه عید مولود و مسعود است  
 هایون در عمارت ارک مبارک که سلام عید منعقد نمودند مقرب الخضره قان میرزا موسی وزیر و سایر جا کران  
 مقیم دار الخلافه مبارک که و عالیجاهان کلانتر و که فدایان بحضور نوات مغزی الیه شرفیاب شده و لوازم  
 تهنیت عید را بعل آوردند و اجر ای شنگ از تو پنجاه مبارک که بقرار معمول اعیاد شده و بعد از ادا  
 خطبه بنام سرکار اقدس هایون و احتتام بدعای بقا و دوام دولت قوی سوکت روز افزون  
 سلام عید منقضی گردیده هر کس بمنزل خود مراجعت نمود ) ( از شاگردان مدرسه دار الفنون  
 که در علم هندسه و ساحت تحصیل در نزد عالیجاه موسی کریش مرتب تو پنجاه و معلم دار الفنون  
 کرده اند عالیجاهان محمد صادق خان قاجار سرهنگ تو پنجاه و مصطفی قلیخان مایور تو پنجاه و میرزا فتح  
 سپه مقرب الخضره قان نصیر الملک عسکر خان برادر صاحب جمع را تو آب مطاب شاهزاده الفخرم اعظم  
 علیقلی میرزا چند روز قبل مأمور نمودند که رفقه ارتفاع قصر مبارک که اقدس هایون را در دنیا وین  
 از سطح طهران و بعد از آن ارتفاع کوه دماوند و بعضی جا پای دیگر مشخص نمایند مشایره حباب  
 معمول داشته آنچه معلوم کرده اند فضلا و منفعت اینده نوشته میشود

۲۶۸۷

از انجمن

از انجمن

### آذربایجان

از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته اند نواب مستطاب هزاره پنجم رکن الدوله العلیه نهایت  
 اهتمام را در انتظام و انضباط امر آذربایجان دارند اکثر اوقات بقورخانه مبارکه سرکشی کرده در  
 ریختن توب و کلوله اهتمام مینمایند یک کلوله توب بر آید در کمال خوبی ریخته شده و مشغول سولج  
 هستند و کلوله دیگر یکی ۹ پوند و یکی ۱۰ پوند و نیم در حضور نواب شرف و الارحمه شد چون خوب  
 از عجبده مصباح و اسباب برآمده بودند و غیب و لغتی نداشت و کلوله و ساخچه توب هم میر  
 دوران روز نواب معزی الیه الغام بکلوله ریز و توب ریز القات نمودند (ملک نام بنایی که همیشه اوقات  
 بقطع طرق و سمرات مشغول بود حسب احکام دستگیر کرده او را بحضور نواب رکن الدوله  
 آوردند و سیاست و سزای اعمال ناشایسته خود رسیده مردم از شتر او آسوده گردیدند) (چند  
 قاطر از مکاری صفهان که در بیرون شهر سچرا ایندن برده بودند بمکام عوب که قاطر را را بهر مراد  
 میدادند بیکر س از آنها جدا شد حسینعلی نام امیر خیزی گرفته پنهان کرده بود مکاری مشاری الیه  
 حاضر شد همان ساعت مقرب با حضرت بیکر سکی محصل فرستاد و قاطر را در خانه حسینعلی نام  
 کرده بکاری رود و حسینعلی نام محض اطلاع از آمدن محصل فرار نموده رفت در رتبه جناب سید  
 علیه الرحمه بستند) (دیگر نوشته اند که جماعت بنک داران که اخبار و ماکولات حساس  
 و باعث کرانی ماکولات میشدند حسب احکام نواب مستطاب رکن الدوله العلیه مقرب میر افضل  
 بیکر سکی بنکداران را آورده غنیمت نمودند که دیگر بعد از این جنس ماکولات رحمت نمایند و احکام را موقوف  
 بداند و باین جهت رفاه از برای مردم حاصل گردید عربستان از قراریکه در روزنامه عربستان  
 نوشته اند از قرار تقریر امالی عربستان میچوقت هوای عربستان باین شدت که اسال تابستان  
 گرم شد گرم شده بود در عشر اول ذیقعد ده نفر از جویره و بیت و پنج نفر از ورفول و پانزده نفر  
 از شوشتر را در صحرا باد گرم زده است تا لار عمارت کلانتر شوشتر که بقدر سی و پنج سال است  
 ساخته شده است چند ستون سکنی دارد که مابین ستونها سرب ریخته اند در آن اوقات  
 شدت گرما سجدی رسیده بود که سرب های مابین ستونها آب شده از شکاف سنگها  
 بیرون آمده بود که جمعی ملاحظه این فقره را کرده بودند) (دیگر نوشته اند که سید محمد و خواجه جریه  
 و آن صفیات در نهایت امنیت و لجاجه حاجی جابرخان میر پنج نهایت اهتمام در انتظام امور آنجا دارند)

۲۶۸۸

### کرمان

خلعت مهر طلعت که از جانب سستی اجواب سرکار علیحضرت اقدس بیا یون شایسته  
 وامت شوکت به افرازی واقفکار امیر الامراء العظام سجد از حکمران کرمان غایت التفات  
 شده نزد یک بکرمان که بر تو وصول افکنده بود مغزی الیه الی باغ آقا با استقبال رفته روز  
 مبارک عید غدیر در کمال احترام و اغراز خلعت مبارک را ریب برودش خود ساخته و بکرمان  
 مرحوم شاهانه معادل سصد تومان مساکین و ضعیفا و ارباب مستحق کرمان بویست پیروز عبدالعزیز  
 باشی ایجا داده بفرح و احوال هر یک در میان آنها تقسیم نمود (قلعه که در راه دارالعباد در  
 و مشهور بقعه زین الدین است و از بناهای مرحوم شاه عباس صفویست و آب انباری هم در  
 بنا نموده بودند چون خراب و بایر شده بود در دهه الستمه مقرب الحضرة العلیه میرزا فتحعلی  
 کرمان آدم فرستاده آب انبار را در نهایت خوبی تعمیر نمود و وقتائی هم که آب خشک و بایر  
 دارد بجهت آب انبار آباد نموده اند قلعه نموده که خرابی بهم رسانده بود در کار تعمیر میکنند که  
 سترودین آن راهها با سود کی عمود و مرور نمایند و مخارج تعمیرات مزبور را مقرب الحضرة العلیه  
 میرزا فتحعلی بیگار کرمان خود متحمل شده است) (دیگر نوشته اند که راه بلوچستان از ایتهامات  
 عالیجاه مجد شهباه امامعلی خان سرتیب در نهایت ایست قلعه اسپید نام که ما بین بلوچستان  
 و بلوچستان واقع و سه قلعه است آنها را تعمیر نموده و در رشته قنات جدید احداث کرده و بکر  
 قنات دیگر هم که از قدیم بود تعمیر نموده و امور قراول و ساخلو آنجا را محکم نموده است و همچنین در بروج  
 یم و نرماشیر شصت رشته قنات که بواسطه رود خاری خراب و بایر شده بود از مراقبت  
 و تأکیدات امیر الامراء العظام سپهدار حکمران کرمان و ایتهام عالیجاه مجد شهباه امامعلی خان  
 سرتیب کلاً معمور و دایر گردیده و آبادی آنجا روز بروز در تری است) (دیگر از قرار یک سیر  
 اجناس کرمان را نوشته اند که در مال حومه خوار میست و چهار دینار و مال بلوکات خرواری  
 هجده هزار دینار جو خرواری سیزده هزار دینار گاه خرواری پنجاه هزار دینار یک سصد دینار  
 برنج چها یکین هزار دینار برنج شاهی یکین شصت دینار و غن یکین چهار هزار دینار و یکین  
 سکر یکین چهار هزار نبات یکین پنجاه هزار دینار و سایر اجناس نیز این طریقه مسعوده است

۲۶۸۹

### احتمالاً در دول خارج که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شود

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که حوض بزرگ جدید و سایر استحکامات کشتی سازخانه  
 شربورج فرانسه درین اوقات با تمام رسیده و اعلیحضرت امپراطور فرانس غزیت آنجا را  
 فرموده اند و کشتیهای جنگی از سازگشتی سازخانه و لنگرگاههای فرانسه با آنجا خوشه  
 که اجرای تعلیمات کشتیهای فربور را نمایند و اغلب سرگردان بحری دول فرنگان بجهت مایشا  
 تعلیمات فربور با آنجا دعوت شده اند از قرار روزنامه که بعد رسید از روزنامه های لندن نوشته  
 بودند که اعلیحضرت ملکه انگلیس نیز بجهت مایشای آنجا دعوت شده و غزیت شربورج فرموده اند و  
 کشتی بزرگ سه انباره با چند سفینه دیگر در محبت ایشان همیای حرکت مستند (دیگر از روزنامه  
 لندن نوشته اند که بقراری که مستغنی از بیان است ممالک انگلیس عبارت از دو جزیره بزرگ است و  
 از آنجا آن مانند دیوار سنگی لایم است در سواحل آنجا هیچ لنگرگاه بزرگ که در بعد از دم کشتی سازخانه  
 بزرگ معتبر میتوان ساخت و چهل و چهار لنگرگاه دیگر برای سفین جنگی و غیره که جمیع کشتی  
 لنگرگاه است موجب قرار مجلس خارجه دولت انگلیس در این اوقات این لنگرگاهها را منقسم بدوازده  
 قسمت کرده اند و بر قسمتی در زیر فرماندانی یک سرکرده که در صورت دانی اقامت نمایند یک  
 کشتی بزرگ و چند قطعه کشتی بجا مخصوص این نام نموده و بجهت نظارت مهم این نام یک کشتی  
 لندن معین گردیده درین لنگرگاهها سواهی قطعه جات و استحکامات که از سالهای بسیار باشد  
 در این اوقات منقسم مجده در بعضی مجال مناسبتی قلچجات و استحکامات دیگر در مجلس فربور قرار  
 گذاشته و شروع کرده اند (دیگر از قرار روزنامه وینیه پای تحت استرته قرال یونان که غیر  
 با ویه را که متفرق الیت برادر او بود کرده روانه شده بود بوندیک وارد شده و از آنجا حرکت کرده  
 در ۲۸ ماه ذی القعدة وارد وینیه گردیده است) (دیگر نوشته اند که چون از دو سال تاکنون  
 محنت عده طبا پنجا که شش رفته خالی میشود ظاهر گردیده است از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس  
 حکم شده است که قشون بحری دولت فربور را کلاً ازین طبا پنجه بدبند) (دیگر از قرار روزنامه های  
 فرنگستان قومه قانیانی نام که در حکومت رومه ناظر عمارات بود در این اوقات حیانتش ظاهر  
 گردید که بقدر صد و بیست هزار تومان از واردات عمارات و رشوت دریافت کرده بود او را از

۲۶۹۰

v

خود معقول کرده و املاکش را ضبط نموده خودش تمامت بیت المال بحسب انداختن (دیگر  
 نوشته اند که چنانچه هر دولتی در تربیت تبعه خود سعی و تمام دارد دولت جمهوری سوئیس که هم  
 دولت پروتیه است درین باب تمام کرد و برای تبعه او ترقی حاصل کرد دید بطوری که از صد نفر  
 ده نفر بی سواد ماندند باقی کلاً صاحب خط و سواد شدند دولت پروتیه نیز در صد تربیت تبعه خود  
 برآمد مکتب خانهای بسیار پراهنذاخت و مکتب از هر علم آورده الهی ولایت خود را به علم تشویق نمود  
 در این اوقات که شکر دان را امتحان کرده اند مانند اهل سوئیس ترقی از برای آنها حاصل شده  
 لهذا از جانب قرال پروتیه حکم شد بعد ازین هر کسی بی سواد باشد حکماً داخل آحاد قشون باشد  
 باین جهت اهالی پروتیه اظهار غیرت مندی نموده و اطفال خود را بخواندن و نوشتن تشویق و ترغیب  
 کرده در جمیع ممالک پروتیه مکتب خانهای جدید ساخته و مکتب از هر علم آورده مشغول تحصیل علوم و فنون  
 (دیگر از فرار روزنامه های فرانسه شخصی تلو سون نام تاجر از تبعه انگلیس از برای اینکه اعفای  
 او باکنت باشد در وقت و سال قبل ازین مسیبتی از مال خود وضع و افراز کرده وصیت کرد که این وجوه را  
 به نفع مذهب و تاسه بطن از اولاد او بچکام دخل و تصرف در اصل و فرع بخواه مریوزند داشته باشند  
 تا بطن سیم که ظاهر شدند مالک اصل و فرع این بخواه باشند بعد از یکسال ازین وصیت را لغو  
 شده اولاد او مدعی شدند که این شخص مخبون بوده و وصیت او بکلمه مخبون اعتباری ندارد و باید این  
 بخواه را متصرف بشویم ولی بنا با اصول موضوعه دولتی نتوانستند دخل و تصرف در بخواه مریوزند  
 و هم چنین بطن دویم او هم بدخل مانده و منقرض شدند در این اوقات که بطن سیم او ظاهر شده اند در  
 ابتدای این مریوزند موجب وصیت بخواه مریوزند با اصل و منافع تصرف شدند و این بخواه بیت کرد  
 هشتاد هزار تومان بکتاب پول ایران رسیده بود که تصرف اولاد سیم در آمده و دو هزار و پانصد  
 قطار بوزن در آورده اند نوشته اند که در فرنگستان اولاد ایستور دولت مند شده اند و از پادشاه  
 سلف نیز چنین انشائی سموع مکرر دید و در انگلیس این اوقات قانون جدیدی وضع کرده اند که  
 هر کس فوت بشود بعد از نیت و یکسال در نه او ترک اش را باید در میان خود قسمت نمایند و هم  
 نوشته اند که این قبیل کارها در فرنگستان بسیار اتفاق می افتد بعضی بوصیت خود موفق می شوند و بعضی  
 نمی شوند از جمله در ایام صد و پنجاه سال قبل ازین صرافی دولتمند در پاریس پای تخت فرانسه از اولاد

۲۶۹۱

موجوده خود نقد بسیار جدا کرده وصیت نمود که تا صل و وجه مزبور را به نفع بدین در صد سال منافع  
 او را هر چه جمع شده است بمصرف نقیضش هر چه مؤلف و شاعر مشهور روی زمین است برساند و بای آنها  
 اماکن و املاک بخرند و این منافع تنجیک کرور و صدقه ابرو مان می شد بعد از آن تا صل و دیگر با نفع  
 بدین در صد سال دویم منافع آزاد روی که بی که بجهت قرض محبوس اند مصرف دارند بعد از آن تا  
 صل و دیگر بمعامله بدین در صد سال سیم منافع او را صرف ختن یک کلیسای بزرگ کائنات معین  
 سازند و منافع سال چهار صد را با دای دین بدیونان بذل کنند و در سال پانصد صل و فرع  
 این خواه را کلاً از برای هر کس ملک ندارد و ملک بخرند ولی در صد سال قبل ازین ایام بسبب اختلافی  
 که بواسطه جهت پیش از ایام ناپلیان بزرگ در فرانسه بهم رسید این خواه اصل و عویش کلاً لغت  
 رفت و مطلوب آن شخص بر وجه دلخواه بچل نیامد (دیگر نوشته اند که در ایام سیکولای امپراطور توتی دوست  
 بهیته روستیه در شهر لپیز بونوع پنج شش باب کارخانه روزنامه بیشتر دایر بود در این اوقات یک  
 کارخانه روزنامه در اینجا بر راه افتاده که بزبان روس و فرانسه روزنامه میزند) (در روزنامه های  
 چند بنفیه قبل ازین نوشته شده بود که بقانون فرنگستان اگر زنی بی عفت باشد و شوهرش مطلع بشود او را با سزا  
 نمیتواند طلاق بگوید و اگر بصبر صحت و اشکال تواند طلاق بگوید و هم العمر زن دیگری تواند بگوید و آن  
 زن مطلقه را نیز باید زیاده از شکل قوت خود مادام العمر تکفل معیشت نماید و این کیفیت بزبان کاری چند می کشد  
 این اوقات دولت انگلیس این قانون را در مالک خود متروک داشته و نظام نامه جدیدی اهدا  
 کرده است که اگر زنی بدعل و بی عصمت باشد و شوهرش بخواهد ثابت نماید آذون در طلاق او و معاف از  
 تکفل معیشت و محتار در تزویج زوج و یک باشد در این اوقات که این نظام نامه جدید را نشر و اعلان  
 کرده اند از قرار مذکور دو هزار و سیصد نفر از اهل آنجا که از زنهای خود رضامندی نداشتند بطلب  
 طلاق آنها خدمت اعلیحضرت ملکه انگلیس عرض حال کرده اند) (دیگر از قرار روزنامه فرانسه در این اوقات  
 که اعلیحضرت امپراطور فرانسه عزیمت کشتی سا رخا در شهر بونوع را کرده و بسیاری از معتبرین محترمین سحریه  
 و غیره دولتهای فرنگستان را با آنجا دعوت نموده اند مخارج ترین شهر بونوع را بعهده خود گرفته و

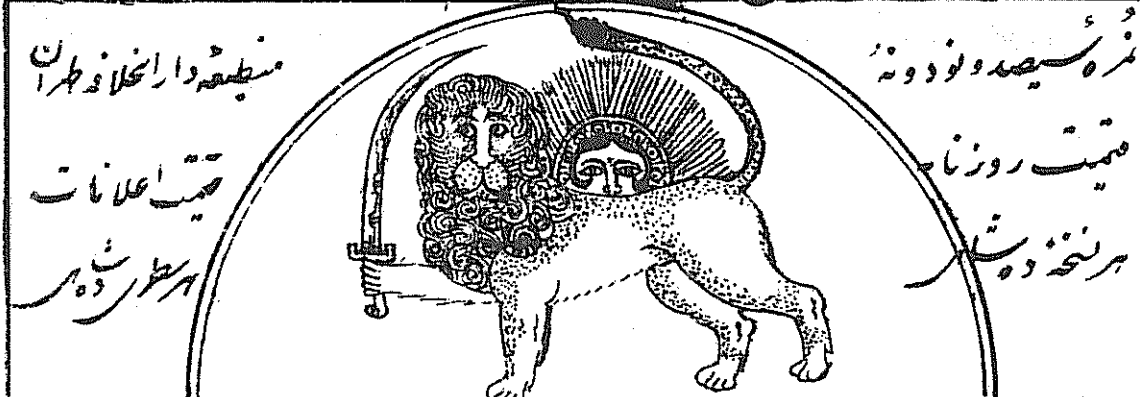
۲۶۹۲

حکم فرموده اند که بامه رده و چهار رنگ تازه کنند و

معار و سوار و راهبها را اینت واریش

با کمره نمایند

روزنامه قایم العاقبتان پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۰۳



اخبار واحده ممالک روسیه و شاهي

دارانخلا طهران

روز چهارشنبه ششم شهر صفر المنظر بلوازم عید مولود مسعود هاپون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی  
 ضد اللدملکه و سلطانہ باشکوه و شوکت تمام قیام و اقدام شد سفرای دول متجاہ مقیمین دربار دولت  
 علییه بیست اجتماع بالباس رسمی شرفیاب حضور باہر التورہا یون کردید مورد تفقدات طوکانه شدند و  
 پس از ان از طبقات نوکرو وجوه جا کران دربار معدلت گستر اشخاصی که شایسته وقابل سلام بودند از  
 شاهزادگان عظام و امرای کرام و ستوفیان و شکرانیان فحام و صاحب منصبان نظام و سایر دروغت  
 مبارکہ نیوران ہر یک در جای خود قرار و آرام گرفته شیکت توپ و زنبورک بسباق متداولہ اعلیٰ آمدہ عقد  
 سلام باشوکتی تمام چنان سمت انقاد یافت کہ در کمر از اعیاد اینطور ملاحظہ شدہ بود بندگان اقدس سال یون  
 نواب مستطاب ہزادہ اعظم حاجی محمد ولی میرزا المنظر التفات طوکانه فرمودہ سخطاب سلام مخاطب و  
 فرمایشاتی چند کہ تراوش آن شایسته وجود مسعود ہاپون بود و بس مشعر بر انظام امور دولت رسید کہ  
 بحال توکرو رعیت و استقراری مبارک بردوام و استحکام فرار داد جدید ارتعین و وزرای عدیدہ برای تکفل  
 مہمات دولتیہ بتفصیل فرمودند و بعد خطبہ بنام نامی مبارک خواندہ شدہ و عالیچامیر امجد علیخان شمس الشرا  
 قصیدہ در نکال مضاحت و بلاغت خواندہ سلام منقضی کردید (چون جناب جلالت تائب مستر می در  
 مختار و ایچی مخصوص دولت بہیہ انگلیس تی بکتر مزاج بللا و آب ہوی این سامان مزاج ایشان مناسب  
 بر حسب ابتدائی کہ از جانب اولیای دولت متبوعہ خود حاصل کردہ بود از برای مرضی و غیر متکلمین  
 روز پنجشنبہ ہفتم شهر صفر المنظر شرفیاب حضور باہر التورہا یون کردیدہ جناب مجدت سہراہ دوریا صفا

۲۶۹۳

از جانب دولت بهتیه انجلس با رشد قری و توقیف دربار کردون و قاریون معرفتی نمود و منظر تعقد است  
 طو کانه کردید از حضور مبارک فرخ شدند ( در روزنامه هفتکه گذشته سهری از قلم کاتب جاری شده بود  
 که برواه و فراین را اجنای حیات کتابت است این الدوله العلیه بعد از صبح دستخط هایون مهر خوا  
 بجهت رفع این سهو کاتب و دفع شبهه مطالعه کنندگان روزنامه در ضمن این روزنامه اعلام میشود که جناب  
 در پست برواه و فراین مبارک حکم حکم علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی پیش از آنکه ملاحظه نظر هایون بر  
 زده خواهد شد نه بعد از آن تا جناب ایشان ابتداء رسیدگی بصحت و معمل نمایند و بعد از آن ملاحظه نظر

مترتف شود

منصب بنیل ریاست دارالانشاء و دولت علیه کما فی السابق بعهده کفالت مقرب انخاقان  
 میرزا زین العابدین ملک الکتاب

منصب جلیل ریاست دفتر رسائل فاعده دولت کما فی السابق بعهده کفالت مقرب انخاقان  
 میر الملک لضمیه لقب منشی کرمی فاعده حضور هایون

۲۶۹۴

منصب خطیر تحویل داری و جوه اتفاقیه بعهده امامت مقرب انخاقان میرزا ماشم خان شیخ مت  
 خاصه محول و مرجوع گردید و برای هر یک فراین هایون و علاج فاعده اعطاء و عنایت کشت  
 مقرب انخاقان میرزا محمد زمان ستونی و امیر دیوانخانه سابق بموجب فرمان هایون منصب استیفاء فاعده  
 سرفراز و محاسبه مملکت فارس از بنده التیوتین لبعالیچه مشارالیه مفوض و مرجوع فرمود  
 و درازاه شغل و عمل بکثوب جبهه ترنه لاکي حمت عنایت

علاوه بر اتفاتی که در حق مقرب انخاقان میرزا ربیع ستونی شده و در ضمن روزنامه معتمد قبل اظهار شد  
 محض از راه عنایت از جانب سنی ابجواب علیحضرت شاهنشاهی دامت شوکه بکثوب جبهه ترنه لاکي  
 لبعالیچه مشارالیه مرحمت گردید

عالیشان میرزا ابوالقاسم بموجب فرمان هایون بطبع و خطاب لبعالیچه ای و منصب غب باشکری  
 و قمر نظام منفتح کرد و بکیطا و مثال کرمانی درازای این منصب لبعالیچه مشارالیه حمت و عنایت شد

قصیده که عالیچه میرزا محمد علیخان شمس الشعرا در روز عید مولود مسعود هایون علیحضرت اقدس شاهنشاهی  
 معروض بکثوب حضور مهر ظهور داشته بود درین روزنامه مندرج میگردد





۴  
۱۰  
۱۱

روزنامه شاکردان علم هند که به تشخیص ارتفاع قصر سلطانی نیاوران د کوه دماوند و غیره از  
 سطح و اختلاف نامور شده بودند حسب الحکم سرکار نواب شرف والا اعتضاد سلطنته این  
 فدویان محمد صادق خان قاجار سر بنک توپخانه و مصطفی قلیخان یاور توپخانه و میرزا فتح الله  
 پسر معرتب انجاقان نصیر الملک و سرکار خان برادر صاحب حججه تیس ارتفاع قله کوه دماوند  
 موافق طوری که در نزد عالیجاه موسیو کریش سریت توپخانه مبارکه آموخته بودند روشنی  
 بهیچسم محرم از طهران عازم نیاوران شده در باغ نواب والا اعتضاد سلطنته که در حصار نواب  
 واقع است و محاذی قصر علیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی اتفاق افتاده است بقاعده که در  
 درجه ارتفاع ترمومتر که معروف بدرجه سربا و کراست گرفته شده دوست و ده درجه شد و بقاعده  
 حساب عمل نموده چهار صد و شصت ذرع شد که ارتفاع قصر سلطانی نیاوران از سطح طهران است  
 و از انجا بسو مانگ فته و صبح رابه بوقلمن و از انجا روز دیگر دماوند در کنار رودخانه ارتفاع ترمومتر  
 گرفته دوست و یازده درجه شد که بقاعده حساب شصت و سی و چهار ذرع باشد و از انجا روانه شد  
 از کتل اما مزاده هاشم گذشته بآب گرم لاریجان رفه ارتفاع ترمومتر گرفته دوست و پنج درجه شد  
 که بقاعده عمل شصت و هشتاد و هفت ذرع ده آب گرم از سطح طهران مرتفع تر میباشد و از انجا  
 ده نفر بگذر گرفته به راه برداشته اول طلوع آفتاب روانه کوه دماوند شده در کمال صعوبت تا  
 بغروب مانده قریب دو فرسخ بالا رفه در زیر سنگی که مشهور به بارگاه است و فی الجمله وسعتی دارد  
 توقف نموده شب را در انجا بسر برده بهلوی آن سنگ نه آبی بقدر سه چهار سنگ جاری بود و یک  
 بغزوت مانده نه آبی آن عظمت منجمد کردید چون از اینجای غفلت بود شب بی آبی و سنگی کشیده از کلبه  
 برف و یخ بسر برده شد و بادی بسیار شدید وزیدن گرفت که قوه طبع و تحصیل روشنائی باقی نگذا  
 و باینجالت شب و بصبح رسیده اول طلوع فجر نسبت مقصد حرکت آمده بعد از طی نمودن نیم فرسخ بآب  
 برف رسیده و در انجا نیز ارتفاع ترمومتر گرفته صد و پنجاه و دو درجه و بقاعده حساب دوهزار  
 شصت و شتاد و یک ذرع مرتفع تر از سطح طهران میشود و از آن مکان بقدر یک فرسخ بالا رفه سجائی  
 که مشهور به بند حکیم صاحب است رسیده درجه ترمومتر یکصد و سی و سه درجه شده که چهار هزار و  
 سی و شش ذرع مرتفع تر از سطح طهران میشود و این بندی است که چهار سال قبل یکی از حکمای فرنگ بفرم  
 بآن مکان رفه و از انجا تجاوزه نتوانست بکند و باین جهت مشهور به بند حکیم صاحب شده و در همین جا

۲۶۹۶

از بله های فدیوان بد حال شده نتوانستند بیایند و از آنجا با باد و بخت نقر بله دیگر هرگز نبود ساقی  
 نیز طی کرده بمکائی که مشهور بماشی بنیاد است رسیده درجه ارتفاع ترمومتر را گرفته یکصد و هجده  
 که بحساب پنجمار و چهارصد و شصت ذرع مرفوع تر از سطح طهران باشد و از ماشی بند بقدر هزار قدم  
 با ستراحت رفته زخمی ندارد و با اول دو کوه میرسد و در آنجا تپه مانند جائیت و بخار رقیق متصفا  
 و ارتفاع او بقدر سیصد قدم میباشد و از آن حد بسیار معدن کوه کوه است و در آخر دو کوه زانف  
 است کم و ست بقدر سه قدم کوه و فاصله صد قدم دورتر زانف دیگری است از زانف اول بزرگتر  
 و از هر دو بخار متصاف است پشت زانف و قوم کوه دالی است حوض مانند که از اطراف آن برف آب شده  
 در میان آن حوض جمع میشود و آتش ترش مزه و قدری کوه نیز دارد و در میان آن آب گرمهای  
 سفید نازک بهم میرسد و بالای کوه جائیت وسیع و وسط آن کوه دالی است بزرگ و پر از برف  
 و این اوقات بقدر چهار پنج ذرع برفش باین رفته است و عمق کوه دالی را تا امروز کسی مشاهده  
 نموده است و سمت قلعه برف دارد و یک سمتش که معدن کوه کوه است و بخار دارد برفنا  
 و در آنجا ریخته از پنج دقیقه ریشن میرشد و از برای فدیوان حالت انقلاب دست داده درجه  
 ارتفاع ترمومتر را در کمال سرعت گرفته و سه نفر از بله بار را امکنیدن کوه کرده نموده و مراجعت کرده برفنا  
 دو تم بله های فدیوان رسیدند و عمل دیگری که بواسطه چوب در لیجان باید بشود از شدت زانف  
 یا نتوانستند بله بیاورند و ساعت و نیم بگذرد و بمانده عود بمنزل و در نهایت سرعت و سستی  
 بقریه کرنا که در پای کوه است وارد شدند

۲۶۹۷

ارتفاع طهران از سطح دریا	ارتفاع قصر سیاوران	ارتفاع نیاوران از دریا	ارتفاع قصبه داماد دریا
۱۱۲۰ ذرع	۴۹۰ ذرع	۱۰۱۵ ذرع	۳۴۰ ذرع
ارتفاع آب گرم از طهران	ارتفاع اول برف از طهران	ارتفاع اول برف از دریا	ارتفاع بند حکیم صاحب از
۸۷۷ ذرع	۲۶۱۱ ذرع	۳۱۰۱ ذرع	۳۳۴ ذرع
ارتفاع ماشی بند از طهران	ارتفاع قلعه چاه آتشی داماد	ارتفاع قلعه چاه آتشی داماد	ارتفاع قلعه چاه آتشی داماد
۵۴۹ ذرع	۵۹۹ ذرع	۷۰۱۱ ذرع	۲۱۰ ذرع

درجه ارتفاع ماروسبر درجه ارتفاع ماروسبر درجه ارتفاع ماروسبر از قله داموند ۷۹  
 از طهران که معروف از نیاوران هزار و یک متر داموند هزار یک متر درجه سراسر که در بخش می آید  
 درجه ارتفاع جویا هزار و یک متر که از قله فرانس است تقریباً یک کره از زرع ایران کمتر است

۳۴۲ ۶۲۵

درجه ارتفاع جویا درجه ارتفاع جویا درجه ارتفاع جویا که یک از آلات ارتفاع از نیاوران از قله داموند از طهران

۲۲۱ درجه ۲۱۵ درجه ۱۱۲ درجه

اجبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده نوشته شده  
 از قرار یک از روزنامه های فرنگستان در جریده تاج اوش اسلامبول نقل کرده اند در شهر سبوع  
 که تابع دولت استریت شخصی تاجر امته موجوده خود را فروخته و سخاوه آنرا که مبلغ شصت هزار تومان  
 میشد نقد کرده برداشته بهمتی دیگر میرفت در حین عبور از پلی سه نفر دزد باو برخوردند پول او را گرفته  
 و خودش را به آب انداخته و خود را بگوشه کشیدند در آنجا کرسنه شدند یک رفیق را فرستادند  
 که غذائی خریدند بیاورد بعد از رفتن او دو نفر دیگر باهم گفتند که اگر این رفیق را دفع نکنیم قمت او هم مال  
 ما میشود و مصمم گشتن او شدند آن رفیق هم در بین رفتن چنان کرد که اگر این دو نفر را دفع نمایم همه این  
 سخاوه مال من خواهد بود پس طعامی خرید و سوسم داخل او کرده برای آنجا آورد همیشه نزدیک رسید  
 آن دو نفر بنا بر مواضع که باهم کرده بودند فوراً او را به طرف کلوله تفنگ نمودند و پس از اتمام او و جوار  
 با نصابه قمت کرده باشتهای تمام سبب طعام رفته لغز چند بجا رنبرده راه رفیق را سپردند پس از چند  
 روز دیگر کیفیت حکومت آنجا معلوم شده سخاوه مرلور الضبط پس حکم کرد تا وارث صاحب سخاوه  
 پیدا شد باو تسلیم نمایند (بقرار یک چند دفعه در روزنامه ها نوشته شده است بجهت تماشای طبیعات  
 بزرگ کشتیهای جنگی فرانسه در کشتی سازخانه مشربوع سوای عالی ساربدول فرنگستان که از هر طرف  
 عزیمت آنجا راننده اند فقط از خود اهل فرانسه دو بت هزار کس بیشتر تاکنون تذکره مرور گرفته اند)

۲۶۹۸

شهر بروج سی و شت هزار سکنه دارد انقدر خلق که بجهت تماشا با پنجا غریب کرده اند البته متجاوز  
از سیصد هزار کس خواهند بود چگونه در شهر مزبور مزبور اسکان و ستراحت خواهند کرد محل تعجب است  
و نیز نوشته اند که اجزای این تعلیمات کشتیهای جنگی از حوض بزرگ بدریا کشیده شده و در دریا  
و از جانب اعلیحضرت امیرالطور فرستاده اجزای موجوده مجلس ملی انگلیس کلا دعوت شده اند و وجهه  
آنها یک قطعه کشتی بخار از جانب دولت انگلیس تخصیص یافته است و هم چنین برای رکوب آبی و اصل  
و تجارت معتبر انگلیس تماشای مزبور صد و چهل و پنج کشتی تاکنون بعین شده است (دیگر از روزنامه  
لندن نوشته اند که ریاست مالک هندوستان از دولت قبل این با یک شخص از وکلای  
انگلیس اجزای آن مرکب از بیست چهار نفر از تجار در تحت اداره و حکم یک قومپانیه است قایم مقام  
هندوستان و سایر مأمورین آن ولایت ببری و انتخاب قومپانیه مزبور عزل و نصب میشوند و حکم  
انگلیس که از دریا وحشی هندوستان ارسال میشود محاسن و سایر مصارفشان از صندوق  
مزبور داده میشود و حال اینکه صد و هفتاد و میان خلق را که سیصد و چهل کور با اداره یک قومپانیه  
و اکثر اشتن نالایق بنمایند و بجهت احتمالی که در هندوستان روی داده تغییر این اصول لازم اند  
در مجلس پالمستو انگلیس از چند ماه قبل این درین باب مذاکرات عمیق شده و چینی قبل و قایل  
و قوع یافته که این قومپانیه اسی بدون جسم است لهذا آن قرار سابق را موقوف داشته قرار  
گذاشته اند که اعضای مجلس اداره هندوستان مرکب از هفت نفر از انگلیس و هفت نفر از اهل  
هندوستان باشد که جمعا چهار ده نفر باشند و رئیس آنها یکی از وکلای انگلیس باشد و در این  
مطلب در مجلس پالمستو مجدداً یک نظام نامه تازه نوشته شده است (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت  
امیرالطور روسته غنیمت ن بلنکرگاه ارتقا نزل سابقاً نوشته شده بود بموجب اجباری که درین  
اوقات از نظر آمده است اعلیحضرت امیرالطور با پنجا وارد شده و بعضی اشخاصشان مدالیه عطا  
کرده اند و دایر با صلاح حال الالی آنجا بعضی تطیقات و تطیقات اجری کرده اند و در لکرگاه مزبور  
در کشتی سازخانه که دارد مجده و آب من چند قطعه کشتی فرمایش نموده و شت روز در آنجا اقامت کرده  
به بطرز بروج معاودت فرموده اند) (دیگر از قرار روزنامه بطرز بروج نوشته اند که املاکی که در  
روستیه است در کاوه آنها پرتیمور باش نام چهار صد نفر و پانصد نفر عمده در زراعت کار موجودند

۲۶۹۹

و این املاک هر وقت فروخته شود این عهد نیز عادتاً حکم امیر صاحب ملک را دارد بطوریکه سنجیده  
 تربیت میکنند و این اشخاص اگر از تحصیل شغف از مالک خود شکایت نمایند قبول نمی شود و این قاعده من تعین  
 از اصول مرعیه آن دولت است در عهد امپراطوران دولت پیش از آنها هر قدر سعی کرده اند که این  
 قاعده را موقوف بدارند ممکن نشده است علیحضرت امپراطور روسیه این قانون را بکلی متروک  
 و لغو داشته در محاکم خود دایر باین مطلب قومیونها تشکیل داده قرار دادند اگر اطفالی در پی مصیبت  
 از قومیونها بطرف وکیل داخل فرستاده شده ازینها سی و پنج هزار کس عادتاً مملوک پنجاه کس از  
 صاحبان املاک بودند قرار داده اند که اینها از قید رقت آزاد و زراعتی که می کنند قیمت مال حساب  
 املاک و دوستی آنها باشد و آنها را با حرت بکار بدارند و ازین قرار چهل و هفت کس و نفوس از قید  
 بندگی آزاد شده مقابل قروض آنها بدستان سند میدهند و قروض آنها عیناً و یا با حرت خدمت  
 ستویه شده و پشت آن سند وجه ضمن نموده اگر کارخانه های متعدد بوجه برداشت حاصل بفتح  
 خبری جنلی و جوه بعضی این اشخاص داده میشود (دیگر از قرار روزنامه بطرز بویغ نوشته اند که بوجه  
 قرار داد امپراطور سابق روسیه با بچه الهی لهستان قرار بود که بزبان له تکلم نمایند و بزبان روسیه  
 حرف نزنند و نظر باین قاعده رفته رفته زبان له متروک شده بود در این اوقات علیحضرت امپراطور  
 روس اذن داده اند که هر کس بزبانی که مطلوب است خواه زبان له یا زبان روس حرف بزند  
 و کتابهای هم که در لهستان نوشته میشود بزبان له باشد) (دیگر نوشته اند که بجهت مصارف زیاد  
 که برای دولت ساردینیه اتفاق افتاده چهل بیان که عبارت از ششادگور با فرائق اعلان کرده است  
 که قرض نماید و تمام این وجه را صرفان طوسقانه بعهده کرده اند که بدهند) (دیگر نوشته اند که صد  
 شهباش بجهت اینکه بخواه تیراوانی کردند دو ماه بسته شده و از طرف ارباب طلب دو ماه مهلت داده  
 شد بعد از دو ماه که گذشته شد در این اوقات بکلی صورت افلاش ظاهر گردیده است) (دیگر از  
 قرار روزنامه های پاریس نوشته اند که هر کس صنعتی ایجاد و اختراع کرده باشد از طرف دولت مدت پانزده سال  
 امتیازنامه با دعا عطا می و از جانب حکومت تا انقضای مدت مزبور باسم پاتنته صد فرائق قید می شود در سالها  
 سابق در فرانسه دو هزار و پانصد کس را امتیازنامه داده اند و در سال گذشته با توجه به هزار و شصت کس را  
 از جانب دولت فرانسه امتیازنامه داده اند

۲۷۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۱۳ شهریور ماه سنه ۱۳۰۰

منطقه دارالخلافه طهران  
 مهتاب اعلانات  
 بهر طرز دیده



مزه چهار صد  
 قیمت روزنامه  
 بهر نزد پیشتر

اخبار واحسانه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این اوقات هوای دارالخلافه اعتدال بهم رسانیده و سیلاب شیرین بعد از داخل شدن میزان سردتر گشته بود لهذا سیرکار اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطانة در روز یکشنبه بعد هم از سیلابی بنا و در این وقت دارالخلافه حرکت فرموده تمامی ارکان دولت علیه و اعیان سلطنتیه از شاهزادگان عظام و وزراء مخام و نظام و سایر خدام و چشم دربار سپهر ام در کابو کوبک هایون بودند بعد از حرکت و تشریف فرما گشتن از قصر بنا و در آن زنبورکخانه در جلوه در چند جای عرض راه شینک زنبورک کردند تقارن چیان و کره ناپچیان در جلوه نواختن بودند در شاهنشاهی راه اعلیحضرت اقدس فیصل اللهی خلد الله ملكه و سلطانة تشریف فرمای کارخانه ریجان رتبی جلوه آری با فی شدند و بدقت تمام ملحوظ انظار مهرانا بطو کانه کردند در انجام آنجا امر اقدس اعلی صادر شد و این ایام از کثرت عیال و کار کردها تمام سبب آنجا قریب با تمام است آفواج قاهره متوقف دارالخلافه از زر قصر خانی الی بالای نغارستان که معبر موکب فیروزی کوکب بود و صف نظامی کشیده شرفیاب حضور مهرانا حضور و الی کرد و نواب و الامم محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه و توابع و سایر چاکران و کارگذاران و صاحب منصبان متوقف دارالخلافه با استقبال شرافت و تقدیم قربانها کرده و لوازم دعا کوئی و شکر گذاریر عمل آوردند موکب هایون چهار ساعت و نیم از روز بالا آمده در باغ نغارستان نزول اجبال فرمودند پس از سه ساعت و ایش سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی در قصر نغارستان و در خارج حصار جا و مکان که چته و وزراء مخام و سایر ارکان دولت ایاری تمام مشخص شده و چادر زده و فرش کرده انواع حلویات چیده و میوه کدو زده بودند خواص و مقربان حضرت کردند و سبب اذن مخصوصی حاصل نموده هر یک بنزل خود رفته سایر چاکران دربار سپهر ام نیز از برای منزل بسازند

۲۷۰۱

و تهنیت جمع گشته صرف سیرینی نموده شده و هر کس با دست راست مشغول گردید (نظر بطور رحمت خاطر سرکار اعلی حضرت  
 اقدس بایون شاهنشاهی در باره نواب والا محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه طهران ایامی که موکب بایون تشریف با  
 نیوران بود و ظهور التفات و عنایت ملوکانه در باره نواب معزنی فرموده بکتاب کعبه ترنمه لالی از طبوس خاص بایون  
 صفت نواب معزنی الیه حرمت گردید) (حجاب بجز استراحت استراحت استراحت استراحت استراحت استراحت استراحت استراحت  
 بقیم دارالخلافه که باذن و رخصت دولت مشهوره خود از دربار بایون این دولت علیه روانه میشد شرفیاب  
 مهر ظهور ملوکانه گشته مورد التفات خاطر بایون آمد و نظر ملاحظه اتحاد با این دولتین فخرین از جانب بایون  
 اقدس اعلی دو طاق و شاکشیری اعلا بجنابش رالیه التفات و عالیجا و مرتضی قلیخان یوزباشی غلامان خواجه  
 مأمور بمهانداری ایشان گردید که الی سرحد از نری بهسراه بوده لوازم توقیر و احترام ایشان را بعل آورد  
 چون طبقات نوکرا از اعلی و ادانی چنانچه در سلام حضور مبارک بجنابشان در رتبت هر یک جای مکان معین  
 در نوشتجات دیوانی هم هر یک را القاب مخصوصست از اینجه در فرامین مختص و در بر و آه مختصر و همچنین در  
 بجا نونی که متداول گشت دو لهجات القاب زیاده شتی نویسد بلکه بیک لقب که شعر بر منصب آن شخص است  
 میکنند و از القاب زیاده احترام دارند و مطربی را با اختصار که الفاظ حوییا مترادف نداشته باشد نویسد  
 ولی در روزنامه این دولت علیه تاکنون بعضی زیاد نوشتن القاب و توقیر و تکریم را باعث زیادتی شان  
 رتبت خود می دانستند و روزنامه نویس نیز بیک حکم محکوم بودن در ذین روزنامه القاب زیاد هر چه می گفتند  
 میداشت و سایر رجال حضرت نیز بنا بر رتبت مقید نوشتن القاب زیاد از خود در روزنامه بودند و این  
 رفته رفته بخایر رای جهان آرای ملوکانه که مجرد از القاب و اوصاف که دید خصوصاً در آن حضرت القاب زیاد  
 و انمود کردن منافعی قانون نوکری است و روزنامه که بنظر اقدس بایون میرسد بطور شش بیشتر شمل بر القاب  
 اوصاف چاکران باشد و در از قاعده ادب است زیادتی رتبت ممنوعه زیادتی خدمت است و ظهور صدق و ارا  
 نه نویساندن القاب زیاد و لهذا بعد از این حکم محکوم بایون رسم زیاد نوشتن القاب طبقات نوکر درین روز  
 ستروک و منوع است شاهزادگان عظام بلب نواب والا و امیرزادگان بنواب فقط و وزیران بجناب و امرا  
 هر یک با اندازه شانی که دارند بیک لفظ گفته باید نمایند و تکلیف زیاد نوشتن القاب در روزنامه نکنند  
 نظر بطور مرحامه ملوکانه در باره نواب والا مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران مملکت فارس و ظهور خدای  
 نواب معزنی الیه در نظم و انضباط امور فارس که معروض اعجاب بایون افتاد و بکتاب کعبه ترنمه مبارک است

۲۷۰۲



کرده مقرب انخاقان حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک حامل آن شد (خدی سابقاً مقرب انخاقان حاجی میرزا  
علی اکبر قوام الملک با بعضی و اسبگان خود بدربار معدلت مدارهایون برای بعضی مطالب و مستدعیات  
خود آمده بودند این ایام اولیای دولت قاهره مطالب ایشان رسیدگی کرده حضرت انصراف دادند  
روانه مملکت فارس شدند و باین تفصیل با عطای مناصب و خلایق فخره سرفراز گردیدند

مقرب انخاقان حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک مقرب المحضه العلیه میرزا حسنعلی خان که سابقاً دریا علی بود  
با عطای حامیل میرنچی و یکتوب چینه ترمه یکتوبی منصب استغای مملکت فارس و اعطای یکتوب چینه ترمه  
سرفراز شد

مقرب المحضه میرزا علی محمد خان با عطای منصب عالیجا میرزا علیخان و له مقرب المحضه العلیه میرزا محمدخان سکرچی  
و کالت رعایای فارس و یکتوب چینه فارس با عطای یکتوب چینه ترمه سرفراز گردید  
ترمه سرفراز شد

چون بعضی از ارتقا فاعالتها که در روزنامه محققه سابق نوشته شد کاتب بخود در وقت استکتاب ننوخته  
بود لهذا مجدداً صحیح و بی غلط آنها نوشته میشود که مشبه نمایند

۲۷۰۳

ارتقا فاعل طهران از سطح دریا	ارتقا فاعل قصر نیاوران از سطح دریا	ارتقا فاعل اب کرم لاریجان از سطح اول برف کوه دماوند
ال لایب زریه	سطح دریا	از دریا
ال لایب زریه	سطح دریا	سوی تریه دریا
ارتقا فاعل قله کوه دماوند	ارتقا فاعل قله کوه دماوند از سطح دریا	
از طهران	سطح دریا	
صاحب زریه	سطح دریا	

### سایر ولایات

از فرار روزنامه و نوشتجاتی که از اغلب ولایات رسیده است حکام و صاحب اختیاران ممالک  
محمود و جن عید مولود مسعود سرکار اعلیحضرت اقدس عالیون شاهنشاهی قله الله علیه و سلطانه را که در  
ماه صفر المنظر بود در نهایت شوهر و اس گرفته و شهر را این بسته شب چراغها نهادند در نور عید نور  
لقانون اعیاد معظمه مراسم سلام و شتیگ و خطبه را بعین آورده بعضی تا شبانه روز اوضاع آیین بنی  
و چراغانی و عیش و شادمانی را برپا داشته و بلاستی وجود فایض الحودهایون اطعام و انفق و ضعف

نموده اند و همه مردم بشکر گذاری و دعای دوام و از دیاد دولت جاوید مدت علیه مشغول بوده اند  
 اوزر باچان و فارس و کرمان و خراسان نهایت انظام و امنیت در هر یک  
 ازین ولایات حاصل است و حکام و صاحب اختیاران در نظم و ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و  
 انجام خدمات و مقامات دیوانی و نظم و امنیت طرق و شوارع و سرحدات مراقبت کامل دارند  
 و نهایت فراوانی و ارزانی در هر یک ازین ولایات حاصل و مردم بدعا کوفی ذات اقدس تعالی  
 استغاثه دارند و سرفقت و شرارت کمتر اتفاق می افتد و ارا الامیان قسم چون بعد از  
 حکایت غزل میرزا آقاخان بعضی از اشعار و جمال قسم بپاره و حیالات فاسده افتاده بتمام  
 شرارت و شیطنت آمده بودند بر حسب امر قدر قدرتهای یون عالیجاه فرج سبک تغلدار مسرکار آفیس  
 نامور قسم و سوه کردید که اشعار را بتنبیه نماید بقرایکه مثالی را بیه نوشته بود کمال امنیت و انتظام  
 در امور آن ولایت حاصل است و مرتکبین شرارت مورد عقوبت و سیاست شده اند از جمله چند نفر اولاً ط  
 در شبی از شبهای همین روز در محله باغ پنبه که از محلات قلم است رفته بودند در خانه سیدی  
 لور یا باف زن حاکمه اورانی عصمتی کرده بودند مراتب اطلاع خان حاکم رسیده محمد هاشم خان  
 فرانسش باشی را امر نمود آنها را گرفته و بتنبیه کامل نموده و کوشش آنها را بریده و چهار کرده بازار کرده  
 که عبرت دیگران بشود (دیگر در دو فرسخی شهر فریزارد زده بود و حوز چن اورا که شکیلی صاحب  
 از نقد و حبس در میان آن بوده است پرده بودند صاحب حوز چن بشهرامه بخان حاکم عارض شده و  
 بقرآشباشی گفت که مال مسروق را با دزد حکما از تو میخواهم مثالی هم چند نفر از پرده شده متجسس دزد  
 حوز چن برآمده در اطراف بخان دو فرسخی حوز چن را از میان چاهی پیدا نموده آوردند بهمان نوعی که  
 بود بدو نوبت و نقص آورده متجسین صاحبش کرده و قبض از او دریافت نمودند و اراالدوله کرمانشاه  
 بتاسیخ شهر محرم نواب والاخادالدوله حکمران کرمانشاهان بطرف هارون آباد و ماهی دست و کردند  
 و کوهاره بعنوان سرکشی و رسیدگی با فواج و پرداختن مواجب آنها و رسیدگی بجمیر و باطاعت عرض راه  
 زوار رفته بودند و از هر بابت رسیدگی معقول نموده مواجب سرباز را پرداخته و سرباز را مستحق  
 برای رباطات مشخص کرده و جمیع صاحب منصبان را نوازش نموده و فراخور حال هر یک راجعت التفت  
 نمودند سفر نواب معری الیه دوازده روز طول کشید و درین مدت متعجبان نظر بخان سرتیب فوج کلپاچکان در شهر نایب  
 بوده و کمال کفایت را ظاهر کرده است

۲۷۰۴

سر و سرکار نواب الاحتمالدوله حکمران برود و عسکرتان و لرستان در بر و بر مشغول نظام  
 امورات ایالت متعلقه بود پیشه فوج ناصیه و سواره هون در اینجا با نهایت نظم بوده اند و فوج زرندی که چندی در  
 خارج شهر توقف داشته اند با اینکه در پهلوی باغات و کنار بساتین و زراعت چادر زده بوده اند اما هیچکس  
 سر باز و غیره جرئت دست اندازی و ضرر بر نمی دوشد و خوشه انگوری کرده اند و اینها کاکاوند که سالهای قبل نزد حاکم  
 رود و میکردن چون سال است نظم کلی در امورات آنها داده اند نواب اشرف والا حوین آنها را به برود و خود  
 عالیجاه که خان که مطهار وی شهر آباد می ندیده بود خود بشهر آمد چند روزی توقف داشته نواب والا قرار  
 امورات آنها را داده و خلف داده مقرر کرده اند **عسکرتان** لقا یک در روزنامه اینجا نوشته اند  
 نواب امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم عسکرتان در دارالمؤمنین شوشتر که مقرر حکومت است بوده اند با شرف و اعمال  
 دیوانی هر یک بهرجائی و هر ولایتی که مأموریت دارند مشغول انجام عداوت دیوان علی بنیام مقرب انجمن خندان  
 سرتیپ فغانی باد و فوج خود در سر خدمات تحوله بوده اند تمام اهالی اینجا از خود سرتیپ و صاحب منصبان و آغا  
 و افراد سرباز نهایت رضامندی را دارند و عالیجاه محقق خان سرنگ که با پانصد نفر سرباز و یکصد آه و کوب  
 با مو و خویره شده اند در کمال نظام بخدمات تحوله مشغول اند و تمام راهب طرق و شوابع و آبادی اولاد  
 و اسودگی رعیت دارند و عالیجاه حیدرخان والی با سواره جمعی در خویره است اهالی شهر و اعراب خارجی با دیده  
 رضامندی را از حسن سلوک عالیجاه مشا را دیده دارند عالیجاه محقق خان سرنگ توپخانه نیز با سایر صاحب  
 و توپچیان مشغول انجام خدمت تحوله بودند در باب تعمیر توپها که از اولیای دولت علیه امر و مقرر گشته بود  
 و لوازمات توپ چهل و دو پوند را با تمام رسانیده و سواره آمده کرده اند و سایر توپها را هم قریب است که در  
 نهایت پاکیزگی سواره آمده نمایند و قورخانه که سرکار نواب اشرف والا حتمالدوله مقرر داشته بودند در قلع  
 شوشتر ساخته شود این اوقات با تمام رسیده و در نهایت خوبی ساخته شده است پنج طاق از پیل شوشتر از  
 چند سال قبل خرابی بهم رسانده بود و ورین سبب ریاتی باران و سیل زیاد تر خراب گشته بود نواب والا حتم  
 زمان رفتن سیلاب برپا آمده و خرابی پیل را بدقت ملاحظه کرده نواب امیرزاده فرمایش فرموده بودند که در حکام  
 کم شدن آب بنای تعمیر و درست کردن خرابی پیل را بگذار و تعمیر نماید از اوایل ماه ذی حجه اسحرام که است نای کم  
 شدن را کرده است بنای کار کردن را در سربل کرده اند و هر روز در کمال دقت بکار کردن مشغول  
 و مقرب با تمام خواهد رسید

۲۷۰۵

### انتخاب دول خارج که از روزنامه های خارجی هم نوشته شود

از فرار روزنامه ندن مجلس پارلمنت انگلیس هر سال در اول بهار مفتوح شده چند ماه امتداد یافته پس از آن تعطیل  
 و اعضای مجلس بزور مقسم بد و نصف است یعنی دو مجلس سوا سوا یکی مجلس وکلای قتی و یکی مجلس خوانین و دومی  
 اعضای مجلس قتی از طرف ملت انتخاب میشود و اعضای مجلس دولتی از جانب پادشاه معین و نصب میگرددند  
 و کافه قوانین و نظامات سایر ممالک اول در مجلس معبوثان ملت سه دفعه مذاکره و مطالعه شده با اکثریت  
 قرار گرفته بعد از آن مجلس خوانین دولتی حواله شده در آنجا نیز سه دفعه مذاکره و مطالعه میشود اگر اکثریت  
 را بجل آید آن امر مجری میشود و الا فلا و این اعضای مجلس پارلمنت بقانون عیسوی که من القدیم معمول انگلیس است  
 در وقت مأموریت باید باین خود قسم بخورند و چون ملت یهود ازین تکلیف یعنی قسم خوردن انکار و  
 باین جهت از آن ملت کسی را داخل اعضای مجلس قتی نمیکنند ولی از آنجا که این قسم منافی قانون ازادی که از  
 اصول قدیمه انگلیس است پس این لکچور را بکرات در روزنامه ها نوشته اند از ده سال قبل ازین تا کنون  
 روز شنبه نام صرف مشهور یهود در آن دولت و ملت فزادان دارد ملت یهود از جانب خود وکیل انتخاب کرده  
 هر سال مجلس قتی انگلیس خوانسته اند و از اعضای مجلس نمایند و بسبب این تکلیف رده شده و قبول مجلس قتی نگرددند  
 در این اوقات مابین وکلای جدید دولت انگلیس باز این گفتگو میان آمده و اکثریت آرد این خصوص ظاهر  
 در سه محترم روز شنبه فور در پیش روی مجلس قتی مابین موسوی رسم تکلیف بعل آورده اند داخل مجلس قتی  
 انگلیس کرده اند (دیگر از فرار روزنامه های فرنگستان چون بودن مزید و سایر کسافات در درون شهر  
 باعث حلق و امراض نفوسانی میشود از جانب وکیل خسته دولت فرانسه در هر محلی از ممالک فرانسه  
 تریب داده اند که رفع آنچه احداث عفونت می کند بنمایند) (دیگر نوشته اند که تعلیمات بزرگ شتهای  
 حکمی فرانسه که در شهر بوزن میشود از جانب اکثر دولتهای فرنگستان یک کشتی و دو کشتی با بنجارا سال میکرد  
 از جمله از دولت پروسیه نیز دو قطعه کشتی با بنجارا سال شده است و نیز نوشته اند که اعلیحضرت ملکه انگلیس هم  
 که از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه بشرف بوزن دعوت شده اند در محبت ایشان شش کشتی بزرگ بنا کرده  
 و یک قیاق وسی جهل کشتی بخارج حرکت می کنند) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که اعلیحضرت  
 امپراطور روس بلنگرگاه ارفانزل که در بحر سفید واقع است غنیمت کرده و بعد از آن بعضی ممالک خود را  
 کردش نموده از آنجا بجانب لیستان غنیمت خواهند نمود از فرار روزنامه بطرز بوزن که بعد رسیده است  
 اعلیحضرت امپراطور اراده کرده اند در لنگرگاه مرفور در بعضی مواقع قطع و استحکامات دیگر بنا بکنند و با

۲۷۰۶

۷

بعضی ارکان حرمیه را همراه خود برده اند و همچنین نواب و ولید امیر طور روس نیز در خدمت مدد خود  
 کرده اند (دیگر از فرار و تفرقه میگزیند و بر غایب خدای که در ایالت فین لند که در سواحل دریای با  
 واقع است کنی دارند از جانب اعلیحضرت امیر طور روس حکم شده است که این اشخاص بعد از این سزا بندگان  
 اینجا اقامت نمایند باید بجهت دولت مزبور قبول کنند و پانته که در اقامت و پابورت داده شود و در  
 قبول این معنی سجد عمارات آنها نیز قرار برون از جانب امیر طور رحمت میشود) (دیگر از فرار و روزنامه های ننگان  
 از جانب قوم پانته هندوستان دو کشتی بسیار بزرگ که بنقص قدم طول هر یک سه و در وقت ضرورت بخارا  
 کرده باز هم وصل نمایند و یکفوج سواره نظام در بالای آنها با حیوانات جاگیر شود و بعد از آنکه با تمام سینه  
 در نهر غارت نام هندوستان در کار باشند در لور پول بدست گرفته میزنند (دیگر نوشته اند از فرار  
 معلوم اهل نقشه و جغرافیا است مملکت چین لغبت اقلیم بزرگی است و لغت را آبادان است که عدد نفوس  
 از شصت و دو سجاو است طبایع و احوالات اهل آنجا بسیار عجیب است اقلیم مزبور بطول پانصد فرسخ در میان  
 یک سو جیم واقع است لغت حاصل آورست که هر خیزی در آنجا کمال لعل می آید و اهل آنجا ادیان مختلفه دارند  
 اغلب بت پرستند و بعضی تنها که مخصوص با آنها و هندو است می پرستند و سواى آنها صد هزار کس عیسوی  
 و ده هزار از اهل اسلام میباشند و اهل اسلام از اولاد کانی تنند که در عهد حکمرانان پانجا رفته اند  
 ولایت و جمهوریت مملکت و کثرت مالی آنجا ظاهر آشکار است چین از یک طرف تا طرف دیگر مانند باغی است  
 زراعت را آنجا با حیوانات می کنند کلا بدست شیار و زراعت می کنند حکم هر خیزی را اول در محل مخصوصی  
 بعد از آنکه سبزشد از آنجا سبزه او را کند و جای دیگرش می کنند باین جهت در سایر اقلیم حکم یکی در شش و  
 شصت پانزده و سبب لعل می آید و در چین تخم شتا و تا صد و سبب لعل می آید مملکت چین پر از آدم است و اکثر  
 نفوس جاواده و حیوانات کم شده و در کاری که از حیوانات ختم میشود انسان مباشرت آن کار را  
 و اکثر نفوس که در خشکی گنجایش ندارند بسیاری در روی نرها مانند فاهنا از چوب ختم با عیال و  
 اطفال زمستان و تابستان در آنجا گذران می نمایند اهل چین شیاعت و هندو دارند ولی بسیار با فریب  
 و شیطان خیال کنند و مثل است که اهل چین همه کس را فریب می دهد و لی چینی را آنچه حسنی کسی دیگر  
 فریب بدهد مع بدال بسیار صفات خوب دارند پادشاه و پدر و مادر خود را بسیار رحمت می کنند و چینی  
 از خوششان خود هر کس را که فوت شود بسیار رحمت می کنند و در سر مرار آنها طبقها با ماکولاستند

۲۷۰۷

و بجای بانی کاغذ نیوز اندر زر که کاغذ سوزاندن را بقانون بت پرستی خودشان میدهند و بکلام عابد تر از بدستگاه  
 نیوز اندازند این چنین ارباب هنر صنعت اند و بجهت آنکه چند کورکتخانه دارند فقیر و غنی کلا خواندن و نوشتن میدهند و  
 نادر است که بی سواد در میان آنها باشد در شهر بکین که پای تخت آن مملکت است هر روز روزنامه که تصنیف است  
 صفحہ است طبع و نشر میشود و مساوی اینهم در هر یک از شهرهای بزرگ چین یک کاغذ روزنامه در کار است اگر چه چیزی تازه  
 اختراع و ایجاد نمی کنند ولی هر صنعت غریبی که بدست آنها بدیند شبیه آنرا چنان می سازند که با اصل هیچ فرقی نمیتوان کرد  
 تصاویر خوب نقاشان بر فرنگستان راجحان نقل می کنند که خود نقاش نمیتواند فرق بدید که کدام کاغذ است و کدام  
 از روی او ساخته شده است حتی یک فرنگی قبای تازه خواسته بود بدو زد و قبای کهنه خود را باها چنانچه از آن نقاشان  
 چینی داده بود که از روی او برود و زد و خیزد و از روی آن قبا برید و دوخته کهنه کرده آورده بود بطوری که حساب قبا  
 تیر نمیداد که کدام یک تازه دوخته شده است بعضی صنایع عجیب دارند از جمله از دندان فیل مانند سبک و نارنج کوئی میسازند  
 مشبک و پیچیده پرده تومی هم از یکدیگر سوا که عقل در تصحیح آن حیرت دارد و این قبیل کارهای غریب سازند و از قدیم بود  
 از اینها معلوم است که صنعت طبع و چاپ که در فرنگستان چهار صد سال قبل ازین شیخ شده و دو هزار سال قبل ازین در چین  
 گردیده است و بار و ط که با فصل است در فرنگستان متداول شده در هزار و پانصد سال قبل ازین ایام در چین اختراع  
 و در تواریخ مسطور است مالک چین از خط استوای شمال از بیت درجه و نیم الی چین و یک درجه متاست و هویش در بحر  
 مختلف بعضی اوقات طرف شمال شدت سرد و طرف جنوب غایت گرم میشود و ازین چین هر نوع محصولات بیرون می آید  
 این پس از غریب است حروف تهجی که بزبان عرب بیشتر حروف است بزبان این چهارده هزار حرف است حروف  
 تکستان غیر از حروف تحریرشان است و هیچ یکدیگر شباهت ندارند چون تصادفاتیه این چنین در تجارت بیشتر است که  
 که اندو کرد و رالی ده کرد و رای ده شده باشد از تجارت شمارند و اگر کمتر از دو کرد و در آ باشد از تجارت محبوب میدارند بعضی  
 تجارتها که درین ولایات متداول است و در جزایر هند پس از این وجود است و مقابل طلا داده و سکه میشود دارند از جمله  
 پرستوک که مانند سیریم چیزیت نوعی از کالاهای خیلی مرغوب آنهاست که بسیار گران بهاست و ازین شو با پنجه میجوید و  
 در هنگام محاربه انگلیس چین یک کشتی از این چین که حمل ازین شبانه پرستوک بود بدست سر کرده قسطنطنیله قیام کرد  
 بمصرف داشته را کردند بعد که معلوم دو کرد و قیمت آن بوده است تا سفت خورد که شمار باین خوبی را چه از دست  
 دادند و ایام بنی مالی خارجه را از هر طرف که میرفت چین راه میدادند تا وقتی از طلب کوتیک عیسوی بعضی محذورات ظاهر  
 شد بعد از آن راه اهل خارجه را از چین با در و مالک چین برید موقوف کردند مگر بندر شهر کانتان و غیر از آن بندر دیگر  
 از شهرها و بنا در ولایات اهل خارجه را راه میدهند

۲۷۰۸

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم مهر سنه ۱۳۰۴

منبعه دارالخلافه طهران

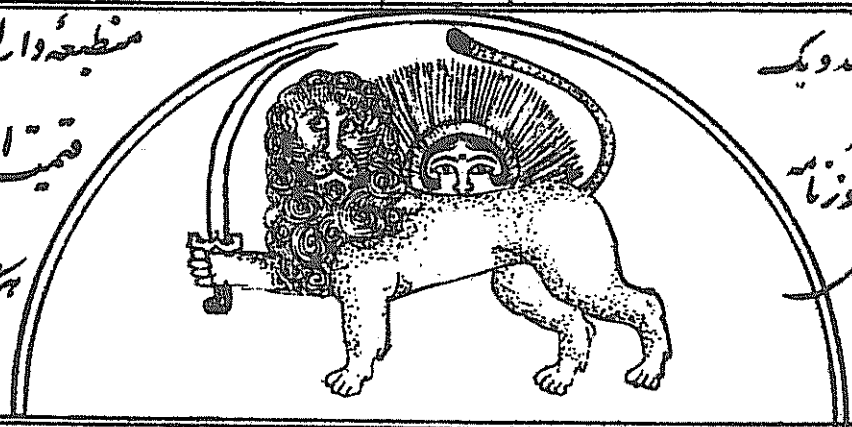
شماره چهارصد و یک

قیمت اعلانات

هفت روزنامه

هر سطر ده

پنجاه



## اخبار واحداثیات محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در این اوقات که موبک هایون اعلیحضرت آقدس شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه در عمارت  
 نگارستان تشریف فرمایند و وزرای فحاش و امیرای کرام و سایر خدام دربار پادشاهی  
 هر یک در نمازین مقرونه خود حاضر و مراقب اوقات خدمت معینند بوده هنگام سلام بتقبیل خاک پای  
 هایون شرفیاب میشوند و از حسن مراقبت و رعایت شرایط خدمت دقیقه تهاون ندارند ارباب  
 عراض و حاجات که از بلاد بعیده و قریبه روی امیدواری بدربار شهبازی آورده اند تمام معطل بودند  
 میانس تو جهات اعلیحضرت شاهنشاهی و برکات او امر علیه که در انجام مطالب و مقاصد آنها شرف  
 صدور یافته است باستظهار و استظهار تمام مطالب خود را معروض نمودند و امور اغلب عراض صورت انجام  
 یافته رخصت انصرف حاصل کردند بعضی دیگر هم تدریج در انجام معاودت میباشند و ازین روگذر  
 نهایت امیدواری و شکرگذاری عموم رعایا و بریارا حاصل است ( اگر چه رجب اراده علیه  
 اعلیحضرت شاهنشاهی همان الله شود که عن التتائی که مهبط الهام و مدار مصطفی عالم است متعاقب جان  
 تقییری که در پیشکار فرمودند مناصب معتینه برای چند نفر از اعیان دولت و ارکان حضرت که بحکم  
 و استعداد هر یک در پیشگاه خاطر ملکوتی مناظر جلوه ظهور یافته بود مشخص فرموده بودند چنانکه در روزنامه  
 بهفته گذشته ثبت افتاد و لکن صدور و فرامین مطاعه و اعطای خلایع و جوایز سینه برای تعیین ساعت  
 که منظور نظرافت اثر است تاخیر افتاده بود و این روزها بر حسب اراده علیه لوکاز معرب انجانان

۲۷۰۹

میرزا رضای بنتجه باشی که احکام صایبه و مهارت ثاقبه او بارها در حضرت اقدس علی تجرت سیده  
ساعتی سعد معین کرده هر یک از رجال دولت قاهره و خدام سلطنت با هر از قرار تعیین ذیل تجلیغ

جناب امین الدوله	امیر الامراء العظام نظام الملک و الامام سپهسالار
جبه ترمه در معقول قبا ترمه	یکمضه شمشیر کل و خجسته ترمه دور حاشیه
کلا تون و لوله کلا	کرک مرصع مکتوب بالاس
باشم مرصع مخصوص	
شترابه وارید	

جناب وزیر دولت خارجه	جناب مستوفی الممالک
یکشوب جبه ترمه در حاشیه	یکشوب جبه ترمه در حاشیه

امیر الامراء العظام معتمد الدوله	حجت رضا شیر الدوله
یکشوب جبه ترمه در حاشیه	یکشوب جبه ترمه دور حاشیه

امیر الامراء العظام ایشیک قاسی باشی	مقرب انخاقان نصیر الملک
یکمضه خنجر مرصع	یکشوب جبه ترمه در حاشیه

۲۷۱۰

فاخره و عطای شینه سر فرار کردید و در روز شنبه عیت و سیم سلام عام منعقد شده هر یک از  
رجال دولت علیه در مقام مخصوص خود متوقف و شرف حضور هر ظهور طوکانه مشرف آید علیحضرت  
شاه شاه جهان پناه خداوند تعالی ملکه و اجری فی سحر انجلود فکله بمقتضای حال و مقام کلمات بلاغت  
سات بر زبان مبارک جاری فرموده شرف خطاب مستطاب راجب امین الدوله مبذول و  
هر یک از رجال کبار را العواطف شاهانه شمول فرمودند و امر قدر قدر اقدس علی عهدیه هر یک  
از امنای دربار شوکت مدار شرف صدویافت که در تقدیم خدمات مقررده خود ایمان و توجیهی  
معمول داشته از لوازم و مقتضیات مناصب معنی غفلت نوز زیده کلیات امور دولت را بعضی  
خاکپای اقدس همایون برسانند (مقرب انخاقان غیر رخاں سردار سابق عا که مضموره  
که بعضی شخصی ملاحظات منکره بعضی از حضور اعتبار مقدسه شاهانه محروم شده بود این روزها  
بر حسب اراده علیه موجب فرمان همایون بدربار سپهر مدار احضار و شرفیابی خاکپای اقدس علی بر  
کردید



مقرب انخافان مجنون سپهر که چندی قبل مأمور مراقبت انظار مملکت از دیباچان بود این روزها احضار دربار شوکت ارشدند  
 پیران منصب بر صنایع و معادن و تجارت و اجودانی خاصه و سایر امور که در اعطای کیش و جبهه ترکشیری قرین است  
 تحویل داری و جو خاصه حبیب رک و کالت حاکم کاشان بجا بیا مقرب انخافان میرزا هاشم خان که سابقا عمل کتابخانه  
 و سلاح خانه مبارک بجا بیا شارالمیة محول بود رحمت کرد (مقرب انخافان میرزا نعیم شکر زین باشی فارس کندی با  
 عرض مطالب خود در دیباچان بود این روزها اولیای دولت قاهر و ارسی مطالب در اکرده و مبلغ دو سیت تومان بر معری سابق  
 او افزوده کیش و جبهه ترکشیری خلعت مرشد (جناب امین الملک و سفیر کبیر دولت علییه ایران فرخ خان که مدت  
 با ماموریت و صفحات او و پادشاهان خدات محوله مشغول است و اجاب دولت علییه اذن و حست داشت هر کد امیکه از  
 و فرامای نوکتن میل معاهده معاشرت و دوستی و تجارتی با این دولت علییه داشته باشند و جناب معنی الیه مصلحت در معاهد  
 با این دولت بدان موافق قاعده و قانون و دستور العلی که از اولیای دولت علییه در دست دارد با آن دولت عقد معاهده نماید  
 لهذا جناب معنی الیه بادل چند در نوکتن قرار است عهدنامه داده پس انرض و اظهار و حصول اذن از دولت علییه فر معاهده داده است  
 و از طرفین عهدنامه نوشته شده با مضای دویس سیده و تسلیم و کلاک است و در بعضی تفصیل مذاکراتی که با چند دولت  
 ملت بسته شده در روزنامه های آینده نوشته خواهد شد و ازین دول که بنای دوستی با دولت علییه گذارده و معاهده دولتی تجارت  
 بسته اند اکثری بلکه مجموع را اراده و غم بوده است که ماموری و سفیری بدر بار مصلحت مدار روانه دارند و اقامت دهند  
 جمله آن دول دولت بهیه بیلیک است که با جناب سفیر کبیر معاهده بسته و عهدنامه های دویسین مبادله نیز شده است بندی قبل عرض  
 خاکپای مبارک اعلیحضرت شهبازی رسیده بود که از جانب دولت بهیه بیلیک سفیری لیت شاد در فری بدر بار مصلحت مدار  
 و رای کشته است حسب الامر الاقدس لاعلی تمام سرحداران و حکام عرض راه در توقیر و احترام سفیر نو حکم صادر گشته و معاهدات  
 تعیین شده بود از قریه بعضی اولیای دولت علییه رسید بعد از گذشتن جناب شاد در فر دولت بهیه بیلیک از سرحدین و معاهدات که بواسطه  
 والا محمد رحیم میرزا حکمران ایالت خوی محبت کرده و دست داده بود با جناب رالیه طاقات کرده لوازم پذیرانی را عمل آورده و در  
 احترام الی خوی آمدند و چند روز توقف در خوی را نواب معظالمیه فتمهای اکرامات را عمل آورد نواب الاشا برده رکن الله و حکمران  
 از دیباچان نیز معاهدات و استقبالی مأمور نموده بودند با اعزاز تمام وارد شهر و در سلطه تبریز نموده و چند روز توقف تبریز از جانب  
 نواب والا رکن الله نهایت محبت و ارفقت و بیار جناب را الیه بندول شد مقرب انخافان میرزا عباس خان غلام شهنشاه است که از  
 در دیباچان به معانداری جناب رالیه مأمور بود از دار السلطنه تبریز با اتفاق عازم و روانه در بار مصلحت مدار کرده و در هر کس  
 منزل عرض راه نظرم با هم کلام دویس فخمین و دستور العمل اولیای دولت علییه کل حکام صنایع عرض راه لوازم گرفتار

۲۷۱۱

احترامات را عمل آورد و جناب رز در فرقه‌های خوشی و صیامندیر از عالی میر عباس خان دسیرا مورین و دولت علیه حاصل نمود  
 یوم شنبه بیست و دوم که روز ورود جناب رالیه بدر اخلان و سفارتخانه خودش بود بر اقامت مقرب الخاقان حاجی محمد خان صاحب الدوله  
 چادر پوش بزرگ با چند باب چادر دیگر در طرست که یکفرسخی شهر است همه طاقاقت مستقبیلین جناب معنی الیه زده و مفروش بوده و صندلیها  
 چیده و نیزه‌ها گذارده شد چند خواجه از حلیات و میوهات و مینا و اوضاع هوه و چائی ترتیب دادند از جانب سنی احوال جهان  
 جمعی از معتبرین چاکران در باری بنیوجب با استقبال نمودند رئیس مستقبیلین مقرب الخاقان مسو جان داود خان سیرت و مترجم اول دولت  
 مقرب الخاقان میرزا صادق خان سرنک مقرب الخاقان میرزا محمد خان کلانتر و در اخلان و محمد سیرا مصطفی قلیخان یوزباشی با بنی و غلام  
 و از جانب جناب دیرا موردول خارجیم مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان نایب الزمانه با استقبال فرستادند و فرقه از منزل پیش  
 می آمدند در قرب چادر مقرب الخاقان مسو جان داود خان از چادر بیرون آمده لوازم پذیرائی را عمل آورده با اتفاق داخل چادر نشاند  
 مقرب الخاقان میرزا عبدالوهاب خان از جانب سمرکار اقدس ایون رسم احوال پرسید و مطلقا طوکانه را بجا آورده و آنها را دست مقرب الخاقان  
 میرزا عبدالوهاب خان نیز از جانب جناب وزیر امور دوله و نجاره انهار بهائی و خوش آمدی نمود پس از صرف شری و دهنه و چائی و طیبه  
 مجلس منقضی شده و بنای غنیمت شهر دار اخلان و کردند سه رسل سب از اسبهای خاصه کاری با بر اقامتی طلائی برای سواری  
 سفری الیه و در ریس از برای یک قبل از وقت در چهار یک نفر نامت و دو نفر جلوه دار و چندین چهار رسل سب از اصطلح صده سوار  
 صاحب بهای سفارت منزلور میباشند بود جناب رز در سفر سوار اسب خاصه کاری گشته مقرب الخاقان رئیس مستقبیلین نیز سوار شده  
 بالاتفاق با سایر مستقبیلین اجراء سفارت روانه شدند قدری بدروازه شهر ماندند و بیخ نفر شای با صاحبان  
 خود حاضر بود در همین عصر جناب رز در پیش افتاده الی منزل سفارت پیشش بودند قبل از وقت دست نفر سوار با  
 یادربالبا سبهای پاکیزه موجب تشریفات حسب تعین امیر الامرا الخطام جناب سپه لاردم دروازه حاضر بودند مکام عبور جناب  
 سفری الیه احترامات عسکره عمل آوردند و الی منزل سفارت که آمدند در دم منزل نیز دست نفر سوار با یک نفر با در حاضر بودند و  
 پیاده شدن جناب سفری الیه احترامات عسکره عمل آمد و همچنین ده نفر سوار با یک نفر وکیل بالبا سبهای پاکیزه در سفر تخانه از نه  
 قراولی احترام دائمی حاضر بودند از جانب سنی احوال مقرب الخاقان عین الملک ناظر اعلی حضرت شهرت شهادت  
 نقل و قد که دین تبریک و خوش آمد جناب رالیه بود قبل از وقت فرستاده بودند و سه نفر از متوفیان نظام بدینترجم

۲۷۱۲

مقرب الخاقان میرزا احمد مستور ۲ مقرب الخاقان میرزا ادهی مستور ۲ مقرب الخاقان میرزا علی محمد مستور ۲

با لباس درباری در منزل سفارت حاضر بودند پس از دره جناب رز در فر از جانب هالیونی رسم تعاقبات  
 بعمل آوردند روز دوم ورود جناب رالیه مقرب الخاقان میرزا محمد سخی خان اجدان و مترجم حضور همایون از جانب سنی احوال  
 اقدس اعلی منزل سفارت رفته احوال پرسید از جانب رالیه که در روز سیم مجدت سیرا میرزا شکر الله

مشی خاصه از جانب جناب وزیر امور دوله خارج برای  
 احوال پرسید جناب رز در فر رف

از قرار روزنامه های فرانستان مملکت برازیل که در جهت شرقی قطعه جنوبی یکی دنیا واقع است و در تحت حکومت  
یک پادشاه است که دخلی جمهوری نیکی دنیا ندارد مملکتی است بغایت حاصل آور چون اهل خود آن مملکت خدا  
از وقایع امور زراعت اطلاع ندارند لهذا از جانب پادشاه برازیل مأموزین بفرانستان فرستاده شده است  
که از ارباب بنهر زراعت بقراریومیته دو هزار دینار الی سه هزار دینار اجرت داده کارگرو زراعت کار و  
اهل صنعت بان ولایت بپردازند از قرار مذکور از اهل ای دولت پر دستیه خیلی اشخاص بهین قرار دادیومینه ساهی  
خود را قلمداد کرده غنیمت مملکت برازیل را نموده اند (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین در رویه  
پای تخت استریه لاتاری کشیدند از هشتاد هزار تومان الی یک هزار تومان بدوست حصه و بر طبعی تخمینا  
یک تومان شخصی از اهل جزیره ساقر بر نام که در ترتیه مقیم بود یک تومان داده یک طبق خرید  
بعد از اندک مدتی بجهت دولت تومان فرض محجوس گردید درین پن که در حس بود لاتاری مزبور کشید  
شده هشتاد هزار تومان با اسم او درآمد و وجه مزبور با او تسلیم کردند و اجتناب برودن آمده بکبار  
تومان از وجه مزبور را بشکرانه فقرا و مساکین تصدق نمود (دیگر نوشته اند که در شهر قراره که  
در ایالتی واقع است شخصی تاجر که تجارت ابریشم میکرد هشت هزار فرانق ابریشم فروخته و بخواه آنرا  
گرفته بمقصد خود میرفت درین پن سه نفر خود را بهیئت و ترکیب صبیطه در آورده بزرگ داداده گفتند که  
این شخص که ابریشم از تو خریده طلب زن بوده و ابریشم ترا از او گرفته در کمک صبیطه کردند و بخوا  
که بتوداده است در کمک بخواهند و یک سند ساخته با اسم کمک با دادند که برده بکمک داده ابریشم  
خود را بگیرد و بخواه ابریشم را از او گرفته بی کار خود رفتند شخص مزبور بکمک آمد سند را نگاه کرد  
که ابریشم خود را بگیرد معلوم شد که سند او ساختگی است گذشته از ضرری که بان بچاره خورد خود دادند  
به نصیب کردید (دیگر نوشته اند که در بروت دو نفر یکی از اهل استریه و یکی از اهل رومه با اسم تاجر  
کرده کارشان بخرنانه زده شده یکدیگر را بجنب دول دعوت کردند چون تنها بودند در که با هم بکنج  
با کار اقدام کرده یکدیگر را زخم زده و هر دو هلاک شدند و هم چنین شخصی از اهل پوپو بجهت با شخصی از اهل حردا  
با هم منا زده کرده در بیک او غلی اسلامبول در محفل بانمالتی نام هر دو بهم زخم کار زده یکی فوراً هلاک  
شد و دیگری در حالت ترغ و از اطراف مردم متفحص حال آنها بر آمده چیزی بخر غیرت جاهلیت ازین عمل  
آنها معلوم شد بعد از دعوت دیگران هم بهان خشم کار کرده کاری بود هلاک کردید این اصول جنگ دول بان

۲۷۱۳

و آنکه لیسری باید بقانون حرکتان باید جهت شهادت ده پانزده نفر درین جنگ آنها حضور داشته باشند  
 و جهت جنگ در یک جائی یکدیگر را و عده میگیرند بعضی هر دو طرف بنفسه مبارزه میکنند و بعضی طرف  
 دیگر و کیل تعیین می کنند و در نفر با هم رو برو که شدت آنت جاهده را از پانجه یا حرب دیگر هر چه معین کرده  
 بکند یکرث ان میدهند و هر دو یکدفعه بهم ضربت میزنند هر کدام که از یکطرفش خون جاری شد مغلوب شده  
 در حال دعوا موقوف میشود و این مابین اهل فرنگان عادت قدیمه شده حتی نوشته اند که چهل و شش سال  
 قبل ازین از سلطان عساکر دولت فرانسه شخصی سولیه نام یوزباشی مشهور و معروف که درین کار  
 داشت و اغلب اوقات وکیل شده و نفر که با هم جنگ داشتند یکطرف او را وکیل میکردند و جنگ کرده  
 می آمد و چهارده نفر را باین طور دچار تیغ هلاک کرده بود تا یکی از یوزباشیان دولت مزبور و نقل نام این  
 معنی کران آمده با خود خیال کرده که اگر این شخص باین حالت با چنین اشخاص را خواهد گشت باید دفع او را بکنیم  
 لهذا او را بجنگ اول دعوت کرده بجنگ اقدام نمودند و اما غالبیت از پیچ طرف ظهور یافت و او را کذا شد  
 که در مملکتی دیگر رفته با هم جنگ نمایند و با آنها بره یک ولایت دیگر رفته در آنجا هر دو بر تبه سر کردگی رسیدند  
 سه چهارده سال باین نیت که یکدیگر را تلف نمایند ببردند (دیگر از قرار روزنامه های فرانسه ستاره  
 دنباله دار شمار کن نام که در هر سیصد یکدفعه طلوع نماید درین سوره باز وقت طلوع آن نزدیک شده  
 از ده سال قبل ازین بجهت فرنگان انتظار طلوع این ستاره را می کشیدند در وقت طلوع ستاره سابق  
 بر این که سیصد قبل بود در روی زمین انقلاب و اختلاف کلی شده در نزد بعضی بقین پیوسته که ستاره  
 مزبور طلوع شده و در نزد بعضی بعد ازین باید طلوع بکند و درین باب از منجمن طوسقانه و دانانی نام مشهور  
 ستاره مزبور درین سال بواسطه دورین رصد با مشاهده دیده و حکم کرده که در ماه این عیسوس ظاهر خواهد  
 شد و درین سال پنج ستاره دنباله دار ظاهر خواهد شد از اینها دو ستاره معلوم شده است که از آن  
 سابق است و ستاره تازه و بر پنج ستاره حرکتان از شرق بغرب پیدا و ستاره شمار کن نام مشهور  
 حرکتش هر ایامی که ظاهر شده است از غرب بشرق بوده است و معلوم میشود که این پنج ستاره همگام  
 ستاره مزبور نبوده اند و این مطلب از قرار حکم منجم باشی فرانسه در روزنامه های فرانسه اعلان شده است  
 (دیگر نوشته اند که در جزایر که در تحت حکومت دولت فرانسه است روزنامه علمی العباره تازه بر اه قاده  
 که منقعه یکدفعه اخبار و وقایع داخله و خارج در آنجا طبع و نشر  
 می نمایند

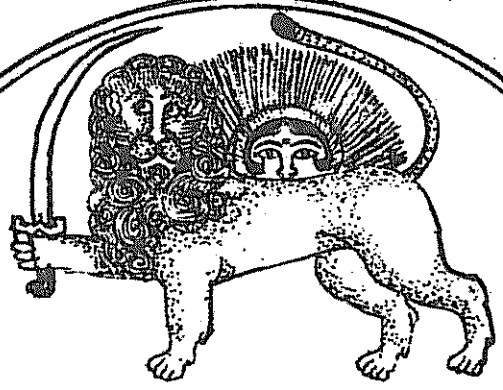
۲۷۱۴

روزنامه قایم القایه تاریخ یوم پنجم شهریور اولی مطابق سال یوسک

منظومه و اخبار طهران

مهر چهارصد و دو

قیمت اعلانات  
هر خط در هر



قیمت روزنامه  
هر نسخه در هر

اخبار واحد ممالک محمد و پادشاهی

دارالخلافه طهران

مؤکبایون که بروقی رسم قدیم این دولت قوی شوکت تویم که غالباً وقت حرکت سیاقات در حاجت اران باغات دولتی  
 واقعه در خارج شهر دارالخلافه فراجت بر اول اجلاس و ضرب سمر اوقات جاه و جلال میفرمودند این دفعه نیز در میران  
 از سیاق نیاوران ملاحظه عادت معروف و تدریج تبدیل هوای مالوف خنجر و زنی نرمت افرازی باغ نکاح سا  
 و طرا و محبت آن سامان بودند یوم شنبه چهارم شهر ریح المولود ساعت گری بغزه بانده که نظرات سخومی  
 بقایم محمود و عوم رفایا و بر ایاد سکنه شهر دارالخلافه یسوق زیارت وجود مبارک شاهنشاهی صمان الله تبارک  
 عن التناهی فقط ساعت معهود بودند از باغ نکاح رستان باراه دروازه شمیران زو بارک مبارک که سلطانی حرکت  
 فرموده سرکار علی حضرت اقدس شاه شاه خلد الله بلکه ابقاه بسبب قسبت میل سواری کالی که نفرموده  
 خدا داد و شوکت و استبداد فوق متعاد که نظیر آن درین سالها و قریباً مطو ایران و ایرانین نبوده سوار  
 بودند وزرای عظام و امیران کرام و امیران تومان و شیرپهان و بر صبان مناصب عظمه نظام اهلی باباس رسمی  
 ترتیب درجات مراتب خود در جلوس بکالیون پیاده ملزم رکاب مبارک بودند مستقیمین اهل شهر از طبقات  
 و رعیت از حوالی باغ نکاح رستان تارک مبارک سلطانی از دو طرف معبر مؤکب کالیون صف کشید و جنبه نشاء  
 مقدم کالیون چرستی فراجت حال خود پیش و پای انداز و قربانی و وجه تصدق و نیاز فحشا و امانه ساخته  
 شاره کالی مبارک می نمود اهل ایران که بالطبع فدوی و دعا کوی وجود فایض السجود مبارکند بسبب زیارت طلعت  
 خردانه و پیشک این تعبیر تازه که مستعمل آسودگی فائده ناس و شعر کمال عیت پردری و مرقم بی قیاس با دشا کردند  
 که باس بود چنان خوش فاضی در دهستان سپیده بود که اهلی مستقبلان و تماشا نشان از برنا و پیرو صغیر و کبیر و انان  
 باز در جام تمام و غلبه و هجوم عام در کوه و بازار و سر در و دیوار با و آریلند زبان عای بقای وجود مبارک پادشاهی

۲۷۱۵

این حالت بوضوح تمام دلالت داشت که بواسطه این تغییرات و فرار دوات تازه دل مردم چه قدر مالامال شخف و شکستی انداز بود  
بعد از آنکه اهل شهر زیارت وجود فایض الحودهایون شفا صده و سباحتی حاصل نمودند در ساعت مقرب لغیر وزی و اقبال نزول اعلان مبارک  
سبار که سلطانی واقع شده و صدای شکر توب از میدان توپخانه مبارک بلند گردید در دیوانخانه مبارک که بزرگ تالار تحت امر میرزا محمد تقی خان  
حاجی محمد خان حاجب الدوله پیش از وقت بکمال تنقیح و نظافت آرایش و زینت داده و نواب الاشا نهرا ده محمد تقی میرزا حاکم دارا غلام و  
میرزا موسی وزیر اطراف دریاچه را خرم خرم کل و یارین قضا و قطار کله انهای یکین و انواع شیرینی و حلویات و قند فواکه و میوهات حبه  
و تعظیم پیشکش و پای انداز در تالار تحت امر کرده بودند بجهت نوازش چاکران دربار معدلت دار که جمعی در رکاب مبارک  
و برخی در شهر دارا غلام و مصدر خدشده بودند بقاعده و قانونی که رسم خاص این دولت قوی شوکت است با عام و صنف  
سلام منعقد گردید مقربان درگاه و جهان بارگاه و عموم خدم و حشم هر یک در سر جاد مقام خود ایستاده سرباز اعلی حضرت اقدس  
شاهنشاه ظل الله جلالت علیه و جعل الممالک در را لایخراط الآسکله تشریف نهایون زینت افزای تحت امر شد در حقیقتی حال بر ماضی  
برخی فریادت ملوکانه خطا با بخت این الدوله فرمایش فرمودند و بعد عقد سلام تجلیه و تحمید و تسبیح حضرت ملک علام منقصدی گردیدند  
هر یک از چاکران دربار معدلت مدار رخصت انصاف یافتند ( آنرغة ماه ربيع الاول الی سیم ماه

امیر الاموال العظام نظام الملک الام سید لاکل عساکر قاهره غلامان فتنین کاب که قریب نیکو از نفر بود در بیرون بخارستان بدست  
هر چه تمام تر سان دیده و اسب هر کدام سقط شده بود و تنخواه معمولی را با نهاد داده سبهای خلی جنوب در حضور امیر الاموال العظام مغزی الیه  
واع کردند صبح سینه چهارم همه این غلامان کمال استکی در باغ بخارستان از سان حضور ما به انورهایون شاه ای ابد الله و نظر  
گذشته مطبوع طبع هایون افتاد و نتیجتی الاموال العظام محمد جمیل خان کیشکی مامی و در ترضی خان تو لکرافاسی که هنگام سان شرفیاب  
حضور مبارک بودند مورد انواع رحمت شده و هر یک با عطا یکیشوب کبچه از طلبوسات خاصه تن مبارک سرفراز گشتند  
و همان روز هم موکب هایون تشریف فرمای مقرب خلاف گشتند ( مقرب انخاقان حسنعلی خان سرتیب فوج اردبیل و سکن  
که با فوج جمعی خود بر کباب هایون حاضر گشته و در نیاوران شرفیاب شده بودند موجب فوج خود را در حضور نظام الملک و اقبال  
سید لاکل عساکر و لشکر زین العظام نفر بنفر پر خنده در سیم ماه مأمور و روانه خراسان شدند چون فوج خود را در کمال  
ار استکی و نظم و شکوه از نظر هایون گذرانده و اتهامات صادقانه و مخلصانه او در حضرت اقدس علی کمال جلوه  
یافته بود مورد و شمول عنایت ملوکانه گشته با عطا یکیشوب جنبه ترمه کرمانی سرفراز گردید ( سوار خسته جمعی  
مقرب انخاقان میرزا ابراهیم خان سرتیب گشته که لبر کردی عالچاه و ذوالفقار خان مأمور خراسان بودند این اوقات  
مراحت کرده شرفیاب بستان اعلی شده از سان حضور هایون گذشتند و در حضور نظام الملک و اقبال سید لاکل  
عساکر قاهره و مقرب انخاقان امین شکر و لشکر زین العظام نفر بنفر موجب خود را گرفته مرض و لایت شدند  
و عالچاه مامور را ایسم مخلص شده مرض و لایت گردید ( چون مقرب انخاقان میرزا ابراهیم خان سرتیب  
سالست خدمت و صداقت را در راه دولت قرین هم داشته و در همه اسفار کمال جهادت ظاهر کرده و در  
مأموریت خراسان نهایت خدمتگذاری را بعمل آورده بود و لهذا محض رحمت مثرالیه را منصب حلیل سرتیبی اول و عطا  
حاصل ایشان مخصوص این مرتبت سرفراز فرمودند ( چون مقرب انخاقان مهر علیخان شیخ الملک همواره اوها

۲۷۱۶

خاطر اقدس هائون ملوکانه راز محاسن خدمتگذاری و جان نثاری خود قرن خرسندی و  
 رضامندی داشته و در نظر امور مشون فارس و وصول و ایصال بایات آنجا و انجام سایر  
 خدمات دیوانی کمال اهتمام را بجای آورده درین اوقات که تنخواه قطخانه راز فارس نهاد دربار  
 هائون و عریضه بدیت فریضه معروض بشکاه حضور مهر ظهور داشته بود محض رحمت خاطر اقدس علی دربار  
 مقرب انخاقان شارالیه میکوب کلجی ترمه از طبوس بن مبارک بافتخار او رحمت فرمودند (نظر بطور رحمت  
 ملوکانه دربار مقرب انخاقان حاجی محمد خان حاجب الدوله در این اوقات میکوب کلجی از طبوس بن  
 مبارک با و خلعت رحمت فرمودند) (چون عالیجا مقرب انخاقان میر حسن الله با شئی مراتب صداقت  
 و ارادت خود را در خدمتگذاری مشهود خاطر رحمت مظاہر سرکار اعلی حضرت اقدس هائون شاهی  
 داشته لهذا در این اوقات بموجب فرمان مهر لمعان مبارک منصبش سفیدی جمیع محرم خانهای سلطنت  
 سرافراز گردیده و میکوب جبه ترمه درازا منصب پور خلعت مقرب انخاقان شارالیه رحمت شد  
 ) (عالیجا مقرب انخاقانیه مصطفی قلیخان حاکم سبزوار که چندی قبل بدر بار معدلت در اربهایون  
 آمد مدتی مریض بود در این اوقات که اشش صحبت یافت شرفیاب حضور مهر ظهور اقدس هائون و مورد عنایت ملوکانه  
 شده میکوب جبه ترمه و یک قبضه شمیر غلاف طلا از جانب سنی اچو انب هائون با و رحمت گردید و رحمت  
 انصاف از دربار هائون حاصل نموده روانه محل حکومت خود گردید) (چون چاق مقرب انخاقان علی محمد قلی خان  
 همواره اوقات مراقب خدمت محوله سجد بوده خاطر اقدس هائون را از حسن خدمات خود رضی دارد لهذا در این اوقات  
 یک طاقه شال کشیری اعلی محض ظهور اتفاقات از جانب سنی اچو انب ملوکانه شارالیه خلعت از صندوق مبارک  
 ) (چون جناب سیو هازی شارر و فرودت بهیچک سمب مصلحتگذاری موقتی وارد و بار ایند ولت علیه گردید  
 و سند امیرت او منحصر بر اهل جناب وزیر دول خارجه اند ولت بود که جناب وزیر دول خارجه ایند ولت علیه  
 لهذا جناب شارر و فرودت برای ملاقات جناب وزیر دول خارجه وقت خواسته بود جناب معنی الیه یوم دوشنبه بیست و پنجم  
 کرده جناب شارر و فرودت با اتفاق مقرب انخاقان میرزا عباس خان همانند سایر مصعبان خود در وقت معین منزل  
 وزارت خارجه آمد و از وزارت خارجه در حتمه لوازم توقیر و احترام را از جناب شارر و فرودت آورد و جناب وزیر امور دول خارجه ملاقات شده  
 شارر و فرودت اهل جناب وزیر دول خارجه بلیک را بجناب وزیر دول خارجه دولت علیه ابلاغ کرده و امیرت خودش را اظهار جمعی  
 معرفی کرد و لوازم مودت و احترام نسبت بان اچو انب جناب وزیر امور دول خارجه عمل اندیشینی چای صرف شد پس از ختم مجلس جناب  
 شارر و فرودت با صاحب منصبان سفارتخانه خود معاودت نمودند

۲۷۱۷

روبره سینه بیست و ششم شهر صفر حب الامر الامیر العالی مقرب المحضه العلیه ابو الفتح خان شیک  
 باجبه ترمه بجه دعوت جنابش در دفتر دولت بهینه بیجک شرفیابی حضورهایون سفارتخانه دولت مزبور  
 رفته بکرس اسب از اصطبل خاصه ابراق طلا برای سواری جنابش رایه و چهار رس اسب  
 سواری صاحب منصبان بردنده نفرزاش با یک نفر نایب و پنج نفر سطر بانایب و پنج نفر اول  
 از سفارتخانه بجو افتاده تا کشیکخانه مبارکه پیش بود دولت نفر سرباز با یک نفر باور بالباسهای  
 رسمی در میدان جلو عمارت مبارکه حاضر بودند همگام عبور جنابش در دفتر احترامات عتکریه عمل  
 در کشیکخانه مبارکه از امرای دربارهایون و چاکران محترم از قرائت تفصیل ذیل بالباس درباری و

مقرب الخاقان مقرب الخاقان محمدی مقرب الخاقان آقا مقرب الخاقان میرزا مقرب الخاقان ابو الفتح مقرب المحضه العلیه  
 عباسقلیان قاجار میر نیچو عباس خان نایب الزور سریت محرم و اجودان

نشان و حایل حاضر بودند بعد از آنکه جنابش رایه قدری استراحت کرده فتوه و چالی صرف شد  
 بحضورهایون احضار گردید امیر الامر العظام مقرب الخاقان شیک آقاسی باشی تبریت و نظمی که مقرر بود  
 جنابش رایه و صاحب منصبان را بحضورهایون برده و مأموریت در چاکه رسم است بعض حضور با بر الشوهایون  
 رسانید و از جنابهایون حضرت درود تالار مبارک ارزانی شد دم پله های تالار و نفر از ناسان اجودان  
 بالباسهای رسمی حاضر بودند احتراماتی عمل آورد و از شاهزادگان عظام بدین تالار حضورهایون حاضر سلاطین

۲۷۱۸

نواب الاعضا و نواب و الامان الایاله لوات و الامت الدوله نواب الاکویرت میرزا  
 علیقلی میرزا فواد میرزا حمزه میرزا

نتیجه الامر العظام مقرب الخاقان محمد عیدیکان کشیکباشی بالباس درباری در سلام مخصوص با چهل نفر از عظام شریفان خاصه شرف اندوز  
 بوده صفت نام داشته بیکه جنابش در دفتر داخل تالار شد بریان و در عرض نیاز و مأموریت خود را بجز چاکه حضورهایون رسانید مقرب المحضه العلیه  
 اجودان و محرم خاصه و هایون تقریرات از زبان فارسی ترجمه نموده مشهوری امیر پیری اقدس علی کردی تقریرات عرض جنابش در دفتر ذیل گال  
 مابین دولتیان فخرین بود کما علی حضرت شریفی با الفا در برانهار بودت دوستی نسبت با علی حضرت پادشاه بچهارم و دو لازم بقصدات ملوکانه در حین  
 جنابش در دفتر عمل جنابش رایه با صاحب منصبان بعد از حتمی حضورهایون بهان تری که آمد بود سفارتخانه خود معاودت نمود

(دویم ماه ربیع الاول جناب وزیر امور دول خارجه بیازدید جناب سیواری شاز در دفتر دولت  
 سفارتخانه آن دولت فرستند



### سایر ولایات

اور با بجان از قراریکه در روزنامه وزارت طبعه تیر نوشته اند بعد از ورود و مقرب انخافان  
 رحیم خان پیشخدمت و ابلاغ فراین جمانطاع بر حسب اعلام نواب و الارکن الدوله حکمران آذربایجان  
 فراین هایون را در مسجد جامع دارالطبعه تیر خوانده عموم اهل شهر از طبقات خدام و عمال در عیال  
 بعد از اطلاع بر مضمون محبت نمون احکام علیه لوام شکر گذاری بدرگاه حق تعالی تقدیم کرده بدین  
 خالصه دعای دوام دولت و از دیاد شوکت شاهی را گفتند سجدت تعالی از تفضلات حضرت نایب  
 در زیر سایه اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه دامت شوکت و سلطنته بکلی را کمال امن و آسایش حاصل  
 و امید داریهای زیاده دارند که من بعد خدمات و جان نثارهای عالی آذربایجان در معرض خاطر  
 ملکوتی مناظر جلوه کر کرده و مقدار خدمات هر یک معلوم شود مردم آنجا از صنف و طبقه در نهایت شوق  
 و رغبت و دلگرمی و راحت مشغول امور خود میباشند و امنیت طرق و شوارع و وفور رزاق و حیوانات  
 و تنزل اسعار آنجا را نیز درج کرده بودند (مقرب انخافان حیف علیحسان میرنجه بعد از زیارت فرمایان  
 هایون با اتفاق سایر ارباب مناصب نظامیه همه روزه در الحاق نظام مشغول نظم امور افواج قاهره  
 میباشند و نیز نوشته اند که خلیفه بزرگ ارمنه با چند نفر اکریشان دیگر دوازده نفر اطفال ارمنه  
 که در مکتب خانه بوده اند بحضور نواب و الارکن الدوله آوردند که این چند نفر نسبت بسایر معتلمین در  
 فوکرش استعربی و فارسی و فرانسوی و حفظ قصاید و اشعار شیرترقی داشته هر یک از آنها بجز  
 ککالات خود مورد نوازش و انعام شد و نواب و الا همگی را امیدواری بر جسم اعلیحضرت اقدس  
 شاهی داده تا کجایت زیاد در تشویق و ترغیب معتلمین کردند) (ترجمه روزنامه موسوم بقفقاز  
 منظمه در تقیلس مطابق دهم شهر صفر المظفر ۱۲۷۵ چهارم سنطابرد در ولایت ماموق نشان  
 و رتبه خود عیدی برپاشده بود مطابق تقویم مسلمانی در این روز اعلیحضرت شهریار ایران  
 ناصرالدین شاه تولد یافته از ابتدای روز صدای سوزنا و سایر آلات طرب اهل مشرق بر  
 جلوی منزل خیرال قوسول دولت علیه ایران مرتب میرزا حسین خان بلند شده بود در عیالی  
 ایران که در شهر تقیلس بقدر پنجاه نفر و اکثر آنها صنعت کامیباشند با بیدق خودشان بیایان  
 خیرال قوسول آمده و در میدان جلوی خیرال قوسول گری جمع شده و از نوازش دامانی و سرور و

۲۷۱۹

که از ایند از یک عت قبل از ظهر خبرال قونسل با لباس رسمی تمام پذیرائی کار گزاران سپاهی و  
 اعلیای را که به تهنیت و تبریک آمده بودند میسر نمود و از اینگونه رفتار طریق مودت و دوستی  
 حقیقی و باطنی دود دولت همچو ار را بطور و بر وزیر رسانیدند و در روز نور تکام مغرب جمع کثیری  
 که بجهت صرف غذا موعود بجزرال قونسلگری بودند شروع به آمدن نمودند میزبان در کمال شکوه بطرز  
 قاعده فرنگستان در اطاق بسیار وسیعی که زینت یافته بود از شمال بهالون تمام قامت و در کمال  
 شباهت اعلیحضرت ناصرالدین شاه ترتیب و آراسته شده بود در اثنای صرف غذا خبرال  
 کنیاز کرکور و تیمر و بیچ او در طیافونف برخاسته سلامتی مستب این مجلس صیافت که وجود اعلیحضرت  
 ناصرالدین شاه است یاد نموده پیاله نوشید و بعد از او خبرال قونسل میرزا حسینخان سلامتی  
 اعلیحضرت امیرطورک با نذر سیکولایوچ و دوام دوستی و مودت باطنی و حقیقی دود دولت متعده  
 همچواریا د نمود بعد سلامتی خانوادہ سلطنت ایران بعد از ان سلامتی نواب و لیعهد دولت روس  
 و کل خانوادہ امیراطوری و سلامتی جناب چائین فقکار و سلامتی اولیای دولت علیه ایران  
 از طرفین یاد نمودند و در آخر سلامتی خود خبرال قونسل و سلامتی کل حضار مجلس مذاکره شد و  
 در اظہار همه این سلامتیها صدای متداوله و تورا با وجد و کمال توجه و مهربانی میزبان نسبت بخصایر  
 معمول میکردید بعد از اتمام غذا که در تمامی اثنای او مورچگان خوب او در پارامشغول زدن بودند  
 میرزا حسین خان حضار مجلس را تکلیف خرج مهمتایی خانه خودش که در میدان جلوی او سباب  
 اش بازی زیاد بسیار ممتازی حاضر کرده بودند نمود در حالتی که کل عمارت خبرال قونسلگری  
 در کمال سکو و پاکیزگی چراغان شده بود و در بالای عمارت دو پرده بزرگ که در یکی طغرای اسم  
 اعلیحضرت امیرطور روس نوشته شده بود و در پرده دیگر که مقابل و برابر با او بود طغرای اسم  
 اعلیحضرت ناصرالدین شاه که درین اوصورت شیر و خورشید مشاہد میشد با آب طلا نوشته شده بود و در  
 اطراف مہتابی بطرزهای غریب قندیلہای روشن آویخته و در میدان جلوی عمارت خبرال قونسلگری  
 در حالت ازدحام و جمعیت تماشا آمدہ بودند صدای مورچگان او را و سوزنای شهری که مخلوط بود و صدای  
 شفت و دمانی عید کنندگان بر بسیل اتصال بود امیرفت ملایمت و خوبی هوا و روشنی ماه تاب نیز این عیدین را که از  
 جمله و قایمات مستحکمہ در شهر اعلیاست موافقت کرد

۲۷۷۰

### اجبار و ول خارج

بقرا ریکه در روزنامه اسلامبول تاریخ المصموم نوشته اند راه آهنی که از اسکندریه تا مصر خریدی قبلاً  
 ساخته شده بود بعد از آن از جانب والی والا شان مصموم اتهام و صرف نفوذ همت کردید که از مصر تملک  
 نیز راه مزبور ساخته شود از قرار اخباری که این اوقات از آن طرف رسیده بوده است راه مزبور از  
 مصر تا پنجمی سوس نیز در این اوقات با تمام رسید است و در ماه آینده رفتن مسافر و سیاح از آن  
 خواهد بود (دیگر نوشته اند که حاجی علی نام از اهل جزایر بواسطه یک نوع اختراع کرده است که خواه  
 در عمارت و خواه در باغچه بهر محلی که اراده نمایند بدون مباشرت انسان بلکه بواسطه حرکت هوا با آن  
 آلت آب بیرون آمده و در محل مزبور جاری می شود و آلت مزبور در مجلس یافته که در اسلامبول است او  
 و معاینه دیده اند مانند چرخ آبیانی است که در جاهای مرتفع بباد حرکت میکند و باد از هر طرف که بوز  
 بطبیعت خود بان طرف گردش میکند و این که از کوشش را در روزنامه جریده اسلامبول اعلان کردند که هر  
 ازین آلت خواهد زد و در عمارت و باغ خود بکار بندازد) (دیگر از قرار روزنامه جریده اسخواد  
 اسلامبول مورخه ۲۸ محرم الحرام نوشته اند که دولت عثمانیه تصمیم شن قوام موجوده که عبارت از پول  
 کاغذی و اسکناس پنبه و زیاد شدن وجوه مسکوکات در میان مردم و تسهیل محاملات خلق پنج میان لیرا  
 که متجاوز از بیست و دو کرو تو مان بحباب پول ایران است توسط جناب فواد پاشا وزیر دول خارج  
 عثمانیه از قومپاینهای انگلیس تعرض خواسته بود از قراریکه در این اوقات بسم تعارف از لندن خبر  
 رسیده است قومپاینه و ند با لمر که در لندن واقع است و چه فرموده راجع کرده است که بدولت عثمانیه کار  
 نماید و بواسطه رسیدن این خبره ایشان در عرض چند روز مسکوکات متداوله قیامت قیمتش در میان مردم  
 خیلی متزلزل کرده است) (دیگر نوشته اند که در این اوقات شخصی کل اوغلان نام که روزنامه در پای قیاب  
 اردستانی میکرد و شبها لباس دزدی درآمده سرقت میسود و یکی از شبها دستگیر شده  
 اسباب او را که واری کردند درون سباب او یک جزوه ان بود که سواد عرض حال امانی سکود کویا  
 که باعلیحضرت سلطان چند سال قبل این عرض داشت کرده بودند و اصل سواد تعلیم بدو نوشته شده بود و  
 آمد و یک جزوه ان مهور دیگر هم بیرون آمد و سکه در روی نقره داشت یکی استید مصطفی فنی و دیگری  
 منظر نور الهی احمد یکی در تاریخ معتاد و سه و یکی در تاریخ معتاد و چهار و سواهی اینها سکه دیگر که در عهد

۲۷۲۱

خلافت امام حسین علیه السلام زده شده که طرف آن کلمه توحید و طرف دیگر امام حسین در روی نقره و سوراخ  
اینها نیز بعضی لباسهای از ناوط پیدا شده و این شخص کل ادغلان نام خلی از اشیاء مسروقه را جاهای  
شان داده و لکن اشیاء را از کجا و از کدام ولایت وزدی کرده و آورده است نشان منید به لند از  
جانب صبطیه اعلام شده است که هر کس مالک این اشیاء است آمدنشان می برد و بعد از تحقیق و ثبوت  
مال خود را صاحب نماید (دیگر نوشته که چون پول مس بجهت تسهیل معاملات خجروی زیاده در کار است  
سابقا از جانب دولت عثمانیه قدغن شده بود که زیاد تر از صد و شش پول مس بخارج بفرستند بعضی مردم  
طمع کار بجهت نفع خود با پول مس کلیه جمع کرده و محتجاب بر مالک عثمانیه فرستاده بودند اینم معلوم  
شده و پولها می که گرفته شد بصلط خزانه محمول گردید ولی چون بخر احکار خجری دیگر از این عمل مستفاد میشود  
بجهت اینکه بجای جلوه این کار گرفته شود بعد از این اعلان کرده اند که اگر این اشخاص بعد از این با پول مس  
بخارج فرستند هر کس مطلع شده بگیرد یا خبر بدد بصف آن پول بان کسی که خبر داده است داده میشود و  
دیگر صبط دیوان خواهد کردید) (دیگر از فراری که از روزنامه های فرنگان نقل کرده اند بذر ما سیلیا  
جهت جنوبی مالک فرانسه واقع است سابقا بذر کاهی فی انجلیتیر بود و بسبب اینکه هر خجری در انجا بوج  
دست میداد بجهت کثرت عبور و مرور رفته رفته اعتبارش زیاده از سابق شده بالفعل از مال تجارت فقط  
صد و سی و پنج قطعه کشتی بخار در لنگرگاه انجا همیشه موجود است و توقف دارد) (دیگر نوشته اند که دو سال  
قبل ازین از اسلامبول با اسکندریه و از اسکندریه بباب المذب ساختن یک خط سیم تلفراف از جانب  
دولت عثمانیه اراده شده و امر ساختن آن بیک مجلس قومپا نیه انجلیس مع الامتیار سفارش شده بود  
در این اوقات از جانب دولت انجلیس راه تلفراف فریور منظور شده است که متصلا از باب المذب  
یکی از لنگرگاههای هند که در بندر قوش واقع است کشیده شود و کذاک ازته در میان سیم تلفراف  
بنا کنند آنگاه بکشند و درین باب تا پنجاه سال در هر صد تومان سالی چهار تومان و نیم نفع برای هر کس  
که مایه بگذارد از جانب دولت انجلیس قومپا نیهها اعلان کفالت گردیده است) (دیگر از فرار روزنامه  
پروسیه در این اوقات در سحر بالیک طوفانی بسیار شدید روی داده آنچه تا کنون معلوم شده است  
در یک طوفان سه قطعه کشتی بخار سخته و غرق شده و اهل کشتی از تجارت و سیاح و غیره کلا غریق  
فنا شده اند و در سواحل پروسیه در لنگرگاههای توین و بوس نام  
خیلی خرابی بطور رسیده است

۲۷۲۲